

ون

ز

A-P
77-938031



15521/0271yco

Ketabton.com





بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان موقعیکه هیات اتحادیه بین المللی حقوق دانان دموکراتیک را برای ملاقات تعارفی در مقر شورای انقلابی پذیرفته وبا آنها صحبت مینمایند.

اقتصاد و قایع مهم هفته

عبدالرشید آرین وزیر عدلیه ولوی خارنوال قبل از ظهر ۲۳ حوت طی محفل شانداري در سالون شماروالي کندهار باعده کشیری اذاعه، روحانیون موسفیدان و مردم شریف ولایت کندهار ملاقات نمود.

دگرمن محمد رفیع وزیر دفاع ملی ساعت چار بعد از ظهر ۲۴ حوت در شفابخانه اکادمی علوم طبی قوای مسلح خلق افغانستان از خان عبدالغفارخان رهبر بزرگ پشستون عیادت نمود.

همچنان فیض محمد وزیر امور سرحدات به ساعت پنج عصر از خان عبدالغفار خان زعيم بزرگ پشستون عیادت کرد.

دکتور اناهیتا راب زاد عضو بوروی سیاسي کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، عضو شورای انقلابی و وزیر تعلیم و تربیه جمهوری دموکراتیک افغانستان ۲۱ حوت مسافرت خود را به جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا خاتمه بخشید.

شمیر جان مزدوریار وزیر ترانسپورت و توریزم به ساعت نه قبل از ظهر ۲۲ حوت در دفتر کارش با جلالتماب کرافت بومیل سفیر کبیر جمهوری دموکراتیک آلمان ملاقات تعارفی نمود.

که قبلا داده شده بود در مورد امداد برای احیای فعالیت های اقتصادی در مناطق ومجلات آسیب دیده، منظور وتطبیق آنرا تصویب کرد.

شاه محمد دوست وزیر امور خارجه در راس هیاتی برای يك مسافرت دوستانه روز ۲۳ حوت وارد مسکو گردید.

در میدان هوایی مسکو، اندری گرومیکو وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، شازدافیر واعضای سفارت کبرای جمهوری دموکراتیک افغانستان مقیم مسکو ویکعمده از شخصیت های برجسته وزارت امور خارجه آن کشور از شاه محمد دوست و هیات همراهانش استقبال کردند. مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد که شاه محمد دوست وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان، بنا بدعوت جلالتماب اندری گرومیکو وزیر امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در راس هیاتی غرض يك مسافرت رسمی ودوستانه ساعت دوی بعد از ظهر روز ۲۳ حوت عازم مسکو شد.

هیات اتحادیه بین المللی حقوق دانان دموکرات را در مقر شورای انقلابی (ارگ) برای ملاقات پذیرفتند.

بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت دوی روز ۲۲ حوت در شفابخانه اکادمی علوم طبی قوای مسلح از خان عبدالغفار خان رهبر بزرگ پشستون ها عیادت کردند.

تحت ریاست بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان شورای وزیران شام ۱۸ حوت در مقر شورای انقلابی (ارگ) تشکیل جلسه داده و ضمن غور و تصاویر لازم بر پیشنهادات وزارت ها بخصوص پیشنهاد وزارت امور پلان گذاری را که طبق هدایت

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد ازطرف بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان پیامی عنوانی رهبری

جبهه وطنپرستان زیمبابوی به مناسبت پیروزی در انتخابات پارلمانی به نفع آن جبهه وانتخاب رابرت موگابی بحیث صدراعظم زیمبابوی آزاد ومستقل به سالزبری مخابره گردیده است.

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد تلگرام چوایه عنوانی بیرک کارمل رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان از طرف جلالتماب ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران به کابل مواصلت نموده است.

بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت چار عصر ۲۲ حوت



«توقع میرود تا متخصصین، ماموران، موسسات زراعتی، دهقانان زمینداران و مالداران شریف کشور در فضای همکاری همه جانبه برای رشد و انکشاف سریع اقتصاد ضعیف مملکت شانه به شانه هم به پیش بروند یک دیگر را کمک کنند برای عناصر ضد انقلاب، رهنمایان، آدمکشان، خرابکاران مفسدین اجازه ندهند تا سر مایه ملی ما را بازیچه اهداف شوم و پلید خود سازند».

«بیرک کارمل»

شنبه ۲۵ خوت ۱۳۵۸ برابر با ۱۵ مارچ ۱۹۸۰

تشکیل گروه های مقاومت ثبوت روحیه آزادمنشی و تسلیم ناپذیری خلق ما



ما با شما هستیم، ما با شما یکجا می‌رویم.

...

عشق، زناشویی و قانون دوم ترمودینامیک

...

گروه هنری بته ها

...

به کارگری تونوکسی دودیا اواجباری

تعلیماتو پراختیا

...

کنترول توپرکلوز در سراسر کشور

...

مطلوبت لیکنیا

...

اگر میخواهید ایدئال تان را از دست

ندید

...

تألیروانی افزایش لوازم منزل بالای انسان

...

روی جلد:

گالای سر تیم، تیم منتخب والیبال اژاد
تعلیم و تربیه که راپور مفصل آن در شماره
گذشته به نشر رسیده است.

پشتی اخیر:

آرامگاه احمدشاه بابا واقع کندهار

پاسخ مثبت داده و بطور شعوری و آگاهانه گروه های مقاومت را برضد متجاوزین و دشمنان وطن و انقلاب شان تشکیل دادند.

تشکیل گروه های مقاومت که از عناصر آگاه و رسالتمند توده های ملیونی افغانستان بوجود آمده نمایانگر این واقعیت است که مرحله نوین تکامل انقلاب شکوهمند نور نیز آرمان توده هاست و بر نیروی برتوان و تسخیر ناپذیر آنها اتکاء دارد.

پس میتوان حکم کرد که انقلابیکه از توده ها برخاسته و از حمایت و پشتیبانی آنها برخوردار باشد «چون کوه استوار و چون چرخ پایدار» بوده و هیچ نیروی اهریمنی و طاغوتی نمیتواند خللی بر آن وارد نماید، چه هر قدر باد در نهادش تند و ویرانگر باشد کوه را نمیتوان جنباند و فقط سر خودش را با سنگهای خاری آن ساییده زوزه و ناله سر میدهد و هرگز فریاد های آن جایی را نمیکرد.

امپریالیزم جهانی و ارتجاع بین المللی نیز که تحت ضربات پیهم گچ کننده و مرگبار نیرو های آزادیبخش ملی، انقلابات ملی و دموکراتیک و انقلابات کارگری قرار گرفته اند، دیوانه وار سربه سنگ زدن را علاج دردمیدانند و همواره سرشان را به فولادهای آبدیده میکوبند، غافل از آنکه نه تنها بهبودی نصیب حالشان نخواهد شد بلکه مغز های نابکار شان نیز خورد و خمیر شده و نابود خواهند گشت، زیرا این حکم تاریخ و جبر زمان است که توده ها پیروز میشوند و دشمنان شان نابود.

از پشت سر بستند. امپریالیزم جها نخوار امر یکسا که بر چنین اعمال غیر انسانی اتکاء دارد درین بازی شیطانی خود را برنده دانسته و در حلقه متحدین رسوا و بدنامش بحیث سر آمد مبتکر جنایات امین در بد نام ساختن ترقی و تکامل بخود می بالید. ولی قیام پیروز مند شش سجدی این غرور کاذب و شیطانی امر یکای جنا یتکار را که در روح شیطانی امین مستکبر نهفته بود یکبار دیگر بخاک یکسان نمود.

اینبار امپریالیزم ویرا نگر امریکا و متحدین بد نامش که بر گور آرزو های بر باد رفته شان میگریند، دست به جنایات شدید تر و تازه تری زده و با مسلح ساختن گروه های او با شش و زهر، قاتل و جانی با کمک ارتجاع نظامی گستر پاکستان، شوونیسم چینی و مرتجعین مصری دست تجاوز را بر خاک مقدس ما درازتر ساخته و به خرابکاریها و کشتار مردم بیگناه ما بشکل نهایت فجیعانه دست اندر کار شده اند. اما غافل از آنند که انقلاب نور خواسته منطقی و تاریخی خلق افغانستان بوده و همانطوریکه در بمیان آوردن و به پیروزی رساندن آن نقش فعال و تعیین کننده داشتند، در حفظ و حراست آن نیز رسالت تاریخی شانرا درک کرده و هرگز نمیگذارند انقلاب و وطن محبوبشان دستخوش مرتجعین و امپریالستان گردد و مورد تاخت و تاز اهریمنان و متجاوزین قرار گیرد. از همینجاست که به صدای انسانی دولت ملی و دموکراتیک شان

ملت آزاد و قهر مان افغانستان که همواره در برابر متجاوزین و استعمار گران چون کوه های مغرور و رشاد خود استواری و پایداری نشان داده و بز رگترین قدرت های اهریمنی زمانرا بزانو در آورده، با پیروزی انقلاب رها یی بخشش نور زخم کاری دیگری بر پیکر لشران ارتجاع و امپریالیزم وارد آورد. امپریالیزم غارتگر که همه امید هایش را در افغانستان از دست رفته یافت با تلا شهای مذبو حانه درصدد بر آمد تا مگر بو سیله ارتجاع سیاه دا خلی و هم کیشان منطقوی و متحدینش، انقلاب نوررا دگر گون جلوه دهد و این آرمان بز رگ خلق افغانستان را بیاس و نا امیدی مبدل سازد و برای اینکه به آر زوی خبیث و جنا یتبار شس رسیده باشد، چا کر گوش بفرمان و نما ینده «سیاه یی خود امین خونریز و با ند جنا یتکار شس را مامور غارتگر یهسا، دست برد ها و کشتار هزاران وطنپرست ساخت.

امین تبیهکار و با ندنجا نهایی دور بشقابش «باند سیاه و جنا یتکارش» که در لفظ مترقی و در عمل آدمکشان قرن بیست بودند، هم دست اندر کار شدند، ترور و اختناق، چپاول و تاراج را سیاست روز قرارداد ند، برنوا میس و عنعنات مردم بیرحمانه تاختند آدمکشی، فشار، شکنجه ارباب و تخویف را پایه های اساسی بقای خود پنداشتند چنان بستند و گشتند که درین مسا بقه ضحاک مار بدو شش را از خا طره هافرا مو شس کرد ند و دستا نشس را

عشق، زناشویی و قانون

دوم ترمو دینامیک



این آغاز زندگی زن و شوهر است که به امید آینده بهتر، حیات خانوادگی را شروع میکنند

در میان لکی که نفوس نسبتاً زیاد دارند بطور مثال در شو روی هر روز از دو الی دو نیم میلیون نفر با هم ازدواج میکنند. اگر این محاسبه برای هزار نفر صورت گیرد در جهان یکی از بزرگترین ارقام را در بین مورد ادا نه خواهد کرد. اما در مقابل تعداد طلاق نیز رو به افزایش است طبق احصائیه که در دست است روزانه در حدود دو هزار طلاق صورت میگیرد یا بعباره دیگر از هر سه فامیلی یکی آن برهم میخورد. اشخاص سالخورده و مسن در این قسمت معتقد اند که این همه بی ثباتی های فامیلی از نبودن صبر، حوصله و احساسات زودگذر در جوانان ناشی میشود. اما اگر به احصائیه های نا دقیق و ابتدایی رجوع شود. این عقیده را آشکارا رد مینماید.

مفهوم موازین اخلاقی در عصر حاضر :

در سابق قسمیکه معلوم است توافقی و حلی، تمايلات دو جا نبه مد نظر گرفته نمیشد تنها عامل تعیین کننده درین قسمت موقعیت اجتماعی آنها بود و موازین اخلاقی را طوری ذیل خلاصه میکردند: زندگی را باید با هر شخصی که پیش آمد تا آخرین رمق زندگی ادا مباد. در حال حاضر بطور عموم زنان از حقوق مساوی استفا ده میکنند.

زناشویی بی مفهوم خواهد بود اگر مشکلات فامیلی مشترک حاصل نگردد و درین موارد از هم دیگر مصلحت نگیرند. آزاد دی زنان در حال حاضر یکی از بزرگترین مسائل و فقیتهای عصر ما است. این استقلال خواهی نخواهی مناسبات مغلق را بین مردان و زنان بار می آورد.

اکنون به ازدواج تقاضای زیاده پیش کش میشود. درین مورد زنان نسبتاً قدامت دارند. از گفتار فوق نتیجه ذیل بدست می آید: در حال حاضر حفظ یگانگی خانواده بر مراتب مغلق تر شده است.

قانون دوم ترمو دینامیک :

قانون دوم ترمو دینامیکی که بنام قانون دوم ترمو دینامیک یاد می شود موجود است. این قانون بطور خلاصه چنین قرائت میشود: همه

در جمله کسانیکه در سنین تسبیست و پنج سالگی از هم جدا میشوند از هر چهار زن و از هر هشت مرد یکی آن به این عمل مواجه شده اند. بطور عموم در سنین از سی الی پنجاه سالگی طلاق های زیاد صورت میگیرد و مدت زناشویی بطور اوسط به هشت سال میرسد.

بطور عموم طلاق زمانی صورت میگیرد که زندگی مشترک برای زن و شوهر غیر قابل تحمل شود. اما اگر متوجه شویم دیده میشود که اغلباً ازدواج ها طبق آرزو و علاقه دو جا نبه صورت میگیرد. پس چرا خائمی که یکسال یا دو سال قبل شوهرش را بهترین شخص در جهان و خانمش را عقیف ترین زن جهان به حساب می آوردند امروز حالتی رخ داده که نمیتوانند با هم به زندگی مشترک بپردازند.

سو سیو لو جست ها معتقدند وقت آن فرا رسیده تا ازین نکات که در ازدواج های بی ثبات کدام حادنه

بحث های معمولی بسیار مشکل است. به این لحاظ اگر یکی از آنها دو می را به کدام گفتار زشت متهم مینماید خود زندگی را برایش غیر قابل تحمل می نماید.

درین نوع جدایی های استندرد همیشه سه عامل وجود دارد: زن، مرد و قانون دوم ترمو دینامیک. دو تن اولی که در بین تمام مردم هم دیگر را برای زندگی مشترک انتخاب کردند بالای یکدیگر بدگمان شده و هم دیگر را متهم میسازند. برعکس این دوباید در مقابل عامل سو می مبارزه کنند. پس دیده میشود که درین جرو بحث ها هر دو ملزم اند.

از اینجا نتیجه گیری عمده بدست می آید: ازدواج های عصری زائیده تحولات اجتماعی پیشرو است و نظر به انکشاف روحی سبقت دارد.

بقیه در صفحه ۵۲

صفحه ۵

شماره ۵۲

دادند که شاغل رقص «فلا متکو» باحرکات معنیدار و تا نگوی خودش آهنگ و «خوتا» که در سراسر همپا نه مروج است و با له «روی جزیره» مالیور کا، ما او گنیا و فا ندا نگوی «بسیار مهبج و باله «باسادوبل» بر شتاب ویر حرارت میباشد.

همچنان در صحنه او پرا باله «علیشیر» نوایی «باله های دارای موضوعات و مشخصات همپانوی بنام «پوله رو» «ارم» «راول» و «کارمن» سویتا «اگر زبیزه ور» شدین موقفا نه اجرا شد که مپا رت هنر پیشگان از یکی چون میرمن گالیه اسماعیلوا و میرمن برناره قاریوا در نقشهای زنان و کار روا ییپا ی هنر مندان دیگر چون ویتا لی واسیلیف، ویا چیسلاو محمدوف، شوکت تور سونوف و دیگران در نقش مردان ماهرا نه و دلپذیر بود.

از باله های دیگر نمایش باله پتر-چایکو فمکی بنام «زیبای بخواب رفته» یا «دختر زیبا خفته» در تیاتر اوپرا و باله شهر تارینخی سر قند (محل سلاطین موسی سلاله تیموریان) بسا عی س. برهانوف هنر پیشه شایسته از بکستان روی صحنه آورده شد که بسیار مورد استقبال قرار گرفت.

در تاجیکستان شوروی: در جمهوریت موسی لمتی تاجیکستان شوروی (یکی از همسایگان شمالی افغانستان شبکه وسیع تیاتر ها موجود است و فعالیت دارد. از آنجمله تیاتر اوپرا و باله دو شبه (پایتخت آن) بنام «صدر الدین عینی» نو یسنده و شاعر معروف تاجیک وازبک (۱۸۷۸-۱۹۵۴)، که دارنده نشان لنین میباشد بیچیت تیاتر دولتی تاجیکستان محل نمایشات



مایا - یستکایا هنر پیشه خلق شوروی در بارجه باله «قو در حال غرق شدن»

«اسپار تاک» بدر یافت جایزه دولتی جمهوری از بکستان نایل شدو بسال ۱۹۷۷ عالیترین عنوان هنر پیشه ملی اتحاد شوروی را کسب کرد. در پروگرامهای هنری او تنها نمایشات باله وجود ندارد، بلکه نمایشات او برای نیز شامل است.

ویرامون چند باله دیگر: سال ۱۹۷۳ بنامیت جشنوا ره هنرهای ملل متحد شوروی، پاریس گروهی از رقصندگان از بکستان را پذیرا شد که بینشان میرمن سیاره موسی یوا هنرمند جوان باله تیاتر در آن زهره بود به سال ۱۹۷۵ در صحنه تیاتر موزیکال شهر «لودز» پولینداو برای خنده آور سلیمان یودا کوف آهنگساز ازبک بنام «نیرنگهای میسر» «بامپارت و مو ففیت زیاد جلو چشمان بینندگان گذارده شد و متعاقبا تیاتر موزیکال شهر دیگر پولیندا بنام «گدینه» به صحنه آوری باله سلیمان یودا کوف را که به «جوانی نصر الدین» موسوم است تنظیم کرد و مورد نمایش قرار داد که همه آن مملو از بهلولهای مسرتبار و سرشار از لطیفه های ملی ازبکی میباشد در سال ۱۹۷۷ نمایش باله «میناتورهای همپا نوی» متکی بر پایه آهنگهای ملی آنکشور در تیاتر بزرگ اوپرا و باله «علی شیر نوایی» ناسکند مورد نظرها آمد و فولکور موزیکال همپا نه موسیقی، ترانه ها و رقصهای آنکشور الهام بخش هنرمندان و آهنگسازان است و رقصهای همپا نوی تماشاگران و شنوندگان را گاه در جنوب همپا نه (اندلس تاریخی) زمانی در سرزمین باسکیا و وقتی هم در محل «کولیا ن» قرار میدهد. مولفان و مجریان نمایشات همپا نوی

را عهده دار بود پس از آن موقع در کنار صحنه سازی تقریبا سی نمایش او برای و باله و بسیاری از پروگرامهای کنسرتی شرکت و رزید. موصوفه در سال ۱۹۷۳ بخاطر شرکت در کار صحنه آوری باله «اسپار تاک» بدر یافت جایزه دولتی جمهوری از بکستان نایل شدو بسال ۱۹۷۷ عالیترین عنوان هنر پیشه ملی اتحاد شوروی را کسب کرد. در پروگرامهای هنری او تنها نمایشات باله وجود ندارد، بلکه نمایشات او برای نیز شامل است.



«لودمیلا - سیمین یاکا» هنر پیشه شناخته شده خلق شوروی برنده جایزه لنین به همراهی «میخائیل لاوروسکی» حین اجرای یک بارجه رقص باله بنام «گسلی»

چشم اندازی بر پهنای برخی از جشنواره های باله

دربالسه «زیزل» سبکی و بی وزنی لازم را برای تجلی آن پارتی رقص مجسم کرد.

قدرت احساس باطنی او را مساعدت کرد تا الفاظ کلاسیک پارتی «دوتا آتا» باله لئونید فیگان موسوم به «دون ژوان» را با رنگهای همپا نوی آن رنگ آمیزی کند این هنر پیشه مستعد طی بیست سال زندگی هنر اندود خود روی صحنه های متعددی از آثار کلاسیک و معاصر رقصیده است وی نخستین با رسیمای قهرمانان باله ملی ازبکی مینا تورهای رقص را در موضوع مختص ازبکی «چهار گاه» و باله های «سپیل و مپری» از مینا سایا لویوا و تا ناور «اثر لکسی کار لو فمکی» بخوبی



پروفیسر «یوری» گبرو گروویچ استاد رهبر تیاتر معروف بالٹوی بادونن از هنر پشگان معروف خلق شوروی هنگام نمایش بالٹ.



نمایشی هیجان انگیز از رقص بالٹ

جالبی است. آهنگما زان این سر زمین در انکشاف فرهنگ موزیکال و دیعه های بزرگی را از خود ابداع و ابتکار کرده اند. در مدت سالهای اخیر، آثار زیاد موزیکال را از درامهای کویچک موزیکال گرفته تا اوپرا بالٹ و سنفونی ایجاد کردند که از آنجمله میتوان اوپرای «بقاوت واسع»، «آهنگر کاوه»، «پولاد وکلرو»، «بختیار ولسا»، «ظاهر ذهاب»، «کومدی و ما دان»، «بازگشت»، «وبالتهای لیلی و مجنون»، «دلیر»، «فرزند وطن» و غیره را نام برد. مصنفان بالٹ «لیلی و مجنون» به اخذ جایزه دولتی مفتخر گشتند. آهنگسازان ملی از قبیل ش. سیف الدینوف، ز. شاهیدی، سالیوف، ی. بسزاقوف، عبد اللطیف، همدیوف و دیگران بین مردم محبوبیت زیاد دارند.

در مسابقه جهانی بالٹ بنام چایکوفسکی که سال ۱۹۶۹ در مسکو برگزار شد دو شیزه «ملکه صابر ووا» بالرین ورقا سه جوان بالٹ تا چیکستان جایزه اول و مدال طلایی کانکور بین المللی بالٹ را بدست آورد.

در جنب باشگاه روستایی کلخوزموسوم به لین بخش دیگر اوپرا فعالیت دارد که علاقمندان تراه های اوپرای درین گروه شرکت دارند و از جمله ساز مالد هندگان این گروه یکی هم «و. کریوف» موسولیت تیار اوپرا و باله تا جیک بنام صدرالدین عینی است که پروگرامایش را آثار او برای متعدد مانند چایکوفسکی، وردی، گوئو و غیره اجرا کرده است.

در قرغیزستان شوروی:

جمهوریت شوروی سوسیالیستی قرغیزستان یکی از جمله پائزده جمهوریت متحد متساوی الحقوق و یکی از جمهوریهای آسیای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است که در شمال شرقی آسیای میانه شوروی، آنجا یکه شاخه های بزرگ سلسله جبال تیان شان و پامیر و آلتای صدها کیلو متر امتداد دارد، واقع شده است. درین سرزمین همدوش با دیگر جهات زلندسانی عصری درجهت پدید آوری و غنی ساختن رشتهای مختلف فرهنگ، به هنرهای زیبا نیز توجه عمیقی بعمل آمده است. چنانچه انواع نمایشهای هنری گروه های متعدد هنر پشگان و هنرمندان قرغیزی در صحنهای تیاترهای عمده کشور یکی ازین بخشها بشمار میرود. هنرمندان این جمهوریت با زحماتشان ماسکو، کیف، مینسک، ریگا، تاشکند، دوشنبه، نوکوزنتسک کمر وواور نبورگ و بسیاری از شهرهای دیگر سرزمین شوراها را ملاقات کردند و بارها در برابر آنان هنر نمایشی نموده اند.

همچنان آرتیستهای برجسته قرغیز در مسالک خارجی نه تنها کنسرت میدهند بلکه در مسابقات سرایندهان، نوازندگان پایکو بان (رقاصان) هم شرکت کرده و میکنند. هنرمندان قرغیزستان به بعضی از کشورهای خارجی نیز در راه انکشاف فرهنگ ملی آنها کمک میکنند. مثلاً میرمن

بقیه در صفحه ۳۷

پردن سطح دانش محصلین در کتابخانه ها و ایجاد علاقه و دلچسپی به مطالعه در ایشان یکی از مسایل دیگری انقلاب فرهنگی محسوب میگردد .

همانطوریکه یکی از دانشمندان آنکتور گفته است مطالعه از يك شروع میشود و بهتر است که هر شخصی با خود کتابی داشته داشته باشد .

در عصریکه وسایل اطلاعات عامه نا اندازه زیادی انکشاف نموده ارزش مطالعه در کتابخانه ها يك امر ضروری پنداشته میشود به عقیده دانشمندان پولند جنبش انقلابات اجتماعی و کلتوری با چاپ خانه ها، رادیو، تلویزیون، فلم و سایر وسایل اطلاعات عامه ارتباط بس نزدیکی را دارا میباشد .

کتاب به ذات خودش در میان اطلاعات عامه يك مقام بخصوصی داشته است که روی - هرچه پالیسی فرهنگی خلق پولند از همان آغاز کار روی همین پرنسپ قرار داشته است حقیقت امر اینستکه تمام اهداف انقلاب فرهنگی را فعالیت های چاپ کردن خواندن و نوشتن تشکیل میدهند . مشکل عمده اینستکه چگونه بتوان بطور انفرادی صرف از یک کتاب مسقید شد و یا اینکه برای حل مطلب کلیه ذخایر يك کتابخانه را مورد استفاده و ارزیابی قرار داد برخی ترجیح میدهند که کتب باید بطور چند جانبه برای انکشاف اجتماعی بکار رود ولی پس از مطالعات عمیق تجویز گردید تا از کتب بصورت انفرادی و همه جانبه و یا شکل مرکب آن استفاده بعمل آید .

برطبق یکی از احصائیه های اخیر در سال اول پس از پایان یافتن جنگ دوم جهانی (۱۹۴۶) حجم مجموعی کتب که در پولند به نظر میرسید ده میلیون جلد بیشتر از کتب سال (۱۹۳۷) بود .

بهر حال برای توضیح مطلب بایستی به انکشاف کتابخانه ها نیز برگشت تعداد مجموعی کتابخانه هاییکه قبل از جنگ در آنکتور مورد استفاده محصلان قرار داشت به کلی محو گردیده ولی در حال حاضر به ملاحظه میرسند که در پولند بیش از ده هزار کتابخانه حای (هشتاد) میلیون جلد کتاب موجود میباشد .

بعد از متعلمین ساکنین دهات و محلات بزرگترین گروه استفاده کنندگان کتب را در کتابخانه ها تشکیل میدهد که البته در قدم سوم کارگران و متصدیان فابریکه ها، کارگران زراعتی دانشمندان فارغان و هنتون ها و محققین از جمله مشر کین متداوم کتابخانه ها بشمار میرود در حال حاضر گروه سوم بیش از (نود) فیصد مشتریان کتب را در بازار های فروش تشکیل میدهند و یانه عبارت دیگر قسمت اعظم علاقه مندان کتاب پس از متعلمین دانشمندان و محققین میباشد . اخیرا يك معضله دیگر در ساحه کتب عرض اندام نموده و آن اینکه اگر چه سالیانه برای هر نفر طور وسط پنج جلد کتاب تولید میگردد مع الوصف ستایع طبع کتب آنطوریکه جوابگوی روز افزون خوانندگان شده بتواند انکشاف نموده است که روی این اصل مقامات فرهنگی پولند میکوشند با طرح يك ستراتیژی بودن این معضله را نیز حل نمایند .



گروهی از فعالتهای روزانه اعضای سازمان زنان در یکی از کتابخانه های عمومی .

ترجمه : (بشیر - احدی)

از منابع پولندی

به هر شخص کتابی

در عصریکه وسایل اطلاعات جمعی انکشاف نموده، ارزش مطالعه کتابها يك امر ضروری پنداشته میشود

تعلیمات ابتدایی مستفید انه مکنه در حال حاضر از هر ده نفر جوانیکه مصروف بیش برد تعلیم اختصاصی میباشد (نه) نفر آن برای چندین سال به تعلیمات عالی خویش می پردازد. در طی ده سال اخیر علی الرغم آنکه در ساحات کلتور و فرهنگ مشکلات متعددی به ظهور رسیده معینا دور نمای تعلیمات عالی و اختصاصی روشن تر به نظر میخورد .

برطبق پالیسی کلتوری خلق پولند هدف اینستکه تا آثار و آبدات تاریخی و معاصر ملی آنکتور احیا گردد . بخصوص آن عده آثاریکه در شهر وارسا، پوزنان ویکهده شهر های دیگر موقعیت دارد دو باره احیا و ترمیم گردد . این کار ها در قدم اول حایز اهمیت تاریخی میباشد .

در قدم دوم احیای کلتور و فرهنگ و فولکلوریک در محلات و قصبات در نظر میباشند . در قدم سوم مساله قامینات و بلند

در مرحله دوم ترمیم آثار و آبدات تاریخی و در قدم سوم انکشاف طبع کتب تحت شعار (به هر شخص کتابی) آغاز گردید در حال حاضر مراحل سه گانه بصورت دینامیک به پیش میرود یکی از عوامل دیگر که طی انقلاب فرهنگی در آنکتور تاملین گردید همانا انکشاف محیر العقول اطلاعات عامه بوده است که بحیث عامل چهارم نیز پنداشته شده است .

خلق پولند هر يك میتوانند ازین چهار رشته یکی آنرا بصورت اختصاصی تعیین و انتخاب نمایند ولی طوریکه احصاییه هانتان میدهد اکثریت خلقهای آنکتور به انقلاب فرهنگی علاقه مند اند . بعد از مرور مدت سی و پنج سال بیش از (شش) فیصد خلق آنکتور از تعلیمات پوهنتون، سی فیصد از تعلیمات ثانوی، و بیش از (شصت) فیصد از

پس از ختم جنگ جهانی دوم درست در موقعیکه خسارات وارده ناشی از جنگ ارزیابی میشد چنین به نظر میرسید که هر يك از مکاتب سه گانه قبل از جنگ بایستی از لحاظ کتب و مواد درسی تحت يك پروگرام علمی و پلان شده مجددا مورد بررسی قرار گیرد اینهم روشن گردید که در طی پنج سال جنگ با نیرو های اشغال گر نازی بیش از چهل فیصد از غنای فرهنگی و کلتوری جمهوری خلق پولند معدوم و نابود شده بود . از همان دقایق اولی رهبران این کشور

همزمان بایراه انداختن اصلاحات صنعتی و زراعتی دست به یکسلسله اقدامات فرهنگی زدند که روی هرچه در طی (۵۳) سال نه تنها غنای از دست رفته دو باره احیا گردید بلکه خطوط اساسی آینده در سکور تهیه سواد درسی نیز روشن گردید در قدم اول انقلاب فرهنگی روی دست گرفته شد در حالیکه

عضله رودیشاوپالیسی های

امپریالیستی

رسیده است گفته می شود که واحد های قوای نظامی رودیشا و عساکر اجیر موزوری و اقصیات دیگری را نیز اشغال نموده اند و در آنجا از رفتن گوریلا های وطنپرست رودیشا ممانعت می نمایند. ساکنین این قصبیات اصلا نمی دانند که نتایج کنفرانس لندن بکجا انجامیده است. و توسط دارودسته تبعیض طلبان به آنها جزوه های شکست چپ و وطنپرستان رودیشا را توزیع می نمایند. قوای نظامی رودیشا با قشون به اصلاح «امدادی» در عشا برودیشا رژیم ترور و ارعاب را استقرار داده است. آنها به قطاع الطریقی می پردازند مکاتب را به پارک های نظامی میدل می سازند و از گرفتاری گروه های مردم سیاه پوست نیز احتراز نمی کنند.

پراپلم اخراج عساکر افریقای جنوبی از رودیشا تا هنوز کاملا لاینحل مانده است. مقامات افریقای جنوبی اعلام می نماید که قوای محدود آنکشور برای محافظت اماکن و شاهراه های رودیشا اعزام گردیده است. ولی درین اواخر راپرت موکابی در یک اجتماع در سالزبری اعلام داشت که هم اکنون بیش از سه هزار عسکر افریقای جنوبی در رودیشا برای مقاصد تجاوزی در نواحی سوق الجیشی متمرکز شده اند.

به قول راپور فرانسریم که از سالزبری راپور میدهد. لارد سوماس گورنر جنرال انگلیسی رودیشا عساکر بیشتری را از حکومت تبعیض پسند افریقای جنوبی مطالبه نموده است. وی ریاکارانه اظهار داشته که ازدیاد قوای افریقای جنوبی در آنکشور بر خلاف موافقت نامه لندن نمیباشد.

آیامی توان لارد سوماس (داماد ریستون چرچیل) سیاستمداری مجرم را با این اظهارات محیلاته اش ساده لوح قلععد کرده در حالیکه این موضوع چون آفتاب روشن است که ازدیاد حتی واحد کوچکی از عساکر رودیشا مستقیما رای دهندگان را تهدید خواهد نمود. این پالیسی های تقلب آمیز و ملیتارستی موج از نگرانی ها و اعتراضات خلق های افریقای و سراسر جهان را برانگیخته است.

۱. کوجا منشی عمومی موسسه اتحاد افریقا در دارالسلام مرکز کانزایا به تمام کشور های در حال رشد اعلام نمود تا با تمام قوای خود بر ضد نقشه های تهاجمی بریتانیا و حکومت تبعیض طلب رودیشا اقدام قوری بنمایند. به اثر تقاضای برخی کشور های افریقای شورای امنیت موسسه ملل متحد پیرامون بررسی اوضاع رودیشا که بعد از موافقت نامه لندن در اثر عملیات تخریب کارانه انگلستان و افریقای جنوبی رخیم شده است دایر گردید.

مبارزه بخاطر آینده رودیشا کماکان ادامه دارد. چپ و وطنپرستان با استفاده از تجربه های تلخ گذشته خود هوشیارانه برخند قوای تبعیض طلب و امپریالیزم مبارزه می کنند.

چندی قبل مقامات نظامی رودیشا بایر و پاکند های وسیعی اعلام نمودند که انتخابات پارلمانی در آنکشور انکشاف می نماید. مطبوعات محلی نیز به نوبه خود برای متاثر نمودن ابعاد نفوذ اتحادیه ملی افریقای زیمبابوی (زافو) که توسط راپرت موکابی رهبری می گردد شایعات دروغین را پراش انداخت این مطبوعات از سخنان خصمانه و تحریک آمیز دولت رودیشا، حتی سخنی هم ذکر ننموده است. رهبران اتحادیه موصوف تمام این تلاش های محیلاته زمامداران مستبد رودیشا را نقش بر آب نمود راپرت موکابی پروگرام سیاسی جانب داران خود را تدوین نمود و کار های مقدماتی خود را برای آماده گسی انتخابات بتاريخ بیست و ششم جنوری انتشار داد.

به هر حال چیزی که مسلم است، این خواهد بود که مطبوعات رودیشایی با تمام قوای خود سعی می ورزد تا نیرو های وطنپرست را تضعیف نماید. سیل از اکاذیب و دروغ ها یکی بی دیگری از زراد خانه تبعیض طلبان بیرون می جهد. این دروغ ها طوری توجیه می گردد که گویا وطنپرستان زیمبابوی متشایل اند تا بمائند راهبان تمام جامعه زیمبابوی را ویران نماید. راستیست ها بدین طریقی شیفنگان واقعی آزادی زیمبابوی را بیادانتقاد می گیرند.

رویداد های جاری سیاسی رودیشا نشان می دهد که دو جبهه وطنپرستان رودیشا که توسط جوشیوانکومو و راپرت موکابی رهبری می گردد در شرایط فوق العاده دشواری قرار دارند. لارد سوماس گورنر جنرال انگلیسی رودیشا سمت خطرناک چاکر نشان امپریالیزم را عهده دار است تا در مقابل جبهه وطنپرستان زیمبابوی سدهایی ایجاد نماید. در حقیقت پالیسی حکومت تبعیض طلب رودیشا که از طرف حکومت محافظه کار انگلیس طرح گردیده است، گورنر جنرال مذکور را متقاعد ساخته است تا در انتخابات مسا

فبروی آنکشور برای جلو گیری از پیروزی وطنپرستان از هر گونه وسایل و امکانات استفاده نماید. نماینده رویتر از رودیشا راپور میدهد که قوای نظامی سالزبری پیوسته قصباتی را که در موافقت نامه اوربند برای وطنپرستان تعین گردیده است کنترل رختی مورد تهدید قرار می دهد. طیارات جنگی رودیشا از فراز این مراکز هواواره بمباراز می نمایند. رهبران نیرو های وطنپرست رودیشا چندین بار از عدول موافقت نامه لندن احتجاج نمود که توسط دارودسته خونین سمیت و موزویا عملی می گردد. قوای نظامی دیگری که تحت نام «قوای ممدادی» در قصبیات مذکور متمرکز گردیده و تعداد شان با نژده الی بیست هزار نفر می رسد مطابق دستور گورنر جنرال انگلیس عملیات تخریبی و تهدید آمیزی را انجام می دهند. در یکی از اسناد مهمی که از طرف وطنپرستان به انتشار



مخترع با گروه هنری اش

ترجمه عبدالله

گروه هنری بقیه ها

است. چوکی هایی که هنرمندان از آن استفاده می نمایند نیز از سرپوش بوقل ها و سیم ساخته شده است. در ساختمان سامان و آلات موسیقی آنها از قطعی های خالی کنسرو استفاده شده و بامدل های اصلی شباهت نام دارد.

نمایش هنری این گروه با خنده های پیهم و هیجان تماشاچی همراه است. برای بوجود آوردن گروه جالب و خنده آور «ستاره های سبز» دانش تخیلی تنها کفایت نمی کرد بلکه به استعداد خاص در قسمت نقاشی و رنگ آمیزی نیز ضرورت بود.

مخترع گروه «ستاره های سبز» خود به کنسرت های هنرمندان رفته حرکات و ژست های آنها را به خاطر سپرده و حالات مذکور را بالای گروه هنری خود تطبیق میکرد تا اینکه به واقعیت نزدیکی تام پیدا کند.

معصوم علاوالدین آن هنوز سی سال دارد اما در قطار همکاری اش از مقام خاصی برخوردار است و همه او را بنام «استاد کل» می نامند. مخترع اصلا بسته کار رادیوست اما در حرفه آهنگری نیز سر و شته دارد. در اوایل جوانی به اتومانیزه کردن عملیات الکترونیک علاقه خاص داشت.

در مرحله اول فعالیت خویش به ساختن مدل کشتی های که توسط امواج رادیویی رهبری میشد دست زد. سپس به فعالیت های مغلق تر چون اختراع گروه هنری «ستاره های سبز» اقدام کرد. به این ترتیب گروه هنری بقیه ها بوجود آمد.

پایس رفتن برده تیاق کوچک اطفال شش بقیه بازست های مخصوص روی نتیج ظاهر شدند و هر کدام در جاهای معین خود ایستادند. با تغییر روشنی لمپ نتیج صدای نرم موزیک بلند شد. این گروه که بنام گروه هنری «ستاره های سبز» مشهور است به اجرای برنامه شان آغاز کردند. هنرمندان همزمان با نواختن موسیقی ستاره گروه را همراهی میکردند. همه اعضا منجمله گیتاریست، پیانیست و جازبند نواز به بسیار ذوق و علاقه در حال فعالیت بودند.

مخترع این گروه میناتور «ستاره های سبز» جوانی به اسم معصوم علاوالدین آن است بگذاردید در قسمت ساختمان اتومسی هنرمندان نکته چند خدمت ثان معلومات ارائه کنم. ساختمان عضویت بقیه ها فلسفی بوده و از سر پوش بوقل ها ساخته شده اند. الکترو مقناطیس هایی که در بدن شان نهفته است فعالیت و حرکات شان را کنترل می نمایند. ساحه فعالیت الکترو مقناطیس ها توسط ساختمان الکترونیک تنظیم میشود.

نکته قابل توجه و ضمنا مغلق تا مین هماهنگی حرکات بقیه ها بانوای موزیک است. غرض ایجاد هماهنگی نخست چندین مرتبه موزیک پخش شده و سپس حرکات بقیه ها را باشمای اداره کنترل تنظیم می نمایند.

موسیقی که تصور میشود هنرمندان می نوازند در حقیقت از طریق رادیو گسیل پخش میشود. برای ساختمان وجود یک هنرمند به شش الی ده سر پوش فلزی بوقل ضرورت است. چشم های شان فشر مانده و رابری

په کار گری ټولنو کی دوریا او

اجباری تعلیماتو پر اختیا

د ماموریت په ترڅ کی تحصیل

اجتماعی او اقتصادی فعالیتونه

چټکوی

په کارگری ټولنو کی دوریا او اجباری زده کړوله سیستمونو څخه ډیری بڼې او بڼه پورې نتیجې تر گوتو شویږي. د کوریا د خلکو دموکراتیک جمهوریت رئیس (کم ال سونگ) په دی وروستیو وختونو کی دوریا او اجباری تعلیماتو دښمنو په باب یوه وینا خپره کړې چې دادی دلته یی وړاندې کوو.

په کارگری ټولنو کی دوریا او اجباری تعلیمات دټولنی دټولو پر گټو او ځواکونو افکاروښانوی کارگری تعلیمات دهغو تعلیماتو څخه شمیرل کیږی چی یوازی یو فرد او یا یو پرمختی ته منحصر نه پاتی کیږی بلکه دیوی کارگری ټولنی ټول وگړی او ځواکونه ور څخه مستفید کیږی، په کارگری او سوسیالستی ټولنو کی ټول خلک حق لری چی ښوونه او روزنه ترسره کړی د کوریا د خلکو په دموکراتیک جمهوریت کی ټولی تعلیمی پالیسی (ټولنه تعلیم او زده کړه) په پرنسیپونو باندی اتکالری. په وړیاډول د اجباری زده کړو بنسټ په اساس کی په ښوونځیو باندی ولاړدی. د خپلواکی له گټلو څخه وروسته په یوه خورا لنډه موده کی دهغه هیواد په بیلابیلو برخو کی یوزیات شمیرلومړنی ښوونځی، کالجونه او انستیتوتونه جوړ او پرانستل شول. همدا رنگه په دهغه لنډه موده کی په هیواد کی د انقلابی هدفونو په سرته رسیدلو اود اقتصادی او ټولنیزو سکتورونو په پیاوړتیا سره دهغه هیواد د لومړنیو او ثانوی ښوونځیو کالجونو او پوهنتونونو په شمیر کی دلیدو وړ زیاتوالی راغی.

د کوریا د خلکو په دموکراتیک جمهوریت کی دوریا لومړنیو اجباری زده کړو پروگرام د لومړی ځل دپاره په (۱۹۵۶) کال کی تر اجرا لاندی و نیول شو. دهغه پروگرام په تعقیب کی په (۱۹۵۸) کال کی د ثانوی دوری دښوونځیو دپاره دوریا اجباری تعلیماتو پروگرامونه تر تطبیق لاندی و نیول شول. په (۱۹۷۲) کال کی د تیرو

کی دهغه راز پروگرامونو په تعقیبولوسره په تخنیکي او حرفوی رشتو کی د شاگردانو استعداد اولیاخت ترزیاتی اندازی پوری پیاوړی کیږی. په اوسنیو وختونو کی له رسمی وخت څخه وروسته شاگردانو او ځوانانو دپاره د کار کولو او تحصیل غوره شرایط رامنځ ته شوی. کارگران او کسب گران هم کولای شی چی درسمی وخت څخه وروسته دښوونی او روزنی له پروگرامونو څخه گټه واخلي، دهغه پیغام داهدافو سره سم اوس اوس او دهغه راز په راتلو نکو کلونو کی به زده کوونکی وکولای شی (د ټول تایم په صورت کی په یوه تخنیکي او یا حرفوی ښوونځی کی خپلوزده کړونه دوام ورکړی. د کوریا د خلکو د دموکراتیک دښوونی او روزنی مقامات اوس په یولی داسی فعالیتونو لاس پوری کول غواړی چی دهغو په سیوری کی نه یوازی په ښوونځیو او وړکتونو نوکی دشمول وړکو چنیان



د مسلکی او تخنیکي زده کړو په یوه ښوونځی کی د زده کوونکو د علمی کارونو یوه گډوښه

بلکی د فابریکو او صنعتی تاسیساتو کارگران هم تحصیل کولای شی. د حرفوی او مسلکی زده کړو د نویو روشونو او طریقو له مخی په څو وروستیو کلونو کی دهغه هیواد ټول وگړی په تخنیکي او او مسلکی متغیټو ښوونځیو کی د ښوونی او روزنی له پروگرامونو څخه گټه اخستی شی هیله ده په نژدی وخت کی د (۱۱) کلنو تعلیمی پروگرامونو سره د تعلیمی نصاب دنورو پروگرامونو دم آهنگ کولو دپاره په ښوونځیو کی د (۱۲) ټولگیو څخه پورته تعلیمی ریفارم تطبیق لاندی و نیول شی. همدارنگه

اتکا لری او په حقیقت کی د علمی او تخنیکي تعلیماتو یو گټور او په زړه پوری سیستم گڼل کیږی. څرنگه چی دهغه پروگرامونه ټول په وړیاډول تنظیم اوناقل شویږی ځوانان چی په ثانوی دوزو کی د زده کړو دوام دپاره لازم شرایط ولری دهغه راز پروگرامونو څخه پوره گټه اخستلای شی. لکه چی تجربو څرگنده کړیده نوموړی پروگرامونه د زده کوونکو د عمومی اطلاعاتو د سطحی د لوړولو او تربیوی گډوښو دروزنو په برخه کی دښوونی او روزنی مربوطو مقاماتو ته زیانی اسانتیاوی برابروی. په ضمن

د فیزیکی او فکری فعالیتونو څخه دراپیدا شوی تشی د ټول کولوله پاره له یوی خوا اود شاگردانو دایدیالوژی د معیار او یوهی د لوړولو دپاره له بلی خوا ټاکل شویږی چی دهغه هیواد په ټولو ښارونو او کلیو کی د ځوانانو او کارگرانو د تخنیکي او افای اطلاعاتو ستنرد په یوشان او مساوی ډول لوړ کړی شی. دهغه هیله په هغه وخت ترسره شی چی دهغه هیواد ټول وگړی هرو مرو د لوړو تحصیلاتو په یوه انستیتوت کی خپل درسونه تعقیب کاندی اودهغه راز تعلیمات هم ښایی چی په وړیاډول تر اجرا لاندی و نیول شی. لکه چی تجربو څرگنده کړیده د انستیتوت په سویه د کارگرانو او ځوانانو ټول تعلیمی پروگرامونه باید د اجباری تعلیماتو په چوکات کی تطبیق شی.

د تیرو شلو کلونو دننجهوله مخی دښوونی او روزنی هغه پروگرامونه چی د فیس په وړولو سره تر اجرا لاندی نیول کیږی هیڅکله غوره او په زړه پوری نتیجه نه ورکوی. په پانگه والو او کارگری ټولنو کی د تعلیمی او تربیوی پروگرامونو د توپیر په پوهیدو لوسره کولای شوی نتیجې ته ورسیږی چی په کارگری او سوسیالستی هیوادونو کی دښوونی اورونی ټول بیساری لگښتونه دولت له خوا تادیه کیږی په داسی حال کی چی په پانگه والو هیوادونو کی مساله برعکس ده. لکه چی ټولنه څرگنده ده له دی کبله چی په کارگری او سوسیالستی ټولنو کی گټه اوتوان دواړه دولت او افراد و تر منځ شریک دی نوڅکه د هرډول وړیا او اجباری تعلیمی پروگرامونو څخه ښی او په زړه پوری نتیجې تر گوتو کیدای شی. د پورتنی اصل له مخی د کوریا د خلکو په دموکراتیک جمهوریت کی دښوونی اورونی ښی د پروگرامونو ټول مسوولیت او لگښتونه د دولت په غاړه دی (او باید وویل شی چی د تیرو دیر شوکلونو په اړه کی دهغه راز ریفارمونو څخه گټوری نتیجې تر گوتو شویږی. د کوریا د دموکراتیک جمهوریت له آزادی نه وروسته چی دهغه هیواد اقتصادی او اجتماعی حالت په ډیر وناوړو شرایطو کی موقعیت درلود د کوریا د دموکراتیک جمهوریت دولتی مقاماتو تجویز و نیو چی دهغه هیواد بیوزلی کورنی دښوونی اورونی له فیس او لگښت څخه معاف کړی او دهغه راز کورنیو او لادونه په وړیا ډول د دولت په لگښت په ښوونځیو، کالجونو او پوهنتونو نوکی جذب کړی.

دلویا د ټاپووز می له جگړی څخه په وروستیو کلونو کی دهغه هیواد په ښوونځیو او بیلابیلو تعلیمی موسسو او تربیوی مرکزونو کی د دولت په لگښت دوریا ښوونی او روزنی پروگرامونه او تعلیمی سیستمونه تر اجرا لاندی و نیول شو. په (۱۹۵۹) کال کی دهغه هیواد په ټولو تربیوی مرکزونو کی لومړنیو او ثانوی زده کړو تعلیمات په وړیا توگه ترسره کیده. د پورتنیو تعلیمی ریفارمونو نتیجه داده چی اوس دهغه هیواد په ټولو تعلیمی سازمانونو

بله دليد ووپخبره داده چي په عادي ډول دمنظمو
ښوونځيو حجم او عمومي ظرفيت دزده کوونکو
شمير دجذب له نظره ډير کوچنی او محدود گڼل
کيږي. څرنگه چي د عصر او زمانې غوښتنو نابته
کړيده په اوسنيو وختونو کې د سوسيالستي
ټولنې دودانو لوله پاره زياتو تعليمي او تربیوي
کدر ونوته ضرورت شته او ددغه مقصد ترسره
کولو په برخه کې يوازي عادي مکتبونه کفايت
نه کوي دکار په ترڅ کې دزده کړي سيستم
دمروجو او عادي زده کړو دسيستم سره جوخت
دټولو خلکو دپاره ښوونې او روزنې فرصت
برابروي اوددغه کار په نتيجه کې يوه ټولنه ددې
قدرت پيدا کوي چي پر زړه توليداتو او ساختماني
چارو کې لږ لږ وړتيا وړتيا ته ورسيږي.
دکوريا دخلکو په دموکراتيک جمهوريت کې
اوس اوس يون اوسيدونکي هم نه موندل کيږي
چي بسواده وي او يا خپلې زده کړې پيښم کړي
پري ايښي وي. ددغه هيواد هريو اوسيدونکي
خپلې زده کړې تر پايه پوري رسوي او کوشنيس
کوي چي په خپل ټول ژوند کې درس ووايي او
تعليمي پروگرامونه تعقيب کاندې ښوونې او

روزنې دمروجو ښوونځيو تر څنگ د(فالتو وخت)
ښوونې او روزنې له تعليمي نايستاتو څخه
ډيري ښي او په زړه پوري نتيجه تر گوتو شويدي
ديرولسو کلونو له تجربو څخه په گټې اخستلو
سره په ډاگه سره ويل کيدای شي چي دکار په
ترڅ کې دزده کړې ددغه نوي سيستم په مرسته
په يو وخت کې يوزيات شمير زده کوونکي ،
مامورين ، کارگران او نور علاقه لرونکي دانقلابي
ايديالوژي دروحه کې په درلودلو سره تربيه
اوروزل کيدای شي. ددغه ځواکونو په روزنه
لوسره نه يوازي په توليداتو او ساختماني چارو کې
بدلون رامنځ ته کيږي بلکې تر يو زياتي اندازه
پوري کارگران او مامورين دجهان بيني او علمي
ايديالوژي په معنی او افلايت باندې هم ښه
پوهيږي. کوم کسان چي د(فالتو وخت) په تربیوي
او تعليمي ښوونځيو کې درس وائي دتوليداتو
دسکتور زده کوونکي او يا داچي ددولتي ځانگو
رسمي مامورين دي. دغه کارگران او مامورين
په واقعيت کې په ټولو علمي کارونو بوخت دي
او دخپل وخت يوه زياته برخه په توليداتو ،
ساختماني او عمراني فعاليتونو تيروي. نوموړي
کارگران او مامورين هغه کوي چي دخپلې ټولنې
دانقلابي فعاليتونو دپرتيا وو ډېه نظر کې نيولو
سره تعليم وکړي او خپل ځانونه دهر ډول
کتورو کارونو دپاره اعيان او چمتو کاندې .



ددریونګ ډاکټر دډاکټرونو ماشومان، وړکونونو ته دتګ په حال کې

گرانو دپاره دمنځنيو ښوونځيو ، دفايرېکوډلوډو
مسلکي او اختصاصي مرکزونو ، کالجونو، دښي
ليسو دمکاتبي په ذريعه دکالچونو او درسمي
وخت څخه وروسته دتعليمي کورسونو نومونه
دذکرولو ټولو . لکه چي دکوريا دخلکو په
دموکراتيک جمهوريت کې دخو کلنو تجربو
نتيجه څرگنده کړيده ښوونې اوروزنې دپور-
تنو روشونو او ناسياتو څخه په گټې اخستلو
سره دفايرېکو ، صنعتي ، ساختماني او توليداتو
موسسو کارگران ددې توان اوقدرت پيدا کوي
چي دخپلو ورځنيو کارونو دپريښود لوڅه
پرتو دسوسيالستي تعليماتو نوي معيارونه
چي ديوې سوسيالستي ټولنې داجتماعي او
اقتصادي ودې له پاره مهم گڼل کيږي د علمي
اصولو سره سم تعقيب کاندې . لکه چي دکوريا
دخلکو په دموکراتيک جمهوريت کې خو کلنو
تجربو نابته کړيده يوازي عادي ښوونځي نه شي
کولای چي ديوې ټولنې دټولو خلکو دپاره
ښوونې او روزنې لاره اواره کړي او داڅکه
چي امکان لري دفايرېکو او توليداتو موسسو
يوزيات شمير کارگران دتيرو استعماري او
استعماري رژيمونو دشته والي له کبله بريالي
شوي نه وي چي خپلې زده کړې تعقيب کيږي

ددغه کار يوه بله گټه او ښيگنه داده چي
کارگران ي لږ څخه چي ددوي توليداتو او
ساختماني کارونه وځنډيږي دلوړو زده کړو څخه
برخورداره کيږي دکوريا دخلکو دموکراتيک
جمهوريت ريت يوازي هيواد دی چي
دکار کولو په ضمن کې کارگرانو ته ددرسي
کتابونو دلوړوستلو په برخه زياتي اسانتياوي
برابري وي . په اوسنيو وختونو کې په عادي
تعليمي سيستم علاوه درسې وخت څخه وروسته
تعليم په نامه چي به عين حال کې د(فالتو وختونو)
دتعليم په نامه هم يا ډيري ښوونې او روزنې
يونوي سيستم جوړ اورامنځ ته شويدي ددغه
نوي سيستم په مرسته نه يوازي دکوچنيانو او
ځوانانو دپاره ښوونې او روزنې چانس برابر-
يږي بلکې دکارگرانو ، بزگرانو او زيارايستو نکو
دپاره هم دتعليماتو دښيږولو امکانات او په
زړه پوري شرايط تر گوتو کيږي. ددغه راز يو
سيستم څخه ټول خلک دهر ډول توپير څخه
پرتو په تکاملي توگه استفاده کوي په داسي
توگه چي ددوي تعليمي پروگرامونه د عصر اوزماني
غوښتنو ته مثبت ځواب وويلاي شي. اوس اوس
په دغه تعليمي سيستم کې يوشمير ريفارمو نه
رامنځ ته شويدي چي دغو په جمله کې دکار-

اوموسسو کې دډاکټرونو څخه نيولې تربيوه تنونو
اودډيرو لوړو تعليماتو تر کدرنو پوري ښوونې
اوروزنې اجباري فعاليتونه تر(۱۱) ټولگيو پوري
اوددغه څخه تر پورتنيو پوري پوري په وړيا
ډول ترسره کيږي. دپادو لوړو ډې خبره داده چي
دکوريا دخلکو په دموکراتيک جمهوريت کې نه
يوازي په ښوونځيو کې ښوونې او روزنې جاري
تعليمات هم په وړيا ډول صورت نيسي. همد-
رنگه دلوږيانو دپاره ښوونه او روزنه اودکارگرانو
تعليمي جاري ددولت په لگښت په وړيا توگه
ترسره کيږي. په داسي حال کې چي په دغه
هيواد کې دژوندانه دنورو اړخونو په پرتله
ښوونې اوروزنې دلگښتونو اندازه خنډه زياته
اولوړه ده دغه هيواد په دولتي بودجه کې دتعليمي
پروگرامونو بودجه کال په کال مخ په زياتيدوده
دکار کولو په ترڅ کې دښوونې او روزنې
جاري :
دکارکولو په ضمن کې دښوونې او روزنې ترسره
کول او دداسي پروگرامونو تعقيبول دزده کړې
يو ډير ښه او غوره سيستم گڼل کيږي. ددغه
راز يوه سيستم په تعقيبولو سره کارگره ډله
کولای شي چي داجتماعي او اقتصادي بيلابيلو
چارو دتر سره کولو په ترڅ کې دښوونې اوروزنې
په يو استحيوت او يا کالج کې خپل درسونه



يکتن از مريضان در حال معاینه دیده می شود

کنترول تو بر کلوز در سراسر کشور

کندهار، حوزه تو بر کلوز هرات، حوزه تو بر کلوز بلخ و حوزه تو بر کلوز کندز که شعبات حوزه های مذکور بصورت فعالانه از کنترول تو بر کلوز ولایات مربوط خویش وادسی مینماید. بر علاوه در تمام مراکز صحتی اساسی و مراکز فرعی فعالیت کنترول تو بر کلوز در پهلوی دیگر پراکنده های صحتی مراکز مربوط از طرفی دکتر و پرسونل آن بصورت ادغام شده انجام می گیرد.

که در هر حوزه یک دکتر بحیث آمر حوزه متخصص تو بر کلوز یک دکتر داخله که در پروگرام تو بر کلوز همکاری میکند، دو نرس، دو روغتیاهال، دو واکسیناتور، یک نفر تکنیشن لابراتوار و یک نفر تکمیل اکسریز، و دستگاه مکمل اکسریز، شعبه لابراتوار مجهز برای معاینه مستقیم بلغم و بعضا بالوازم کلچر سامان ولوازم شعبات کنترول تو بر کلوز میباشد، همچنان یکمراده موتر، یکمراده موتر سایکل و یکمراده بایسکل مجهز میباشد.

تمام حوزه های مربوط افلا
بقیه در صفحه ۵۱



مردم و فامیل های مريضان از نظر کنترول و وقایه تو بر کلوز، که این تغییرات توصیفی بوده و تغییرات جدی آن قبلا توضیح می گردد: در سال ۱۹۷۹ در حدود بیشتر از چهل هزار نفر تحت قداوی قرار گرفت که از جمله شش هزار نفر دوره قداوی یک ساله را تکمیل نموده اند.

در سال ۱۹۷۴ در حدود ۱۹۶۰۰ نفر از نگاه کشف واقعات تو بر کلوز ذریعه معاینه مستقیم بلغم معاینه شدند و در ۱۹۷۹ معاینه اضافه از ۶۵۰۰۰ نفر بصورت مجانی صورت گرفت ناگفته نماند که پروگرام کنترول تو بر کلوز در آینده نزدیک در سراسر کشور عزیز تریزید خواهد یافت.

منبع در مورد این سوال که اساس پروگرام تو بر کلوز در افغانستان کدام سال گذاشته شده و فعالیت درین ساحه قبل از انقلاب نور چگونه بود و فعلا تاجه حد تحول و انکشاف نموده چنین توضیحات داد:

باید گفت که اساس پروگرام کنترول تو بر کلوز در افغانستان سی سال قبل گذاشته شده بود که این کنترول تنها محدود بخود موسسه تو بر کلوز (درچمن) بوده بعد فعالیت مذکور قسما در دیگر ولایات نیز انکشاف داد.

داده شد که بیشتر شکل فورمولیتی داشت.

و فعالیت قداوی تو بر کلوز از نگاه کیفیت، پروگرام کاملا محدود و قداوی مريضان در سناقوریم های اثاث و مذکور بصورت اجرتی بود که مريضان تو بر کلوز ازین رهگذر به مشکلات زیاد مواجه بودند زیرا مريضان بوضع بسیار عاجل و غراب از مناطق دوردست مملکت جهت بستر شدن بمرکز مراجعه می

در پرتو مرحله نوین انقلاب نور تجویز اتخاذ گردیده که در تمام افغانستان مريضان تو بر کلوز بصورت مجانی معاینه و قداوی گردند. یک منبع استیتوت ملی کنترول تو بر کلوز در مصالحه ای که با خبرنگار مجله زوندون بعمل آورد گفت: بصورت عمومی در پروگرام کنترول تو بر کلوز تغییر و تحول ارزنده صورت گرفته بدین معنی که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان حق اولیه فعالیت های صحتی را در کنترول تو بر کلوز داده است. بدین معنی که تمام فعالیت های ضد تو بر کلوز بصورت مجانی میباشد از قبیل تشخیص، لابراتوار، اکسریز، وقایه ذریعه بی سی جی و یکدوره مکمل قداوی، دولت فعالیت و کنترول تو بر کلوز را بصورت مطلق تقویه میدارد یعنی از نگاه معیار اداری، بودجوی و مراقبت های دوامدار که بصورت اختصاصی شامل:

۱- تربیه پرسونل پروگرام تو بر کلوز در داخل و خارج

۲- تحقیقات اختصاصی از نگاه اپیدمیولوژی، بصورت عملی از نگاه پلان و ارزیابی پروگرام کنترول تو بر کلوز.

۳- سروی ملی تو بر کلوز در سراسر کشور ذریعه تیم جدا گانه با اشتراک تیم و ترنری که از نگاه کشف واقعات تو بر کلوز در گاوها و ارتباط بانواع تو بر کلوز انسانی در مرحله اجرا قرار گرفت که فعالیت آن عنقریب اكمال و نتایج آن بعدا صورت خواهد گرفت که این سروی بزرگترین سروی منطوقی در حوزه جنوب شرق آسیا می باشد.

۴- تعلیمات صحتی برای مريضان و تمام

و حالا مريضان تو بر کلوز بصورت مجانی بستر و قداوی می شوند

اهمیت تحکیم و پیوند روابط میان نیروهای

پیشرو جهانی

و جنبش های آزادی بخش ملی

در روند تاریخ

نثار «عریف»

حصول استقلال کامل از اسارت امپریالیسم، بدست آوردن استقلال اقتصادی و تحکیم حاکمیت ملی.

نیرو های وطنپرست درون جنبش آزادیخواه حاصله خویش می آموزند که : رسیدن به این هدف تنها از طریق تغییرات عمومی دموکراتیک، از میان برداشتن ریشه های اقتصادی و بقایای نفوذ سیاسی امپریالیسم، انکشاف در دامنه های صنایع شامل صنایع سنگینی و سبک، حل مساله دموکراتیک ارضی، دموکراتیزه کردن حیات اجتماعی، ارتقاء سطح زندگی، پیروزی از یک سیاست خارجی فعال ضد امپریالیستی امکان پذیر است.

باید در نظر گرفت که هسته و مرحله جدید جنبش آزادی بخش ملی را مبارزه در راه ترقی اجتماعی تشکیل میدهد. بناء تعیین راه پیشرفت در کشور های وابسته و مستعمره سابق در جریان پیروزی و غلبه جنبش آزادی بخش ملی بر مناسبات کهنه نشان داده می شود و بدین گونه برای جنبش، محتوی اجتماعی تازه می بخشد.

در برابر جنبش های پیشین انتخاب راه پیشرفت قرار نداشت و هم نمیتوانست داشته باشد، زیرا جنبش های سابق محض راه انکشاف را برای رشد سرمایه داری باز می نمود.

در شرایط و اوضاع معاصر بنسب موجودیت سیستم جهانی سوسیالیستی، جنبش همبستگی بین المللی کارگری، نیرومندی مبارزات رهایی بخش ملی، در فضای کامل همزیستی مسالمت آمیز دولت های دارای سیستم های اجتماعی مختلف، کشور هاییکه تازه از وابستگی رهایی یافته اند و استقلال سیاسی خویش را حاصل کرده اند در تحت شرایط اتخاذ سیاست عدم الحاق به پیمان های تجاوزکار امپریالیستی و تعقیب راه ترقی اجتماعی واقعا مستقل باشند.

وجودیت سیستم جهانی سوسیالیسم نقش ارزنده و فعال را در ایجاد شرایط مساعد برای پیشرفت زمینه های ترقی اجتماعی در کشور های کم رشد و اتخاذ راه رشد غیر سرمایه داری در کشور های جهان سوم بازی میکند و در حدود امکان و شرایط لازم صدور ضد انقلاب را برای کشور های نوپیدا محدود مینماید.

احزاب انقلابی کشور های روبانکشاف در مرحله جدید رشد مبارزات رهایی بخش ملی باین موضوع توجه فراوان مبذول میدارند که جلب رشته های امداد مادی و معنوی کشور های پیشرو و مترقی جهان به گسترش و پیشرفت مناسبات مختلف کمک مینماید.

در دوران حاضر روابط و همکاری های متقابل میان مبارزات رهایی بخش ملی دولت های نوپیدا و نیرو های سوسیالیسم جهانی اهمیت خاص دارد.

تا تمام

نباید اشتباه کرد که : با انحلال سیستم استعماری، استعمار کاملا از بین رفته و مبارزه خلفا بر علیه آن پایان پذیرفته است ماهیت سیستم جهان خوار امپریالیسم با در نظر داشت شرایط خود، استعمار را در قالب دیگری ریخته (استعمار نوین) و چهره زشت خود را باین شیوه ماست مالی میکند. استعمار نوین (نیوکولونیسم) به معاد ارتجاع بین المللی، اهداف و وظایف مشخص را در زمینه اقتصادی و سیاسی تعقیب مینماید.

ارتجاع جهانی به سرمداری محافل تجاوز کار امپریالیستی مذبحخانه تلاش به خرج میدهد تا به اشکال و شیوه های گوناگون سد عمده در برابر پیشرفت های اجتماعی گردد و یا حداقل کندی و متوقف شدن آنها باعث شود. بطور کلی اقدامات پیشرو مانع گروه های امپریالیستی متوجه مبارزات آزادی بخش بوده که ساخته گسترده آن پیش از شکست فاشیسم نازی و ملیتاریسم جاپان (افراض جنگ جهانی دوم) بعد از بجا گذاشتن ویرانی های بیشمار آن موجب از هم پاشیدگی کامل سیستم استعماری امپریالیستی گردید، نیز مینماید.

پیدایش دهها کشور مستقل و تازه به استقلال رسیده که بحق مدافع پیگیر و تکیه گاه طبیعی خود کشور های سوسیالیستی را میداند، از جمله نتایج حاصله پیشرفت روند جهانی و از اجزای متشکل آنست. کشور های سوسیالیستی بطرز برادرانه و دوستانه بدون در نظر داشت منافع از مبارزات عادلانه آنها در راه آزادی ملی بطور دایم و همه جانبه پشتیبانی بعمل می آورد، بیش از حصول استقلال سیاسی آنها، فراهم آوردن زمینه های امداد مادی و معنوی را همه جانبه در نظر میگیرد.

همانطوریکه مبارزات رهایی بخش ملی راه حقایق تمام، جنبشی میتوان توصیف کرد که : در آخرین تحلیل منفعت عامه خلق را در بر میگیرد و وظیفه جنبش در مرحله جدید آن مبارزه است از:

مشخصات این جنبش را در بر میگیرد. در عین حال اینکه مناسبات فرهنگی و معنوی آن در خدمت با فرهنگ و معنویات پیشرفته و مترقی پیوند حاصل میکند. باید نظر داشت شرایط پیروز مند مبارزه با روابط فرسوده فیودالی و ما قبل فیودالی، در جلال است علت وابستگی اقتصادی مستعمرات را در گذشته، تابعیت سیاسی آنها را در مقابل کشور های استعمار گر تشکیل میداد، ولی بنا بر تغییر عمیق به سود نیرو های مترقی که در سیمای جهان رونما گردیده (جنبش های آزادی بخش ملی زمان ماجنیش های دموکراتیک ضد امپریالیستی طراز نوین میباشد).

بدین سان مبارزه در راه حصول استقلال اقتصادی خصلت عمیق ضد امپریالیستی دارد. نیازمندی های عینی آزادی اقتصادی و از میان برداشتن زمینه های استقرار مجدد تسلط استعماری امپریالیسم، خصوصیت جنبش های آزادی بخش ملی را تعیین میکند.

در شرایط کنونی بنابر موجودیت سیستم جهانی سوسیالیسم، همبستگی بین المللی کارگری، فشار خلفا بر رژیم های استعماری روز تار و کسب قوت بیشتر میکند، نیرو های انقلابی و وطنپرست کشورهای وابسته در برابر عملیات و تجاوز استعمار گران به قیام های پیروز مند مسلحانه میپردازند.

انحلال سیستم استعماری از نظر انکشافات انقلابی جهان معاصر اهمیت عظیمی دارد و جریان است غیر قابل بازگشت، نادیده انگاشتن آن به مفهوم خط بطلان کشیدن بر پیروزی های تاریخی جنبش های آزادی بخش ملی، کم شدن اهمیت شکست و زوال استعمار، ناچیز دانستن نقش استقلال سیاسی و عدم اعتقاد به پیروزی ملت های تازه به استقلال رسیده است که به یقین توانایی آنها را در قاپا پشتیبانی عام و تام کشور های مترقی جهان ضربهات پیهم و خرد کننده به دسایس و توطئه های امپریالیسم و استعمار نوین وارد آورد.

اگر بطور پیگیر نقش جهانی نهضت های آزادی بخش ملی معاصر را، دقیق و همه جانبه در مقایسه با جنبش های ملی پیشین، مورد مطالعه و ارزیابی قرار دهیم، نتایج علمی که درین زمینه حاصل میشود و وضع را بطور کلی چنین میسراند که :

جنبش های آزادی بخش در گذشته تمایل بیشتر جانب مسائل خارجی داشت، ولی در شرایط کنونی نهضت های رهایی بخش متوجه مسائل داخلی میباشد و در دست اول اهمیت انجام رسالت خویش، محو کامل استعمار و از بین بردن ریشه های اقتصادی نفوذ امپریالیسم، حل پرابلم های اجتماعی و اقتصادی را قرار میدهد.

آرایش قوا در میثاق بین المللی خصوصیت عمده دوران کنونی را چنین میسراند : مبارزات رهایی بخش و رشد وسیع آن، تقریبا سر نوشت نیمه بشریت را در جهان تعیین میدارد و ساحه فعالیت آن در ها ملت را احتوا میکند و سیستم استعماری درهم می پیچید. خلق های کشور های آسیا، آفریقا و آمریکا لاقین از طریق تحکیم و پیوند روابط خود با جهان سوسیالیستی و طبقه کارگر کشور های سرمایه داری به همه اشکال ستم اجتماعی خاتمه میدهند و راه شکوفان ترقی اجتماعی را در پیش میگیرند.

شکست و در هم پیچیدن سیستم بردگی استعماری در زیر ضربات پیهم و هماهنگ مبارزات رهایی بخش ملی انکشافیست که از لحاظ اهمیت تاریخی خویش بعد از ایجاد سیستم جهانی سوسیالیسم در درجه دوم قرار میگیرد.

مشخصات جنبش های ملی را در گذشته حصول استقلال سیاسی ملت ها در بر میگرفت که مقصد غنیمت آنها از میان برداشتن تسلط اجنبی، ایجاد دولت ملی و تحقق بخشیدن به حق داشتن موقف مستقل سیاسی تشکیل میداد.

مبارزات رهایی بخش معاصر بنابر خصوصیت عمیق ضد امپریالیستی و محتوی جدید اجتماعی خویش، بنابر نقش بزرگی را که توده های خلق درین مبارزه بجامی آوردند، زنجیر های اسارت بار امپریالیسم را در حساس ترین موقعیت آن جدا تضعیف میکند و سر انجام در مراحل اخیر کاملا از هم میگذرد.

یکی از خصایل جنبش آزادی بخش ملی را این مسئله تشکیل میدهد که در نتیجه آن سرزمین های مستعمره و نیمه مستعمره راه ترقی اجتماعی را در پیش گرفتند و مبارزات مستعمرات باقی مانده، پشتیبانی کامل نیرو های انقلابی کشور های نو پیداد و حمایت همه جانبه کشور های پیشرو جهانی را گامی نمود.

همانطوریکه جنبش های رهایی بخش معاصر مولود زمان ماست، بدین لحاظ طرد رژیم های هوا دار امپریالیسم، تبدیل استقلال سیاسی صوری به استقلال واقعی گذار از سرمایه داری به مرحله عالیت تکامل اجتماعی

را در پیش گیرند و خود را از شر آن حیوانات بیرحم نجات بدهند. سگهای درنده اطراف تا نزا تیا همواره سا یر حیوانات آن منطقه را شکار میکنند و اکثر اوقات گله های «زبرا» و دیگر حیوانات از آسیب آنها در امان نمی مانند زیرا بمجردیکه سگهای درنده افریقای سا یر حیوانات را بنگرند به تعقیب آنها می پردا زنده و با لای آنها حمله می نمایند و تا لحظاتی که آنها را از پا نیندا زنده آرام نمی گیرند.

خوک های «زگیل» نیز همین که از دور دستها این سگهای درنده را که بصورت دسته جمعی با لای سا یر حیوانات حمله میکنند می بینند می گریزند و فرار میکنند و فاصله ای را می پیمایند اما سر انجام تسلیم میشوند زیرا سرعت آنها با سرعت سگهای ستمگر و خون آشام برابری شده نمیتواند.

از جمله سا یر حیوانات خوک های زگیل و خوکهای زبرا که بصورت گله ای زندگی و گردش میکنند زودتر بچنگ این سگهای درنده می افتند زیرا این خوکها تنبل هستند و حوصله دویدن زیاد را ندارند. این سگها که بنام گرگ های

از جمله سا یر حیوانات خوک های زگیل و خوکهای زبرا که بصورت گله ای زندگی و گردش میکنند زودتر بچنگ این سگهای درنده می افتند زیرا این خوکها تنبل هستند و حوصله دویدن زیاد را ندارند. این سگها که بنام گرگ های



سگ های شیر خور بدین گونه سایر حیوانات را از پا می افکند.

تر جمه ی داود زهدی

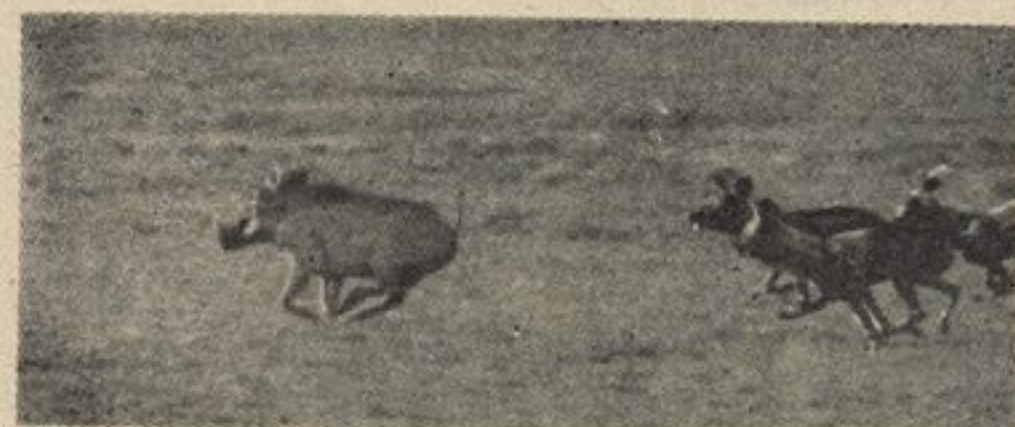
از : لائف چکو سلوا کیا

سگهای شیر خور جلگه های سبز افریقا

در قسمت های بی درخت جلگه های سبز تا نزا تیا، حیوانات وحشی «زبرا» این سو و آن سو، آواره و سرگردان می گشتند که بعتنا با سگهای درنده های سبز تا نزا تیا، حیوانات وحشی «زبرا» این سو و آن سو، آواره و سرگردان می خاطر زنده ماندن خواستند راه فرار



یکی از سگهای شیر خور جلگه های سبز نیز میتواند گله ای از حیوانات رادلیرا نه تعقیب نماید.



سگهای شیر خور جلگه های سبز در حالیکه حیوانی را تعقیب می نماید.

افریقای شمرت زیاد دارند با بیرحمی تمام از گوشت و خون سایر زنده جانها تغذیه و زندگی می نمایند.

گرگهای افریقای از همان ماه های نخست زندگی و آوان کودکی به صید و شکار عادت پیدا نموده و از مادران شان طرز صید و شکار را می آموزند.

این گرگهای معروف امروز از جمله فعالترین و خطرناکترین حیوانات جهان پنداشته میشوند. چندین کیلو متر راه را در یک ساعت طی مینمایند و با سرعت عجیبی صید خود را دنبال میکنند و بچنگ می آورند.

حرارت در قسمت نیم کره شمالی ۴۳ درجه بلندتر نسبت به حالت فعلی بوده درجه حرارت در سردترین ماه سال هیچ وقت کمتر از (۵) درجه سانتی گراد در اروپای شمالی و بایستش از منفی پانزده درجه سانتی گراد در شمال شرق آسیا نبوده است این درجه حرارت بلندتر از درجه حرارت فعلی میباشد.

کیفیت و حالت درجه حرارت موسم گرم سال در دوره پلیوسین همنوا با تنوعات مختلف کمتر نسبت به حالت فعلی بوده، بسیار بلند بوده است. مخصوصا در خط یا ساحه قطب شمال.

تقسیمات و ترسبات در اروپا و آسیا در دوره پلیوسین تقریبا مانند حالت فعلی بوده واقعا در مسافه های یاساحه های بلندترسبات به مقدار اضافی وجود داشت. این ترسبات میدهد که اقلیم جوی دوره پلیوسین چندان بدنبوده است. تغییر بسیار کم به چنین اقلیم جوی که قرن ها رادر بر میگردد، تقریبا برای تمام مردم و فعالیت های اقتصادی شان خوب است.

بسیار مشکل خواهد بود که محاسبه یا نشان بدهیم که تغییرات جوی که اهمیت اقتصادی رادر قبال دارد. اگر بصورت فوری هم تعقیب گردد، تقریبا چند سده رادر بر میگردد.

ساحه های یخبندان شاید خورد شوند و

می افتد، و همراه با آن مقدار آب تبخیر شده در سطوح سواحل به قاره ها انتقال می یابد.

گرمی عمومی همچنان نتیجه یک تزئید در مقدار ترسب در سطح ابحار و تنقیص در زمین در بالای ساحه های مشخص سطح قاره ها (رأی میدهد. این واقعیت مهم و عمده اهمیت بسیاری در مراحل طبیعی و فعالیت های اقتصادی اشخاص میداست.

احساس خطر در دوره اول گرمی عمومی مبنی بر نهم دار گردیدن خطوط قاره وی زمین بصورت

غیر مقاوم تصور می باشد، وجود دارد. موجودیت خشکی بسیار دوامدار منجر به تقسیم گردیدن مستعمره عاب ساحه های بزرگتر میشود. این واقعه در سال ۱۹۳۰ و ۱۹۷۶-۱۹۷۲، رخداد که یک خشکی دوام دار یک ساحه کم رادر اروپا، آسیا و امریکای شمالی مشاهده نمودند. تغییر او ضاع جوی در صفحه اول گرمی عمومی (پیش از ذوب شدن یخبندان های ساحه قطب شمالی) میتواند متکی به تجارب و مشاهدات که توسط واقعیت های تغییرات جوی دوره اخیر تقویه میگردد، باشد. بسیار مشکل است اگر گفته شود که دوره بیخ به چه شکل

نیز نید در مجموع درجه حرارت
۳۰-۳۵ ۲۰-۳۰ ۱۰-۲۰ ۰-۱۰
(مقیاسه با ۱۹۶۰)

اگر گرمی تمام کره ادامه پیدا کند، تزئید در درجه حرارت در مساحه ها و ارتفاعات مختلف قابل درک نخواهد بود زیرا اگر سال ۲۰۲۵ مجموع درجه حرارت در نیم کره شمالی تا ۲-۳ درجه سانتی گراد بلند برود، در ساحه های بلند، درجه حرارت تابستان تا ۱۰-۷ مثبت بلند خواهد رفت و درجه حرارت زمستان آن از ۱۰-۵ درجه پائین نخواهد آمد.

چنین تغییرات در رژیم حرارتی یک واقعه در-اماتیک را مخصوصا در مسافه های بلند و پائین در حالت طبیعی نشان میدهد. بسیار دلایل قانع کننده مبنی بر ذوب شدن تمام یخبندانهای دایمی ساحه قطب شمالی وجود دارد که دیگر حتی در زمستان هم یخبند آنها در ساحه، قطب شمال وجود نخواهد داشت.

چطور گرمی عمومی تا ختم قرن بیست ربح اول قرن ۲۱ انکشاف و پیشرفت خواهد کرد.

بصورت آشکارا، این مساله بصورت ناظم یکی پی دیگر تعقیب میگردد البته در ابتدا بصورت آهسته بعدا (در انشای ذوب شدن

تایمه قرن بیستم نظم و ترتیب اقلیم جوی بصورت کامل از زیر اداره انسان و قدرت اقتصادی آنها خارج و بشکل آزاد آن وجود داشت. بعدا به یک تغییر ناگهانی مواجه گردید. احتراق انواع مختلف مواد سوخت بصورت منظم یک تزئید در مقدار ماده مضر کار بن دای اکساید رادر فضا همراه با نتایج تاثیرات گرین هوزویک تزئید در مقدار درجه حرارت سطح زمین را باعث گردید.

در ممالک مختلف محققین، میتودهای مختلف را ترجیح میدهند، تحقیقات میکنند و محاسبه می نمایند تا دریابند که به کدام سرعت کتله کاربن دای اکساید در فضا تزئید می یابد و چطور همین کتله میتواند در سطح روی زمین نفوذ و تماس حاصل نماید. در یافت گردیده است که اگر این کتله کاربن دای اکساید دوچند گردد، بصورت مجموع درجه حرارت طبقه پائین زمین شاید به سه درجه بلند برود. این واقعیت ها امکان آن را میدهد که ما بتوانیم در آینده نزدیک درجه حرارت را بصورت مجموع محاسبه و دریافت نمایم.

طبق محاسبات روی دست داشته یخبندانها قسمت قطب شمال، درجه حرارت آن قسمت را پائین می آورد البته در حدود پنج درجه در تابستان

مترجم غلام معروف

اقلیم آینده چگونه خواهد بود؟

نویسنده داکتر میخائیل بودی کو مبصر عضو اکادمی ساینس اتحاد جماهیر شوروی

خال های یخبندان دایمی ممکن ذوب شوند خطوط طبیعی شاید به ارتفاعات بلند تر یا در نظر داشت تغییرات در میتود های زراعت و شعبات یا شاخه های دیگر اقتصادی تقسیم شوند. گرمی عمومی همنوا و برابری سواحل جهان را چطور متأثیر ساخته میتواند؟

بصورت عموم تعهد گردیده است که ذوب شدن لایه های سواحل یخبندان ساحه قطب شمال (اگر در گرین لند و، ناهنوز قابل اهمیت است، بزرگترین قله های یخبندان آنتارکتیک سرچپه یا سرنگون شده و یا اگر بصورت آهسته ذوب گردد) شاید بصورت عملی نشان داده شود که هیچ تأثیر سبب بالایی نظم همنوا و برابری سواحل جهان ندارد. با آنهم طبق نظر یک درین اواخر پختی گردیده، قسمت دفاعی یخبندانهای غربی آنتارکتیک قابل تغییراند و شاید بصورت بارجه خرد البته در چند سده تقسیم گردند

(در موجودیت گرمی عمومی بصورت فوری). این تغییر در حدود پنج متر سطح ابحار را بلند تر خواهد ساخت.

چنین نوع معلومات ها در باره اقلیم جوی آینده توسط ساینس دانان اتحاد شوروی بقیه در صفحه ۵۲

خواهد بود. اقلیم یا اوضاع جوی از حالت فعلی بسیار متغیر خواهد بود.

بصورت آشکارا و قتیکه یخبندان های دایمی ساحه قطب شمال نابود شوند و قله های بزرگ یخ ادامه خواهند داشت (انهای که در گرین لند و آنتارکتیک هستند) یک اقلیم مشابه دوره تروری (پلیوسین) در سیاره ما جایزین خواهد شد. در شروع دوره پلیوسین (تقریبا دو تا هفت میلیون سال قبل) ساختمان و موقعیت قاره زمین و سواحل آن عینا مانند شکل فعلی بوده. این دوره توسط قله های بزرگ یخبندان دوره آنتارکتیک اشاره گردیده است، همچنان ساختمان آن مقدار آن بسیار کوچک نسبت به حالت فعلی بوده و هیچ یخبندانهای ساحه سواحل قطب شمالی وجود نداشت.

تضاد ریشه یی در بین حالت دوره پلیوسین و زمان فعلی ما موجودیت مقدار عظیم کاربن دای اکساید در فضا و هم چنان فکتور که تاثیرات گرین هوز را نشان ویا و نموده ساخته است، می باشد. واقعیت های پلیو کلاستیک نشان میدهد که در وسط دوره پلیوسین مجموع درجه

قسمت اعظم سواحل یخبندانها) بسیار به زودی صورت میگردد و بعدا و قتیکه سرعت گرم شدن بصورت عمومی خود بخود به شکل آزاد عرش وجود نماید دوباره آزاد گردیده البته تا پیشرفت و تزئید کتله کاربن دای-اکساید مرحل دوباره بطی میگردد.

در آینده نزدیک این حادثه یک تغییر فوری رادر این رژیم حرارتی می آورد. در نتیجه گرمی عمومی منجر به تبخیر عظیم آب از سطح تمام سواحل و تزئید در مقدار یا مجموع مواد جامد در سطح زمین میگردد. طبق احصائیه های دست داشته تزئید در کتله کاربن دای اکساید در فضا باعث تزئید در مقدار مجموعی تبخیر و ترسب میگردد.

گرمی عمومی یک تاثیر رادر قسمت تقسیم و ترسب نشان میدهد. مقدار آن در مسافه ها و ارتفاعات متوسط خرد و کوچک میگردد. در انشای گرمی عمومی، که قبلا اشاره گردیده، درجه حرارت در مسافه های بلند نسبت به مسافه های پائین بلند می رود تفاوت در درجه حرارت در بین مسافه یاساحه های بلند و پائین تنقیص میابد، دوران بسیار قوی اتموسفر پائین

و ۲۰ درجه در زمستان، حالت یخبندانها به تشعشع قوی و همچنان بدرجه حرارت فضا دلا موسم گرم و سرد سال ارتباط میگردد. معلومات در قسمت تغییر ناگهانی درجه حرارت مخصوصا در وقت گرمی یا گرم شدن نیم کره بصورت واضح ماراکمک می نماید. یخبندان های دایمی ساحه مرکزی قطب شمال در ابتداء یا اوایل زمستان کاهش می یابد و بعدا بصورت مکمل از این حالت خود گذشته و ذوب میگردد. ساینس دانان معتقداند که یخبندان های ساحه قطب شمالی و قتیکه درجه حرارت نیم کره شمالی بصورت کامل به دو درجه بلند برود کاملا ذوب میگردد.

نظریه جدول دست داشته ذیل ساحه یخبندانها در ساحل قطب شمال در سال ۲۰۰۰ کاملا برهم خورده خرد میشوند بعدا آن قسمت در سال ۲۰۲۵ کاملا ذوب میگردد. تغییر در غلظت کاربن دای اکساید و درجه حرارت فضا:

۲۰۲۵ ۲۰۰۰ ۱۹۷۴ سال
غلظت کاربن دای اکساید
۰۰۶۴-۰۰۵۲ ۰۰۴۸-۰۰۳۸ ۰۰۳۳-۰۰۲۳
(فیصدی حجم واتمسفر)

نرسند کسی ترستی

طغیان نیکیتا

مترجم: دکتر ضیاء بشرل

فلیم را با چار تیغش دادم و او مرا یک دست بند داد. بعدتر ترانشان خواهم داد.

نیکیتا از بسترش برخاست و به آهستگی به لباس پوشیدن آغاز نمود.

«ومن دکتری ماکاروف را با یک دستم بلند کرده می توانم».

وکتور با صداییکه لرزان بود غریب اما فهمیده می شد که او قبلا تسلیم شده بود. نیکیتا به بخاری دیواری نزدیک شد بدون اینکه از دست هایش کمک گیرد یک پایش را بلند کرد و پایای دیگرش بر زمین خیز زد.

«اگر پاهایت را سرعت کافی حرکت داده توانی خواهی پرید». او در حالیکه با توجه بسوی وکتور می دید گفت:

«مشکل نیست، عده زیادی در صنف ما می توانند بپرند».

بچه ها لباس هایشان را پوشیدند و باطاق نان رفتند که در آنجا بوی نان گرم و نان شیرین استشمام می شد و از سمارواریکه جلادار بود بخار پهبابالامی شد و بطرف سقف می رفت، طوریکه کلکین هارا بخار گرفته بود مامی، ارکادی و دختر دبروز، لیلی- جوانک نه ساله و خواهر وکتور، دور میز نشسته بودند، از اطاق مجاور صدای بم آسای انابولوسونا شنیده می شد:

«لطفا یک دستمال بدهید».

لیلیا یک نیم تنه سفید، با کمربند آبی کمال که برتن داشت و یک بورکر بندش نصب بود و هم در موهای مجعدش یک بوی دیگری که آنهم رنگ آبی کمال داشت شکل پروانه دیده می شد.

نیکیتا نزدش رفت و باو احترام کرد.

لیلیا برچوکی اش دور خورد، دستش را دراز کرد و با جدیت گفت:

«صحت خوش، پسر!».

و قیقه او این کلمات را ادا کرد لب بالائی اش را بلند نمود.

به نیکیتا چنین معلوم می شد که او یک دختر حقیقی نبود. باوجودی که بسیار زیبا بود مخصوصا چشم های آبی و جلادارش و مژگان ابرشمن آن دلربایی خاص داشت، لیلیا دیگر به نیکیتا توجه نکرد یک پیاله جای کلانی را بانو دستی گرفت و رویش را در آن فرو برد، بچه ها باهم نشستند و وکتور اینطور معلوم می شد که مانند یک طفل جای می نوشت. او بالای پیاله خم شد و بالهای درازش جای را شب گسرد او مخفیا نه آتقدر بوره بجایش ریخت که چایش غلیظ

نزدیک بیا نید، از ما سرما و ریزش خواهد گرفت، باید بگویم که جاده های شما خیلی گنده اند. این صدای انا ابولوسونا خواهر خوانده مامی بود که در سامارا زندگی می کرد، مامی دخترک خواب رفته را از گادی ران گرفت، روپوش پوستی اش را برداشت از زیر آن زلفان طلایی و درخشانش نمایان گشت و آنرا پوشید و گفت:

«لیلیچکا! رسیدی؟».

دخترک آهی کشید، چشم های بزرگ آبی اش را باز کرد و موقعی که بیدار شد بار دیگر آهی کشید.

وکتور و لیلیا...

نیکیتا و وکتور پسر انا ابولوسونا فردا صبح هردو - در اطاق نیکیتا از خواب بیدار شدند در حالیکه بر روی بسترشان نشسته بودند با برو های کشیده بسوی عمد یگر می دیدند.

«من شما را بیدار آوردم». نیکیتا گفت.

«من هم شما را خیلی خوب بیدار دارم»، وکتور بصورت فوری جواب داد - «زمانی شما به سامارا آمدید تا ما را ببینید آنقدر مرغابی خوردی که خودت بالتهاب روده ها دچار شدی».

«این را بیدار ندارم». نیکیتا گفت.

«امان بیدار دارم». وکتور جواب داد:

«همه آرام نشسته و کتور بیایگاه فازه کشید».

«من یک معلم خصوصی دارم - ارکادی ابوا نوویچ! نیکیتا مغرورانه گفت:

«او بسیار گیر است - او مرا علم می آموزاند - او هر نوع کتابی را در مدت نیم ساعت می خواند».

وکتور خنده استیزا آمیزی کرد.

«من به چمنایوم می روم، صنف دوم - آنها آنقدر جلدی اند که مرا تمام وقت بدون نان چاشت نگه می دارند».

«پس چه؟» نیکیتا گفت:

«این معنی دارد. اینکه اگر بخواهم یکپزار روز هم بدون صرف نان دوام داده می توانم».

«هو! نیکیتا گفت - «آیا ماهی با یسن کار مبادرت نموده ای؟»

«من به این کار اقدام نکرده ام، صادر مرا اجازه نمی دهد».

نیکیتا فازه کشید و دراز افتاد.

«برپروز من سیتوبکارا شکست دادم».

«سیتوبکارا کروشکین کیست؟»

«فوی ترین پنجه درده: او را چنان یک ضربفزدم که بر زمین افتاد. من باو جاقوی

شد و بعدا با آواز ضعیف خواست تا آب به آن علاوه شود.

«آیا تو خواهرم را دوست داری؟» در حالیکه نیکیتا را بازانویش شور می داد به آهستگی گفت: نیکیتا جوابی نداد اما تنها سرخ شد.

«تویا او محتاط باش» وکتور به آهستگی ادامه داد، «تلك همیشه بهادر شکا بست میکند».

در عین زمان لیلیا چایش را تمام کرد، دهانش را با دستمال کاغذی پاک کرد و ز چوکی اش پایین شد - او پیش الکراندز - لیوتیفنا رفت.

«خاله جان، تشکر... او این جمله را با کمال احترام گفت. بعدا به کلکین رفت، در یک چوکی کلان بازو دار نشست، یک قطی سوزن و تار را از کدام جایی گرفت و بدوختن شروع کرد.

افکار نیکیتا نامیدانه پسراننده بود - او خواست به وکتور نشان دهد که چطور از پشت یک چوکی خیز بزند. اما لیلیا رویش را دور نداد - مادر گفت:

«بچه ها! اگر می خواهید غل مغال نمایید لطفا به خیابان بروید».

بچه ها لباس پوشیدند و بیرون شدند - این یک روز غبار آلود و گرم بود - آفتاب گلگون بالای طبقات دراز توده های ابر، که مانند خیابان هاه پرری معلوم می شد سماع خود را می تابید. بونه های ملام که بانیمین بخارده پوشیده بودند در باغ نظربایی داشتند. معمولا خاموشی همه جارا فرا گرفته بود - یگانه صداییکه بگوش می رسید صدای دوست بود: شاروک و کاتوک، که نزدیک دالان عقبی کنار هم ایستاده بودند، سرشان بطرف یکدیگر دوری خورد و عو می کردند، ناگاه خاموش شدند و هر طرف می دویدند تا زمانی که یکی از کارگران آمد و دستکش خود را بسوی شان برتاب کرد، بعدا با غضب سرفه کردند، به پای عقبی شان ایستادند و ناوقتی جنگیدند که یکدیگر را زخمی ساختند، از سنگ های دیگر می - ترسیدند و گدا هارابدمی دیدند و شب هنگام در عوض اینکه از خانه نگهبانی کنند در گاراج می خوابیدند.

«چه میکنی؟ وکتور پرسید:

نیکیتا بسوی یک زاغ ناراضی دید که از انبار غلف بالای طویله پرواز کرد - نیکیتا نمی خواست بازی کند و غمگین بود. او می خواست پیشنهاد کند که باطاق پذیرایی بروند و چیزی بخوانند، اما وکتور گفت:

«هو، من فهمیدم که توتنها با دختر ها می توانی بازی کنی».

«چرا؟» نیکیتا، در حالیکه سرخ شده بود پرسید.

«زیرا - تو خودت میدانی که چرا؟»

«تو مرا آذاردند، نمیدانم راجع به چه گپ می زنی، بیایه بسوی چاه برویم».

بچه ها طرف چاه رفتند در مسافه دورتر، ملیشکا کوربا یک چوب را می شکستند.

«بیان، بیان». اودفعا صدا کرد «بین نیکیتا».

نیکیتا به غشش دید آنجا یک مامور خاص رنگک باشاخ های کوتاه خود بطرف بچه ها می دوید در حالیکه موهای مجعد بر پیشانی آویخته بود.

«مع-ع-ع-ع»، بیان بصورت متناوب می غرید و دمش را به پهلوهایش جاروب می کرد.

«وکتور بدو! نیکیتا فریاد زد و او را از آستین هایش گرفت و بطرف خانه دوید.

«گادودان دوان در عقب بچه هارفت».

«مع-ع-ع».

وکتور به عقب دید، چیخ زد و در برف افتاد و سرش را با بازوهایش پوشید، بیان از اویشتر از پنج قد فاصله نداشت - نیکیتا ایستاد - ناگهان از قهر یک تکه آتش شد، کلاهش را کشیده بسوی گادودید و درویش بزدن آغاز کرد.

«دور شو، دور شو!».

گادوخواوش ایستاد و شاخ هایش را پایین آورد - ملیشکا کوربا شونوک که چوب می شکستند از آنسو دوید - بیان به آهستگی ام بع کرد، دور خورد و بطرف چاه رفت، لب های نیکیتا از عیجان می لرزید - کلاهش را بر سر کرد و دور خورد و وکتور نزدیک خانه رسیده بود و از آنجا با دستش به او اشاره کرد.....

نیکیتا تصادفا بطرف کلکین به بالادید، از دالان کلکین سوم سمت چپ، دو چشم آبی حیران کننده توجه آنرا بخود جلب کرد، این لیلیا بود که بسوی نیکیتا می دید و ناگهان خندید، ناگهان بعقب بر گشت و باخشنودی فریاد زد:

«وکتور، بیایه از تبه پایین شو پسم، عجله کن».

تاوقت نان چاشت آنها را تبه هارا مرور کردند، می خندیدند و جست و خیز میزدند. نیکیتا دردل خود سودای دیگری داشت باخود می گفت:

«توفیکه خاله پروم واز برابر کلکین بگذرم، آیا بالا طرف او بینم و یا اینکه سمت دیگری متوجه شوم؟» مقصودش لیلیای جوان و زیبا بود..... «نی، هرگز من بسوی او نخواهم دید».

صندوق درخت عید مسیح...

دروقت نان چاشت، نیکیتا کوشید بسوی لیلیانه بند و اگر هم می خواست به بند موفق شده نمی توانست زیرا - انابولوسونا بیسن او و آن دختر دگر با باجاکت سرخ مخملی اش حایل بود، در حالیکه بازوهای راحرکت می داد با صدای عمیق چنان بلند حرف می زد که تمام اشیای شیشه ای که تحت چراغ قرار داشت جرنگ جرنگ می کردند.

«نی، نی، الکراندرا لیوتیفنا» او گفت، «بست را در خانه تدریس کن... زیرا در ورزشگاه چنان بی نظمی نفرت آوری وجود دارد که آمر شان را با دست های خود می توانی بگیرم و یکطرف یرقاب کنم... وکتور! او ناگهان گفت: «تو باید به چیز ها بیکه مادت راجع به بزرگان چیزی می گوید توجه کنی و به آمرین خود احترام بگذاری».

ژوندون

معلمین ما، الکزاندرالیوتینا، احق هائی
ذبحت اند. هر یکی آنها از دیگری احق
تراند، و معلم جغرافیای آنها؟ وکتور! نام
او چیست؟!
«سینشکن»

«برایت گفته ام که سینشکن نیست بلکه
سینیا فکین است. این معلم آنقدر احمق
است که یک روز در دهلیز، بعد از اینکه
بازا ملاقات کرد و مصاحبه نمود، عوس اینکه
کلاهش را بر سر بگذارد او پیشی مرا که
بالای چوکی خوابیده بود برداشت و بر سر
گذاشت...»

وکتور: تو چرا این چاقو و پنجه را در
دست گرفته ای؟ چه چه نکن چوکیات
را میززد یک کن ... چه می خواستم بشما
بگویم، الکزاندرالیوتینا! اوه، بلی، من یک
خریطة پراز اشپای اضافی و ملحقات (درخت
عید) را با خود آورده ام ... فردا باید ما
بچه هارا مصروف چسباندن آنها نمایم ...

«من فکر می کنم که آنها باید همین
امروز شروع کنند،» مامی گفت: «ورنه
آنها آماده نخواهند شد.»

«خوب، همانطور که می دانی اجرات کن.
من می خواهم مکاتیبی بنویسم، تشکر رفیق!
از نان چاشت.»

انا ایولو سوفنا لب های خود را با دستمال
کاغذی پاک کرد، چوکی اش را حرکت داد
و باطاق خوابش بزم نوشتن نامه ها رفت،
اما لحظه بعد فتر های چیرکت چنان بشدت
صدا کرد که گویی فیللی بران بالا شده،
بعد از اینکه سر میزی میزکلان پاک شد، مامی
چار جوهر قیچی آورد و به تهیه کردن
(سریش) پرداخت، او (سریش) را چنین
تهیه کرد: از صندوقچه که در کنج خانه
گذاشته شده بود و حاوی فامیلی در آن نگهداری
می شد یک مرتبان نشایسته بیرون کرد
و با اندازه یک قاشق جای نشایسته در یک
شیشه ریخت، دو قاشق آب سرد هم در آن
ریخت و آن را خوب شورداد تا سریشناک
شود، بعدا او آب جوش از سماوار در آن
ریخت و تا وقتی آن را شورداد که به جلی
ساف مبدل گشت و از آن یک سریش بسیار
عالی بدست آمد.

بچه ها خریطة چرمی انا ایولو سوفنارا
آوردند و بر میز گذاشتند، مامی آنها باز
کرد و محتویات آنها بر روی میز ریخت:
ورقه های کاغذ طلائی، نازک و گلداز، ورقه
های قره، آبی، سبز، نارنجی، تخته های
برستول، قلی های شمع و شمع دان های
درخت عید، قلی های ماهی های طلائی، و
خروسک های رنگه، قلی های پر از توپ
های شیشه ای میان خالی که در تار آویخته
بودند، قلی هاداری توپ های شیشه ای که
چنگک های قره یی با خود داشتند و یکتعداد
قلی های دیگری که در میان آن قیته های
طلائی و قره ای پراز زرق و برق دیده میشد
و فانوس هاییکه دارای کلکین ها بوده و از
شیشه های معدنی ساخته شده بودند و یک
ستاره بزرگ در آن نصب بود و هم یکتعدد
قلی های کاغذی مدور معطر که باکشی نبودن
عطر از خود بخش میکرد در بین آن خریطه چرمی

جسای داشت، اطفال بادیدن سر شی
جدید از خوشی فریاد می کشیدند و حیر
می زدند

«چیز های خوب دیگری نیز هست ... مامی
گفت و دستش را در خریطه فرو می برد.
اما تمام آنها را فعلا بیرون نمی آوریم.
بیاید که به سریش کردن شروع کنیم.
وکتور بساختن زنجیر عا پرداخت، نیکیتا
کاغذ های مخروطی برای شیرینی تهیه نمود
در حالیکه مامی شخصا کاغذ و مقوا را می برید.
«خاله زاشما، اجازه دارم صندوق کوچکی
بسازم؟» لیلیا احترام کاراله پرسید:

«عزیزم! هر چه دلت می خواهد بساز.»
اطفال در خاموشی شروع به کار کردند،
از بینی های شان نفس های عمیقی کشیده
و دست های نشایسته آلود شان را در لباس
های شان خشک می کردند، در حالیکه همه
مصروف کار بودند مامی گفت که (در زمانه
های قدیم مواد زینتی برای (درخت عید)
وجود نداشت و همه چیز را مجبور بودند با
دست شان بسازند، بعضی ها بسیار ماهر
بودند و آنها یک قصر کامل را با برج های
آن وزینه های پیچایی ویل های متحرک می
ساختند، من خودم آنها را دیده ام.)

لیلیا در حالیکه مصروف کار بود با خاموشی
گوش می داد و سخنان مامی را می شنید.
گاه گاه با توك زبانش خود را کمک می کرد.
نیکیتا کاغذ های مخروطی اش را برداشت
و بطرف او دید، مامی درین لحظه بیرون رفته
بود، و وکتور تقریباً ده متر زنجیر های کاغذی
را که از رنگ های مختلف تهیه شده بود
بر چوکی ها آویخته بود.

نیکیتا پرسید: «خودت جی می سازی؟»
بدون اینکه لیلیا سرش را بالا کند تبسم
کرد و یک ستاره را از کاغذ طلائی برید و
آنها بر سر پوش آبی صندوقچه نصب
کرد.

«برای چه این بکس را جور می کنی؟»

نیکیتا به نرمی پرسید:

«صندوقچه برای دستکش های گودی
هست؟» لیلیا با جدیت جواب داد: «تویک
بچه هستی و اینطور چیز های را نمی دانی.»
اوسرش را با لاکرد و با چشمان آبی اش
بسوی نیکیتا دید. او سرخ شد، سرخ و
داغ تر شد تا وقتی که سرایش مانند گسل
قرمز گردید.

تو چقدر سرخ هستی؟ لیلیا گفت:

«مانند یک لیلپو.»

او دوباره بر صندوقچه اش خمید. در
چهره اش یک تبسم شیطنت آمیزی نمایان
بود.

نیکیتا چنان نشست بود که گویی بر چوکی
سریش شده باشد. او نمی توانست چیزی
دیگری بگوید و هر قدر که کوشید اطاق را
ترک گفته نتوانست. دختر او را مسخره می
کرد اما او نرنجید و قهر نبود تنها با و خیره
شده بود. ناگهان لیلیا دو باره با او حرف
زد. این بار با آواز متفاوت و بدون اینکه
چشمانش را بالا نماید، چنانکه رازی میان
هر دو وجود داشته باشد.

«صندوقچه را دوست داری؟» او گفت:
«بلی از او خوشم می آید.» نیکیتا جواب داد:
«من هم دوستش دارم، بسیار خوشم می
آید.» او گفت: در حالیکه سر خود را به

جلو و عقب حرکت می داد و پوزلف هایش در
اهزاز بود ... او می خواست چیزی اضافه کند
اما وکتور آمد و بین نیکیتا و لیلیا مخیل
واقع شد.

«کدام صندوق، کجاست صندوق؟» او
پرسید «هر چند یکم می خواهی برایت
می سازم.»

«وکتور، جریان راه مامی خواهم گفت که
تو مرا به کارم نمی گذاری.» لیلیا با آواز
لرزان گفت: او کاغذ و سریش خود را گرفته
بگوشه دیگر میز رفت.

وکتور به نیکیتا چشمک زد.

من ترا مکتوم که باید با او محتاط باشی،
اوه چه چیز را برای ما در می گوید.

تاوقت همان شب، هنگامیکه آنها در بستر،
در اطاق تاریک دراز کشیدند نیکیتا در حالیکه
روپوش بر سرش بود، با آواز بلند از زیر
روپوش بسخن گفتن پرداخت.

«وکتور، آیا خوابیده ای؟»

«ناحال نی ... من نمی دانم چه؟»

«گوش کن وکتور! من باید یک
راز بزرگ را به تو بگویم ... وکتور

نخواب وکتور گوش کن ...

جواب داد:

پیشکش عجیب و مرموز ...

همینکه روز شد نیکیتا دید شخصی در
بخاری ها مصروف کار است بعدا یک دروازه
در آخر راه رو با صدا بسته شد.

آن شخص بود که از بخاری ها و ارسسی
می کرد و دسته های چوب سوخت را با پارچه
های کود حیوانی می آورد. نیکیتا با یک دل

خوش بیدار شد، صبح درخشان و سرخ بود.
کلکین هارا - بختندان بایک منظره قشنگ
گلداز پوشانیده بود - وکتور هنوز هم در
خواب بود - نیکیتا پشتری را بسویش انداخت

اما او تنها ناله کرد و رو جایی را بر سر خود
کشید - نیکیتا بزودی از بستر برخاست،
لباس پوشید و در تشویش بود که کجا برود؟
تا نخست نزد ارکادی رفت.

ارکادی ایوانوویچ بیدار شده بود و همان
نامه ای را که زیاده از سی بار مطالعه کرده
بود باز می خواند - و قشنگه چشمش به نیکیتا
افتاد پاهایش را بارو جانی بر سرش بالا برد
و بشدت بر چیرکت کوبید و گفت:

«چطور غیر معمول؟» او صدا زد، «تا اولین
کسی هستی که بیدار شده ای!»

«ارکادی! امروز بسیار روز خوبی است.»
نیکیتا گفت.

«بلی بسم، این روز خوبی است ...»

«ارکادی! چیزی را می خواهم از شما
پرسیم ... نیکیتا انگشتش را با امتداد دروازه
حرکت داد.

«آیا شما بایکن ها را بسیار زیاد دوست
دارید؟»

«مقصودت کدام یک از بایکن هاست؟»

«اطفال را ...»

«کدام یک از اطفال را می خواهی دوست داشته
باشم؟»

باینکه ارکادی ایوانوویچ این جمله را با

صدای عادی گفت اما سرعت گفت - او آنچه
هایش را برهنکا گذاشت و بدون خنده متوجه
نیکیتا شد. این حقیقت دارد، اما با توجه
نام. معلوم بود که او همه چیز را می دانست
نیکیتا آنها دور خورد و بدویدن از اطاق خارج
گردید، کمی تامل کرد و سپس بهو یلسی
رفت.

ستون های دود آبی از خانه کارگران،
از حمام که در راهرو آب واقع بود بالای می شد.
شب هنگام: شبنم یخ زده بر درخت ها هنوز
هم ضخیم تر شده بود و شاخچه های بید که
بر کنار حوض روئیده بودند از وزن برفی
مانند (مجنون بید) خمیده شده بودند. برف
چلا داشت و سرخی پنبه ای را می گزید ...
بر توده خاکستر که هنوز هم بصورت خفیف
دود از آن بالا می شد شاروک و کاتوک، آن دو
سگ بر یکدیگر می غریزند ملیتکا کور با
شونوک باعصای ضخیم خود خیزان و غلطان بر
روی برف مستیما بسوی نیکیتا آمد - او یک
نوع بازی عاکی را با توپ های برفی بازی می
کرد. در همین لحظه یک قطار تخته های برفی
که توسط اسب ها کشیده می شد از جانب
راست ده پدیدار گشت، یک یک از مجرای
آب گذشتند، این سو و آنسو در مقابل
برف می چنیدند، از تالاب پائین بطرف بند
عبور کردند.

ملیتکا کوریا با انگشت کلان دستکش
خود بینی اش را فشار داد.
«تخته برفی ها این است که از شهر با تخته
ها باز گشتند.» او گفت.

تخته برفی ها از زیر کمان های بید پر
برف در حال عبور بودند و بچه ها آواز می ده
شدن برف و اشپاق های رانندگان تخته برفی
ها و تنفس عمیق اسب ها را می توانستند
بشنوند.

اولین شخصی که طور معمول، قطار تخته
برفی ها را راهنمایی می کرد و به خیابان داخل
شد کارگر سال خورده بود که بر یک
مادیان سرخ بزرگ «وستانام» سوار بود
این کارگر پیر در کنار تخته برفی ها پایوت
های نمادی اش بسپولت راه می رفت، پوستینی
بر تن داشت، یخن پشمی اش بطرف بالادور
خورده بود، کلاه و ریشش از یخ سفید تر
بود - وستانا مادیان او سراپا در عرق تر
شده بود - کارگر سال خورده درینوقت با
آواز بلندی گفت:

«هی، بسوی طویله ها دور بخورید و تخته
برفی آخری باید داخل خاله شود.»

قطار از شانزده تخته برفی ترتیب یافته بود،
اسب ها با هوشیاری و متانت آنها را می کشیدند.
بوی عرق اسب بشام می رسید - صدای
شلاق ها شنیده می شد، زمانیکه آخرین
تخته برفی از بندعبور کرد نیکیتا نمی توانست
در اول بشنید که بر آن چه قرار دارد. چیز
عجیبی بود - کلان و سبز و یک نوار سرخ داشت
شریه های قلب نیکیتا سریعتر شد بر تخته برفی،
یک کشتی دو چمچه بی بانولا عای
تیز می چنید و آواز می کشید در پهلوی کشتی
دو چمچه سبز و یک دیرک که یک قبه می در
آخر خود داشت بنظر می رسید. پس همین
بود تخته ای که در نامه آموزش و عده داده
بود ...

تا تمام

ها، اقوام و صبا حبان مذا همسب
مختلف خلقهای ما، اعم از پښتون،
تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن،
بلوچ، نورستانی و غیره و مذا هب
ما، اعم از اهل تسنن و تشیع و دیگر
مذا هب و قبا یل دلیر ما

به همین اساس است که نسل
امروز ما باید سازندگان آگاه زمان
آینده باشند و نگذارند که دشمنان
مردم، انقلاب و وطن ما که ناجو -
انمرده در کمین تو طنه و دسیسه
نشسته اند این آئینه را مکرر سازد
و فردای پیر و بیروستی ما را
اخلال نماید.

بلی حالا که مرحله ی نو یسن
انقلاب شکوهمند نور ما را به
آینده به فردای تا بناک و امیدبخش
امیدوار و مطمئن ساخته است
دشمنان رنگارنگ مردم، انقلاب و
وطن ما با حیل و نیرنگهای گوناگون
توطئه و دسیسه می کنند و می خوا -
هند که فضای صلح و آرامش مردم
ما را با اخلال گر یها، چور و چپاول،
کار شکنی ها و ایجاد ترس و وحشت
بر هم زنند تا باین اعمال خود از

گل آلود ساختن آب ما می بگیرد.
چنانچه حادثه اسفناک و تار آور
روزهای سوم و چهارم خوت بیا نگر
این حقیقت است که دشمنان وطن
و انقلاب ما سخت در این کوشش
است تا مانع رشد سالم و صلح -
آمیز جامعه و مردم ما شودند. این
دشمنان سوگند خورده ی خلق ما
یکبار دیگر در عمل نشان دادند که
برای رسیدن به اهداف شوم و کثیف
خود از وسایل شوم و کثیف استفاده
می کنند.

همه مردم وطن ما بخصوص
باشندگان و همشهریان کابل به
خوبی شاهد تبیها و اخلال
گر یهای دشمنان انقلاب نجات بخش
نور بودند، آنها دیدند که چگونه
این او با شان حتی از کشت و کشتار
مردم بی گناه و شریف و حتی اطفال
صغیر و معصوم دریغ نکردند و
خوشنماتر اینکه برای پیاده ساختن
این اعمال خود به اغوا و فریب
هموطنان ساده دلی ما پرداختند و به
گفته ی خود این اخلالگران، ایشان
اطفال را بزور وادار می ساختند تا
در جلو صفوف شان قرار گیرند و به
اعمال دهشت افگنی دست بزنند.
بقیه در صفحه ۵۳

کننده ی سر نو شت خویش، خود
شان هستند. اینک افغانستان و وطن
عزیز ما، مردم شریف و آزادی پسند
ما با پیروزی قیام ششم جدی وارد
مرحله ی نوینی شده اند و انقلاب نور
نیز وارد مرحله ی تکاملی و نو یسن
خود شده است هیچ نیروی و هیچ
کسی نمی تواند بر مردم شریف
و بلاکشیده ی ما بتازد و بناحق آنها
را بیازارد هیچکس حق ندارد که
با اعتقادات مذهبی مردم ما خیره
سرانه برخورد نماید و یا آنرا تجدید
نماید.

آری انقلاب نور با داخل شدن
بمرحله نوین و تکاملی خود همه
روزنه های امید و آرا می و آزا دی را
بروی خلق ما گشود و با اطمینان
گفته میتوانیم: با وجود آنکه کشور
و مردم ما مراحل بسیار وحشتناکی
را پشت سر گذاشته اند. حکمرانی
ناذر و دودمانش و مظالم و سیاه -
کاری های امین و باندها و ش. و لسی
باین همه امید و آرزوی کامل موجود
است که خلق ما از این همه مشکلات
ناشی از این حکمرانی های سفاکانه
از سر راه پیروزی خود دور خواهند
گردید. سر منزل مقصود خواهند
رسید. چنانچه درین مورد بپرک -

کارمل منشی عمومی کمیته ی مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان،
رئیس شوای انقلابی و صدر اعظم
جمهوری دموکراتیک افغانستان
طی بیانیه ی ملی و تاریخی خویش که
بتاریخ ششم جدی انتشار یافت
منجمله چنین می فرماید: «اکنون ما
ایمان راسخ داریم که انقلاب ما از
عهده ی دشوار یهای عظیم فعلی بر
خواهد آمد. تا ریش مردم ما درین
لحظات یکی از بزرگترین و شکست
انگیزترین چرخشی را انجام میدهد
که برای احراز آزادی و زندگی
مستقل مردم ما اهمیت عظیم و بسی

پایان دارد. این چرخشی است از
ظلم و وحشت بسوی خوشبختی،
کار و زندگی صلح آمیز، این -
چرخشی است از مصائب و آلام بسی
پایان. از استبداد ستمگران درنده
خوی و استثمارگران خون خوار، از
جامعه ی مصیبت زده ی طراز استبداد
آسیا بی، بسوی آینده ی تا بناک دمو -
کراسی و واقعی، آزا دی و پرا بری،
ترقی و عدالت و ایجاد جامعه ی واقعا
دموکراتیک، چرخشی است از جنگ
و نفاق داخلی بسوی صلح، بسوی
اعتدالی و وحدت ملی و پرا دری ملیت

بدبختی و غل و زنجیر را پنهان کرده
بود و می کرد استعمال می نمود برای
آن نبود که وی معتقد به آن بود و یا از دل
و جان در راه تحقق آن مبارزه می
کرد بلکه بر عکس با داران امپری -
الیستی او برای بدنام ساختن و
قلب جلوه دادن آن واژه به این -
نوکر خود یعنی امین دستور می داد
که در پشت تربیوی ها، بیا نیسه
خود را لفظا یک انقلابی پرو پا -
قرص معرفی نماید ولی در اصل
عمل خود خلق را از همه انواع و
امکانات زندگی محروم سازد و ملکیت
را به یک وحشتناک بی نظیر تبدیل
نماید تا با این اعمال خود دو خدمت
عمده به بادار ادا کرده باشد یکی

مردم ما را و طلبانها از انقلاب و دولت انقلابی خود دفاع می کنند

قلب و بدنام ساختن ایده های
مترقی و انقلابی و دیگری منسوب
و سرکوب ساختن مردم افغانستان
تا از مبارزات ضد امپریالیستی
و ضد ارتجاعی بازمانند و این دو
غول همچنان به تبیها و مظالم
خود دوام دهند.

ولی همه نظریکه دیدیم این
نقشه های شوم و آژمندانه ی امپریا -
لیزم و ارتجاع به ارا دهی مردم آزاده
و سر بلند افغانستان نقش بر آب
شد و با یورش بی نظیری که از طرف
اردوی آزا دی بخش افغانستان به
تاریخ ششم جدی پنجوا و هشت
صورت گرفت امین و باندها و ش. و لسی
غلام منشی وی به زبانه دان تاریخ
سپرده شدند و مردم ما شانه های
خود را از زیر بار گران سلطه ی
امین و امینی های جنایت پیشه سبک
کردند.

اینک مردم ما دیگر آزاد و تعیین

مردم انقلابی و زحمتکش افغان -
ستان با در نظر داشت گذشته
های تلخ و پیر ز درد یک از طرف
سلطنت، عمال آن و طبقات حاکمه ای
مر تجع برایشان تحمیل شده است
حالا دیگر کاملاً درک کرده اند که
نباید آزموده ها را آزمود و درمقا بل
دولت، حزب و انقلاب بلا تقاوت
نشست و دست روی دست گذاشت.
انسان رنجبر و انقلابی این وطن
می داند که امروز ما مور به انجاسم
رسا نیدن رسالت تاریخی خود
است این آرمان یک آرمان بحق و روا
می باشد. این آرمان آئینه دار آینده
تا بناک انسان امیدوار و زحمتکش این
سرزمین است این آرمان دیگر آسوده

خاطر ساختن مشتی مفت خو ارو
استثمار گر نه، بلکه آرمان همه ای
کسانی است که به سرنوشت خود،
وطن خود و مردم خود علاقمند است.
مردم وطن ما دیگر اینک به نیکی درک
کرده اند که پیروزی و سر بلندی
نظام نوین کشور پیروزی و سر -
بلندی آنهاست.

اگر در گذشته ی نه چندان دور
امین این فرزند دلبند امپریالیزم
امریکا، امید مردم ما را با اعمال سفاکانه
و بی بند بار خود به یاس تبدیل
نموده بود. اگر امین این -
حافظ منافع امپریالیزم و ارتجاع،
توطئه آمیز انقلاب را ماسحت مالی
نمود و چون طوطی دست پرورده
دشمنان وطن و مردم ما یعنی امپریا -
لیزم امریکا واژه های علما پس -
مفهوم و پند یافته شده را بیجا و بی
مورد و در خالیکه در پشت این الفاظ
مکر، حیل، ترور، اختناق، مصیبت و

ویتامین ها

... تنها با خوردن ویتامین ها، زندگی را نمیتوان پیش برد

اگر میخواهید زیاد عمر کنید و همیشه جوان بمانید، ویتامین ب را در برنامه غذایی تان جا بدهید.

کمبود ویتامین (ب) در بدن باعث ناتوانی و بیخوابی و تنگی نفس و وزن در اطفال میگردد...

و موجب به تعویق افتادن نوپایی جسمانی تا توانی و بیخوابی تنگی وزن در اطفال میگردد. غذای های که این ویتامین را در خود دارند عبارتند از: جگر، تخم مرغ، کاهو، ماهی گندم و شیر.

ویتامین ۱۲: منابع مهم این ویتامین جگر، گوشت گاو و خمیر ماهی است. اگر میخواهید به کم خونی دچار نشوید در برنامه غذایی تان این ویتامین را درج نمائید و هم برای جلوگیری از مرض اسهال (یک نوع اسهال کف دار با کم خونی) همیشه ویتامین ۱۲ مصرف نمائید.

ویتامین پ: کاستی این ویتامین مرض پلاگرا را باعث می شود که این مرض در کشورهای فقیر و اشتباهی که جواری جزء عمده غذایی شانرا تشکیل میدهد بیشتر بروز می کند و علائم عمده این مرض عبارت از ضعف، سوزناک، اسهال، کم وزنی و دانه های چلری می باشد. در جگر، شیر، تخم مرغ و ماهی بیشتر این ویتامین یافت می شود.

ویتامین «ث»: برای اینکه جسم تان

جوانی و زیاده داشته باشد هر روز به اندازه ۱۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ واحد از ویتامین ث مصرف کنید، اگر میخواهید و بروس ها و میکروب ها به وجود تان نمانند ویتامین ث روزانه تقریباً ۲ میلی گرام ویتامین ث بخورید با وجودیکه ویتامین ث در غذای روزانه ما موجود است اما مقدار آن کافی نمی باشد پس لازم است با خوردن لیمو، نارنج، مالت، جگر گاو، ماهی، سبزیجات تازه و شیر گاو این خلا را پر کنیم، ولی اگر مقدار بیشتر و زیاده تر صرف نمائیم

تشنه شایسته چون عصبانیت، بیخوابی و تشنجات عصبانی ایجاد می کند. سبزیجات و میوه جات و قتی پخته می شوند مقداری از ویتامین آنها در آب شان حل می شود که لازم است آب آن نیز مورد استفاده قرار گیرد قلت ویتامین، باعث امراض ذیل می گردد:

مرض سکو روی که علائم آن خستگی، پریدگی، رنگ و آما سی دست و پا می باشد خون شدن پیره های دندان و وقت شدن دندانها سپید شدن قبل از وقت گریب و سرما خوردگی - خونریزی لثه ها و ویر جلد - سستی و خستگی در فصل بهار

بقیه در صفحه ۵۳

باشید، برای اینکه دستگاه ها ضربه تان بصورت درست کار کند و با لایحه برای اینکه اعصاب تان آرام باشد، با یستی ویتامین «ب» مصرف کنید.

دستچاب ویتامین ب قرار ذیل تشریح می شود:

ویتامین اب: چون این ویتامین در جسم انسانها ساخته شده نمی توانند باید بیشتر از طریق خوردن غذا وارد جسم گردد، فقدان این ویتامین ب موجب التهاب و توام و باعث مرض اعصاب بنام پری پری می شود، موجودیت ویتامین اب در بدن میتواند فعالیت قلب، کنترل اعصاب و عضلات را خنجر انجام دهد.

خوابی اعصاب، نفس کوفته و حس ماندگی و ضعف نسبت به قلت ویتامین

و خیم باعث کوری چشم می گردد، همچنان فقدان فن باعث شب کوری و امراض جلدی شده و از قدرت و توانایی و دفاع بدن در مقابل بیماریهای عفونی میکاهد.

منابع مهم ویتامین «آ» جگر، شیر، زردی تخم، پنیر، روغن ماهی، زردک زردآلو سبز یجات تازه می باشد.

اگر در صورت تان دانه های سیاه می باشد که دور آنرا بر جستگی های سرخ رنگی احاطه کرده است و گاهی دانه های سفید رنگی که چرک دارند و در سینه و پشت شامه از این نشورات (دانه های خردی که در پوست بدن ظاهر میشود) دیده میشود، باید بیشتر از ویتامین «آ» استفاده کنید در وقت پختن غذا برای نگهداری ویتامین «آ» لازم است که غذا در ظروف سر بسته

نخست با ید بدانیم که ویتامین چیست؟

ویتامین ها مرکبات عضوی هستند که موجودیت شان به اندازه معین در جسم حیوان و یا نباتات ضروری بوده و از عدم موجودیت آنها عوارض و اختلالات تا - مطلق بی در جسم زنده بار می آید. فکر وجود ویتامینها زمانی شروع شد که ملاحظه کردند اشخاصی که مدت های طولانی غذای پخته و یکنواخت صرف میکردند به عوارض دچار شدند که هرگاه به آنها غذای تازه می دادند میشد آن نواقص رفع میگردد، موضوع دیگری را که باید دانست اینست که ویتامین هم مانند سایر مواد ضروری بدن مثل آب، املاح، نشایسته و غیره مورد احتیاج بدن می باشد و لسی هیچگاه به تنهایی خود سبب نمو و تقویه



اب است قشر برنج، جو یا ت مخصوصا لوبیا، جگر، کچالو، نخود و گوشت دارای مقدار زیادی ویتامین اب است.

ویتامین ۲: عدم موجودیت این ویتامین در بدن باعث کم شدن وزن و پیدایش زخمهای جلدی مخصوصاً به اطراف گوشها و دهن می گردد و نیز نوعی مرضی را بار می آورد که علائم آن التهاب پوست، اسهال و کودنی می باشد پس برای اینکه نواقص بالا را از وجود خود دور کرده باشید بیشتر از ماهی خیمه ماهی، گوشت، لوبیا، تخم مرغ، ترکاری و شیر استفاده کنید.

ویتامین ۳: این ویتامین اهمیت زیادی برای اشخاص مضطرب، عصبانی و بیخواب دارد و باعث نبوی حجرات می گردد کمبود ویتامین ۳ در بدن باعث

پخته شود زیرا در اثر عمل او کمیدی، این ویتامین از بین می رود. احتیاج روزانه بدن به ویتامین بیش از ۳۰۰۰ واحد است.

ویتامین کمپلکس از جمله تمام انواع ویتامین «ب» تنها پنج عدد آن برای انسانها اهمیت دارد که عبارتند از (ویتامین های اب، ۲، ۳، ۶، ۱۲، پی) این ویتامین ها در آب منحل بوده و تمام شان بنام ویتامین بی-کمپلکس یاد میشود.

اگر میخواهید که زیاد عمر کنید و همیشه جوان بمانید این ویتامین را

(ویتامین ب) از یاد نبرید و اگر مسیر شود بیشتر آنرا به شکل طبیعی اش مصرف کنید.

شما برای اینکه یک قلب قوی داشته

جسمانی شده نمی تواند و نمیتوان تنها با ویتامین ها زندگی را به پیش برد. ویتامین ها نظیر به حل شدن خود در آب و جری به دو دسته تقسیم می گردند دسته اول ویتامین های که در آب حل میشوند و عبارت اند از: ویتامین (ث) و ویتامین های مربوط به فامیل ویتامین (ب).

گروه دوم ویتامین های هستند که در جری منحل می باشند مانند: ویتامین، ویتامین «دی»، ویتامین «کا» و ویتامین «ای».

برخی از ویتامین های که برای انسانها لازم است در ذیل ذکر می گردند:

ویتامین «آ»: وجود این ویتامین در غذای روزانه کاملاً ضروریست چه کمبودی این ویتامین در بدن موجب بیماری نرمی قرنیه چشم گردیده و در حالات

زیست‌شناسی های رنگارنگ آب

موتورانی بدون کمک دست

موتورانی حتی بدون کمک دستها ممکن است - صنعت موتور سازی برای معیوبان موثر های به دیزاین های مخصوص ساخته است - تصور کنید موتوری را که میتوان بدون دست راهنمایی کرد، وقتی بواسطه زانو دکمه را فشار دهید دروازه های موتور باز میشود ، در حالیکه راننده به صورت اتوماتیک با کمربندی به چوکسی بسته میشود .

این یک اختراع برای درپوران تنبل بوده، بلکه یک ضرورت غم انگیز برای گروهی از مردمان شدیداً معیوب است که از طفولیت بدون بازو ها یا پاها زندگی میکنند . این اشخاص جوان که دستهای شان به شانه های آنها وصل اند یا پاها ی شان مستقیماً از لگن خارصه نمو کرده، قربانیان مصیبت صنعت دوا سازی هستند که یکی از بزرگترین تکنیکهای عصبی بیست سال اخیر است اینها اطفال «تالید امید» هستند .

در جمهوری فدرالی آلمان بیش از پنج هزار طفل کانتراگان وجود دارد اینها بعد از فروشی دوا یی تحت نام تجاری «تالیدامید» شناخته شده اند و در دیگر نقاط جهان تقریباً یک هزار نفر ازین قربانیان وجود دارد .

بعضی از آنها فعلاً به حد اقل عمر موتور رانی رسیده اند و فقط فرصت دارند که حرکت قابل ملاحظه در آنها بوجود آید . صنعت موتور سازی آنها را با دیزاین های مخصوص که به نوع معیوبیت آنها تطابق داده شده آماده ساخته اند .

بکار بردن طریقه های میخانیکی عملی، چیز هایی اند که این موتور هارا از مدل های عادی امتیاز میدهد . برای یک درپور بی دست طور مثال یک استوانه را در جای پاید ل عوضی اشتراک معمول قرار داده اند .

موتور با گیر های اتوماتیک مجهز شده به این ترتیب که وقتی پای راست طور معمول مصروف برك واكسلتر میشود پای چپ راهنمایی موتور را با دوردادن و فشار دادن آله که بجای اشتراک است عملی میکند . «کانتراگان» مثل دیگر «تالید امید» هادر سال

۱۹۵۷ به بازار آمد و بزودی منجیت یک مسکن محبوبیت پیدا کرد . تا چند سال اخیر معلوم نبود که این دوا برای جوانان نتیجه بد میدهد درین سالهای

اگر مقر رات قوی بین المللی اتخاذ نشود . این حیوانات زیبا که در سراسر هفت بحر جهان مورد شکار انسانها قرار دارد شاید به زودی از صفحه گیتی نیست و نابود گردد .

ماهی گیرانیکه توسط چنگک به گرفتن این نوع ماهیان می پردازند اظهار میدارند که این ماهی یعنی ماهی (تونا) یک ماهی خیلی زیبا ، شجاع و سپورتی

ماهی ایکه در حال نابود یست

میباشد . تونا شایهیر آبی دارد و در اقیانوسها پیدا میشود و از نظر جسامت از همه ماهیان بزرگتر بوده و بیش از یک هزار و چهارصد پوند وزن دارد .

ماهی مذکور شصت میل فی ساعت در میان بحر حرکت میکند و ازین نگاه در میان همه ماهیان ابحار ممتاز میباشد .

این ماهیان بزرگ در تمام

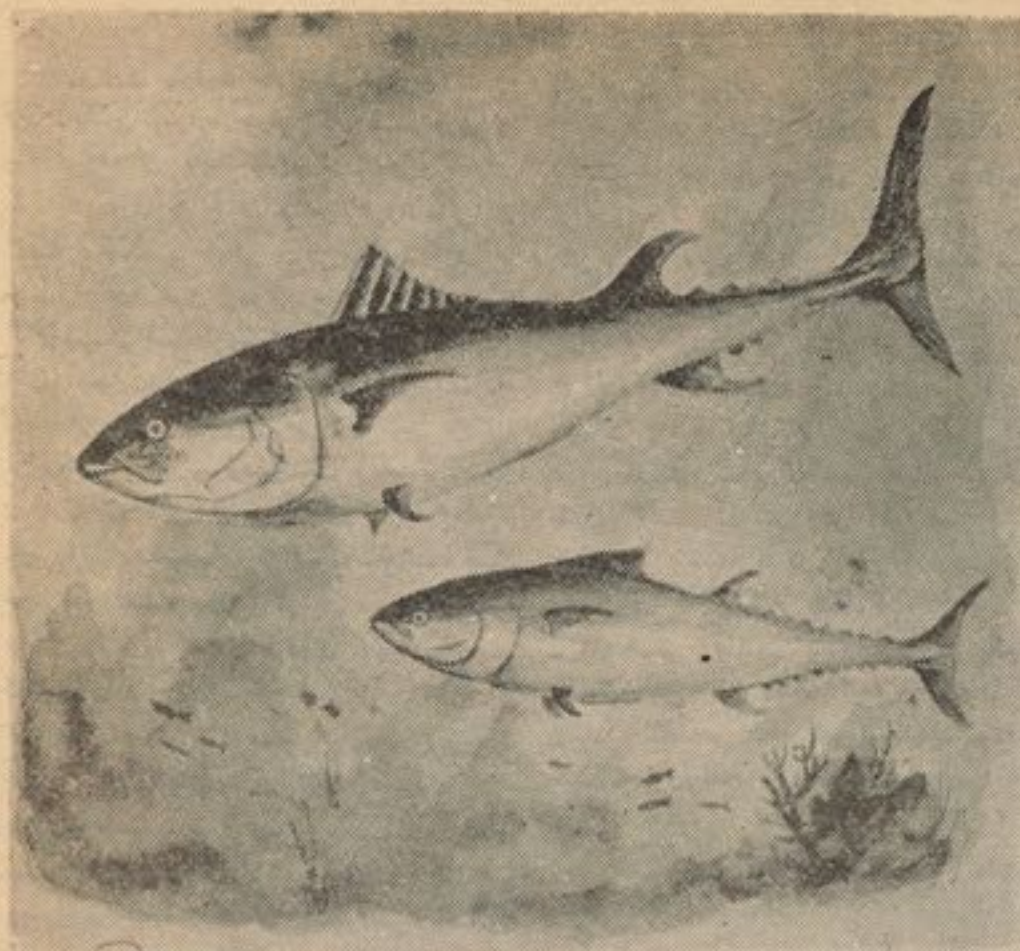
میلیون مارك بالای آنها مصرف شده تا بسیاری از آنها كمك شده و به زندگی نسبتاً نزدیک به زندگی طبیعی خود ادامه دهند . سلسله تولید تالیدامید ها قریباً تمام جهان را بخود جلب نمود و بر پیمانه های بیشتر سخت گیری کنترل بیمه بین المللی را بر صنایع دوا سازی مخصوصاً به منافع مادرها خواستار شدند .



این قربانی دوا ی تالیدامید ها با وجود داشتن دستها میتواند مثل هر همن و سالی موتور خود را «تالید» کند . موتور یک نوع مخصوص فلکس واگون گلف است .

ابحار با همنو عان شان به گردش می پردازند و از آن دسته ماهی ها محسوب میشوند که بصورت خیلی وسیع و زیاد از طرف ماهی گیران جهان شکار میشوند و در بازارها بفروش میرسند .

اما شاید شکار ماهی تونا بزودی انجام پذیرد زیرا ماهیگیران و متخصصین حیوان شناسی ابحار اقتصاد دیون و تاجار همه متفقاً میگویند که جمعیت ماهی تونا نوع بلوفن (دارای شپهر آبی) به سرعت



میگویند که جمعیت ماهی های تونا روبه انقراض رفته است .

مدرن روز به روز زیاد می شوند ساحه شکار ماهی های مذکور نیز فراخ و فراخ تر شده می رود و تمام قسمت های ابحار را فرا میگیرد . متخصصین پیشگو می میکنند که تقاضای مردم جهان برای خریدن ماهی تونا ، در سال (۱۹۹۰) به مقدار ده بلیون پوند خواهد رسید . همچنان متخصصین مذکور اظهار میدارند که تا سال (۱۹۸۰) منابع ماهی نوع تونا ، خیلی محدود خواهد گردید و حتی بسوی نا بودی پیش خواهد رفت .

این نوع ماهی در پنجاه سالگی به مرحله جوانی میرسد و یک ماهی ماده آن در حدود پنج میلیون تخم گذاشته میتواند ، باروری تخم های ماده توسط نطفه ماهی نر چندان روشن نیست اما اینقدر معلوم است که فعالیت های تجدید نسل بدو ساحل بحر او قیانوس و بحر مدیترانه وجود دارد .

با وجودیکه نوع ماهی تونا ی بلوفن قسما بآثر موافقات بین المللی و مقررات دولتی ، حمایت میشود اما این خیلی روشن است که تعداد نفوس آن رو به کم شدن است .

یکی از متخصصین این رشته میگوید که شکار ماهی های بزرگ بقیه در صفحه ۵۷

طبق معلومات دفتر ماهی گیری ملی در سال (۱۹۷۵) در حدود دو صد ماهی گیر امریکائی مجهز با دام های فوق الذکر در بحر اقیانوس و بحر الکاهل به ماهی گیری مصروف بوده و از معلوماتی که بدست آمده آنها با ارزش تخمینی یکصد و پنجاه میلیون دلار ماهی بدست آورده اند که البته قیمت آن بعد از طی مراحل باارکازی ، سورت و رساندن به سوپر مارکت ها تا رسیدن به دست مصرف کننده پنج چندانیت متذکره بوده که باین صورت ارزش سالانه آن به بیش از یک بلیون دلار میرسد .

وقتی این ارقام را ، در پهلوی تقاضای روز افزون ، برای ماهی تونا در نظر بگیریم فشاری که از جانب انسانها ، بر این نوع ماهی بخصوص به نوع شاهیر آبی آن ، وارد میگردد خیلی بیشتر تشویش خواهد بود کشور های که به شکار انواع مختلف ماهی تونا ، مصروف اند شامل کشور های شرق بحر الکاهل الی غرب اقیانوس بوده تقریباً تمام اعضای کشور های ملل متحد را در بر میگیرد و از نگاه تقسیمات جغرافیائی میتوان از کشور های مانند گوستاریکا ، سینگال ، کوریا ، پیرو و هالند نام برد . همچنانکه دسته های کشتی های که ماهیگیری ، بادام های جدید و

تونا در حصص مختلف ابحار گسترش یافت . امروز کشتی های ماهی گیری مجهز با وسایل الکترونیکی میباشند که در هر نقطه از بحر که لنگر اندازد میتواند دسته های ماهی تونا را ، در عمق پنجاه میل بحری نشان دهد .

در اواخر سال (۱۹۵۰) جاپانی اوقیانوس آرام فرستادند و تا سال ها کشتی های خود را به بحر ۱۹۶۰ تلاش جهانی برای شکار ماهی بخصوص ماهی تونا آغاز گردید .

شکار ماهی تونا به چندین طریق امکان پذیر میباشد . یکی از این طریق ها که جاپانی ها از آن استفاده مینمایند عبارت از قرار دادن ریسما نیست که در روی آب بحر به طول پنجاه میل کشیده می شود و ریسمان مذکور که در هر قسمت آن یکپهزار و پنجصد چنگک طعمه دار وجود دارد به عمق دوصد فیت بدخل بحر فرو می رود و بدین ترتیب شکار ماهیان صورت میگیرد .

ماهی گیران امریکائی ماهی تونا را بادام های قسم عمودی بدست می آورند و کشتی های بزرگ ماهی گیری که قیمت هریک آن بیش از پنج میلیون دلار می باشد ، بعضاً ظرفیت گرفتن دو هزار تن ماهی تونا را دارند ، و دام های عمودی این کشتی ها که از نیلون تیار میشود تقریباً یک

رو به نابودی میروند و اگر اقدامی در این مورد صورت نگیرد دامن زندگی ماهی مو صوف بکلی از میان آبهای جهان چیده میشود . به مشکل میتوان اظهار نابودی این نوع ماهی بزرگ را قبول کرد زیرا در امریکا اعلانات ماهی تونا ، به شدت بخش و خیلی زیاد درجه جا دیده میشود و در بازار ها به پیمانه زیاد به فروش میرسد و مردم فکر میکنند که ماهی تونا تمامی نخواهد داشت .

شعبات تجارتی امریکا باسابق ارقام قابل قبول سال (۱۹۷۵) وانمود می سازند که مقدار (۵۶۸) ملیون ماهی تونا در امریکا بدست آمده و ازین مقدار چهار و نیم بلیون ساند و یک ماهی نوع تونا ، تهیه گردیده است .

در سال (۱۹۷۴) طبق احصائیه سازمان خورا که و زراعت جهان بیش از سه و نیم بلیون پوند ماهی نوع بلوفن ، در تمام جهان توسط ماهی گیران شکار و به بازار ها عرضه گردیده است ، که زاید از چهل فیصد رقم مذکور از طرف ماهی گیران امریکا و جاپان بدست آمده است .

با وجودیکه ماهی گیران از یک قرن قبل باین طرف ما هیان عظیم الجثه بلوفن را ، در خلیج مینس شکار میکنند و بیش از هزار سال است که برای گرفتن ماهیان یاد شده در سواحل اسپانیا



این ماهی ها شاهیر آبی رنگی دارد که به کثرت در او قیانوس پیدا میشود .

بدخل ابحار ، دامهای گسترده شده است ، اما صرف طی یک ربع قرن اخیر است که کشتار جهانی ماهی نوع بلوفن به پیمانه رسیده که زنگ خطر را ، برای ماهی گیران ، متخصصین حیوان شناسی و موسسات اقتصادی و تجارتی به صدا در آورده است .

بعد از جنگ جهانی دوم بآثر رشد تکنولوژی جدید کشتار ماهی در شکار ماهی از طیاره و کشتی های موتر دار نیز کار گرفته میشود ، باین ترتیب که توسط آنها ماهیان تونا بصورت دسته های بزرگ جمع گردیده و به طرف دام رانده میشوند .

بدخل ابحار ، دامهای گسترده شده است ، اما صرف طی یک ربع قرن اخیر است که کشتار جهانی ماهی نوع بلوفن به پیمانه رسیده که زنگ خطر را ، برای ماهی گیران ، متخصصین حیوان شناسی و موسسات اقتصادی و تجارتی به صدا در آورده است . بعد از جنگ جهانی دوم بآثر رشد تکنولوژی جدید کشتار ماهی

با پیروزی مترقی در اوایل قرن بیست و فرو ریختن شیرازه جهان کار مزدوری و پیروزی توده‌های زحمتکش، دوران نوین گذار از سرمایه داری به جهان رفاه و ترقی و انسانی آغاز گشته، سیستم جهانی مترقی بوجود آمده، جنبش کارگری و مترقی جهانگیر شده، کاخ سیستم استعماری کهن فرو ریخته و جنبش های آزادی بخش ملی وسعت و اوج یسابقه ای یافته است، درین پیروزی های بزرگ توده های میلیونی زحمتکشان آسیا، افریقا و امریکای لاتین نقش عظیمی داشته اند، با پیروزی جنبشهای مترقی مفهوم وسیع کلمه جهان خود بدو قسمت مجزا گردید، سیستم مترقی جهانی بوجود آمده، خلقهای آسیا، افریقا، و امریکای لاتین به تشکیل احزاب مترقی و گروههای سیاسی پرداختند و مبارزات قهرمانانه خویش را با کلیه متحدین آن به مقیاس جهانی به لب گور رسانده به اعصار جامعه خویش در جهت خوشنکامی و پیروزی توده های میلیونی کشور های خویش همت گماشتند، اکنون دیگر مبارزه بین جهان مترقی و جهان جنگ و ظلمت به محور زندگی اجتماعی مبدل گردیده است، جنبش های آزادی خواهانه و مترقی در کشور های مختلف جهان بیش از پیش به جمع آوری قوا پرداخته و با تجمع در یک جبهه مقدس بر دشمن سرمایه یورش برده و کاخهای سرمایه داران قصر نشین را یکسره ویران نموده بالای خرابه های آن اساس و بنیاد زندگی نو، مترقی و انسانی را میگذارند جهان در مجموع چنین میگردد.

در وضع کنونی که مبارزه بین دو سیستم جهانی، مبارزه و نبرد بین کار و سرمایه و مبارزه بین خلقهای کشور های در بند کشیده شده و امپریالیسم به مضمون عمده دوران ما مبدل گردیده است، هر روز بیش از هر وقت دیگر جنبش های آزادی بخش ملی در کشور های جهان سوم، جنبش طبقه کارگر در کشور های سرمایه داری و جنبش مترقی جهانی به پیروزی های شگرفی نایل گردیده و قدم بقدم امپریالیسم مرتجع را به شکست های پیاپی دچار میسازد، امپریالیسم جهانی دیگر در حالت نزع است، در هیچ عرصه ای از زندگی کاری را از پیش برده نخواهد توانست.

تشکل و تکامل پدیده ها بصورت فوری صورت نمیگیرد بلکه رشد کمی پدیده ها، رشد از مراحل سافل به مراحل عالی و تکامل است، سیر تکاملی پدیده ها مسیر یست مارکسیستی و مملو از موانع، با فرازونشیب، سیر یست که نو و پدیده های مترقی با انواع موانع بر میخورد، به شکست مواجه میگردد، دوستان و متحدین خویش را از دست میدهد اما باید گفت که این شکست ها موقتی و گذرا و موقتی بوده و سر انجام پیروزی و فتح و فتح نصیب امر نو و هر آنچه مترقی و رشد یابنده است میگردد، پیروزی مرحله نوین تکامل انقلاب شکوهمند تور یکبار دیگر عملا با ثبات رسانید که دشمنان و مدعیان سوگند خورده مترقی و انسانی به مفهوم وسیع کلمه بهر اندازه ای که تلاشهای مذبحخانه بخرچ دهند، جلو رشد پیروزمند امر نو و مترقی موانع ایجاد نمایند، از رشد روز افزون پدیده های مترقی و رشد یابنده

جلوگیری نمیتوانند.

چه در هر جایکه ارتجاع در صدد آن برآمده تا در قبال تکامل پدیده ها و امر نو موانع ایجاد نماید، رسوا گردیده و بیش از پیش جبهه سیاه خویش را افشا نموده است، رسوایی هاییکه در این اواخر نصیب ارتجاع جهانی و در راس آن نصیب امپریالیسم امریکا گردیده است ماهیت بلند و منحوس آنرا بهنگان واضح و آشکارا نمود و یکبار دیگر عملا با ثبات رسانید که امپریالیسم جهانی متجاوز است و غارتگر و هر آنچه مترقی و ارتقا را داشته باشد دشمن درجه اول غارتگران جهانی قرار میگیرد.

باشکست و ناکامی نقشه های امپریالیستی و انضای جواسیس معلوم الحال چون امین یکبار دیگر عملا امپریالیسم منتضح گردید، این افتضاح و رسوایی امین و ناند

عطا راد مرد

افتضاح امپریالیسم

امریکا و متحدین

چپ نمای آن بیش از پیش چهره

دوستان دروغین خلقهارا

بر ملا میسازد

جنايتكارش به آتش خشم و غضب امپریالیسم و در راس آن خشم و غضب سرمایه داران مستر امریکایی افزوده و بیش از پیش متوجه افغانستان انقلابی گردیدند (۱) و عملا از حاکمیت امین و باند آدمکش وی دفاع کردند و ...

این باصطلاح سیاستمداران نمیدانند که در مقابل نیروی پر توان و بزرگ توده های زحمتکش قرار دارند و در قبال آنها یعنی در مقابل خلقهای رزمنده و قهرمان افغانستان انقلابی قرار گرفته اند، آنها فراموش کرده اند که

این وسیع ترین توده های رنجبر و زحمتکش افغانستان بود که سه بار امپریالیسم انگلیس را به شکست مواجه نموده و از این وطن قهرمان الی لندن فراری ساخت، مگر آنها نمیدانند که از بیست هزار عسکر مهاجم در خاک افغانستان صرف یک نفر داکتر بنام برایند نیمه جان از این وطن جان سلامت برود، مگر فراموش کرده اند، هرگاه در طول تاریخ کسی بخاک سرزمین مقدس افغانستان

چشم طمع دوخته چشمانش را از حقیقه درآورده ایم، مگر بخاطر ندارند که امپریالیسم جهانی چندین بار به قصد عملی کردن نقشه های سوم خویش اقدام نموده اما این نقشه های سوم و شیطانی همه در نقطه خنثی گردیده است و قبل از اینکه در عمل مورد تطبیق قرار گیرد رسوا و بد نام گردید.

امپریالیسم امریکا در مقابله و مبارزه بر ضد کشور های جدید به استقلال رسیده متحد دیگری نیز سراغ نموده و هر دو با وحدت در یک جبهه تا مقدس بر ضد ترقی و آزادی توده های زحمتکش جهان جنایات بزرگی را مرتکب میشوند، ماشین جنگی آدمکشان امپریالیستی در گوشه و کنار مختلف جهان کشتگان بشماري از خود بجا گذاشته است، خلقهای زحمتکش جهان شاهد بوده و خوب بخاطر دارند که این امپریالیسم بود که در طول تاریخ به سرزمین کشورهای

قاره ذکر شده تحمیل کرد که در نتیجه بیش از بیست میلیون از انسان ها صرف در جنگ جهانی دوم فدای هوا و هوس و خواهشات شیطانی امپریالیسم جنگ افروز گردیدند. همین اکنون ما شاهد فرو ریختن سیستم سیطره استعماری و پیروزی جنبش های رهایی بخش ضد امپریالیستی بوده و ناظر ایجاد حکومت ملی و دموکراتیک هستیم، ما عملا مشاهده مینماییم که با اتحاد سه نیروی عمده دوران یعنی جنبش جهانی مترقی، جنبش طبقه کارگری در کشور های سرمایه داری و جنبش های آزادی بخش ملی در کشور های جهان سوم جبهه وسیع ضد امپریالیستی ایجاد شده و با ضربات پیاپی که بر پیکره نیمه جان امپریالیسم جهانی وارد می آورند بیش از هر وقت دیگر زمینه شکست قطعی تجاوزگران امپریالیستی و زمینه پیروزی مترقی را فراهم نموده و با نیروی پر توان و ظفر آفرین موج به موج و از یک پیروزی به پیروزی دیگر گام نهاده و بر پیکره بی جان ارتجاع نفرین می فرستند.

نفرین بر متجاوزین و مستمران امپریالیستی! افغانستان قهرمان و انقلابی و خلق پیروزمند این وطن گرانمایه چندین بار عملا با ثبات رسانیده اند که هیچوقت و در هیچ نوع شرایطی تحت اسارت و بندگی حیات پسر نبوده و هر آنکسی که اقدام به اسارت آنها نموده و دست اندر کار شده تا خلقهای آزاده عمارا در بند کشد و محو و نابود گردیده است و بحکم تاریخ و به اراده رزمنده خلقها و توده های زحمتکش جامعه خویش با غرور و سر بلندی اعلام می - نماییم که هیچ قدرت اهریمنی ارتجاع جهانی توانایی اثر ندارد تا در قبال اراده توده های میلیونی زحمتکشان ما اقدام نماید و عملا هیچ قدرت شیطانی و اهریمنی جهان نیروی پایداری و مقاومت را در قبال پیشروی های سبیل خروشان جنبش و نهفت خلقها ندارد. ماهه جرئت اظهار کرده ایم و بار دیگر با صراحت لجه اعلام میکنیم که با سر بلندی در جاده نبرد اجتماعی و به امید فردا های روشنتر و فروزانتر، زندگی وطن و وطنداران عزیز خویش تا آخرین دقایق زندگی مبارز هوشیار و سرباز فداکار بوده و در این راه دشوار از هیچ نوع فداکاری و قربانی های بشمار فروغ نماییم. این وعده ای بود، سوگندی بود که فردا فردا اعضای صادق حزب دموکراتیک خلق افغانستان در همان روز های نخستین تشکیل کنگره موسس و ایجاد حزب دموکراتیک خلق افغانستان در مقابل خلق غیور و با شهامت خویش اظهار کرده بودند و تا آخرین لحظه حیات خویش بدان وفادار و صادق اند، این وعده، یعنی وعده آشتی ناپذیری با ارتجاع و مبارزه با اشکال و انواع ارتجاع در عمل تحقق پذیرفت. حزب دموکراتیک خلق افغانستان فشرده با خلقهای قهرمان و مردم زحمتکش افغانستان عزیز بر مواضع ارتجاع، استعمار و امپریالیسم یورش برده و خوشکامی و آزادگی را با خود به ارمغان آوردند، زندگی آزاد و سر بلند که ما اکنون بدان فخر نموده و بخود میبایم تحفه و هدیه نیست بلکه محصول مبارزات قهرمانانه و شجاعانه خلق زحمتکش افغانستان است.

بیگانه تجاوز کرده وزن و مرد، جوان، پسر - مردان و پسر زن را بخاک و خون کشید، اطفال بیگانه را زنده زنده بگور نموده و از اجساد کشتگان پشته ها ساختند، این امپریالیسم امریکا بود که قریب بیش از سی سال جنگ، ماشین جنگی خود را در ویتنام قهرمان بحرکت درآورد، آبادی هارا ویران نموده و زنده هارا از زندگی و حیات محروم ساخت، این امپریالیسم امریکا بود که خلق عرب فلسطین را از سرزمین پدری شان رانده و آنها را آواره ساخت و این امپریالیسم امریکا نیست که از آسیا گرفته تا افریقا و امریکای لاتین زحمتکشان را به خاک و خون کشیده و از منابع سرشار طبیعی مناطق متذکوره استفاده می برد، در جواب این همه سوالات مطرح شده باید گفت که بلی این امپریالیسم امریکا ست که آنها جنایات را بر ضد بشریت و انسانی و بر ضد ترقی الجسم میدهد، این ارتجاع جهانی است که دو بار در اروپا جنگهای اول و دوم جهانی را بر خلقهای

در این او آخر امپریالیسم با استفاده از جیل گوناگون در صدد آن برآمده تا با بکار بستن نقشه های شوم خویش بطرز ملایم و ظریفانه و بطور نامریی خلقها را در بند کشیده و مانع جنبش و نفوذ آنها گردد. سردمداران امپریالیسم جهانی بکمک و همکاری بیدریغ شوونیستان چینی در این بخش مشترکا وظایف خویش را انجام میدهند. از جمله آنها با فرستادن نمایندگان و جواسیس خریدار شده به پوند و دارل امریکایی و رسوخ دادن آنها در دولت و پستهای مهم و عهده حکومتداری و بدین وسیله سرهم بندی کردن کودتا های ضد ملی و ضد دموکراتیک امپریالیستی و ارتجاعی از جمله اهم وظایف آنها را تشکیل میدهد، اما باید گفت که با تشکیل سیستم جهانی مترقی که تکیه گاه مصلحتی برای سایر نیروهای انقلابی و مترقی بوده و در هر لحظه و در سایر شرایط و هروضع با نیرو های انقلابی، مترقی و وطنپرست بوده است و خواهد بود، چه سیستم جهانی مترقی در جهان پاسدار صلح است و یگانگی مدافع آزادی، انسانیت و شرف انسان و هر آنکس که بر ضد آزادی، انسانیت و شرف انسان قد علم نموده و یا صف آرای نماید به شکست رقتباری محکوم میگردد، اینست قانون حتمی و عینی زندگی اجتماعی.

زندگی اجتماعی و مبارزه اجتماعی خودداری عرصه ها و بخشهای مختلف و گوناگون است و طبعاً در اینهمه عرصه های زندگی فاکت ها و حقایق بیشماری وجود دارند، آنهمه فاکت ها را باید بشمار گرفته و موشگافانه آنهمه را مطالعه باید نمود، مطالعه و بررسی پدیده ها و فاکت ها نباید بشکل تجریدی صورت گیرد، قانون همیشگی و قبول شده برای مطالعه و بررسی فاکت ها و پدیده های اجتماعی چنین است که:

مجموع فاکت ها و پدیده ها را باید جمع - آوری نمود، بعد از جمع آوری آنهمه پدیده های جمع آوری شده را دسته بندی نمود، فاکت ها و پدیده های نامساعد را مساعد ساخته و به نفع روند تکامل از آنها استفاده برده و فاکت ها و پدیده های زشت، نابکار و ضد ترقی را یکی بعد دیگر از صحنه هستی نیست و نابود کرد.

مبار ها گفته ایم و بار دیگر با صراحت لجه اعلام میداریم که سبب اصلی همه آلام و بدبختی خلقهای زحمتکش در منطقه و جهان امپریالیسم و نوکران چاکر صفت آنها بوده و این امپریالیستان غارتگر انگلیزی و امریکایی بودند که سرمایه های وطن را غارت کرده و دسترنج خلق زحمتکش ما را نزدیند و در بانکهای امریکا و اروپا برای خود و یاران جنایتکار شان به امانت گذاشتند، خلقهای زحمتکش و قهرمان جهان ذمه ت میکشند و عرق میریزند اما حاصل دسترنج آنان را نزدان جنایتکار امریکایی و انگلیزی به جیب می ریزند، کشور های آسیایی و افریقایی را تحت استیلا قرار میدهند اما از جیبشان آزاد دم میزنند، هر روز هزاران نفر از خلق های در بند کشیده شده را بطرز فجیعی بقتل میرسانند اما از انسانیت و دموکراسی دم میزنند، ثروت های مادی و معنوی خلقها را غارت میکنند اما از شرف و آزادی و مصونیت دم می زنند و جنبش بحق و عادلانه خلقها و توده های زحمتکش را خائنانانه و بنام های مختلف

عنوان مینمایند جنگهای تجاوزکارانه ای که در طول تاریخ، امپریالیسم بر خلقها تحمیل و در اثر آن هزاران و میلیونها انسان بخت و خون کشیده شده است، لکه های ننگیست برداشتن امپریالیسم جهانی و در راس برداشتن امپریالیسم امریکا. اگر به مبارزات و تلاشهای مذبحخانه امپریالیسم امریکا و متحدین چند نمای چینی آن نظری انداخته شود پس منظر آن موشگافانه بررسی و مطالعه گردد، بخودی خود می رساند که امپریالیسم یعنی سرمایه داری در حال احضار چه شکست امپریالیسم امریکا در آسیا و قفقاز بر آب گردیدن آنهمه نقشه های تبه شده در زراد خانه پنتاگون و دست یابی کشور های قاره ذکر شده به استقلال ملی و تشکیل حکومت مستقل ملی و دموکراتیک تعیین و انتخاب راه رشد و گسترش پیوند ها با ارتجاع و تشدید مبارزه این کشور ها بر ضد امپریالیسم و اشکال و انواع استعمار و تشکیل جبهه واحد ملی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی در این کشور ها و تشکیل خلقها و توده های زحمتکش و در ضمن مبارزه بی امان، وسیع و گسترده ای به منظور دست یابی و حصول استقلال اقتصادی، جدو جهد و مبارزه بر ضد انواع و اشکال فرهنگ استعماری و... همه و همه دال بر شکست امپریالیسم و استعمار بهر شکلی که باشد، بوده و هیچ نیرویی را قدرت و توانایی فرار از این قانون عینی و جبری تکامل نیست.

اکنون که کشور های چندی بخصوص در آسیا و افریقا از قید ستم استعماری رها یی یافته اند با سواهای زیرین عواجه اند، از کدام راه باید رفت؟ باچه کسان متحد باید شد؟ باچه نیرو های باید جنگید... و یک سلسله سوالات متعدد دیگری که در قبال مبارزه و جنبش خلقها بعد از پیروزی عرض اندام مینماید، طرز قابل قبول و ارزنده ارائه جواب به سوالات مطرح شده است که میتوان گفت ارائه جواب به آنهمه سوالات مطرح شده، آنهم ارائه جواب قابل قبول و منطبق با واقعیات است که میتوان با انتخاب راه رشد قابل قبول شکل ارزنده در این بخش به ایفای رسالت و اجرای وظایف بشکل ارزنده آن پرداخت، در وظایف کنونی مبارزه علیه امپریالیسم و کلیه اشکال استعمار باید گفت که در وضع کنونی با در نظر داشت خصوصیات وضع کنونی اهداف و در ضمن وظایف کنونی مبارزه علیه امپریالیسم جدا باید در نظر داشت که با استفاده از پیروزی های پی اندری مترقی به مفهوم وسیع کلمه و شکست رقتبار امپریالیسم و ارتجاع جهانی و تغییر توازن قوا بسویه جهانی برفع ترقی و بر ضد ارتجاع و نیرو های امپریالیستی باید بیش از پیش رزمندگان راه حق و عدالت و ضد امپریالیسم را تقویت نمود و بهم فشرده و فشرده و متحد باهم بر دشمنان یورش برده و یکی بعد دیگر آنها را از صحنه زندگی و هستی معدوم ساخت.

سیر حوادث و طرز و شکل تکامل و وسیع شدن نیرو های مترقی و انقلابی و شکست و اضمحلال سیستم استعماری و فئال هران چیزی که کهنه است بخودی خود می رساند که نیرو های ضد انقلابی و ضد ترقی اجتماعی گر نعره سر دهند، روزه کشند، گلوله باره

نمایند و در این زمینه عرق افشانی نمایند که کاری را از پیش برده نخواهند توانست و برخلاف امر تکامل و پیشروی و در مقابل سیر رشد یافته تکامل اقدام به عملی خود به فنا و مرگ مدعیان سوگند خورده امر تکامل اجتماعی تمام میشود و این روندیست که هیچ نیرویی را توان فرار و گریز از آن نیست و هر آنکس که بر خلاف این مسیر پیروزمند و قانونمند اقدام نماید، در این راه گردن خود را خواهد شکستاند

و طنداران گرافندر افغانستان عزیز! بیش از پیش به محو نیروهای دشمن پرداخته و یکی پی دیگر شکست های پیاپی به آنها وارد نمایید!

امپریالیسم جهانی در راس آن امپریالیسم امریکا در نتیجه شکست های بزرگی که به وی تحمیل شده در این اواخر هار گردیده و بیش از پیش وحشی و در اینجا و آنجا فعالیت های خرابکارانه و دور از انسانیت را انجام میدهد، جدا توجه داشته باشید که امپریالیستان زیرکانه در صدد تخریب همه ی تان کبر هفت بسته و تلاشهای مذبحخانه و تب آلودی در این زمینه انجام میدهد.

امپریالیسم جهانی محکوم به شکست است. پیروزی و خوشکامی خلقها آینده جنبش را تشکیل میدهد!

از سوتنیک

ترجمه نصیر (ابوی)

یکبار دیگر کاربن فعال در خدمت انسان



زمانی که در اپریل ۱۹۱۵ مصادف با جنگ اول جهانی گاز های سمی مورد استفاده قرار گرفت تنها شش هزار نفر را به دیار عدم فرستاد. و بالین ابدی شان را احبار سیاه و سخت - گزید. گوا اینکه دانشمندان بعدها در هر کشوری با تب و تاب زیاد مصرانه در صدد بودند راهی بیابند تا بدین روال یک ممانعت معافله بی مقابل گازات سمی به میان آزند و وسایلی را انکشاف بدهند که بوسیله آن بتوانند سم هارا بزدایند طمعت ها این درگیری و همه پرسی در حلقه های علمی برای زدودن گازات سمی در بین کار - سناسان جریان داشت تا اینکه یکتا از پروفسران اتحاد شوروی نیکولای ولنسکی طرح وسیله را ریخت تا بتوان حداقل با بکاربری آن سم بال - خص گازات سمی را زدوده او وسیله ای را بکاربرد که در آن تیوپ با ماسک را برای جاسازی شده بود و کاربن فعال منبسط فلتر خشک در آن عمل می کرد. نظیر وسایل بالا بعد ها همه گیر تر شد و حتی از داخل آزمایشگاه راهی به جوامع و حتی پیاده نمایی در شفاخانه ها باز کرد.

و بالاخره دل ارزند این عنصر راه تورا برای پیشرفت درازمنه سال کشود.

در انکشاف تند و سریع صنعت کیمیایی و صنعت فلزی ای که استواری به خدمت گیری مواد خام ملغز دار داشت منتج به یک افزا یش قابل توجه مقدار دای سلفاید در برخی کشور ها گردید. و این مساله سلامتی جهانیان را به مخاطره و هوا را آلوده میساخت و قدمی بود در جهت آلودگی محیط و میرفت زدایی وی رسیده تا با استعمال کاربن فعال تا جان عده ای را بگیرد. ولی امروز نوبت سم منبسط جاذب بتوان موادمسمی را دفع و مهار کرد.

این سری فعالیت های کیمیایی استواری به تطهیر مواد با استفاده از کاربن فعال منبسط جاذب دارد جاذب های گره ای بیشتر در بین

از کاربن فعال در عمل پیوند اعضا و سم زدایی خون استفاده میشود.

راه مورد استعمال دارد. یک روش برای تصفیه نمایی دود مناطق صنعتی بوسیله دانشمندان و کار آگاهان انستیتوت منرال شناسی اتحاد شوروی انکشاف داده شده است و یک چنین استفاده دیگر از کاربن فعال در تصفیه آب مشروب و آبجاری میا شد.

دوین تازگی ها جایش را در کنار مسایل طبی یافته است. در یک یادداشتی چنین گفته شده است. (مادری برای ربع ساعت کودک پنج



اړخ کی کار هم کوی . خو بله ډله
پی بیا دکار سره دومره علاقه
نه پښی او یوازی دژوندی پا تسی
کیدو دپاره لاس او پښی وھی . چی
به پای کی تر بیه کوو نکي دحيوانانو
څخه خورا لږ هغه خپل حيوا نی خوی
او بوی له منځه وړی دی خو په
هر ځای او هر نندا ر تون کی چی
نو مو پی حیوانات عملا کار کوی
واقعا ډیر په زړه پوری وی سا ری
په توگه : هغه وخت چی یو فیسل
پرغت توب (گیند باندی خپله موازنه
سا تی ، یو اړ دلمر دوړا نکسی
سره سم کتیری او یا یو زمري ویوی
لوړی نه یو ددو موا زی دسیا نو
باندی خیزی .

ږغوی . په داسی حال کی چی پیا نو-
یست زړه وړو نکو نغو ته لوړوالی
او قیمت والی ور کوی . نندا ره چیان
ددی ویبستان لرو نکو مو سیقی یو-
هانو هیجان را وړو نکي کنسرت
له کبله به لوړو خندا او چکچکو
یوزون جوړ کړی وی . بیانو څلور
بیزو گانی ، ویتا ، شاپا او کیتسا
او یکور کا دا کرو با تیک نندا ری
پیل کړی . وازه آسان څغوی ، پسر
خادو با ندی لاسو نه تینگوی ، پر-
کړیو سر کنډی وھی مو ترسا یکل ،
بایسکل او موتر ان چلوی



It would seem the chimpanzee

پیانو ږغونکی اشمب (بیزو)



په انسا نی نړی کی دبیزو غونډی کړی .
بل دا سی مخلوق نشته چی موږ ته
دی دو مړه زیات ور ته . او په کړو
او وړو کی دی مو کټ مټ پېښی
و کړی . هغه وخت چی سړی دوا-
لنتین ایوانوف او وانداد شوروی-
اتحاد دسرکس هنر مندانو لسه
خوادشمپا زیا نو دتر بیه شوی ډلی
نداره له نژدی څخه وو ینی ، رښتیا
هم یو ځل بیا هغه پخوا نی او لر-
غونی حقیقت ور ته دا په زړه کوی .
نو هغه وخته چی ایوا نوف په
۱۹۶۰ کی دسرکس په ساحه کی
بیزو ، لوبغاړو ته تشکل ورکړ ، دانثرو-
پاید اړز دنورو روزل شوو حیواناتو
په گډوډلو کی دا څر گندی شوی
له هغه نه راورو سته ایوا نوف او
شمپانو پی په سرا سر رو سیه کی
سفر وکړ او په بلغا ریا ، فنلیند ،
آستر لیا او جا پان کی پی دمهمانی
په زړه پو ری نندا ری ور ته تمثیل

داسی ښکا زی چی گوا کی-
شمپانزی کټ مټ دسرکس دندندارو
له پاره پیدا شوی وی . هو مړه
څیرک ، کړندی او فعلا لیتو نو ته-
چمتو وی . دحيوا نا تو متمرکزول
یوسا ده او آسا نه کار نه دی ، ځکه
له شاو پوا څخه پی یو خورا خفیف
آواز هم ددوی تو جه گډ و ډ وی او
دتر بیه کوونکی امر ته غوږ نه ږدی
نا ری ور با ندی وهل او یا سر-
زنش ور کول کو مه گټه ور ته نه
لری . شمپ خورا زړ خپه کپیری چی به
دی ډول دکار کو لو څخه مخ اړ وی
او تښتی .
البته دا پېښه تصا دفی نه ده چی
یوازی نن دی تر کار لاندی نیول
شوی وی . او سرکس همیشه ددو
ډولو حیوا ناتو سره چلند کوی .
چی یو ډول پی دژوند کو لو سره په

ټولې شا مېيا نې دخپلو پر لاسه
پسې لو بو ته يا پښت ور کوي.
خو په مها رت با ندي دهغوی دزده
شوو لوبوڅخه څر گند پېری چی د
هغوی دهری لو بی به زړه کړه باندي
خومره کو تېښس ، زیار ، او حوصله
سر ته رسيد لی دی . ځکه نا آزا می
شمپانی باید دلو مری خورا آسا نه
اوورته شیان زده کړی . دا هم
دوی ته ډیره وی چی یسوازی د
لس ، پنخلس دقیقو پوړی پهجوکی
باندي آزا می کشینی دسر کسس
درسایي څخه دباندی شمپانی دیو
ورو ما شو ما نو په خیر وی . باید
نرېښی څار نی لاندي ونيول شی یعنی
په یوه داسی هوا کی وسا تل شی چی
ډیروج او تیز بد لون پکښی نه راځی .
او معمولا د اته لس او شل سانتي
گرادو در جو په شا خوا کی وی .
چی حتی په دو بی کی لاهم ، دشپي

اسمعیل صخره

د انگلستان دولسمی پېړی نامتو لیکواله ښځه :

اتل لیلیان وینېچ اودهغی نامتو انقلابی رمان گدفلای (خرمگس)

په پېړه برلین ته لاړه او ددريو کلونو زده
کړی څخه وروسته یې د پیاوځانگه کی
بری لیک تر لاسه کړ ، په همدغو کلونو کی
وه چی د ادبیاتو او ټولنیزو علومو سره مینه
پیدا کړه ، او ددی په زړه کی دهغو انسانانو
مبارزی چی دځلکو او خپلواکی په لاره کی
یې کولی ستر شون او ژون پیدا کړ . او
وروسته له دی په دامریکسی دستر شاعر
(والت ویتن) شعرونه به یې تل ژبه باندي
وه : والت ویتن دآزادی تر عنوان لاندي
داسی وایی : (ای خپلواکی ا پریدم چی
نورکسان تاته ایمان ونلری ا
خوزه تر وروستی سلگی پوری په تایمان
لرم اووه یې لرم ...)

اتل لیلیان وینېچ د ۱۸۸۷ کال په پسرلی
کی روسیې ته سفر وکړ او هیواد ته د بیرته
راستیدو په وخت کی یې د (میخائیل وینېچ)
سره چی دلېستان یوسترانقلابی و او انگلستان
ته تېښدلی و ، واده وکړ . په کال ۱۸۹۳ کی
دکاشین ، کوکول داستایوسکی ، سچدرین ،
اوسپنسکی او نورو روسی لیکوالو دآثاروپه
ژباړولو لاس پوری کړه .

په کال ۱۸۹۷ کی یې دگدفلای (لوی مچ)
نامتو اثر ولیکه او خپور یې کړ دا داتل
لیلیان لومړی زمان و . دگدفلای دمتو اثرڅخه
دری کاله وروسته دوهم زمان یې چی (جک-
دیویند) نومېږی ولیکل شو او خپور شو .
اتل لیلیان پخپله دغه زمان کی هم دکلیسا
دخادماتو قضاوت او دیا کاري څرگندوی اوپه

اتل لیلیان وینېچ د انگلستان دستر ښو-
اچرچ پول) په کورنی کی د ۱۸۸۴ کال دمی
پیاښتی په پولسمه نیټه وزیږیده ، د هغی
پلار دریاضیاتو پروفیسور و او مور یسې د
ټولنیزو موضوعاتو په شاوخواکی مقالې
لیکلې . دهغی دموآگا (جرچی اپورست) ډیر
نامتو جغرافیا پوه وه او دنړی ډیره جکه قله
ممالیا دغرونو ۸۸۸۰ متریزه قله دده ته خوا
تج او نوم یې پر هغی باندی ایشودل شوی
ی .

(اتل) دکوچنیوالي څخه اړتیا او یې دزلس
سره آشنا شوه ، لا یوټیم کلنه شوی و ،
یې پلاری مېشو ، پس له دی نه چی پلاری
جهان څخه سترگی پټی کړی ددی اونوروڅلور
خو پسند و پا لته او روزنه د مور په
تلم ولویده . مور یې هم دغه لویه کورنی
زریاضیاتودښوونکی په توگه په مشکل سره
بالله . خو دواټلونکی ستره لیکواله ځلانده
استعداد ډیر ژر وڅلیده ، هغی د فلسفې ، ادبیاتو
لو او موسیقۍ زده کولو باندی بوخته شوه .
دهدغو دواو علومو په منځ کی یې موسیقۍ
سره ډیره مینه ښودله اوخپل زیات وخت یې
موسیقۍ په زده کړه تېروله په ادبیاتو کی
ومړی دانگلېسی ستر شاعر (ویلیام بلیک)
شعارو سره مینه پیدا کړه او وروسته بیاد
انگلستان دستر لیکوال (ویلیام شکسپیر) او
چارلز دیکنز) له آثارو سره آشنا شوه .

په کال ۱۸۸۳ کی ډیره لږه اړتیه ورته
رسیده او هغی ددغی اړتیی په اغختلو سره

کوته کوی او دغه دانسانانو صادق ؟
خدمت کاران رسوا کوی .

په کال ۱۹۰۴ کی (الیویاتنام) نومسې
اثر یې له چاپ څخه ووت . داد اتل لیلیان دریم
نامتو کتاب دی . په کال ۱۹۱۰ کی یې د
(شلیدلی مینی) تر عنوان لاندي رمان ولیکه
او خپور یې کړ ، دغه رمان پهجنوبی امریکه
کی دگدفلای دژوندانه په باره کی دی ، په
کال ۱۹۱۱ او وروسته کلونو کی داوکراینی
ستر شاعر(لیماتوف) شعرونه یې په انگلیسی
ژبه واپوله او خپاره یې کړه .

اتل لیلیان وینېچ د موسیقۍ څخه هم غافله
پاتی نشوه او څو سمفونی گانې یې تصنیف
کړی ده چی دهغی (بابیلون) نومی اوراتوریو
ډیره په زړه پوری ده . دلېستان دستر موسیقۍ
پوه شوېن (لیکونه) ، دهغی دنورو کارونوڅخه
شمیرل کیږی .

په کال ۱۹۴۴ کی چی اتل لیلیان وینېچ
اتیاکلنه وه خپل بل رمان چی (بوټونه دی
وباسه) نومېږی ولیکله او خپره یې کړه .
پدغه اثرکی هم یو ځل بیا د (گدفلای)

فعالیتونه او مبارزی ښیږی . دغه رمان
دگدفلای دمورنی کورنی په شاوخوا باندي
لیکل شوی دی . او اوس راځو د (گدفلای)
(لوی مچ) نامتو رمان باندي :

گدفلای چی ددغی انگلیسی لیکوالی ډیر
پیاوړی اثر دی د لومړی ځل لپاره په کال
۱۹۸۷ په انگلستان او امریکه کی خپور
شو .

پس له هغه نه هرڅوک چی دکتاب سره
مینه لرله دارمان په یې لوستل ، اوبیاوستل
اوبیا ... ځنی کسان به ډیری شپې ددغه اثر
دلوستلو څخه وروسته په زوره زوره ژول او
سپار له خونړیو سترگو اوپه ډیر ژړه ورتیا
سره پداسی حال کی چی دخپل هیواد اوملت
دآزادی په لاره کی هرزاسرښندنې ته چمتو
وو ، په ورځنی ژوندانه به بوختیدی .

د (گدفلای) په رمان کی دولسمی پېړی
ددریم او څلور مولنیزو به په اوږدو کسی
د (ځوان ایطالیا) دسازمان وطن پالونکی
فعالیتونه ښودل شوی دی .

پدغه وخت کی دایطالیا دولت دنابلشون
دپوځونو دپړی وړی کیدلو ته وروسته په اتو
بیلوبیلو ایملتونو باندي ویشل شوی و اود
اقریش دپوځ په لاس کی و . دروم د پاپ
(دکاتولیکي کلیساژبیس) داتریشی یرغلکړو
پلوی کوله . دایطالیاملت هم ددغو دووغلیماتو

تر فضا د لاندي ژوند کساره او کسیدل .
دایطالیی یرمختلونکی قوتونه او خلک ددغو
اته گونو هیوادونو په یووالی او دیو واحد
دولت دتاسیس ضرورت باندي ټینگار کول
اوداطریشی فرمانروا یانو پر ضد د مسلې
خپلواکی لپاره مبارزه روانه وه .

(ژوزف مازینی) دایطالیی نامتو انقلابی چی
دخپل هیواد څخه شړل شوی وه کال ۱۸۳۱
د (ځوان ایطالیا) دپت سازمان بنسټ کېښود .
(ځوان ایطالیا) چی هیڅکله دپولیسو دتعقیب

څخه خوندي نهوه دایطالیی دملت په مبارزاتو
کی یې ډیره ونډه درلوده اوپه پای کی
همدغه جنگیالی سازمان بریالی شو چی هیواد
یوموټی او متحد کړی . درمان پیل د ۱۸۳۲
کال پوری اړه لری . پدغه کال کی خلک
دایطالیی په بیلوبیلوسیمو کی په وسله والو
قیامونولاس پوری کول او اطریشیان دکورنیو
مرتجعینو په مرسته دغه قیامونه په کلکه سره
ټکول . پدغو ټکونو کسی په غلیم ډسره
بیرجمانه کارونه سرته رسول .

د (گدفلای) په نامتو اثر کی موږ د ټول
ملت په قیامونو او وسله والو پاڅونونو په
شاوخوا کی ډیر مطالب نه مینده کوو . سره
له دی چی دایطالیی دتاریخ دغه مرحله دسترو
پاڅونونو اوسله والو مقاومتونو څخه ډکه
وه .

دلیکوال ټوله غیرتیا درمان داتل داتلوالیو
اودهغه د کرکتر دتصویرلو په شاوخوا کی
څرخي . او لیکوال دیوفرد اتل والی تش یح
کوی .

دکتاب داتل (گدفلای) ستره اتل والی هغه
وخت ښه ښکاري چی دی دژاندارمو سره
مخامخ کیږی . دلته لیکوال په ډیر ښه شان
دهغه فرد اتل والی چی یواځی پاته دی او د
خپلو ملگرو دمرستی څخه محروم پاتی شوی
دی ، ښیږی . دغه اتل فرد نورهیڅوک او هیڅ
شی نلری پرته له ایمان څخه کله چی یو

مبارز د مبارزی په اوږدوکی دخپلو ملگرو
مرسته احساسوی دغه احساس دهغه د عمل
اوزده ورتیا باندي اغیزه اچوی اوهغه مبارزی
ته هڅوی څو کله چی یو مبارز یوازی پاتی
شی اویا په جیل کی واچول شی دهغه دآزموینی
ډیره ښه وسیله ده اوهلته ده چی ددغه مبارز
زده ورتیا او د شان څخه تیریدنه ښه
معلومیدلای شی . پدغه وخت کی دی چی مبارز
یې له دی څخه چی پافاش وغواړی او دهغه
زده ورتیا اوسر ښندنې څو وروینی پدغو
اتل والیو لاس پوری کوی او له خپل ایمان
څخه دفاع کوی .

اتل لیلیان وینېچ په ډیر مهارت سره
دهمداسی یواقل مبارز څیره ترسیموی اوپه
عین حال کی دکلیسا ددرواځتنو خادینو د
غیري څخه نقاب بیرته کوی . د (گدفلای)
درمان لیکوال خپل دغه نامتو رمان دجرايدو
او خبرونو پر بنسټ نه جوړوی بلکی دځلانده
او ژوندیو څیرو په خلقول لاس پوری
کوی . رمان دسر نه تر پایه پوری انسان ته

د عشق او ډیری ژوری مینی څخه ډکه ده .
د مبارز (گدفلای) څیره د نړی په ادبیاتو
کی ترټولو ځلانده مبارزه څیره ده اوهمداسی
هم یو رښتینی څیره ده اتل لیلیان وینېچ د
یوی پوهی ښځی په توگه او همدا رنگه دیوی

ستری لیکوالی په توگه ۹۶ کاله ژوند وکړه
او په کال ۱۹۶۰ دژوئیی په ۲۸ نیټه دنړی
څخه ستر کی پټی کړه .

د (گدفلای) رمان تر اوسه پوری د نړی
په ډیرشو ژوندی ژبوپول شوی دی او په
هره ژبه کی څو څو ځلی بیا چاپ شوی اوبیا

هم له بازار څخه ورک شوی دی . دا ځکه چی
دغه ستر اثر ډیر مینه وال درلود او اوس
هم لری اوپه واکونو کی به هم ولری .



زموږ عصر چې د کار کړي جنبشونو او انقلابي نهضتونو دوران او پانګوالو نظامونو څخه سوسیالیستي ټولنو ته دودې او تکامل زمانه ده او دغیري پانګوالی ودی له لاری دې طبقو ټولنو دجوړښت محتوی لری نو دغه حالت ډېل هر وخت څخه زیات دمنورو ځوانانو پراوړو باندی یولی درانده مسئولیتونه او ټولنیز رسالیتونه ایښدی چې موږ یی اوس یوازې دکلتوري انقلاب په برخه کی ددوی په رسالت او مسئولیت باندی چغینو :

منور ځوانان دټولنی هغه روښانه قشر او ستر قوت دی چې دتورو طبقو او قسرونو په پرتله ډیر ژر کولی شی چې کسارگری ایډیالوژی زده کړی . لکه دشوروی اتحاد دعلومو داکاډمی رئیس چه په ۱۹۳۶ کال په دغه هکله ویلی دی :

27421

شک نشته چی په ملیقاتی ټولنو کی دکتوری
انقلاب ضرورت ډیر زیات احساس دی څکه
چی په دغه راز ټولنو کی زحمتکشان دمعنوی
او ذهني کارونو څخه محروم اویې برخې وی
او اکثریت زیار ایستونکی ددرندو جسمی
کارونو سره سرو کارلری چی دغه کار په
خیل ذات کی ددی سبب کیږی چی ددی
کلتوری برخه محدوده پاتی شی. دلته داخبره
دیادولوپو ده چی کلتوری انقلاب هم یوفوری
عمل نه دی بلکی دایوه تدیریجی داوم لرونکی
پروسه ده او دیشپړه عملی کیدو امکان یی
هغه وخت موجود دی چی خلک هغه ته اړتیا
پیدا کوی او یوازې فرمانونه او الفاظ نشی
کپای چی په ټولنه کی کلتوری ژور بدلون منځ
ته راوړی لاکن ددغه اړتیا بنسټ هم با ید
دخلکو پرمادی ضرورت باندی ټکیه وی زموږ
زیار یستونکی ځوانان باید دادرک کپي چی
په کلتوری انقلاب کی باید دهر څخه لومړی

جوانان وطن پرست :

ژونلون

اقتصاد اصل مهم زندگی خانواده

سخنی چند با خوانندگان این صفحه

در این جای شکی نیست که در اثر ظلم او استبداد امین و باند فاشیست وی یکجمله از جوانان ماقلم بر زمین گذاشتند اما امروز مخصوصا پس از تحول مرحله نوین تکامل انقلاب نور زمینه های پیشرفت و تیسارز استعداد ها در همه ساحات زندگی فراهم گردیده است با استفاده از موقع و آزادی های که داده شده است دوباره قلم بگیرد و آنچه را که مردم واجتماع مآبدان نیاز دارند بنویسد.

زیرا این آثار کثی است که میتواند اذهان را روشن بسازد و احقاقی زندگی آگاهی لازم حاصل بدارند. پس در خواست ما و خواهش ما از شما جوانان با فرد اینست که با فرستادن مطالب متنوع بیشتر با مجله تان همکاری نمایید تا از این راه بتوانیم مجله که بتواند ذوق خوانندگان ارجمند را ارضاء نماید تقدیم آنها بداریم با امید همکاری های ویرانه تر نماید.

خوانندگان ارجمند و گرامی این صفحه بارها خواهش ما از شما این بوده که با مجله خود با مجله خانواده ها و مخصوص به صفحه مورد علاقه تان همکاری نمایید. يك عده دوستان این خواهش ما را پذیرفته اند و با نوشته های با ارزش و زیبای شان منت بر ما گذاشته اند. ولی یکجمله دیگر کمتر علاقه گرفته و اگر هم دلچسپی نشان داده اند و مطالبی فرستاده اند که کمتر بدرد بخور مجله و مخصوص این صفحه بوده است.

توقع ما از خوانندگان این صفحه اینست که با ارسال مطالب متنوع دلچسپ و خواندنی بیشتر ما را در این راه یاری دهند. مطالب خواندنی و انقلابی، ترجمه های دلچسپ و جالب از مجله مطالبی است که بیشتر جوانان ما به آن علاقه مندی نشان میدهند حالا که باختم همین شماره پاور آستانه سال نسو میگذاریم و نشریات تازه سال ۱۳۵۹ را آغاز میکنیم با مجله محبوب تان همکاری بیشتر ویرانه تر نماید.

اگر يك روز همسر تان معاش را که با هزار درنج و مشکل ت و زحمت بدست می آوردی خرج مصارف بی جانماید چه خواهید کرد؟ آیا جادو و جادو را برپا خواهید کرد، یا هیچ چیز نمی گوئید و همینطور دست روی دست میگذارید و به رویش می خندید؟

فکر میکنم وقتی که يك ماه زحمت میکشید تا بولی بفرض خرج و خوراك خود و خانه تان بدست می آورید اگر آن راهمسر تان یا شخص دیگر که مسوولیت پیشبرد امور منزل تان را بعهده دارد بیبوده مصرف نماید زیاد هم برایتان خوش آیند نخواهد بود و شاید هم عصبانی شوید...
متاسفانه يك عده خانواده ها از روی بی توجهی و یا از روی بی تفاوتی کمتر در مسائل اقتصاد خانواده فکر میکنند و همین امر باعث میگردد که این خانواده ها با مشکلات مسايل اقتصادی دست و گریبان باشند و کمتر موفق به زندگی خانواده گسی گردند. اقتصاد که ركن اساسی زندگی امروزی را تشکیل میدهد با يك سلسله تدابیر میشود این پدیده مهم زندگی و حیات خانوادگی را بصورت درست و



اما بهتر است قبل از این که عصبانی شوید یا جادو و جادو را برپا دارید موضوع مصارف و خرج منزل را کنترل کنید. البته این امر وقتی امکان پذیر و قابل تطبیق است که زن و شوهر و یا هر کس که مسوولیت پیشبرد امور منزل را بعهده دارد تا اندازه به اقتصاد و ادوات آشنا باشد. ضرور نیست که هر زن و شوهر حتما مقصد باشند و این علم را در فراگولته و یا مدرسه فرا گرفته باشند. بلکه برعکس بهتر است مدرسه در این زمینه خود خانواده و خانه است. اگر زن و شوهر بتوانند خرج و دخل خانواده را منظم سازند و بین این دو توازن و بیلابیلی بوجود بیاورند بدون شك آن خانواده، از نظر اقتصادی به مشکلاتی روبرو نخواهند شد و این امر گفتگو ها و جادو و جادو های خانوادگی را که بیشتر آن ناشی از عدم اقتصاد ناسالم بروز میکند پدید نخواهد شد. و قتی که بین زن و شوهر در این زمینه تفاهم وجود داشته باشد هر يك بنوبه خود میتوانند وظایف محوله را به بهترین شکل آن ایفا نمایند.

يك نکته را باید یاد آور شد که اقتصادیك مملكت و يك ملت بستگی به اقتصاد خانواده ها دارد. و همین اقتصاد خانواده هاست که اقتصاد ملت و مملكت را میسازد. صرفه جویی در امور منزل یکی از خصوصیات شماره ۵۲

بنابراین بر جوانان است تا با تفاهم و درایتی که دارند نگذارند که اقتصاد خانواده های شان که ارتباط مستقیم به اقتصاد عمومی دارد صدمه ببینند و این مامول وقتی برآورده میشود که از مصارف بی جا جلوگیری بعمل آید و توازن معقول بین عاید و مصرف ایجاد گردد.

آیا تلفون برای رفع مشکلات است یا قصه گویی و پر حرفی؟



عصری که ما زندگی میکنیم عصر تکنالوژی و ماشین است و انسان این عصر توانسته ماشین را در خدمت خویش قرار بدهد و از آن استفاده برد. اما بعضی ها این وسایل طوری استفاده می برند بجای اینکه سپر لت های را فراهم سازد برعکس باعث آزار و اذیت یکجمله میشود. مثلا یکی از این وسایل تلفون است. این وسیله ارتباطی که سالها مورد استفاده عام و خاص قرار گرفته و میگیرد و شکل معقول و مثبت آن اینست که تا از این وسیله در مواقع عاجل، و زمانی که دسترسی و تماس با طرف مقابل وقت و زمان زیادی را میگیرد به زودترین فرصت ارتباط قایم کرده و مشکلات انسان ها از این راه مرفوع گردد. اما بدبختانه یکجمله آگاه و ناخود آگاه از این وسیله بشکل نا معقول آن استفاده می برند. که بیشتر باعث ناراحتی و مزاحمت دیگران میگردد.

طبق آمار و احصائیه های بدست آمده بیشتر کسانی که به تلفون صحبت میکنند و



زیاد پر حرفی می نمایند زنان اند. ولی این شکل عمومیت ندارد هستند مردانی که تلفون را گرفتند دیگر خدا میداند که چه وقت آنرا سر جایش میگذارند اما بصورت نسبی می گویند که زنها بیشتر پر حرف قرارند تا مردان. و علت این پر حرفی هم بخاطر اینست که زنها نسبت به مردان کمتر مصروفیت دارند.



بقیه در صفحه ۲۷

مبارزه در راه نجات کامل خلق ما از انواع اسارت مادی و معنوی جزو وطن پرستی، جز وفا داری و عشق ورزیدن به وطن و مرد م بالا خره جز پیکار علیه نظام فئودالیزم و بقایای آن و علیه استعمار و امپریالیسم دیگر هیچ گناهی نداشتند. امین نیز از آن جهت با زنان شریف کشور خصوص می و نزدیکه فرزندان صدیق، پیکار جو وطن پرست و انقلابی به جامعه خویش تقدیم کرده بودند و از دیرزمان به این طرف درفش کار و پیکار انقلابی را برافراشته بودند. امین بود گناه زنان مبارز و وطن پرست کشور ما که امین بنابر همین گناه شان آنها را از آغوش گرم خانواده ها و اطفال شان در دخمه های زندان می فرستاد.

اما در افغانستان در دوران امین جلاد اسیر و زندانی میگردیدند. زنان از راه مبارزه ساقط میشدند و بالاخره زنان در برابر بدترین فحشو و دشنام، تو هین و تحقیر را ند امین قرار می گرفتند، نفرین بر امین و امینیان خاین.

امین غافل از آن بود که نمیتوان خلق، منجمله زنان را برای همیشه در بند اسارت نگهداشت بخصوص در دوران ماکه عصر رهایی خلق عنوان گرفته است. اما

امین چنان در وفاداری به فرمان و اوامر - امیر یالیزم امریکا و سازمان خرابکار سی - ای سای غرق شده بود که از هرگونه اندیشه و تفکر در مورد انسانهای بلا کشیده جامعه ما دست گرفته و فقط دلتی بسته به دایره و چشمش به امریکا و گویا شش به فرمان کار تر بود.

امین در طول رژیم فاشیستی خود میلیون ها افراد و اشخاصی زحمتکش جامعه ما را از هستی ساقط کرد، از وطن تبعید و فرار نمود. میلیون ها خانواده را سرد و ماتمزه ساخت اندیشه های انقلابی را در آنها ن توده ها جلوه متنی داد، مبارزه و وطن پرستی را قلب ماهیت داد و سر انجام در نتیجه اعمال خائنا نه امین بود که هم اکنون دهل تبلیغاتی امیر یالیزم علیه افغانستان انقلابی و دوستان صلح پسند آن بیش از حد صدا در آمده است.

امین گرچه به ظاهر از خلق و انقلاب سخن می زد اما او به هیچ وجه به خلق و انقلاب ایمان نداشت او از سنگر انقلاب و از تحت درفش اید یالوژی انقلاب علیه انقلاب و آرمانی های انقلاب ما خصمانه مبارزه میکرد آیا میتوان او را حتی در لفظ هم انقلابی خواند؟ هرگز ازیرا امین هر کجا که انقلابی را سراغ میکرد به زندان می انداخت و ترور میکرد. لکه ننگی - ترور هزاران انقلابی و حتی کسی را که خود همواره بهترین آموزگار انقلابی می گفت به شکل فجیعانه به شهادت رسانید میتواند از دامن سبای و خون آلود امین پاک شود؟ آیا خاطرات دوران کشت و خون بر ساقه امین از یاد خلق زوده خواهد شد هرگز!

بلی امین از جلادان دوران بردگی و از خونخوار قرون وسطی و از تروریستان دوران امپریالیسم کاملاً پشی گرفته و با فرا تر نهاده بود، او روی همه جلادان راستی



فاطمه د. نیرو

امین جاسوس با زنان شرافتمند و پیکارجوی کشورما خصومت میورزید

برین ادعای من صحت میزند. امین از تبعید و شکنجه و کوب و کوب و زندانی ساختن زنان هدفمند و چیز فهم جامعه ما هیچگونه دریغ نکرده است. هر روز می دیدیم که زنان را از خانه و محل کار و حتی از روی سرکها جوجه جوجه سوی شکنجه گاه ها و زندان ها قرون وسطائی خود می فرستاد.

هو طنان شریف ما با وجود یک هر یک خود در بساط سوغات نشسته و بیاد یکی از وابستگان خوش اشک می ریختند، قضاوت کنند که در کدام دوره بی از جبارترین امراء و سلاطین کشور ما چنین عمل وحشیانه صورت گرفته است که کودکان و زنان با خشم و خشونت شکنجه و تهدید و بدبها تحویق و تحقیر با توهین و ناسزا از کانون های گرم خانواده های آنان به صوب شکنجه گاه های حیات سوز و زندان های هتسری افکن کشانیده شده باشند. کدام امپرو سلطان جابر و خونریز مانند سلطان امین جلاد، تا این حد وحشیانه، زنان شریف، پیکار جو و وطن پرست را که تازه پادر عرصه کار زار زندگی سیاسی نهاده بودند تبعید و زندانی ساخته اند باید به صراحت گفت: که امین در شکنجه و تهدید و توهین و تبعید و زندانی ساختن زنان روی همه جلادان و دشمنان صلح و آزادی راه اصلاح گشتن کرده و سفید ساخت.

زنان شرافتمند ما چه گناه داشتند که هر روز در چنگال خون آشام امین قرار می گرفتند؟ بجواب باید گفت: که گناه امین زنان جز

و فیکه بیانات فتنی، عوام فریبانه و به ظاهر انقلابی امین جلاد را از نظر نگذاریم ملاحظه خواهیم کرد که او در هیچ بیانیه خود سخنی در باره زن و نقش آن در حیات اجتماعی و بخصوص در باب کار و پیکار زنان رزمجو و وطن پرست ما در جریان پانزده سال مبارزات طبقاتی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، بر زبان نیاورده است. امین امر خود مویده آنست که امین عمیقاً با زنان آگاه و پیکارجوی ما خصومت ورزیده و با این هم اکتفا نکرد، او و دستیاران جنایتکار او هر روز زنان را جوجه جوجه به سوی زندان بل چرخ می کشانید. زیرا امین از تشکل و نیروی رزمنده زنان آگاه کشور هراس داشت تا مبادا همانند مردان و دیگر افساد زحمتکش جا معه، روزی پرده از جنایات او برداشته و به زعم این جاسوس زنان نیز برای او و باند تروریستی او فرد سر گردند.

بلی: امین هم مانند دیگران باطن، خلق و انقلاب ما دشمنی عمیق داشت زنان را نیز نمی گذاشت که در راه اعتلای وطن و سرافرازی خلق و تکامل انقلاب شان متحدانه بزمند اما این ادعای خاص من نیست که در مورد امین و امینیان خاین می گفتم، بلکه اعمال ضد ملی و ضد دموکراتیک او، بخصوصی اعمال وحشیانه او در برابر زنان فحیب کشور ما است که در آتیه قضاوت تا ریخ و توده های زحمتکش افغانستان عزیز

ارزش های حیاتی شیر مادر در زندگی و صحت اطفال

شیر مادر یگانه مغلوب غذای عالی و مکمل است که دارای همه ای مواد ضروری زندگی و عوامل مقاومت دهنده بوده و رایگان بدسترس مادران است، پاک غازی از مکروب و مفید است لطفاً به همه مادران دنیا بخصوص در کشور های عقب نگذاشته شده ابلاغ فرمائید که هیچگاه طفلک زیبا و دوست داشتنی از شیر خود محروم نسازند چه بزرگترین وظیفه مادر و شرط اصلی و اساسی مادر بودن هما نا شیر دادن اوست مادر یکی به طفل خود شیر خود را نمی دهد ممکن خاتم خوب، مغو خوب اجتماع و بالوی با سلیقه باشد اما بهیچوجه نمی توان آنرا مادر خو برنامید

بقیه در صفحه ۵۸



ترجمه : ع، س

چرا زنهار یمل میزنند؟



اش را باز کرده و از پودر و غیره مواد در دست داشته استفا دهیم یا ید. بعد از اینکه به سوی آینه نگاه کرد در فکرش سوال خطور میکند : «چطور است!» و با خود جواب میگوید (همه در جا یش قرار دارد).

فقط این مرد ها ست که به ایسن اسرار پی نمیبند و گاهی سوال میکنند «چرا زنهار آرا یش میکنند؟» امروز در جهان آرایش بسیار مروج است. این هم اتفاق نیست زما نی که مسا بقات در ین قسمت بر گزار میشود صالون از علاقمندان مملو میبا شد. این مسا بقات علاوه از داشتن جنبه کلام نشان دهنده هنر فن مذکور میبا شد.

بطور مثال زما نی که مسا بقه جریان دارد تما شا چی فکر میکنند که شخص مورد نظرش حتما نمره عالی را تصاحب خواهد کرد اما برعکس حکم مسا بقه آنرا نا چیز از زیا بی میکند.

در یکی از این نوع تما یشات که در مسکو صورت گرفت حکم قضاوت دقیق و عادلانه خود را به تمام شایان به اثبات رسانید. قسمیکه تما شا چیان بعدا متوجه شدند واقعا در بعضی قسمت ها تقایص آشکار وجود داشت. طور مثال آرا یش بطریق صو رت گرفته بود فکر میشد که یک چشم نظر به چشم دومی



آنها را نور مال میسا زد. همینکه زن به صو رتشن در آینه نگاه کرد و متوجه شد که هنوز جدا بیت را از دست ندا ده یکنوع احساس روانی نموده که این حادثه در کارهای روز مره اش کمک فراوانی مینماید.

یکتعداد زنهار حتی اعتراف می کنند که تا وقتی ریمل نزنند نمی توانند به کار روز مره آغاز نمایند. بطور مثال متوجه شده با شپیسد همینکه زنی عصبی شد بکس دستی

بعضی ها مزاح کنان میگویند : آرا یش از روز اول بد نیا آمدن انسان بوجود آمده است. اما اگر به واقعیت برگردیم دیده میشود که زنهار از زمان های بسیار قدیم به آرا یش توجه خاصی را مید و میداشتند و تا ریحجه آن بسیار طولانی میبا شد.

در حال حاضر لوازم آرا یش کشف شده است که به زمان بسیار قدیم تعلق دارد با این میله کو چک زنهار برای آرا یش لسهای شان استفاده میکردند و همچنین مردم در مصر قدیم و یونان از آرا یش بدور نمیرفتند و از وسایل دست داشته اسفا ده میکردند. این نکته نیز اتفاق نیست که در مجسمه های که مسا بقه چندین هزار ساله دارند الفاظ (اگر مقبول هستی خوش باش) حک شده است.

در حال حاضر روان شناسان بدین معتقدند زنهار بعد از اینکه از خواب بر خاستند در مقابل آینه می ایستند و به آرا یش سروصورت شان آغاز میکنند. این عمل برای زنهار یکنوع تمرین است که اعصاب



مقام زن

- ۱- زدن زن با شاخه گلی هم سزاوار نیست.
 - ۲- وظیفه یک زن درست نمودن اخلاق و تهذیب شوهرش می باشد.
 - ۳- زن نیمی از بیکر اجتماع است ...
 - ۴- عشق هر ض است ولی زن پرستار این مرض ...
 - ۵- تمام افکار و تعلیمات یک مرد به محبت و صداقت زن نمی ارزند.
- ولتر
- فرستنده : عبدالملك شرف



شعر زیرین ، بنام «وصیت خزانی» دایزترین شاعر عصر ما بابلونرودا سروده ولوئی آرا گو ن شاعر و نویسنده بزرگ معا صر فرانسوی ، دو ستش ، پس از مرگ غم انگیز نرودا ، چند ماه بعد از فاجعه کودتای چلی ، درباره آن «سوگنا مه نرودا» را تحت عنوان «محبت شعر» ساخته است که هر دو از شهرت فراوانی برخوردارند . زندگی نرودا ، زندگی شاعری در دوران درد و نبرد بود . به گفته خود او :

بعد پنهانوی نیست جز رنج ، جهانی نیست جز خون

هر اندازه هم که دورتر بروی ، چیزی تغییر نمی کند .

ترجمه و مقدمه از احسان طبری



وصیت خزانی

بین مردن و نمردن
من بر گزیده ام ساز را
و در این چرخه پرگار
دل را درنگی نیست
زیرا ، آنجا که کشت چشم براه منند
من با گروه خویش فرا میرسم
برای دو نخستین شراب
در کلاههای سبدین بالیز

بدون میروم ، حتی اگر در راه بندد
ولی اگر نپذیرم ، دور میروم
من از آن دریا پیمان لیستم
که در بیابان یخین گم می شوم
مانند باد ، ساز گارم
با زرد ترین برگها
بافصل های منموخ
چشمان تند پس ها

و اگر هم گوشه ای بیارم
در درون گر دوی آتش است
در آنچه مشتج و منفجر است
و سپس بی سر نوشت سفر می کنم

در در از نای این سطور
تو باید که نام خویش را بیا بی
تاسف اندکی دارم

مطلب دیگری در میان نبود
اگر نه از بسیاری چیز ها
از آنجا که «هستی» و از آنجا که «نیستی»
و این برای همه روی میدهد
احدی نیست که از همه چیز سرور آورد
و زما نیکه اعداد را جمع می بندد
همه ما دولتمندان دروغین بودیم
و اینک مستمندان نوین هستیم

اموال زمینی خویش را بخشوده ام
به مبین خود و مردم خویش
اکنون مطالب دیگری در میان است
چنان تیره و چنان روشن
که با ایشمه یکی هستند

آلمان که کار انگور هاست
و دو فرزند توانایش
شراب سفید و شراب سرخ
هر روشنی تیره است
و همه چیز خاک و آجر نیست

در مرده ریگ من سایه هارو باهاست
به کینه و گذاشته ام

نعل های خود را
جا به کشتیا نی خود را
کفش های سفر خود را
قلب درود گری خود را
آنچه که میتوانم بکنم
و آنچه بمن یاری رساند که رنج ببرم
و آنچه که سر سخت و تاب داشته ام

حل ناشدنی و هجرت ناپذیر
تادر جهان بیا موزند

که آنچه می نوشتم آب روان ،
میتواند ببرد و سیر و سفر کند

میتواند برود و باز گردد

میتواند رنج ببرد و دوست بدارد

میتواند با شد و با دوام یا بد

میتواند فرو شکند یا بمیرد

میتواند بسط و تا ریک باشد

میتواند بدون گوشتی باشد

میتواند شور بختی را تحمل کند .

میتواند چشم براه یاری باشد

گرچه گروهی از قلیانان

زندگی ما را نپسندند .

سر انجام ، مای توانیم وجود داشته باشیم

ای چه بسیار بار که زاده شدم

تا همچون آفریده ای در بی

آزمونی نمکود گرد آورم

بسوی رجعت های لاهوتی

بسوی منازل ناسونی

و بد انسان منتقل می شوم بی آنکه بها نم

بکدام جهان باز میگردم

و اگر به زیستن ادامه میدهم

در حالیکه امور حل میشود

من گواهی خود را اینجا باقی گذاشتم

سر گشتگی سر گردان خویش را

تا با بسیار خواندن

کسی نتواند چیز دیگر بیا موزد

مگر جنبش جا ودانه را

از کسی که روشن است و گمراه

و با را نی است و شا دان

و کوشا ست و خزان زده

و اکنون در پس این پرگ

میروم و نا بدید میروم

چپشی در شفا فیت

مانند شنا وری آسمانی

و سپس باردیگر به بزرگ شدن می آغازم

تا آنکه روزی چنان کوچک شوم

که باد مرا بربود

و دیگر آنکس نخوا هم بود که نام دارم

و آنکس نیست که هر با مداد بیدار می شوم

و آن زمان نغمه را در خموشی میخوانم



دشت گل

دشت چمنی بخواب دیدم

یکدشت گل سلاب دیدم

در ساغر چشم نیم مستی

دریا دریا شراب دیدم

در قطره محیط یکسرانی

در ذره یی آفتاب دیدم

در جامه نیلگون نقش را

آتش بسیار آب دیدم

و ز طرز نگاه فتنه بارش

یکشهر در اضطراب دیدم

فرخنده می که شامگاهان

بر روی تو ماهتاب دیدم

(حیدری پنجشیری)

از گلستان بر چیده ایم



دست قسرع چسود بنده محتاج را
وقت دعا برخدای ، وقت کرم در بخل؟
از زرو سیم ، را حتی بر مسان
خو یستن هم تفتی بر گیر
و آنگه این خانه کز تو خواهد ماند
خشتی از سیم و خشتی از زر گیر

آورده اند که در مصر اقارب درویش داشت ، بقیعت مال او توانگر شدند و جامهای
کهن برنگ او بدزدیدند و خزود میاطی بردیدند. هم در آن هفته یکی را دیدم از ایشان بر باد
بایی روان ، غلامی در پی شوان .

شلغم پخته

هرگز از دور زمان ننالیده بودم و روی از گردش آسمان درهم نکشیده مگر وقتی که
بایم برهنه مانده بود و استطاعت پای پوشی نداشتیم ، بجامع کوفه در آمدم دلشنگه ، یکی
را دیدم که پای نداشت ، سپاس نعمت حق بجای آوردم و بر پی کشتی صبر کردم .

مرغ بریان بچشم مردم میر
کمتر از برگ تره بر خوانست
و آنگه را دستگاه و قوت نیست
شلغم پخته ، مرغ بر یا نمست

وہ کہ گر مرده باز گردیدی
بمیان قبیلہ و پیولند
رد میراث سخت تر بودی
وار ثمان را ز مرگ خویشا ولد

بسیاقه معرفتی که میان ما بود ، آستینش گرفتم و گفتم :
بخور ، ای نیک سپرت سره مرد
کان نگون بخت گرد کرد و نخورد
سعدی

چشم دنیا دار

بازرگانی را شنیدم که سدو پنجاه شتر ، بار داشت و چهل بنده خدمتکار ، شبی در
جزیره کیش مرا به حجره خویش در آورد . همه شب نیارمید از سخنهای پریشان گفتن ،
که فلان انبارم به ترکستان و فلان بضاعت بپندومتانست و این قبائل فلان زمینست
و فلان چیز را فلان ، زمین ، گاه گفستی : خاطر اسکندریه دارم که هوایی خوشست .
باز گفستی : نه ، که دریای مغرب مشوشست . سعدیا ، سفری دیگرم در پیشست ، اگر آن
کرده شود بقیعت عمر خویش بگوشته بنشینم . گفتم : آن کدام سفر است ؟ گفت : گوگرد
پارسی خواهم بردن به چین که شنیدم قیمتی عظیم دارد و از آنجا کاسه چینی بروم آرم
و دیبای رومی بپند و فولاد هندی بحلسب و آبگینه حلبی بپند و بردهای بیبارس و زان
پس ترک تجارت کنم و بسدگانی بنشینم . انصاف ، از این ماخلولیا چندان فرو گفت که
بیش طاقت گفتنش نماند . گفت : ای سعدی ، تو هم سخنی بگوی از آنها که دیده ای و
شنیده . گفتم :

آن شنیدستی که در اقصای غور
بار سالاری یفتاه ز ستور
گفت : چشم تنگ دنیا دار را
یا قناعت بر کند یا خاک گور

گر به بوهریره

مالداری را شنیدم که بیخ چنان معروف بود که حاتم طایی در کرم . ظاهر حالش
بنعمت دنیا آراسته و خست نفس جیلی دروی همچنان متمکن ، تابجایی که نانی بجائی از دست
ندادی و گر به بوهریره را بلمه یی نخواست و سگ اصحاب الکف را استخوانی نینداختی .
فر الجبله ، خانه او را کسی ندیدی در کشاده و سفره او را سر کشاده .

درویش بجز بوی طعامش نشنیدی
مرغ از پی نان خوردن او ، ریزه نجیدی

شنیدم که بدریای مغرب اندر ، راه مصر بر گرفته بود و خیال فرعونی در سر ، حتی
اذا ادرکه الفرق ، بادی مخالف کشتی برآمد .

با طبع ملولت چکند ، هر که نسازد
شرطه هموقتی نبود لایق کشتی

دست دعا بر آورد و فریاد بی فایده خواندن گرفت ، و اذار کبوانی الفلک دعوالله مخلمین
له الذین .



شعر : زرغون سحر

دافعان بچی

ای بچه دافغانه ! قهرمان دمر کوئی
چه بچی نی ددی خاوری ، کلک مین به دنگو غروئی

ای بچه دافغانه ! ته دخیل بابا بچی نی
ته تر تیرو هم لاکلک نی ، چه لوی شوی به میرو نی
ته عتاب نی ته شا هین نی ، داوطن دی زالکی ده
به پرواز شه ای عتابه ، چه بچی دجگو غرو نی
ته سیلاب نی یو تو فا نی ، دک له قهره اوله زوره
کلک منگول لری زده وری ته بچی دشتوزمرو نی
سغندر دغیر توئی تا غولک نشی گر خولی

تا مات کوی قسونه ، سترمرگی درنخیرو نی
ته لوی شوی نی آزاده ، اسارت نشی منلی
ته قنس نشی منلی ، چه بچی دسر دروئی
ته بچی دخیل وطن نی ، کالی ، یو نی نی واره ستا نی
ته دخیلو شتو واکدار نی ، ته خاوند دسپینو سروئی
ته روان شه خپلو ورو نو سره جوړ افغانستان کوه .
تور قسروله دستم او استشاره سره وړان کوه



از منابع سازمان صحت جهانی

ترجمه: دکتر عبدالسبحان هانفی

مراقبت بهتر طفل



مراقبت های صحتی و اکسیناسیون های به موقع طفل را از بسیاری امراض وقایه میکند.

تقریباً در حدود هشتاد میلیون اطفال در نقاط فقیرتر جهان همه ساله چشم بدینا می گشایند که حتی ده فیصد ازین اطفال از خدمات يك نفر کارمند صحتی به منظور حصول مصوویت در مقابل یکی ازین امراض مهلک دوره طفولیت بر خور دار شده نمیتوانند درحالی که بر عکس نمود فیصد اطفال دنیا ی مترقی در مقابل امراض مانند دفتیری، سیاه سرفه، تبنا، نوس فلج و سرخکان و قایه می گردند.

با تعجب باید یاد آور گردید که موفقیت پروگرامهای و قایوی در ممالک مترقی جهان در ظرف بیست سال اخیر بعضاً هراس یا ترس و قایه اطفال را در مقابل امراض آنقدر از میان برداشته است که حتی اسما و علایم شان اغلباً از خاطره ها فراموش گردیده و یا با امراض دیگری در محل مورد اشتباه قرار گرفته است.

مشکل واقعی را میتوان در جای دیگر سراغ نمود باین معنی که ارقام دردناک نود و هفت فیصد کلید و فیات اطفال دارای ستین کمتر از پنجسالگی را در ممالکت رو به انکشاف وانمود میسازد در



در جهان مترقی امروز تسهیلات و قایوی در مقابل امراض برای اطفال فراهم گردیده زیرا آنها می دانند که یگانه کلید محو امراض وقایه آنست در پهلوی آن دردنیای رو به انکشاف عصر حاضر سالانه در حدود پنج میلیون اطفال توسط امراض انتانی که وقایه از آنها میسر می باشد از بیست و نه تا سی و دو درصد در حالیکه میلیون ها افراد دیگر توسط امراض از قبیل ملاریا امراض معدیه معایی که میتوان امکانات وقایه آنها را از طریق

غیر از معافیت (واکسیناسیون) میسر گردانید جان خویش را از دست میدهند حتی انقلاب تکنالوژی عصر حاضر که ساحه مخابرات و وسایل تفاهم با ظهور دوره استفاده از تلویزیون یکجا با تسهیلات رادیویی و مستندفلمی و حکایات متصور مجلات نتوانسته است این واقعیت مسلم را به سمع همگان درحالی می رساند در

صورتی که صحت اطفال از طریق های مختلف مخصوصاً واکسیناسیون وقایه می گردد. میلیون ها اطفال

که همه ساله جانها را بشکلی دردناکی از دست میدهند حفظ شده میتوانند.

کمبود مواد غذایی و بعضی از امراض کوک را به چنین حالتی سرد چار میسازد.

اسباب سوء تغذی اطفال و تدابیر جلوگیری از آن

خوانندگان گرامی و خاندانها که میبایست غذا و چگونگی صرف آن در نمو و پرورش اطفال همچنان در تاهین صحت انسان تاثیر به سزا دارد برای اینکه اهمیت این موضوع را خوبتر روشن و توضیح نموده باشیم مصاحبه یسرا با پوهنمل دوکتور سید حسام المل رئیس شفاخانه حایه طفل و مادر انجام داده ایم که ذیلا تقدیم میشود:

سوال: آیا سوء تغذی اطفال يك پرابلم عمده صهی مملكت عزیز خود راه های در ست واقتصادی آنرا جستجو نمایند . و آرزوی جمهوری دموکراتیک

افغانستان نیز در برآورده شدن حل این پرابلم میا شد .

سوال: گفته می توانید که سوء تغذی بیشتر در کدام سنین اطفال دیده میشود؟ جواب: بیشتر در سنین کمتر از (۵) سالگی واقعات آن تصادف میکند . که ۳۴ درصد در سنین ۲ سالگی و ۱۷ درصد در سنین ۳ سالگی تثبیت گردیده است

لاکن نا گفته نباید گذاشت که سن مساعد در جوامع مختلفه نظر به تغذی اطفال متفاوت می باشد . مثلا در بعضی از فامیل ها ما در آن طفل شان را زود تر از شیر جدا میسازند ، و یا اینکه اگر جدا نمی سازند غذاهای متممه غری و ری

را برای طفل شان نمیدهند و یا داد شیر اکتفا می ورزند ، و یا اگر غذاهای متممه را به طفل شان میدهند وقت دادن غذا را نمیدانند ، این فکتور ها و یک عده فکتور های دیگر جمعا باعث میشود که طفل شان مصاب سو تغذی گردد . برای اینکه چنین اطفال مصاب سو تغذی نشوند بهتر است به مادران تعلیمات صحی داده شود تا در مورد شیر مادر و غذاهای متممه و منابع پروتینی اطلاعات لازم داشته باشند

به یاد آوری است که شیر مادر غذایی مکمل و دارای مواد غذایی بهتری است ولی صرف برای سه و یا چهار ماه طفل را اکتاف نمیتواند به همین منظور که بعد از سن چهار ماهگی بر علاوه شیر مادر غذاهای متممه دیگر نیز به طفل داده شود . اگر ما در مورد فواید شیر مادر و غذاهای متممه دیگر شروع بموقع این غذاها صحبت نماییم ساعت ها را در بر خواهد گرفت و ما را از موضوع مشخص فعلی ما به طرف دیگر خواهد برد ، لازم میدانم که این موضوع را به قسم يك پروگرام جدا گانه در وقت دیگر مورد بحث و مشاجره قرار داد . تا ما در آن بصورت مشخصی نتوانیم بر گردیده و مراقبت سلامت طفل شان باشند .

سوال: لطفا اگر در مورد اینکه چگونه يك طفل مصاب به سوء تغذی میشود تشریحات بدهید ، بهتر میشود جواب: باید گفت که سوء تغذی خوانندگان گرامی و خاندانها که میبایست غذا و چگونگی صرف آن در نمو و پرورش اطفال همچنان در تاهین صحت انسان تاثیر به سزا دارد برای اینکه اهمیت این موضوع را خوبتر روشن و توضیح نموده باشیم مصاحبه یسرا با پوهنمل دوکتور سید حسام المل رئیس شفاخانه حایه طفل و مادر انجام داده ایم که ذیلا تقدیم میشود:

سوال: آیا سوء تغذی اطفال يك پرابلم عمده صهی مملكت عزیز خود راه های در ست واقتصادی آنرا جستجو نمایند . و آرزوی جمهوری دموکراتیک افغانستان نیز در برآورده شدن حل این پرابلم میا شد .

دو علت مشخص نداشته بلکه نتیجه عوامل مختلفه می باشد که عبارت انداز :

۱- کمبود مواد غذایی و یا عدم دسترسی به آن .

۲- تشوش در جذب و امتصاص مواد غذایی در طفل

۳- ضرورت نسبتا بیشتر اطفال به مواد غذایی چون در حالت نشوونمای سریع می باشند .

لاکن باید گفت که از جمله عوامل فوق تنها فکتور اول به سوء تغذی مصلحتی میدهد و پرابلم صهی اطفال جهان سوم را تشکیل داده که در خور توجه باید قرار گیرد . زیرا کمبود مواد غذایی و یا عدم دسترسی به آن با حقایق آن استوار می باشد .

اول: شرایط اقتصادی : مثلا :

۱- فقر :

۲- فقر :

۳- صعود قیم مواد غذایی مخصوصا پروتیین حیوانی (گوشت) .

۴- مادرانیکه برای تاهین اقتصاد خانواده اجبارا به انجام کارهای شاقه دوامدار خارج از خانه مصروف اند مثلا در (فابریکه - مزرعه - معمار منازل و غیره) .

۵- تعداد اطفال و اعضای فامیل .

دوم : شرایط اجتماعی : مثلا :

۱- اعتنات مختلفه مضر در خانواده ها ، و محدودیت در دادن بعضی غذا ها مثلا بعضی از فامیل ها به اطفال شان تخم نمیدهند و چنین وانمود می سازند که اگر تخم به طفل داده شود ، طفلش زود حرف نمیزند یا بعضی از فامیل های اند که اصلا از نظر مذهبی گوشت نمی خورند و غیره .

۲- شرایط جدا کردن از شیر مادر: بعضی از مادران وقتی که طفل شان را از شیر جدا کردند او را یا غذائی درست نمیدهند و یا اگر میدهند یکنواخت بوده و یا اینکه او را قبلا به خوردن غذا عادت نداده اند و یا اینکه او را بخانه والده کلان ، خانه و یا عمه اش اعزام میدارند ، تا از نظر مادر دور باشد و به این ترتیب او دیگر آرزوی شیر مادر را نکند . در حالیکه همه این فکتور ها بذات خود هر کدام آن در جدائی طفل از شیر مادر جدی تلقی شود . و به مادران تعلیمات و تلقیات صحی داده شود تا در هنگام جدائی طفل شان در شیر اورا به خانه اقارب اعزام ندارند . زیرا وقتی چشم او از مادر دور گردد در یک فضای فرامیگیرد که محروم از عواطف مادری گردیده اشتباهی اوسقوط کرده و در نتیجه يك سلسله فکتور های دیگر نیز بان علاوه شده طفل را مصاب سوء تغذی میسازد .

۳- نوعیت غذا : اکثریت مادران دادن شیر قطعی را نظر به شیر خویش ترجیح میدهند و آنراحتی علامه پرستیز و حیثیت میدانند ، لکن شرایط تیه شیر ، توان خرید ، و مقدار ریکه باید به طفل داده شود ، در چنین جوامع مشکل بوده و هم چنان شرایط حفظ الصحه و نگهداشت آن اسیر نیست

۴- نوعیت غذا : اکثریت مادران دادن شیر قطعی را نظر به شیر خویش ترجیح میدهند و آنراحتی علامه پرستیز و حیثیت میدانند ، لکن شرایط تیه شیر ، توان خرید ، و مقدار ریکه باید به طفل داده شود ، در چنین جوامع مشکل بوده و هم چنان شرایط حفظ الصحه و نگهداشت آن اسیر نیست

۵- نوعیت غذا : اکثریت مادران دادن شیر قطعی را نظر به شیر خویش ترجیح میدهند و آنراحتی علامه پرستیز و حیثیت میدانند ، لکن شرایط تیه شیر ، توان خرید ، و مقدار ریکه باید به طفل داده شود ، در چنین جوامع مشکل بوده و هم چنان شرایط حفظ الصحه و نگهداشت آن اسیر نیست

۶- نوعیت غذا : اکثریت مادران دادن شیر قطعی را نظر به شیر خویش ترجیح میدهند و آنراحتی علامه پرستیز و حیثیت میدانند ، لکن شرایط تیه شیر ، توان خرید ، و مقدار ریکه باید به طفل داده شود ، در چنین جوامع مشکل بوده و هم چنان شرایط حفظ الصحه و نگهداشت آن اسیر نیست

خلاصه يك آب سفید رنگ است که به طفلش میدهد . و تدریجا تراژیدی سوء تغذی را بار می آورد .

۵- عدم آگاهی والدین از ارزش های مواد معدنی مثلا آهن و املاح و غیره .

۶- ولادت های شیر به شیر : که صحت مادر و طفل را متضرر میسازد .

سوال: لطفا اگر در مورد اینکه سوء تغذی در اطفال چه نوع اعراض و علائم را بار می آورد معلومات بدید ؟

جواب: اعراض سوء تغذی نظریه شدت و پیشرفت حادثه متفاوت بوده و اشکال مختلفه را از کمبود خالص کالوری کمبود کالوری و پروتیین که دو حادثه مشخص و جدا گانه است بوجود می آورد و از هم تفاوت دارند .

با نیم بصورت کل گفته می توانیم که اعراض اساسی و غیر اساسی

ذیل در نزد اطفال مصاب سوء تغذی دیده میشود که عبارت انداز :

۱- توقف و بطالت نشو و نما ی فیزیکی ، یعنی کمبود وزن و قوامت .

۲- از بین رفتن و کمبود مواد شحمی تحت الجلدی

۳- ذوب شدن عضلات نواحی مختلفه .

۴- تغییر رنگ موها و ریختن آن .

۵- تجمع مایعات و پندیدگی در نهاییات و وجهه

۶- يك حالت بی تفاوتی روحی بدین معنی که طفل لایق بوده و با محیط خود آمیزش ندارد .

۷- تغییرات جلدی : یعنی پیداشدن بعضی لکه ها در جلد و یا تراکم مایعات در جلد و یا تغییر رنگ جلد .

۸- سقوط اشتها :

۹- اعراض مترافقه مثلا وقوعات زیاد اسهال .

در سوال هشتم از اعراض مترافقه مخصوصا اسهال یاد آورشد بد لطفا اگر این موضوع را کمی بیشتر توضیح دهید ؟

جواب : هر یضآن مصاب سوء تغذی به حملات بیشتر و شدید اسهال معمولا مواجهه میا شد که حتی از اعراض آن شمرده میشود . و هر زمانیکه حالت سوء تغذی بهبود کسب نماید ، وقوعات و حملات اسهال نیز کمتر میگردد علت مساعد بودن چنین اطفال به اسهال عبارت انداز :

۱- تناقص قوای مدافعه ای مقابل امراض

۲- خمو دو خرابی غشای مخاطی اما

که در جذب و امتصاص مواد غذایی رول دارد .

۳- زمینه مساعد نشو و نما ی میکروبی در امعای چنین اطفال .

سوال: لطفا اگر در مورد سوء تغذی و عواقب اطفال مصاب به سوء تغذی کمی معلومات بدید ؟

جواب : مرگ و میر در اطفال مصاب به سوء تغذی مخصوصا در دو سال اول بقیه در صفحه ۵۷

آینه‌آینده

قیافه شما آینه آینده شما است و باید از همین اکنون متوجه چهره خویش باشید. دانستن چگونگی آرایش صورت، برای دختران و زنان جوان خیلی پراهمیت است زیرا اگر او روش نیکو و علمی آراستن قیافه خود را بداند همیشه دارای چهره‌ای روشن، پاکیزه و بی چین و چروک خواهد بود. بعضی از دوشیزگان جوان، تصور می‌نمایند که آرایش چهره وسیله‌ای است که می‌توان با آن، لکه‌های صورت را پنهان کرد. اما آنها اشتباه میکنند هیچکس بخصوص دختر تازه جوان، نباید درحالی‌بی تجربگی و ندانستن شیوه علمی آراستن قیافه، بزیب و زینت قیافه خویش پردازد.

همچنین نباید صورت خود را در حال ناپاک بودن جلد آرایش نماید. یک دختر تازه جوان شاید از طرف مادر خود بشنود که نباید به آرایش صورت خویش پردازد زیرا هنوز او برای این کار خیلی جوان است. این دختر باید طبق دستور مادرش عمل کند زیرا دستور مادر درین موضوع به سود دختر است و دختر تازه جوانی، که خود بخود از شادابی و جذابیت صورت و جلد، برخوردار می‌باشد، اگر قیافه‌اش را آرایش مینماید جز آنکه صدمه‌ی بزیبایی صورتش وارد نماید، کار سودمندی را انجام نخواهد داد.

یک دختر، شاید برای استعمال لبرین خیلی جوان باشد اما برای آراستن موی سر جوان نباشد. و اگر این دختر از همین‌اکنون طوری عمل کند که در جستجوی شکل‌دادن بهتر موهای خود می‌باشد، هرگز در آینده از این ناحیه به‌شکلی مواجه نخواهد شد و همیشه موهایش طوری مرتب خواهد بود که قیافه‌اش را زیبا و دل‌انگیز بنمایاند.

پس باید از همین امروز عادت بگیرید که چهره‌تان را «بشمول گردن» طوری که لازم است، ستره و شاداب نگه‌دارید و این را فراموش نکنید و حتما در نظر داشته باشید که اقل روز دو بار روی را با آب گرم شستو بدهید و در هنگام شستن کوشش کنید که با انگشتان دست‌تان، صابون را بروی پوست صورت‌تان مالش دهید. حرکت انگشتان‌تان در این مالش دادن باید دورانی باشد. بکشید حصص مختلف صورت خویش را، صابون بزیاد و هیچ جای آرایش‌زدن نگذارید و آن قسمت‌های قیافه‌تان را که بیشتر چربی دارد «مانند زیر لب و اطراف بینی» مورد توجه خاصی قرار دهید. بعد از آنکه روی‌تان را خوب با آب شستید، با دستمال آرا محتاطانه خشک کنید.

بر علاوه شستن روی، در موقع صبح و شب، بکشید، در طول روز نیز باری آرایش‌بویید

و پاکیزه گردانید بخصوص اگر چهره شما چربی دارد. در رخسار اکثر از دوشیزگان حسن و سال شما، دانه‌های پیدا میشود اگر شما نیز یکی از همین دسته دختران جوان می‌باشید باید درین مورد، برخی از حقایق را بدانید. بعضی دوکتورن بدرستی حقیقت پیدایش این دانه‌ها را نمیدانند. اما رهنمایی‌های مناسبی در قسمت تحت کنترل قرار دادن آنها، نموده می‌توانند. سپس درین فرصت مراجعه به دو کتوران با تجربه عملی خوب است.

عموما، زمانی‌که، شما به سن بیست سالگی می‌رسید این دانه‌ها، خود بخود از بین می‌روند ولی، اقداماتی وجود دارند که با عملی نمودن آنها می‌توانید حتی در سن پیش از رسیدن به بیست سالگی، از بروز آنها جلوگیری نمایید.

نخستین اقدامی که می‌توانید درین مورد انجام بدهید این است که دست‌های خویش را، از صورت خود، دور نگه‌دارید و جدا متوجه این نکته باشید که کندن دانه‌های صورت منجر به لکه‌های همیشگی می‌شود و باید هرگز صورت خویش را، در حالیکه دارای دانه‌ها می‌باشد نخازانید.

توصیه ما این است که چهره خود را همیشه پاک و ستره نگه‌دارید، آثرا خوب بشوید و برای این کار از صابون‌های طبی و یا محلول‌های تجویز شده استفاده و برای خشک نمودن آن، از دستمال‌های پاک و نرم کار بگیرید. موهای خود را، از قیافه‌تان دور نگه‌دارید و بخاطر داشته باشید که موهای شما نیز باید پاک و مرتب باشد و سیوسک سروموهای چرب فایده‌ای به دانه‌های روی نمی‌رسانند.

غذای شما، نقش مهمی در زیبایی صورت شما، بازی میکند و این مفکوره که باید از خوردن زیاد چاکلیت، شیرینی باب، مغزیاب و غذا‌های چرب صرف نظر کرد یک فکر خیلی خوب است.

خوردن سبزیجات پربرگ و نوشیدن آب زیاد و سایر مایعات خیلی مفید است. این یک مساله روشن است که هر اندازه‌ای که صرف غذای شما بهتر و خوربر باشد به همان اندازه جلد شما پر درخشش و شاداب خواهد بود.

هنگامیکه، به مرحله‌ای رسیدید که چهره‌تان را باید آرایش نمایید باید از آرایش‌های ساده استفاده نمایید واکثر اوقات تنها از لبرین کار بگیرید و پس.

استعمال زیاد مواد کیمیای و آرایش قبل از سن بیست سالگی از یکطرف مسامات جلد‌تان را مسدود و در اضافه شدن دانه‌های روی شما کمک میکند از جالبی شخصیت شما را درانظار، کوچک جلوه میدهد.

لکه دیگری که باید بخاطر داشته باشید عبارت از استراحت است. البته شما باید بدانید که شستن زیاد، هرگز لکه‌های اطراف چشم‌های شما را، دور نهموده نمی‌تواند خود را عادت بدهید که هر شب هشت تا ده ساعت خواب کنید.

بقیه صفحه ۳۶

از تاریخ باید...

تطبیق دستورهای، داشتن یک قیافه جذاب و پاکیزه و شاداب خیلی ساده و آسان می‌باشد و هرگاه خویش را به آن عادت بدهید از نتیجه آن خیلی مسرور و شادمان خواهید گسردید و از داشتن یک جلد زیبا و دوستداشتنی و صورتی قشنگ و جذاب، در طول زندگی، مباهات خواهید نمود.

بلی! از همین اکنون متوجه چهره‌تان باشمید و فراموش نکنید که قیافه شما، آینه، آینده‌تان است.

غیر دوستانه استقبال گردید و تارومار شدند، چنگیز خان به همین بهانه و برای اخذ انتقام با عساکر خویش به کشور ما یورش بردند. امیر ترسوویی مقدار بعوض اینکه بانروی عظیمی که داشت بادشمن بمقابله برخیزد راه فرار در پیش گرفت و هر قدر وطن پرستان او را به مقاومت ترغیب کردند، کم شتید و سر انجام کشور را در معرض تباهی قرار داده خود فرار نمود. همه میدانند که چنگیز و اخلاش چه تبهکار تپا و ویرا نگرهایی در افغانستان کردند و چقدر هموطن‌ها را از تیغ کشیدند و شهرها و قصبات معمور وطن‌ها را با خاک یکسان کردند.

با وجود آنکه مردم افغانستان بدون پادشاه و سرپرست بزرگترین حماسه‌ها را درین حادثه ثبت تاریخ نمودند ولی ویرانگری و سفاکشی دشمن بی اندازه بود.

ازین حادثه‌ی المناک چنین باید آموخت که این مردم و زحمتکش‌انند که از مام وطن و از حیثیت آن دفاع می‌کنند و هروقت که سلاطین و ملت‌خواران اندکترین خطری را متوجه خود دیده اند وطن را در معرض بلا گذاشته و خود را از مرگ نجات داده اند در مقابل وطن پرستان و مردم افغانستان از همه امکانات و سر بازی‌های خود برای دفع دشمن استفاده کرده اند و جان و مال خود را در مقابل وطن ندادند و هکذا در طول تاریخ این مردم افغانستان بوده که وطن خود را از چنگ دشمن نجات داده و ویرانی‌های ناشی از کینه توزی دشمنان وطن را با عرق ریزی و فداکاری جبران کرده اند.

در عمل و در نتیجه‌ی پایمردی مردم افغانستان دید که غلط حدس زده بود و این کشور قربان تسخیر ناپذیر است. مردم غیور و سلحشور افغانستان این کشور گشای نامدار را چارسال تمام در کشور خویش به اصطلاح به کاسه‌ی سرآب داد و حتی خودش و یک قوماندانش بنام بظلموس زخم برداشتند.

این رویداد کلاسیک تاریخی درس بزرگی برای جوانان وطن پر افتخار ما می‌آموزد که چگونه اتحاد و یکپارچگی آنان کشور و مردم‌ها را از جنگال متجاوزین و استعمارگران رهایی می‌بخشد.

باز هم تاریخ افغانستان باستان را ورق می‌زنیم در قرن دوازدهم میلادی هنگامیکه بر سرزمین ما امیری تدبیر و ترسوئی حکمروایی می‌کرد و در پهلوی سرحدات کشور ما (البته در همان زمان) صاعقه‌ی بوقوع پیوسته بود در کنار سرحدات شرقی و جنوبی ما چنگیز این سفاک‌ترین موجود بشری بقدرت رسیده بود و با وجود آنکه عظمت و قدرت کشور ما او را واداشته بود تا از در دوستی پیش آید ولی

خیره سری هیات حاکمه ((که سوا مردم زحمتکش بودند)) این پلنگ خونخوار را به ششم آورد. این امیر (سلطان محمد خوارزم شاه) با وجود آنکه سرزمین وسیعی را از سیحون تا عراق اداره می‌کرد و چهار صد هزار سوار مجهز داشت و تمام راه‌های تجارتی را نیز در دست داشت یعنی همه راه‌های تجارتی آنوقت تا سواحل مدیترانه از قلمرو خوارزم شاه می‌گذشت و هنگامیکه هیات حسن نیت چنگیز خان از طرف این امیر خیره سر و درباریان همانندش با برخورد

نویسنده: ارلست هورز
ترجمه: داود «زهدي»

طلا این ماده گرانبها و پرازش از شش هزار سال قبل باینطرف افکار انسان را به سوی خود جذب نموده است.

طلاماده عجیبی است که زمینه سعادت و خورسندی بشر را مساعد میگرداند. طلا بحدیث معیار ارزش، مقامی والا دارد و این فلز نجیب با زیبایی مختص بخود، در سراسر جهان، بصورت میله های زرد رنگ و لشم در جریان قرار دارد. قیمت رسمی هر اونس آن در گذشته سی و پنج دالر بود و چند سال قبل فی اونس به سی و هشت دالر فروشی می رسید اما این نرخ نیز بسرعت تغییر کرد، و امروز هر اونس آن به بیش از شش صد دالر ارزش پیدا نموده است. در آمریکا و برخی از کشور های دیگر جهان طی چندین سال قانونا نگهداری طلا بصورت انفرادی، باستثنای استفاده آن بصورت جواهرات زینتی، ممنوع بوده است.

طلا

بانکهای مرکزی ممالک، طلا را در سیف های خویش بحیث ذخیره و پشتوانه نگهداری می نمایند و کشور ها در معاملات امور حسابی خویش از آن استفاده می نمایند. طلا زمانی بحیث اساس پولی ما و اکنون بصفت ستون سیستم صندوق پولی بین المللی نزد اکثر کشور های جهان ما، حیثیت یگانه فلز محبوب را دارد.

اما طلا چیز دیگری هم است. یعنی این فلز سلطان فلزات بوده و بدون آن تمدن ما مشکل موجود را نخواهد داشت.

سمبول علمی طلا که شاخص عشق و علاقه که ما در پتجا حرف از آنجا مختصر تذکری انسانها با این فلز است از قرن ها باینطرف، همانا، تصویر آفتاب بود اما اکنون سمبول آن (ای. یو) می باشد.

طلانه از گذشته زمان متأثر می شود و نه از هوای نامساعد فوری می بیند. آب و اکثر محلول های مخرب نیز، روی آن تأثیری ندارند از این روست که تصاویر و مجسمه های جاودان باقی می مانند.

طلا را آب گرده واز آن قالب گرفته اند و این کار در طول زمان بقدری تکرار گردیده است که شاید انگشت کلک شما، روزی گردنبند ملکه ای «شیوا» بوده باشد.

استعمال طلا مورد زیاد داشته از نوک قلم گرفته تا طلا بون بشقاب ها و ریسمان های کیهان نوردان، از طلا می باشد.

طلا رنگ روشن دارد، زیاد سنگین است و قدرت میم ساختن و ورق گردانیدن آن از همه فلزات زیاد تر می باشد. در ورق سازی میتوان، يك ورق طلا را، يك بر دوصد و پنجاه هزار يك آنچ نازک ساخت واز يك اونس طلا سیمی بطول سی و پنج میل بدون آنکه بشکند ساخت.

اگر طلا با سایر فلزات مخلوط گردد سخت تر می شود و خواص ظاهری خود را

تغییر میدهد. مخلوط کردن نقره با طلا رنگ آنرا مایل به سفید میسازد اما مخلوط مس آنرا سرخ میگرداند. رنگ های زیبای دیگر مانند سبز، نارنجی، یاقوتی و غیره را نیز میتوان بدین ترتیب یعنی با مخلوط نمودن طلا با سایر فلزات بدست آورد.

چنینکه که شما زیورات طلائی را خریداری مینمایید اگر بخواهید که اندازه طلائی خالص آنرا معلوم کنید میتوانید آنرا به محک بزنید. و بدانید که چقدر طلا در آن بکار رفته است. حصه ای طلائی خالص، در هر چیز، به قیراط تعیین میشود، بیست و چهار قیراط بمشهور طلائی خالص است. پس يك انگشت هر حده قیراط عبارت است از هجده حصه طلا و شش حصه مخلوط فلز دیگر.

زرگرهای عصر جدید، معلومات تخنیکی زیادی از زرگر های سابق در مورد طلا کسب نکرده اند.

از شاهان گذشته، گلدنها، و تاج های طلائی بری ما باقی مانده است. همچنان از «ترس کن ها» که شاید زرگر های ماهر زمان باستان بوده باشند کاسه کوچکی بدست ما رسیده که در آن يكصد و سی و هفت هزار تگین کوچک و مدور طلائی، بکار رفته و باصطلاح دانه نشان گردیده است و این دانه نشانی طوری صورت گرفته که شکل شگوفه ای را نشان میدهد.

طلا از نگاه فشرده بودن ذخیره معنوی را بار می آورد. زیرا يك «کیوبک» فتملا، یعنی يك توت طلا بطول، عرض و بلندی يك فتم بیش از نیم تن وزن و در حدود هفت - صد و چهل هزار دالر باسما نرخ قدیم، ارزش دارد. هرگاه تمام ذخایر طلائی روی زمین را، آب کنیم، ارزش آن نود و شش

سلطان

بلیون دالر شده و عبارت از يك خشت طلائی عظیم با اندازه يك خاله بزرگ خواهد شد. طلا را در همه موارد از اشیای ناچیز گرفته تا اشیای گرانبها بکار برده اند. يك تراز روسی با يك مجسمه طلائی بازی و ساعت تیری می کرد.

شهر با عظمت آتن در زمان «اکوپولیس» مجسمه بزرگ و طویل، «آتینا» را که لباس آن، پیش از يك تن وزن داشت حایسز گردید.

اکثر از عجایب طلائی جهان باستان اکنون نابود گردیده اند اما موزیم های قاهره هنوز هم تابوت های پادشاهان قدیم خود را که از طلائی خالص ساخته شده اند در خود دارند. هریک از این تابوت ها شش فتم و دو آنچ طول و دو هزار و چهار صد و پنجاه پوند وزن دارد.

در سال ۶۵۰ قبل از میلاد پادشاه «لیدیای» بنام «گیگز» نخستین سکه طلائی را ضرب زد که دارای نشان شاهي همان زمان بود. از سکه پادشاه مذکور همین امروز نیز چند سکه، موجود است که هر سکه آن به بیش از سی و هشت هزار دالر خرید و فروش میشود.

در بین تحایف و نمونه های که کمرستوی کلمبوس در اولین مسافرت خود از امریکابه

هسپانیا، فرستاد چند پارچه طلا هم موجود بود. حتی که هسپانوی ها وارد دنیا جدید گردیدند این حقیقت برای آنها روشن گردید که آنها به «الدورادو» رسیده اند.

«ارناندو کاتس» وقتی که در مکسیکو پیاده شد کمربند خویش را به هندی های بو می آنجا داد تا آنرا با خاک طلا آشته سازند. «فرانسکو پیزارو» با يكصد و هشتاد نفر از همراهانی وارد دنیای طلائی «پیرو» گردیدند زیرا در آن زمان در این سرزمین بقدری طلا فراوان بود که اکثر اشیای را از طلا ساخته شده بود.

چشمان این هسپانوی ها از تگریستن آن همه طلا خیره گردید و تا امکانش برای آنها میسر بود، خود را صاحب طلا ساختند.

این بیگانگان تا يك صد سال بطور منظم وارد امریکا شده و کشتی های مملو از طلا و نقره ربه اروپا رسانیدند. همین ثروت سرشار در اروپا منجر به انقلابی گردید که سیستم تبادل جنس به جنس را و اقتصاد تبادل جنس به پول را در صنایع رویکار آورد.

طلا تقریباً در هر سرزمینی پیدا میشود. مس، زغال سنگ و خاک های زردی که ما از آن جهت آبادی عمارات خویش کار می گیریم شاید دارای یکمقدار طلا باشند.

در هریک «تریلیون» آب شور بحر نیز يك فیصدی معین طلا وجود دارد.

طلا از نگاه استخراج اقتصادی بدو طریق بدست می آید.

یکی بصورت رگها و دیگر بطور پاشان و پراگنده. رگهای طلا عموماً در سنگ لاخ های کوه ها وجود دارد که عموماً با سنگ «کوارتز» از داخل زمین، طی دهها میلیون سال قبل، بیرون انداخته شده اند.

خاکه پاشان وریزه های طلا نیز در بین همین سنگها وجود داشته تا آنکه تخریبات جوی با آن مصادف گردیده و پارچه های ریز و کوچک طلا در طول مسیر دریا ها ذریعه آب حرکت داده شده و در برخی ممالک در کنار دریا ها انتقال یافته و مردم از آن استفاده میکنند.

امروز تقریباً تمام نقاط طلا داریمی کشف شده است. استخراج معادن طلائی کلیفورنیا در سال ۱۸۴۸ توسط جیمز مارشال آغاز گردید. يك سال بعد از این تاریخ هشتاد هزار نفر در جستجوی طلا بطرف غرب سرازیر شدند.

معادن طلائی افریقای جنوبی تقریباً هشتاد

فلزات

سال پیش از امروز مورد استخراج قرار گرفت. از این معادن سالانه تقریباً دو هزار تن طلا معادل نصف طلائی جهان استخراج میشود.

روسیه شوروی در تولید بیست و پنج فیصد طلائی جهان در بین کشور های طلا دار جهان مقام دوم را دارد.

امریکا چهار فیصد طلائی جهان را تولید میکند و با این تولید سهمی در تولید طلائی دنیا دارد.

ملا بدرجة ۱۹۴۰ فرانهایت ذوب میگردد اما اگر بصورت مایع در دریا به تغییر رنگ

نمیدهد. تماشای طلائی مایع در فابریکات ذوب طلا، خیلی دلچسپ است، طلائی ذوب شده از ظرف های کوچک دارای دسته ای آهنی به قالب های آن میریزد. دسته های این ظرف، برای ریختن طلائی مایع باید خیلی محکم باشد.

زیرا اگر يك قطره کوچک هم از آن بیرون افتد شاید در حدود يك اونس وزن داشته باشد. میله های که از قالب ها بدست می آیند دارای نمرات مسلسل میباشند تا میله های مذکور از هنگامیکه توسط مو تر های مسلح از فابریکه خارج میشوند تا وقتی که بجا های مطلوب میرسند تعقیب شده بتوانند.

میله های طلا بعد از خروج از فابریکه، ممکن است دچار حوادث گوناگون گردند. زیرا قرار تجاری که بعمل آمده از هر هفت میله طلائی که از فابریکه خارج می گردد با آنکه حمل آن بطور خیلی مستون و منظم صورت می گیرد يك میله آن، از مسیر خود خارج شده اطراف واکناف جهان را می گردد. در همه نقاط جهان بازار سیاه طلا وجود دارد و مارکیت های عمده طلا که در شهر های چون بیروت، داکار، هانگکونگ و بمبئی موقعیت دارند مقادیر زیاد طلا را بفروشی می رسانند.

کسی که به خرید و فروش يك میله طلا بپردازد

در حدود یک هزار دالر سود می برد. امروز هیچیک از کشور های جهان، طلا را بحیث پول رایج خویش در دادوستد بکار نمی برد. اما بعضی ممالک برای فراهم نمودن قناعت افراد ذوقمند طلا، طلائی مسکوک نیز دارند. چنانچه در بریتانیا مسکوک طلائی را ضرب می زنند و در بازار های آسیا به قیمت زیاد بفروشی می رسانند.

همچنان طی سالهای اخیر سکه های بیست دالری امریکایی که در ایتالیا ویا لبنان از طلائی بهتر ضرب زده میشود وارد بازار گردیده و بالای توریت هابه قیمت فی سکه شصت پوند بفروشی میرسد در حالیکه ارزش آن چهل دالر میباشد.

مردم فرانسه میتوانند که سکه های طلائی را قانوناً از هر بانک کشور شان خریداری نمایند زیرا آنها طلا را بهترین تضمین در



میله های طلا دارای نمرات مسلسل میباشد

مقابل هر گونه خطر میداند. از این رو و فرانسوی ها يك بر چهار حصه طلائی انفرادی جهان را که در حدود پانزده بلیون دالر میشود در خانه هایشان دارند.

سایندالان از قرن ها باینطرف، ادعا بقیه در صفحه ۵۲

باشتر الك در روز نامه ها و مجلات كشور بر آگاهي تان بيفزايد.

اطلاعات وكتوربا فرو ريختن مرز
تفاوت وجه اشتراك شهر وده در
خدمت بيشتر علاقمندان روز نامه ها
جرايد و مجلات است .

بغا طر اينكه در سال نو كليـه
روزنامه ها، جرايد و مجلات بتوانند
در وازه هاي تمام مشتر كين راصرف
نظر از شهري ورو ستا يي يكسان
بكوبد ، مد ير يت عمو تو زيـع
روزنامه ها و مجلات وجه اشتراك
علاقمندان را در كليـه نقاط كشور
يكسان ميپـد يرد .

دستداران روزنامه ها، جرايد و
مجلات :
شما كه بر قلل شامخ و بر برف
زند گي ميكنيد ويا در دشت هاي
گسترده وو سيع حيات بسر مي
بريد

شما كه در كابل هستيد ويا در
دره هاي پر خم وپيچ ميتوانيد با
پرداخت وجه اشتراك يكسان در
جمله مشتر كين روز نامه ها، جرايد
و مجلات مابا شيد از داغ تر ين
رويداد ها، خبر ها ، حوا دث آگاهي
بياييد و ساعت هاسر گرم شو يد.

روز نامه حقيقت انقلاب ثور :

اگر خواهان روز نامه حقيقت
انقلاب ثور ميـا شيد در هر جاي
كشور كه هستيد در بدل دو صد
افغانـي واگر شاگرد ويا محصل
باشيد با ارا نه تصديق در بدل
يكصد و پنجاه افغانـي يكسال بشما
روزنامه ميفرستيم .

انيس :

اگر انيس ميخواهيد در
هر گو شه ميهن كه با شيد با پرداخت
دو صد ويست افغانـي واگر
شاگرد و محصل هستيد با پرداخت
يكصد و پنجاه و پنج افغانـي يكسال
روزنامه رسان درب منزل شما را
ميكو بد .

هيواد :

اگر روز نامه هيواد را
بخواهيد در هر كنار وطن كه هستيد

در بدل يكصد افغانـي واگر شاگرد
و محصل باشيد در بدل هفتاد و پنج
افغانـي يكسال روز نامه در خدمت
شماست .

كابل نيو تايمز :

اگر روز نامه كابل نيو تايمز
را انتخاب كنيد در هر
نقطه كشور كه با شيد با پرداخت
يكهزار و شصت افغانـي واگر شاگرد
و محصل هستيد با ارا نه تصديق و
پرداخت دو صد و پنجاه افغانـي
يكسال شما مشترك ما هستيد .

مجلات و جرايد ما نيز حسب زير
يكسال در خدمت شما خواهد بود.

مجله ژوندون :

سا لانه پنجصد افغانـي براي
متعلمين و محصلين با ارا نه تصديق
چهار صد افغانـي .

كمكيانو انيس :

سالانه يكصد و بيست و پنج افغانـي.
مجلات پكتيا ، كندهار ، ننگرهار ،
بلخ ، كهپول ، آواز ، فرهنگ خلق
هنر ، كتاب ، كوشا ني و جرايد
يو لدوز ، گوراش و سوب دردا خل
كشور سالانه شصت افغانـي براي
متعلمين و محصلين با ارا نه تصديق
چهل و پنج افغانـي .

مجله آريانا بزبان انگليسي :

سا لانه يكصد و شصت افغانـي
براي متعلمين و محصلين با
ارائه تصديق يكصد و سي افغانـي.
شما ميتوانيد در هر كز همه روزه از
اول تا اخير حوت بمد ير يت عمو مي
توزيع روز نامه ها و مجلات در جوار
عمارت مطابع دولتي ، انصاريوات
مراجعه و اشتراك نماييد ويا وجه
اشتراك تا نرا از مر كز وو لايات
به حساب (٦٠٠١) و ا ردا ت دولت
تحو يل و آو يز آنرا مستقيما
عنواني مد ير يت عمو مي تو زيـع
روزنامه ها و مجلات انصاريوات
كابل بفرستيد .

شرح اشتراك روز نامه ها: و مجله در خارج كشور :

وجه اشتراك روز نامه حقيقت-
انقلاب ثور ، انيس ، هيواد و كابل-
نيوتايمز در خارج كشور ، هوا يي
صد دالر و زميني سي دالر .
براي محصلين ، هوا يي هفتاد و پنج
دالر زميني بيست و سه دالر .
وجه اشتراك مجله ژوندون در
خارج كشور هوايي صد دالر ، زميني
سي دالر براي محصلين ، هوا يي
هفتاد و پنج دالر ، زميني بيست و سه
دالر وجه اشتراك مجله كمكيانو انيس
در خارج كشور ، هوا يي پنجاه دالر ،
زميني بيست و پنج دالر .
وجه اشتراك مجلات پكتيا ، كندهار ،
ننگرهار ، بلخ ، كهپول ، آواز ، فرهنگ
خلق ، هنر ، كتاب ، كوشا ني و
جرايد يو لدوز ، گوراش و سوب
در خارج كشور هوا يي با نر ده دالر ،
زميني پنج دالر ، براي محصلين ،
هوايي دوا زده دالر و زميني چهار
دالر .

وجه اشتراك مجله آريانا در خارج
كشور ، هوا يي دوا زده دالر ، زميني
پنج دالر براي محصلين ، هوا يي نه
دالر زميني چهار دالر .

مد ير يت عمو مي توزيع روز نامه
ها و مجلات از آغاز سال نو با وسايل
بيشتر و جدی تر در خدمت علاقمندان
روزنامه ها و مجلات است تا آخر ين
اطلاعات روز و داغ تر ين حوا دث روز
را بشما برساند و مجلات و جرايد
محبوب خانواده ها را در موقعش
براي آگاهي و سرگرمي تان تقد يم
كند .

وقت گرانبهاست ، از زود ترين
فرصت استفاده نماييد تا كلگسيون
تان از آغاز مر تب باشد . زيرا با ختم
سال جاري ميعاد اشتراك با يسان
ميبا بد .

مرجع اشتراك :

مد ير يت عمو مي تو زيـع روزنامه ها
و مجلات .

آیا تیلیفون برای...

بدون شك شما هم با ماهم عقیده هستید كه تیلیفون وسیله ارتباطی ملی برای آسان‌سازی سخن خانوده ها است و نباید از این راه سوء استفاده شود.

یکی دیگر از مزاحمین تیلیفونی، استفاده از تیلیفون های عامه است كه بدون در نظر داشت موقعیت و مشکلات دیگران همینكه گوشی تیلیفون را گرفتند دیگر خدا بداد آنان برسد تا گوشی تیلیفون را بگذارند، گاهی اتفاق افتاده كه در پشت غرفه تیلیفون عمومی صف طولی از مردم تشکیل گردد قانونیت بیابند. و این امر قساز کسی ندارد نه تنها در کشور ما بلکه در بسیاری از کشورها از این نوع استفاده های نامعقول صورت میگیرد.

هدف از این تذکر اینست كه آمده از همشهریان محترم باید رعایت يك سلسله نزاکت ها را بنمایند و با تیلیفون های بی موقع و طولانی شان باعث ضیاع وقت دیگران نگردند.

خوشبختانه با پیروزی مرحله نوین تكامل انقلاب ثور زمینه های کار، مصروفیت در تمام شقوق حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مهیا گردیده و با این احیا در زمینه های مختلف حیات، دیگر موقع آن باقی نمی ماند تا با برحرفی ها و وراجی ها وقت خودو دیگران را ضایع سازند.

در جوامعی كه زمینه کار و فعالیت وجود داشته باشد به همان اندازه مصروفیت ها خلق میگردد و این امر باعث میگردد كه وقت و زمان كه در امر سازندگی زندگی حیات نوین مالتفات ارزنده دارد بهبود یابد.

چندی قبل نامه به اداره مجله رسید و نویسنده نامه از بر حرفی همسرش در تیلیفون شکایت نمود.

نوشته شده است كه: ... خدا میداند كه چقدر این وضع ناراحت كننده است برای کسی كه بخواهد به منزلش تیلیفون نماید، اما ساعت ها انتظار بكشد تا این تیلیفون فارغ گردد. این نویسنده محترم نوشته است: چندی قبل می خواستم به منزل خود تیلیفون كنم چون كار خیلی ضروری داشتم و نمی توانستم كه با دیگر وسیله خود را بخانه برسانم زیرا وقت زیادی را در بر میگرفت از این رویه منزل خویش تیلیفون كردم اما هر قدر كوشیدم موفق نشدم كه تماس حاصل كنم زیرا هر دفعه كه نمره را دایر می كردم این مصروف بود خلاصه اینکه بیش از يك ساعت انتظار كشیدم تا بالاخره موفق شدم كه با منزل خویش تماس حاصل نمایم. اما بعد بختانه دیگر وقت گذشته بود زیرا آنقدر معطل شده بودم كه كار از كار گذشته بود و موفق نشدم كه آن كار را به موقع انجام دهم. زمانیکه با عصبانیت علت مصروف شدن این تیلیفون را پرسیدم زنم به من گفت كه تیلیفون به چه كار می آید كه انسان نتواند خانه دوست و قوم خویش تیلیفون كند بعد ها دانستم كه همسر من با یکی از خواهر خوانده هایش قصه قلمی را كه شب قبل در تلویزیون دیده بود به دوستش می نمود.

بلی قصه قلم از راه تیلیفون، این هم شد راه استفاده از تیلیفون!

خوب شما قضاوت كنید كه آیا این كار منظورم این طور استفاده از تیلیفون كسار عاقلانه و معقول است؟

بقیه صفحه ۲۳

يكبار دیگر...

تركيب خویش را از دست میدهد. در حالیکه سعی می شود با شیوه های نوازی کار جلوگیری گردد.

کاربن فعال به صورت خیلی جدي خون را از توکسین ها (سم زهر) تصفیه می نماید گاهی میکانیکی برخی از تناسبات سلول های خون درین عمل مطرح بحث نیست برای كناره جویی ازین کار دانشمندان میخواهند كره های از کاربن

فعال را با ماده مخصوص بپوشانند. تا مانع انتقال آن به سلول های خون گردد. تا به آسانی اجسام های زهری را رد نماید. در همه مراحل تصفیه اساسا خون بیمار با ایجاد يك کانال ارتباطی به وسایل مغلق میکانیکی می رود و بعد زیر عملیه رفته تا در جریان تعاملات حساس و مطمئن تری تصفیه بشود. اینکار ناراحت كننده نبوده و حداقل نیم ساعت را در شفاخانه دربر خواهد گرفت.

کاربن فعال در جریان عمل پیوند اعضا در دنیای جراحی نقش شایانی دارد.

ساله اش را در خانه تنها گذاشت، دختر كوچك وقت کافی داشت تا به قرص های خواب آور رسیده و آنها را ببلعد. زیرا او فكر می كرد دواها باید نوعی از شیرینی باشند اما دختر كوچك به معجزه آسا استفاده و عمل کاربن فعال از کام مرگ نجات یافت.

سال ها قبل دست اندر کاران طب، مانند بیوشیمی، معالیت و ایمنی شناسی و خون شناسی انستیتوت نانوی طب اتحاد شوروی تحت نظر اکادمیسین یوری لوبوخین بر پرابلمی مبتنی بر سم زدایی هوارسمی خون بر خوردند. این قدم بزرگی بوده كه امروز با زده اش را میتوان در خدمت مردم جهان به مشاهده گرفت. به

صورت عمده خون محتوی مواد و سلول های متفاوتی است و شامل دو بخش جامد و مایع است و بر خلاف تصور بخش زیاد خون آب نیست. ووی باید با معافله استثنایی فیلتر بشود. درین صورت خون باید يك قسمت عمده از



بقیه صفحه ۷

چشم اندازی بر پهنای...

او در یکی از سالو نهایی گالری نقاشی «ترکیا کوف» با کو آویخته میا شد. از بالتهای مشهور «فراقراف» كه بیشتر شهرت و محبوبیت دارد میتوان «هفتزیا روی» و «با كوره راه رعد» را نام برد كه در مسكو، لنینگراد و بسیاری شهر های دیگر اتحاد شوروی و همچنان در کشور های خارجی از هر کدام آن بخوبی استقبال شده و میشود.

همچنان در پایان این مبحث قابل تذکر است كه در یکی از مسابقات، هنرمندان با لیت كل شوروی، پیغله «نا دیزدایا ولوا»

معلمه صنف ششم مكتب خور پو گرافی شهر «برم» برنده گردید. موصوفه در آتوقست شانزده ساله بود و حالا بیست و دو سال دارد و یکی از باشندگان شهر «چوكمار»

با یتخت جمهوری خود مختار شوروی سوسیالیستی «چو واشیا» در جمهوری شوروی فدراتیف سوسیالیستی روسیه میا شد. این عو لقبتهای فزاینده هنری مظهری از مظاهر فرهنگی اتحاد شوروی و روشنگر نیروی ابداعی پایان نا پذیر و جوانی هنر با لیت آن سر زمین پنهان میا شد كه پدیده های پر مایه آن روز تا روزمراحل متكا ملتر خود را در حلقه های هنر روان و مردم هنر پرورش بیش از پیش میباید. «ختم»

«کالیو یومادهیلوا» طراح رقص با لیت، هنرمند ورزشیده قرغیزستان دو سال در «اولان» با تور «پایتخت مغولستان تعلیم با لیت را فرامیداد و در جنوری ۱۹۴۷ بنابر تقاضای رفتاری ویتنامی به «هانوی» پایتخت جمهوری دموکراتیک ویتنام رفت و در مكتب رقص با لیت شهر هانوی هنر با لیت را میا موختا و «روبرت اراز كلدیف» از سال ۱۹۷۲ تا بعد از سال ۱۹۷۴ در قاهره پایتخت جمهوری عربی مصر شاگردان زیادی را در رشته با لیت تعلیم و تربیت آموخت.

در آذر بایجان شوروی:

بطور نمونه از پیشرفت هنر با لیت در حوزه قفقاز (سرزمین پریان كوه قاف)، جمهوری سوسیالیستی آذر بایجان شوروی را در اینجا مثال میزنیم. از ورای معلومات دستداشته واضح میگردد كه قبل از انقلاب اکتوبر (۱۹۱۷) در آذر بایجان هنرمندگی با لیت وجود نداشت ولی حالا در قفقاز او پراو با لیت «باكو» پایتخت آذربایجان دسته با لیت طراز اول مشغول فعالیت است. یکی از بزرگترین اسامی گذاران عو میسسی با لیت آذربایجان و کمپوزیتور مستعد «فراقراف» شامرد «دیتری شاستا کوویچ» میا شد كه طاهر صلاحوف نقاش آذر بایجانسی تصویر او را کشیده و تا بلوی مرسوم می

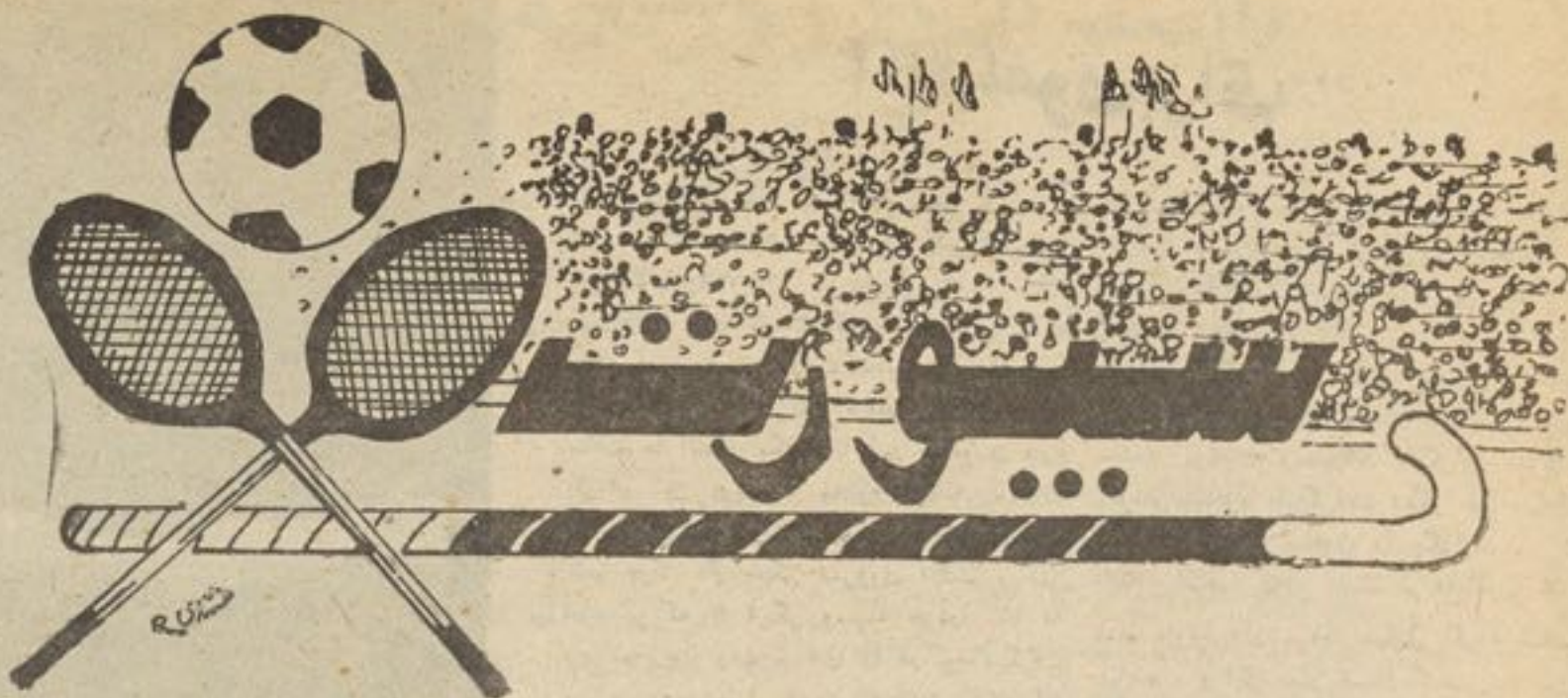
را چنین معرفی می کند :

نام عبدالقیوم و نیرو لطیف تخلص می کنم
مدت ۱۵ سال می شود ترینر بوکس درین کلب
می باشم و فعلا ۴۵ سال عمر دارم .
- چه می شود اگر از سابقه ورزشی خود
چیزی بگوئید ؟

- تقریباً ۳۵ سال می شود ورزش می کنم ،
از صنف هفت الی صنف دوازده در سپورت
های اجتماعی دیگر مانند هند بال ، باسکتبال
و دوش کار میکردم البته در پهلوی آن کم
کم بوکس هم میکردم و بعد از صنف ۱۲
زیاد تر در رشته بوکس کار کرده ام باید
بگویم که در مسابقات زیاد داخلی شرکت
نموده و موفقیت هایی نصیب گردیده است که
در نتیجه تمام مسابقاتم به شمول بوکس ۱۳
کپ ۲ مجسمه بوکس و ۲۵ مدال به یاد
کار گرفته ام و اینکه علاقه زیاد به بوکسینگ
بوده خواستم تا آخرین قدرت و پاری

حیات به این رشته قدم زنیو شاگردانی تربیه
نمایم . از جمله شاگرد های شناخته شده ام
که فعلا هم در همین کلب به تمرینات خود
ادامه میدهند و در پهلوی تمرینات خود با
شاگردان نو آموز نیز کار می کنند می
توانم از عبدالعلیم قهرمان وزن نیم فرید احمد
قهرمان وزن ۱۰ و حمیدالله که هر سه افتخار
عضویت نیم ملی را نیز دارند نام ببرم ، در
پهلوی اینها چهره های شناخته شده یی دیگر

نیز می باشند که خود شان فعلا استادان کلب
های آزاد هستند که در همین کلب تربیه
شده اند اینکه خود آنها فعلا استادان کلب
خود می باشند نمیگویم که شاگرد من می
باشند چرا که ... هستند شاگرد اینکه بعد
از دو سه ماه تمرین يك اندازه ورزیده می
شوند بعدا این کلب را برادر خوانده و به
کلب های آزاد متصل می شوند و یا اینکه
خود کلب ساخته و می شوند استاد کلب (۱)
به پاسخ سوالی می گوید : به پیشنهاد استاد



در کلب ورزشی تعلیم و تربیه در حدود ۴۵۰ شاگرد

همه روزه تمرین می نمایند

نمایم در حدود سی نفر بوکس داخل رینگ

بوکس روبروی هم قرار دارند و مشت های
به یکدیگر حواله می کنند این طرف رینگ
بوکس دوشك پهلوانی هموار است و در حدود
پنجاد پهلوان خردوزر که زور آزمایی دارند
و در تلاش اند که ، که کسی راجت می کنند تا

یاسینش نیز و پخته شود و در میدان مسابقه هم

حریف را چار پلاق به دوشك بزند و عدال
را نصیب خود گرداند . آهسته آهسته پیش
می روم و همچنان در هراسم که مبادا یکی
از پهلوانان حریفش را غلط نکند و من لنگ
وردار نشوم به هر صورت خود را به ترینر
شاگردان بوکس می رسانم و بعد از معرفی
و احوال پرسى به صحبت می نشینیم . وی خود

شاگردان با استعداد ، در صورت موافقه
ریاست تربیت بدنی تا هروقتیکه خواسته
باشند می توانند عضو کلب باشند و به تمرینات
خود ادامه دهند . همچنان در مورد تمرینات
شاگردان باید گفته شود که تعداد شاگردان
این کلب نظریه گنجایش خود کلب زیاد
بوده و روز افزون می باشد بخاطر جذب زیاد تر

شاگردان ، تمام ورزشکاران به گروه های
مختلف تحت يك پروگرام منظم در هفته
سه روز تمرین می نمایند .

حال داخل اطاق تمرین کلب می شوم تا

بینم شاگردان در چه حال اند ؟

او هو ، این چه حالت در حدود دو صد
شاگرد به تمرین پرداخته می ترسم زیرمشت
و لگد ورزشکاران خرد و خمیر نشوم تا چشم
دید خود را به ورزش دوستان ژوندون حکایه

علامتدان محترم ورزش با کلب ورزشی
تعلیم و تربیه آشنایی زیادی دارند ، این
هفته سری به آن کلب زدم تا ببینم
شاگردان این کلب در کدام رشته تربیه
می شوند و چه گفتنی هایی دارند . ابتدا با سر-
پرست کلب که خودش هم يك ورزشکار
خوش اندام به نظر می خورد به گفتگو می
پردازم ، تا معلوماتی در باره جگه و کلب
حاصل و به شما خوانندگان صفحه ورزش
تقدیم نمایم بعد از چور هستی و بخیر ... خود
را چنین معرفی می کند :

اسم محمد سلیم تخلص ایوبی و فعلا سر-
پرست کلب ورزشی تعلیم و تربیه می باشم .
از محترم ایوبی می پرسم ، بطور عموم شاگردان
کلب چه چیز تمرین می کنند ؟

- شاگردانیکه درین کلب تربیه می شوند
و تمرین می نمایند در رشته های پهلوانی ،
بوکسینگ ، وزنه برداری ، چمناسینگ
و پینگپانگ می باشد .

- شاگردیکه بخواهد عضویت کلب را
حاصل نماید چطور می تواند شامل کلب
شود ؟

- چون کلب تعلیم و تربیه يك کلب رسمی
می باشد ، شاگردیکه بخواهد شامل کلب
شود به ریاست تربیت بدنی وزارت تعلیم
و تربیه در خواست می دهد که بعد از موافقه
ریاست مذکور و معاینه دکتوران وزارت تعلیم
و تربیه در صورتیکه وجود شاگرد سالم و
صحت باشد به امریت کلب معرفی میگردد ،
نظریه ذوق شاگرد در هر رشته ای که خواسته

باشد به ترینر همان رشته معرفی میگردد که
ترینر همان رشته مدت يك الی دو هفته تعلیم
تخنیک و تکنیکی اش میدهد و بعد از معلوم
نمودن استعداد ، پایداری و حاضری و تمرینات
اخلاق خوب سپورتنسی به حیث عضو کلب
شناخته می شود . نامبرده افزود :
در سابق شاگردان کلب تا وقتی عضویت
کلب را می داشتند که شاگرد مکتب می
بودند اما بعد از پیروزی انقلاب ظنر مند نور



عبدالقیوم «نیرو لطیف» : در وقت تمرین به حد توان دقت می کنم تا شاگردان به سر و روی یکدیگر حواله نکنند .

که فعلا در حدود صد نفر و یا بالاتر از آن مصروف تفریح اند. اما انشای تیم الف کلب همه روز تفریح می کنند که تفریبات آنها تحت نظر ترینان خارجی در جمنازیوم پولیتخنیک صورت میگیرد.

شاگردیکه به این کلب جذب می شود برای يك و یا دو هفته تخنیک و تکنیک می آموزد بعدا با یکی از شاگردان لوجبد دیگر که اندکی سابقه دارتر می باشد مسابقه میدهد در همین وقت است که استعداد شاگرد برای پهلوانی معلوم می شود البته شاگردیکه لوجبد می شود مدت زیادی به کار دارد با يك اندازه از تخنیک و تکنیک های خوب برخوردار گردد.

- خوب استاد، ورزشکاران پهلوانی ازین طریق چه کمکی به جامعه خود کرده می توانند؟

- در قدم اول در مسابقات داخلی و خارجی همین پهلوانان است که در رشت افغانستان عزیز را در پهلوی تمام ورزشکاران جهان بلند کرده و می کنند و دوم اینکه از عایدات سیورتی شان میتوانند به ناتوانان جامعه کمک ناچیز اقتصادی کنند.

حال بایکی از اعضای کلب که زیاد خسته به نظر میرسد به گفت و شنود می پردازم:

- برادر شما چرا اینقدر خسته و مانده به نظر میرسد، همچنان خود را به خوانندگان صفحه ورزش معرفی کنید؟



اعضای کلب میگویند: ورزش بوکس هر ورزشکار را قوی پنجه، دلیر و خونمرد بار میآورد نه بدعاش.

تقلید است که يك گیلای شیر بعد از تفریح چندان انرژی ای برای ورزشکار نمیدهد اما اینکه غاید هیچ نباشد و مصرف به خورار و لوجبد قارون هم باشد به افلاس رو برو می شود. نامبرده به سخنان خود چنین ادامه داد: در مورد تربیه شاگردان باید بگویم که هر استاد می تواند شاگرد خوب و یا خراب تربیه کند. اگر استاد خشن و تند خو باشد و با شاگرد به تند خوئی رفتار کند شاگردش هم پنجاه فیصد تند خویسی استاد را جذب می کند. به هر صورت ورزشکاران به صورت عموم و بخصوص هر بوکسر باید دارای اخلاق نیکوی اجتماعی بوده و برخورد انسانی و مودمی داشته باشد نه مانند کسانی که با و شما به چشم سر دیده ایم چند روزی بوکس می کنند بعد از بازار و یا راه های مکاتب ... به ناحق بهانه گرفته این و یا آن را مشک ریخت خیال کرده و دست های خود را بالا پیش پخته می سازند که این گونه اعمال خلای نزاکت های سیورتی و انسانی می باشد. وی گفت: حال که مرحله نوین تکامل انقلاب نظر مند نوره عوفیت رسیده امیدوارم گام های هرچه فراختر در ساحه ورزش در جامعه ما برداشته شود.

صحبت را با بوکسر ها ختم و با استاد پهلوانی از سر میگیرم.

- قسمیکه دیده می شود شما ترینر رشته پهلوانی می باشید، اگر خود را به خوانندگان محترم ژولنون معرفی کنید ممنون میشوم!

- اسمم سید مومن متخلص به ساداتی می باشم، تقریباً مدت دو سال میشود ترینر تیم پهلوانی کلب تعلیم و تربیه می باشم.

- فعلا در حدود چند نفر شاگرد درین کلب تفریح میکنند؟

- در طول سال تعلیمی که مکاتب شروع میشود تعداد شاگردان پهلوانی در حدود سه صد نفر میرسد اما در ایام زمستان تعدادی از شاگردان نسبت مشکلات راه و سردی هوا آمده نمیتوانند. و تعداد شان تقلیل یافته

شود (۱) روی چه پختگی دارد؟ نازک ترین جای روی انسان است بر از رشته های اعصاب. چنانچه به بیکر درختی اگر روز ها زده شود روزی میرسد که درخت بدون تریه زمین می افتد، همین طور اگر بوکسر ها هم در ابتدای آموزش به روی یکدیگر بزنند رشته های اعصاب تکان خورده و کله را بوج می سازد اگر خواسته باشند دست هاراقوی سازند خریطه های جرمی ای است که بنام (زلفک) یا مشک ریخت یاد می شود و با اینکه کور توپ های فوتبال را از ریخت جرمی کنند و برای پخته شدن دست از آن کاری گیرند نه اینکه به کله و روی یکدیگر چنانچه خود می بینید که درین جا مشک های جرمی پر از ریخت وجود دارد و من شاگردان را میگویم به مشک بزنید تا دست تان پخته شود، ولی هر آن مراقب هستم که شاگردان به سر و روی يك دیگر حواله نزنند چنانچه درین مدت پانزده سال حتی بینی يك شاگردم خون هم نشده، موفق باشید استاد.

بعد از استاد با سید یعقوب محصل پوهنخی پولیتخنیک که عضو این کلب می باشد به صحبت می پردازم، نامبرده به پاسا سخ سوالهایم میگوید:

سه سال می شود که در کلب ورزشی تعلیم و تربیه به ترینان بوکس ادامه داده ام و آرزو دارم تا آخرین وقتی که بوکس میکنم عضو همین کلب باشم، چرا کسانی که وضع اقتصادی شان نسبتاً خوب نیست می توانند تا هروقتیکه بخواهند درین کلب تفریح نمایند البته تمام لوازم سیورتی از طرف ریاست تربیت بدنی تهیه و به دسترس ورزشکاران قرار میگیرد در پهلوی آن بعد از ختم تفریح به همه ورزشکاران فعلا يك گیلای شیر داده میشود، اما در کلب های شخصی مصرفی زیادتری به کار است که هر عضو کلب در کلب های شخصی باید مخارج کلب را بپردازد، گرچه ورزش بوکس يك سیورت

کلب (خودش) و تأیید ریاست تربیت بدنی در بهار سال نو که سال فرخنده خواهد بود مسابقات عمومی بین تمام شاگردان بوکس تعلیم و تربیه دایر میگردد که در نتیجه آن شاگردان تیم منتخب انتخاب و در پهلوی دیگر تیم های منتخب به تفریبات خود ادامه خواهند داد نامبرده افزود: فعلا در حدود هشتاد و دو یا بالاتر از آن درین کلب مصروف تفریبات مداوم هستند که در جریان سالهای تعلیمی سه تعداد شان همه ساله افزود میگردد که میتوان این جارا کلب نه بلکه فابریکه بوکس سازی نامید (۱) و باید بگویم شاگردان بوکس و هم چنان همه اعضای کلب چنان تربیه میشوند مثلیکه در مکتب درس می خوانند یعنی لحظه به لحظه به هر يك از شاگردان درس داده می شود که چه گونه بزنند و چگونه دفاع نمایند که هر شاگرد این کلب تا جای امکان برخوردار از هر گونه تخنیک و تکنیک بوکس می باشد البته قاجالیکه خودم یسار دارم.

ساز نظر من بازی بوکس يك بازی خطر ناک می باشد چرا که بوکسر ها در وقت تفریح و مسابقه به سر و روی یکدیگر چنان حواله می کنند که اگر دفاع نشود از نور چشم و کله وماغ بی بهره اش خواهد ساخت همینطور نیست؟ قسمیکه شما فکر کرده اید غلط است بوکس کردن تنها حواله کردن مشت به سر و کله نیست بلکه بوکسر هر ورزشکار را قوی پنجه، دلاور و خونمرد می سازد. بر عکس اینکه به کله وماغ تقصی برساند ورزشکار را ذکی و تیز هوش می سازد. اما هستند استادانیکه شاگرد را به بازی اینکه ورزشکار تربیه کند با حیانت بازی می کنند. مثلاً وقتی که شاگرد جدید عضو کلب شان گردید دستکش را بدستش کرده و در میدان تفریح رهائش می کنند در عوض اینکه تخنیک و تکنیک را یادش بدهد می گویند به روی یکدیگر بزنید تا پخته



صرف تخنیک و تکنیک می آموزیم و بعد با حریف در میدان مسابقه زور آزمایی می کنیم

وزن

داکتر روبه مریض کرده گفت :
- وزن شما چقدر است .
- هفتاد و پنج کیلو گرام .
- حداکثر وزن چقدر بود ؟
- نود و هفت کیلو گرام .
- حداقل وزن چقدر بود ؟
- سه کیلو یکصد گرام .
داکتر با حیرت فریاد کشید :
- چه گفتید سه کیلو ؟ ...
مریض جواب داد :
- بلی داکتر ! روز تولدم ؟

بدون شرح



انتقام

زن و شوهر وارد اتاق شدند وزن رو به شوهرش کرد :
- عزیزم ... فردا هفتمین سالگرد ازدواج من و تو هست ... پس تصمیم گرفته ام به این مناسبت یکی از مرغهای خود را که تخم می گذارد بکشم !
شوهر سری تکانداد و گفت :
- حالت بکش زن ... برای چه ؟ من خواهی انتقام را از مرغ بیچاره بگیری ؟
- من اگر به جای تو می بودم گردن برادرت را که باعث آشنایی ما شد می شکستم !!

استعداد

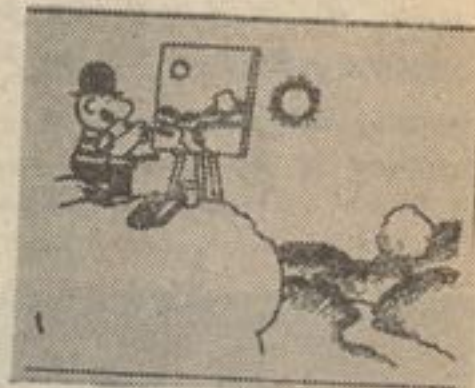
زننگه تلفون اداره پولیس یکی از شوهرهای امریکا بسدا در آمد و پیر دختری از آنطرف التماس کنان گفت :
- بکمکم بیایید ، دو مرد ناشناس بخانه ام آمده اند یکی پیر و دیگری جوان . امید است هرچه زودتر یک پولیس بفرستید که مرد پیر را از خانه من بیرون کنند !

مرد دست

آقا نصفه شب دست بخانه برگشت ولی آرام وبا احتیاط وارد خانه شد که خاتم بیدار نشود اما متاسفانه پایش به کدام چیزی بند شد و دستگیره دروازہ صورت وی را مجروح کرد . بازم با احتیاط از جایش بلند شد و نزدیک آئینه رفت و صورت خود را با آسمان کرد و خوابید . صبح خاتم او را با عصبانیت بیدار کرد که :
- باز دستب دست آمدی به خانه ، اختیار داری یک قطره هم مشروب نخورده بودم . خاتم نکاهی بصورت زخم شده او کرده گفت :
- عجب است ! پس ممکن است بگوئی برای چه روی آئینه را با این دقت پائسمان کرده ای ؟

دلیل آوردن یکجا

مادر از بچه اش پرسید :
- ببینم مرای آلبالو را تو خورده ای ؟
- نه بخدا .
- پس چرا خسته هایش روی زمین ریخته ؟
- بچه با سر بلند می جوابداد :
- همین دلیلش است . برای آنکه من هرچه خوردم خسته هایش را هم قورت کردم .



بدون شرح

پسر هوشیار

پسر کاتکستر معروف از جلسه امتحان به منزل برگشت و پدر با اشتیاق پسرش پرسش رفته پرسید :
- پسرم بگو امتحان خوب بود پسر یا غرور جواب داد :
- عالی بود پدر جان ! آنها سه متمنی بودند دو ساعت تمام از من سوال کردند ولی یک کلمه نتوانستند از من جواب بگیرند !

اعتراف

تازه عروس باخجالت رو به شوهر جوان خود کرده گفت :
- عزیزم حالا که زن و شوهر شده ایم و



بدون شرح

هیچ چیز را نباید از هم پنهان کنیم من ناچارم بتو بگویم که موهای من عاریه است :

داماد جوان با خوشحالی جواب داد ناراحت نباش عزیزم انگشت قسمتی را که من دادم هم بدلی داشت .

در دیوانه خانه

دو دیوانه گرم گفتگو بودند ... یکی از آنها گفت :

- آه ... من با تو شرط میبندم کسه از طبقه دهم این منزل خودم را در بین حوض آب که برای مرغ آبی ها ساخته باندازم و هم آسمینی نبینم !
دیوانه دومی جواب داد :

- من هم حاضرم شرط ببندم که تو نمیتوانی اینج دقیقه بعد دیوانه اولی را به طبقه آخر ساختمان رساند و از پشت بام به بیرون خم شد و بدون تامل خود را در فضا رها کرد .
دیوانه دومی که از این عمل فوق العاده به حیرت افتاده بود سرعت از آنجا فرار کرد و باخود گفت :

- ممکن است خودش روی آن حوض غرق شود و آن وقت همه تقصیرش را به گردن من اندازد !!

بها نه یی برای زن

زن جوان ، در حالیکه دستش پر از انواع بسته ها بود ، از فروشگاه بیرون آمد و به یکی از دوستانش بر خورد کرد و با نگرانی گفت :

- او ، خواهر ... نمیدانم از بابت این جنس ها که خریده ام به شوهرم چی بگویم ... امید وارم بتوانم بهانه ای پیدا کنم .

روز بعد دوستش به او تلفون کرد و پرسید :

- جریان خرید چطور شد ... بالاخره بهانه یی پیدا کردی ؟
- بلی ... آن هم چه طور .

خوب چی بود ؟

یك انازموی طلایی بود روی یخن پیراهن شوهرم !!



از بالا به پایین - بدون شرح

اعتصاب

دو نفر مرد در باره زنهای خود صحبت میکردند ... یکی از آنها گفت :

- من تقریباً دو سال است که بازنم اصلاً حرف نزده ام .

دوست دیگر با تعجب پرسید :

- عجیب است ... مگر با هم در این مدت قهر بودید ؟

مرد اولی آهی کشید و گفت :

- نه ... چون من نمیخواهم میان حرف او حرفی زد ، باشم . !!

سن خانم

خانم بعد از آنکه از حمام بیرون آمد و سر و روی خود را بدقت تمام آراسته ساخت و به اتاق دیگر که شوهرش در آن مشغول

روز نامه خواندن بود رفت و باو گفت :

- عزیزم ... سوال از تو میکنم که دلم میخواهد جواب آنرا آنطور که واقعاً فکر میکنی بدهی ... بگو بنظر تو قیافه من چند ساله نشان میدهد ؟

شوهر نکامی به قدوبالای او انداخت و بعد فکر کوتاهی کرد و گفت :

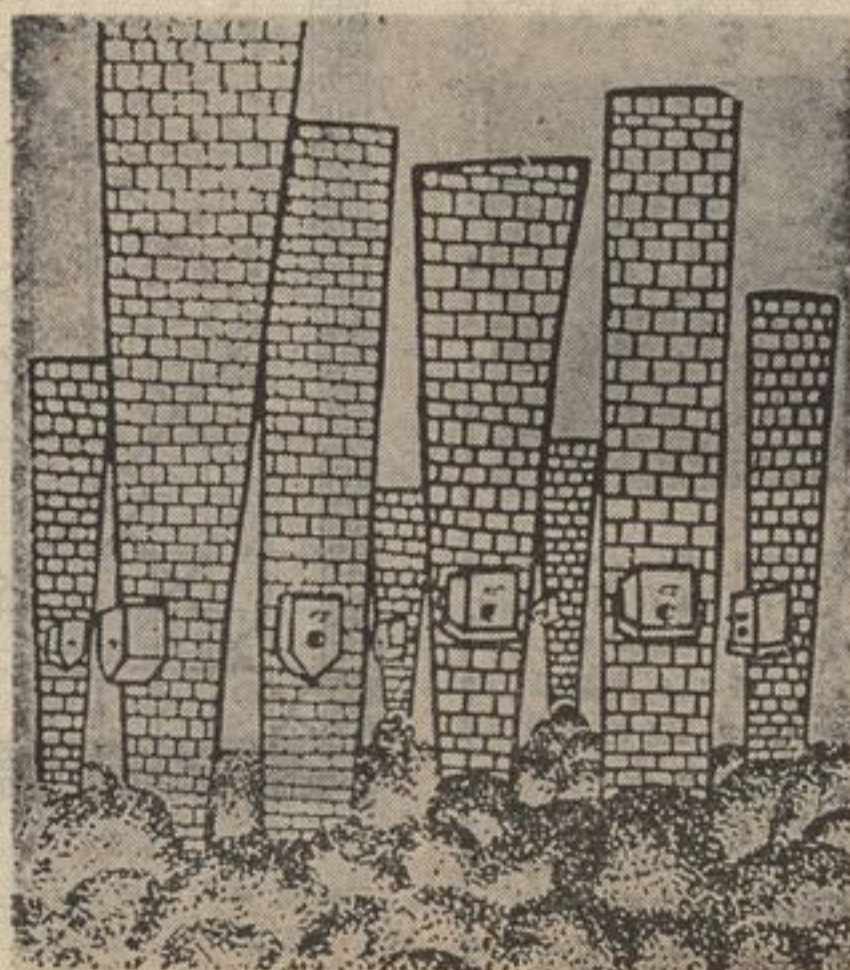
- صبر کن بریت بگویم از طرز رادرفنتت بیست و پنج سال ...

از رنگ پوست تقریباً بیست سال ... از موهای در حدود هجده سال ... لبخند رضایت آمیزی چهره زن را روشن کرد و با شوه گفت :

- راستی میگوئی . یا فقط برای خوشحالی من این حرف را میزنی ؟

شوهر جواب داد :

- اوه ... ابداً عزیزم ... صبر کنی همه این اعداد را باهم جمع کنم تا بگویم بنظر من چند سال داری !!



بدون شرح

فاصله عقل و ابله یی

جوان پرگویی در برابر و لتر قرار گرفت که از آغاز مجلس همه را از پرگویی و گفته های باطل و بیسوده خویش خسته کرده بود . و لتر از پرگویی اوجان آمده بود ، ولی نمیدانست چه کند تا دهان آن جوان یاوه گورا ببندد . ناگهان جوان از او پرسید : راستی بفرمایید بدانیم که فاصله بین عقل شخص خردمند و عقل آدم ابله چه اندازه است ؟

ولتر بیدر تگ جواب داد: کاملاً به اندازه این میزی که میان من و شما فاصله است .

سرگرمی ها و مسابقات



تهیه و تنظیم از صالح محمد کپسار

جدول کلمات متقاطع

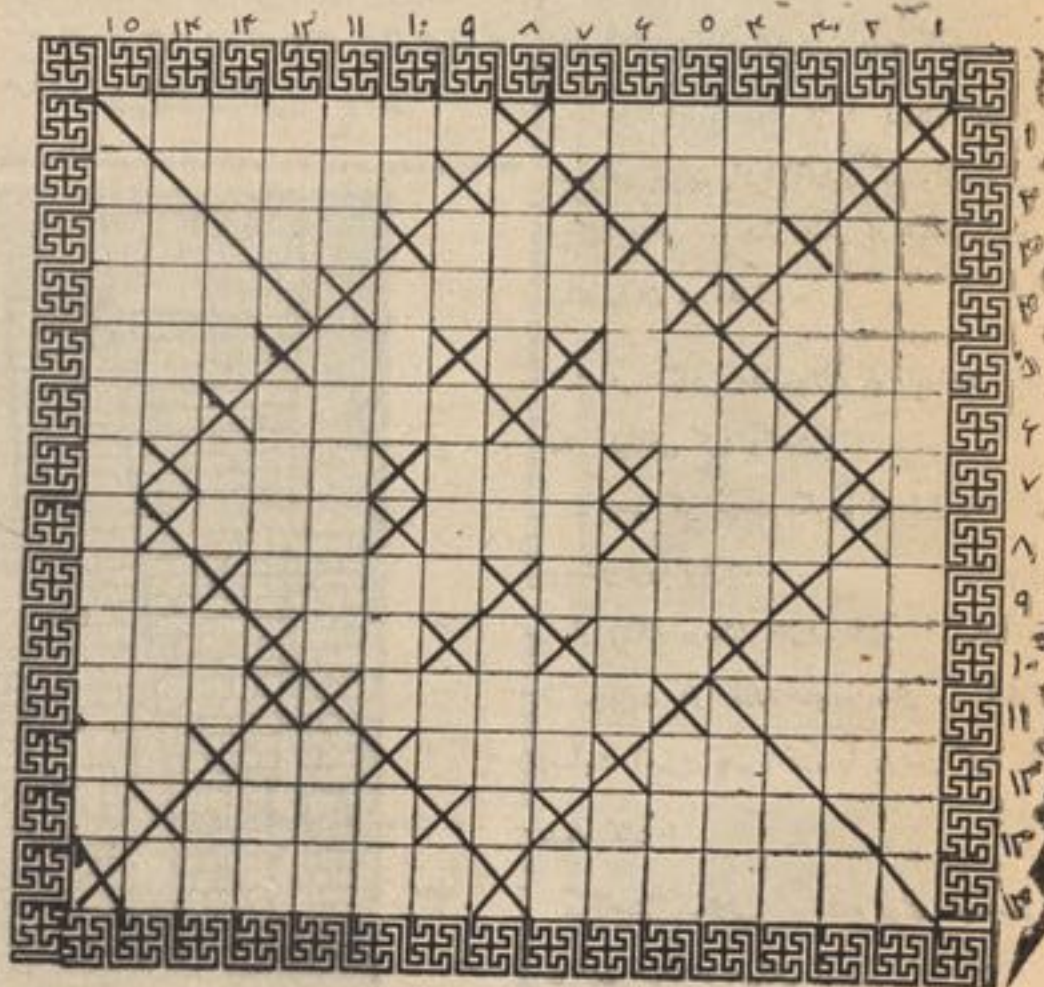
الف: ۱-

۱- اثر بر جسته از نویسنده مشهور (جک لندن)، این کتاب را نویسنده مشهور (ناتیل هائورن) نوشته است. ۲- آنرا گهواره انقلاب نامیده اند، یکی از مناطق زیبای کشور ماکه به آن يك ضرب المثل نیز ساخته اند. ۳۰- از آنطرف کلمه ثبت پستو، رعد نا تمام، از خزندگان، خودها، از حیوانات وفادار. ۴- از آلات نجاری، از ایرانیان می آید، ماشین آنرا مور اختراع نمود. گردنبند، این به پستو، آغاز و پایان ولایت هرات، آواز غیبی. ۵- از آن طرف خشک بیست، شعر را می گوید، بزرگترین آن در کشور ما آمو است، نصف دیدن است.

۷- از گندم بدست می آید، وداع نکرده، از آهن آنرا می سازند، ۸- وقت بزبان عوام، شوخ بود مقشوش هم شد، از سامان موتر،

۹- از آن طرف بالای دریا ساخته میشود، منظم آن به پستو محبت است، آخرش را حلق کنید درس است، خود ما است. ۱۰- مادر بزبان عوام، مار دم بریده، عدد بیگانه، معدن هم ردیف آن است. ۱۱- هسته ناتمام، اثر یکی از نویسنده گان جهان، عادت که آغاز داشت جدایی. ۱۲- آغاز و انجام رول، پروانه خود را به آن میسوزاند، میازار که...

دانه کش است، مات شده اما بی آغاز، نصف بحری، ۱۳- یکی از فصول مسال، جدای است. ۱۴- اثری از ولتر نویسنده فرانسوی، اثری از يك نویسنده مشهور شوروی.



عمودی:

۱- یکی از رهبران بزرگ شرق که برای آزادی کشور خود تا آخرین لحظه کوشید. ۲- سر زمین میناتور و سیاه موج لالی، شاید در دستتان باشد. ۳- عکه دم بریده، کلمه ربط، دو چهارونیم، در بین بهتر قرار دارد، حرف ربط. ۴- رفیق سوزن، از آلات دفاعی است، حاصل زنبور، ۵- چهارم حصه

درجم شهرت دارد، مسترد کردن. ۷- نصف ماشه، آفتاب بسیار است، هشتم به پستو، ۸- دارنده، پنجه وریشه درخت، صبر کننده. ۹- راه کوتاه، قبل از انقلاب قور این آدمکش بر کشور ما حکمرانی داشت، ۱۰- چاک سر بریده، جای عبور و مرور آب، برادر به پستو، هنر. ۱۱- گندم بزبان پستو، بدون حرف آخر نویسنده آن نتوان چخوف است، اکثریت. ۱۲- خیر، یکی از روز نامه های کشور ما، در ردیف چهارم عمودی. ۱۳- از آن طرف ضد مرد است:

دویک، رول میان تپی، کار ناتمام، نصف قادر. ۱۴- خط بین کشور ها، اثر برجسته ماکسیم گورکی. ۱۵- او رئیس جمهور کشور است که مساحت ۶۷۱۰۸ میل مربع و ۱۸۸۰۷۰۰۰ نفوس دارد و واحد پول آن بیاستر است.

به عربی، بدون حرف آخر نویسنده کتاب بی بی پیک، سی روز است، ۶- الف ناتمام، بایک نقطه جای گل ویلبل میشود، از آن طرف

يك امتحان کامل خودشناسی



خوانندگان نهایت گرمی صفحه سر گرمی ها و مسابقات! ما این قسم تست ها را تا حدود امکان نشر مینمایم و از شما هم تقاضا داریم این قسم تست ها را برای ما ارسال دارید که با اسم و یک قطعه عکس تان آنرا چاپ بنائیم در اینجا از شما میخواهیم که تست پائین را که با عکسهای آن بچاپ رسیده است به هر کدام جواب ارائه نموده و برای ما ارسال دارید. تا بعداً برای تان بگوئیم کی هستید؟ این هم تست ما:

الف: به این تابلو خوب متوجه شوید او چه میکند؟

۱- آیا به همایگان خود متوجه میباشد؟

۲- به تماشای اسپ دوانی مشغول است؟

۳- عسکری است که انتظار حمله دشمن را دارد؟

۴- آیا میخواهد بدون آنکه کسی متوجه او شود مردم را تماشا کند؟



ب: به این تابلو خوب متوجه شوید و بگوئید او به چه فکر میکند؟

۱- به ناامیدی و ناکامی خویش، چون این مرد شوهر است؟

۲- حسرت این زن و شوهر را میخورد که این قدر همدیگر را دوست دارند؟

۳- از دیدن این زن و شوهر که همدیگر را دوست دارند حسرت می برد؟

۴- به خود میگوید: «این وضع عدت زبانی دوام نخواهد داشت. بزودی محبت ما پایان میرسد؟»

ج: به این تابلو خوب متوجه شوید میان این دو چه میگردد؟

۱- او میخواهد به این زن بگوید که دیگر دوستش ندارد. منتها نمیداند این را از چطور افشا کند؟

۲- البته برای زندگی آینده خود نقشه یی را طرح میکنند؟

۳- زن میخواهد مرد را ترک کرده و از نزدش برود ولی جرأت ندارد؟

۴- این دو، زن و شوهری هستند که مدتی از عروسی شان گذشته و دیگر چیزی ندارند که برای يك دیگر بگویند؟



د: خوب حالا به این تابلوی دیگر متوجه شوید و فکر کنید میان این دو چه میگردد؟ ۱- شخصی که ایستاده يك کارگر و نشسته کار فرما است که کار گر خطاری دیده که

وحت خوش ویا ...؟ حالا از شما میخواهیم که راجع به نگاه او هر چیزی که بنویسید بنویسید و برای ما ارسال دارید

کدام صحنه ؟

در جهان یکی برای عظمت طلبی و بعضی ها برای آزادی خود می جنگند ما هم میدانیم که ما هم برای آزادی کشور خود میجنگد هیچ گاه تاریخ آزادی آنها را فراموش نمیکند

ما صحنه یکی از این جنگها را برای شما چاپ کردیم تنها شما بگوئید که این سرباز که به این حالت در آمده است از کدام کشور جهان میباشد

این ستاره چیست ؟



یکی از ستارگان سینمای غرب میباشد او در بسیاری از فیلمهای غربی اشتراک نموده است شاید یکی از فیلمهایش را شما دیده باشید . ما این بار هم از ستاره های سینمایی عکسی را بچاپ رسانیدیم لطفاً برای ما بنویسید که اسم این ستاره غرب چیست ؟



نگاه ؟

ما در هر شماره راجع به نگاه ویا کدام مطلب دلچسپ دیگر با شما حرف میزنیم و از شما در باره آن طالب مضامین نیز شدیم به این عکس متوجه شوید که به چه نگاه میکند ؟ به آینده خود ؟ به صحنه کدام

این دختر زیبارا می شناسید ؟



او از زیبا ترین ستاره سینمای غرب میباشد شاید او را در بسیاری از فیلمهای غربی رول های را به عهده داشت حالا از شما اسم فیلمهای او را ویا کشورش را نه میخواهیم بلکه آرزو داریم که تنها اسم این زیباروی سینما را برای ما بنویسید و بایک قطعه فوتوی خویش برای ما ارسال دارید -



بعد از اینکه به تمام سوالات ما جواب گفتید نتیجه جوابات را به آدرس ژورنون صفحه مسابقات و سرگرمی ها مطبوعه دولتی انصاری وات کابل بفرستید امید است که در ضمن یک یک قطعه فوتو های خویش را نیز ارسال دارید .

کدام پرنده ؟



این تابلو را یکی از رسامان ترسیم نموده است آیا میدانید که منظور از ترسیم تابلویش چیست و کدام پرنده را درین جا ترسیم نموده است اسمای آنرا برای ما بنویسید .

حل کنند گان

کسانیکه به سوالات ما جواب گفته اند . اندر پال سنگ «جنبش» ، حمیده نمر متعلمه صنف یازدهم ج اجتماعیات لیسه زرغونه ، شیرمحمد هوتکیار ، معروفه علیزاده ازیکه توت ، قادر ننگیالی علی «زاده متعلم صنف هشتم مکتب یکه توت ، احمد فواد دامع متعلم صنف نهم ب مکتب متوسطه محمدایوب خان ، عبدالقیوم دانشام ، از ننگرها ، فادره شریفی از صنف یازدهم لیسه رابعه بلخی ، محمدکبر میرحیدری ، نفیسه محبوب متعلمه صنف یازدهم لیسه مسلکی جمهوریت ، عبدالحی وغروب از میرویس میدان ، محمود هنرمل از پوهنخی اکادمی شانزدهوی جمیله ، سلما رابعه ، هما ، کرام الدین ، عبدالمتین ، لطیف ، سید عبدالواحد ، شادولا ، فضل الرحیم ، شامین ، نصراله ، عبدالحمید ، مسمند ، وفاداره اکبر ، یوسف ، قادر ، نعمت الله شهنار ، گلجان ، بسم الله ، شیرین آغا

موجب آن از وظیفه اخراج میگردد ؟
۲- شخصی که ایستاده یک کارگر بوده و مستحق پاداش گردیده است ؟

۳- این دو باهم دوست صمیمی بوده که بهلاقات دوستش آمده و حالا میخواهد از او خدا حافظی کند و برود ؟
۴- شخصی که ایستاده است برای انجام کاری ، وارد دفتر کارفرما گردیده است ؟



۵- به این تابلو نگاه کنید و بگوئید که این نگاه چه حالتی را بیان میکند ؟
۱- اضطراب و وحشت در مقابل یک منظره نا راحت کننده ؟
۲- استهزا ویا تمسخر ؟
۳- درستی و امانت ؟
۴- بی تفاوتی ؟



و نه خوب حالا بگوئید این دختر جوان چه میکند ؟

۱- آیا میخواهد از خطری فرار کند ؟
۲- مانند آهوی بیابان آزاده و بدون غم میدود ؟
۳- یا اینکه به وعده گاهی که برایش اهمیت دارد خود را میرساند ؟
۴- آیا برای دیدن و گفتگو با کسی که او را دوست دارد میشتابد ؟



اولین روز های عشق، آتشین می باشد

ترجمه: ع. س.

اگر میخواهید اید یال تان را از دست ندهید

اگر خواهیم و یانه، اما این يك واقعیت است که پرایلم های خانوادگی و ازدواج در ممالك پشرفته بسیار حاد شده است. وقت آن فرا رسیده تا از توضیحات اضافی مینی بر اینکه خانواده در اثر افتخار روش سطحی در قسمت ازدواج و شرایط مسکونی ناشی میشود پیرهنیم. بطور مثال در ممالك متعددی شرایط مسکونی نظریه سابق براب بهتر شده اما تعداد نایبانی های فامیلی روبه افزایش است.

هویداست که باز گفت به عقب یعنی به زمانهایی که زن از حقوق ناچیز بهره مند بود امکان پذیر نیست. اما در مقابل مناسبات فامیلی و اشکال آنها در کدام دفتر ساختمانی طرح و یا توسط «متخصصین در رشته دوستی و ازدواج» ایجاد شود.

مناسبات مذکور را پراکتیک اجتماعی بدون ها و آنهم توسط یگانه طریقه ممکنه یعنی از مایش و اشتباه پیمان می آورد. ملیون ها آزمایش و ملیون ها اشتباهات صورت میگیرد.

از تعداد اشتباهات و عمق آن قاحدی میتوان گاست اما کار چندان ساده نیست. اینکار زمانی تحقق می یابد که انسان در مورد «میخانیزم های» مناسبات فامیلی از دانش کافی بهره مند باشد.

یکی از خصوصیات بارز سیستم های حیه قابلیت آنها غرض بوجود آوردن نوع شان

هست. اگر مردم علاقه شان را در قسمت باصلاح زندگی شخصی از دست میداد آنجا بود که در اثر محو بشریت قولید، سیاست، علم، هنر، ایدیاالوژی و همه اشیا بطور مطلق مفهوم شان را می یاختند. اشیا تازهانی از مفهوم برخوردار اند که عشق و دوستی بین زن و شوهر موجود باشد. عشقی که معمولا آنرا «مقصر» مینامند.

ممکن است این حقیقت افسانوی شمرده شود که (۹۵) فیصد بالاخره به هدف خود نایل میشوند یعنی اولین و آخرین را که می خواستند بدست می آرند. اما حقیقت اینست که طبیعت در چنین موضوع جدی نمیتواند به مجزئه متکی شود. همه امور بشکل تنظیم شده و بدون وقفه به پیش میروند.

این نکته که زن و یا مرد اعتراف میکنند محبوبش را به خاطر کدام خصوصیتش دوست میدارد در حقیقت خود را فریب میدهد. این کار بسیار متمر اما خود را فریب دادن است. عشق گرچه از نخستین دیدار نباشد به شبکه اتصالی شباهت دارد و فلتر سرخ رنگی را بکار می اندازد که با تقویت کنند مجیز میباشد. جهات مثبت محبوب به بسیار شور و هیجان مورد قبول قرار داده شده و جهات منفی زیر پا میشوند.

اگر عشق از نقطه نظر اطلاعاتی مدنظر گرفته شود ناموزونی های زیادی را در بر دارد. فلتر سرخ نیز بعد از سپری شدن مدتی نااندازه از کار و فعالیت بازمانده و از آن اطلاعاتی فلتر میشود که از تفایض محبوب شباهت میدهند. اشخاصیکه (افلا بکیمک حسن درونی) طرز وقوع پروسه ها را تصور کرده میتوانند در مقابل از خود عکس العمل نشان داده و جدو جهد را بکار می برند.

ضرور است تا فلتر به حالت اولی باقی مانده (ناجاییکه ممکن باشد) یعنی هر حرکت مثبت روانی دوست خویش ارزیابی و از هیجان و قهر برهنه شود. یا بعبار دیگر انسان از لطف و مرحمتی برخوردار باشد وقتا فوقتا مکمل تر شود. بدون داشتن این همه صفات فامیل مانند موتری که گریس کاری و نرمیم نبود یگانگی و صحت خود را از دست خواهد داد.

به تاسف باید گفت از برهم خوردن عشق و دوستی از حد و اندازه آن اضافه برداشت فرازیدی میشود. این حالت طبعا با برداشت عینی مساله مطابقت نمیکند. برداشت درین وقت مانند اوایل عشق آتشین مطلق یکجانبه میباشد. اما فلتر درین نوبت رنگه سیاه را بخود گرفته، نکات مثبت را زیر پا گذاشته و از اطلاعاتی که جواب منفی داشته میباشد

هرچه بیشتر و یاقیل و قال یادآوری میشود. بصورت عموم انسان طبیعتا سعی میکند ناخنی از زعم باطل خویش تا آخرین مرحله دفاع کند زیرا طوری تصور میکند که گفتارش روی واقعیت نام استوار است. این اوهام در ساحه مناسبات بین زن و مرد مخصوص مستحکم بوده و نمیتوانیم آنرا حتی به مرص قوی ازین بریم. اما لازم است تا بکلی محو شود. در همه جا و همه احوال زمانی که از علیل جدایی و برهم خوردن فامیلی از زن و مرد پرسش بعمل می آید واقعیت را اظهار نمی کنند و مقام گفتار آنها انعکاسات مغرضانه در خفاء داشته میباشد.

ناسازگاری های روحی یعنی چه ؟

در موارد زیادی ازین لغت چنین برداشت میشود: «رضایت شریانی درین ما وجود ندارد». در نتیجه حالاتی ایجاد میشود که معمولا آنرا «جنگ زوجین» مینامند. این جنگ بالای رشد و کردار بعدی اطفال شان تأثیر منفی بسزایی دارد.

اغلبا با اندازه معین جدایی و ناسازگاری هزارا به اوت می بریم. سوسیولوژیست ها از قدیم به این نکته متوجه شده اند: اگر يك عضو جفت در فامیل ناقص قریبه شده باشد احتمال وقوع جدایی افزایش می یابد. اغلبا از اطفال حتی بعد از جدایی منجبت و وسیله انتقام گیری استفاده مینمایند.

نایبانی هایی را که در بنصورت اطفال در نتیجه جی و بحث زن و شوهر به اوت می برند بسیار خطرناک و در ضمن در خور توجه است.

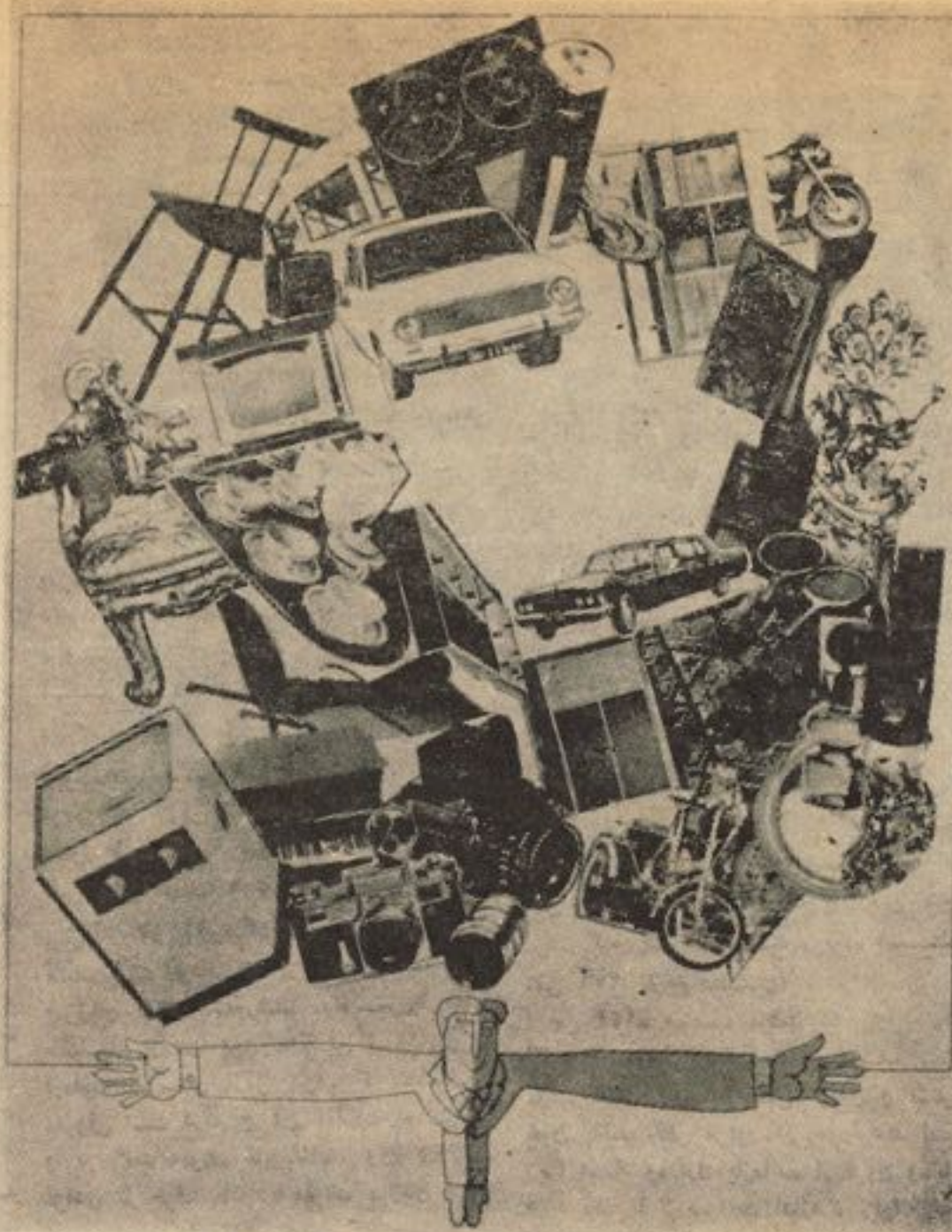
پرهیز از سوپرگزویسم (بی طرف نماددن) شدید و تعصبات در زمان توافق امکان پذیر نیست. این حس در انسان در اثر ضرورت احیای مجدد زندگی بطور مستحکم تنظیم شده است. لازم هم نیست زیرا از برکت این تعصبات انسان به عالی ترین تیک و مثبت دست می یابد.

اما روحیه بی طرف نماددن در زمان جدایی غرض احیای مجدد زندگی بسیار ضعیف بوده و تنها احساسات منفی را هدیه ما می کنند. به این لحاظ مبارزه با سوپرگزویسم یکی از ضروریات زندگی شمرده میشود و موفقیت بالای آن از جمله ممکنات است سعی شود تا همه الفاظ بی غرضانه ادا شود و در ضمن از تصدیق بلا تصور پیرهنیزید.

محققین درین موارد معمولا از زنها جانب داری میکنند تا در «فضای همزیستی مسالمت آمیز» در مقابل زنان از حوصله کار گرفته شود زیرا تا زمانی که خیال های مشترک و در ضمن باطل محو میگردند زنها نسبت به های فراوان را متحمل میشوند. علاوه زنها وجود نازک و زود شکن دارند و مرد ها مایست در مقابل آنها از لطف و مهربانی کارگیرند.



بازهم «سکوت»



اینها سهولت ایجاد می نمایند اما جنبه منفی نیز دارند.

ترجمه: عبدالله

تاثیر روانی افزایش لوازم منزل بالای انسان

ما به اشیای ماحول خود خو گرفته ایم. اینها شرایط مستریج زندگی را فراهم می کنند. تعداد اشیای مانند موتر، تلویزیون، یخچال، ماشین رخت شویی و غیره روبه افزایش اند. اما بیاید لحظه توقف کنیم. انجام کار بالاخره به چه منجر خواهد شد؟ ممکن است این همه مردم را تحت شعاع خود قرار دهد! ضرب المثل معروفی است که میگویند «با اشیای خوب حتی در «کلبه محقر» زندگی آرام می گذرد». آیا این ضرب المثل در عصر حاضر قابل تطبیق است؟ به احتمال زیادی. فامیل امروزه با این همه اشیای زندگی را به بسیار مشکلات در «کلبه محقر» پیش خواهد برد. اشیای و باز هم اشیای به حدی افزایش یافته اند که علما در حال حاضر در کنار «فضای طبیعی ماحول» از «فضای اشیای ماحول» نیز نام می برند. این اشیای بطور بلی اما بتدریج فضای طبعی را تنگ تر می سازند. انسان در فضای طبیعی فقط در اتنای تفریح

در کنار دریا ویا جنگل قرار میگیرد و آنهم بایک عالم اشیای دیگر مانند موتر، رادیو، رخت خواب و غیره.

به این ترتیب مردم از سلطه طبیعت خارج شده و در تحت شعاع اشیائی قرار میگیرد که خود آنها را ایجاد کرده است. آیا این کار خوب است؟

چندان عمل بدی نیست اگر کلمه «اگر» بسیار تقریباً در همه احوال ذکر میشود. یکی از آن اگر انسان از اشیای در دست داشته طوری استفاده کند که برای اجرای همان عمل تخصیص داده شده باشد بهتر خواهد بود نه اینکه بمقاصد مختلف بطور عموم در بعضی جاها معمول این است که اشخاص توسط اشیای متعلق به خود شش دیگران را از موقعیت اجتماعی خود با خبر می سازد.

در یک تعداد جوامع مرکز نقل این نسوع

ثماشیات بسوی اشیای متعلق و قیمت بسیار انحراف می نمایند. این اشیای یکی از عمده ترین معیار های تعیین موقعیت اجتماعی درین جوامع شمرده میشود.

در جوامع دومی مردم نه به اشیای همدیگر را ارزیابی میکنند و بوقتیست مصرفی منحیت معیار موقعیت اجتماعی شمرده نمیشود. آیا این بدان معنی نیست که موثریت نمایشی درین جوامع بکلی محو است و اشیای را کمتر از آنها ارزیابی میکنند؟ درین جوامع نیز اشخاصی وجود دارند که در قسمت بدست آوردن اشیای با همدیگر مسابقه میدهند. لازم است تا سطح زندگی مردم بلند رود اما در پهلوی این همه امکانات باید سطح فرهنگی و اخلاقی جامعه نیز بلند رود. اگر این عملیات همزمان صورت نگیرند سیکالوجی هرزه در جامعه متری عودت خواهد کرد.

این مساله عجیب نیست که اشخاص توسط پول های کمایی کرده اند ان میخواهند اشیائی بدست آورند که نظر به اشیای سابقه در دست داشته شان مکمل تر و بهتر باشند.

عمده این نیست که چرا این نوع کار ها

صورت می گیرند بلکه مهم اینست که بکدام هدف پیش برده میشوند. اشخاصی که تصور میکنند اگر در خانه اشیای مجلل و قیمت بها داشته باشند از دیگران فوقیت دارند اشتباه بزرگ را مرتکب میشوند زیرا اشیای انسان رانه کدام شخصیت و نه کدام فهمیدگی می بخشد. حال جنبه دیگر پر ابله را مطالعه میکنیم.

این يك واقعیت است که بكمك اشیای در دست داشته فضای مستریج و سهولت در کار

تلویزیون از قوای جسمانی بالای ارگانیزم انسان بطور قابل ملاحظه می کا هد (باید تذکر داده شود که بروسه کاهش مشابه قوای جسمانی و افزایش قوای روانی در فعالیت تولیدی انسان نیز مشاهده می رسد) حتی

اشیایی که وظیفه خود را انجام داده و غیر قابل استفاده میشوند نیز خطرانی را مواجه ما می سازد. بروسه های طبیعی اکسیده شدن کیمیای و بیولوژیکی در مقابل اینقدر فلزات،

پولیس ها، مواد پلاستیکی عاجز می مانند. مواد مستحکم در مقابل جنبه های مثبت خود از جوانب منفی نیز خالی نمی باشند. پر ابله استفاده از اشیائی که دارای اندازه های زیاد

اند در همین حال در بعضی از ممالك مانند امریکا، کانادا، جمهوری فدرالی آلمان و جاپان بسیار حاد می باشد. درین ممالك سالانه به میلیون ها موتر، یخچال، ماشین رخت شویی، تلویزیون از کار بازمی افتند و کلام

هایی که درین قسمت صورت می گیرد مشتری را متشاق می سازد، تا کالاهای هر چه جدیدتری و مدرن تر بدست آرد. اما قیمت تمام شده محو اشیای سابقه با بدست آوردن اشیای

جدید در يك خط قرار میگیرد زیرا قوای طبیعی خود قادر نیست تا اشیای سابقه را به کلی محو نابود نماید. ضرورت می افتد تا انسان نیز دست بکار شود.

راه چاره چیست؟ بطور میتوان از عهده این کار موفقانه بدر آمد؟ اشخاصی که بدین نظر اند گویا احتیاجات بشری تنها به طریقی رفع گردیده میتواند که در دو راهی قرار گیرند: یا اینکه از شخصیت معنوی بهره شده و گیش سرگشی خریدن و بدست آوردن

بوجود آید و یا اینکه از رفاه و نعمت بخاطر رسیدن به تکامل موازین اخلاقی منصرف شود. این دورا می در شرایطی صورت می گیرد که جامعه از عهده پر ابله حیاتی خود موفق بدر نیاید. درین جوامع شرایط ایجاد

میشود که انسان میتواند یخچال ویا موتر را تحت شرایط سهل بدست آورد. اما در مقابل نمیتوان اطفال را از نعمت سواد به آسانی بهره مند ساخت.

جوامع دومی ترك دنیارا تبلیغ نمی کنند و تمیخواهند که تولید اشیای به حالت اولیائی بماندند بلکه میخواهند آنها افزایش دهند. هدف اینست که مقامیات احترامانه نسبت به اشیای داشته باشند و سعی شود تا اینها منحیت هدف نهایی و یگانه هدف قرار نگیرند و فقط منحیت وسایل کمکی از آنها غرض رشد همه جانبه انسان استفاده شود.

جهان اشیای سرریا در حال تغییر است. اسلاف ما در جهان دیگری زندگی میکردند. جهان اشیای مایه جهان اشیای اخلاق ما

ممکن است شباهت نداشته باشد. احتمال میرود بعد از بیست و پنج سال (۹۰) فیصد کالاهای مصرفی را اشیایی تشکیل خواهند داد که ما با آنها هیچ آشنایی نداریم. سعی کنیم تا اطفال اشتباهاتی را که ما مرتکب شده ایم تکرار نه کنند.

نگرشی بر کتاب نور و ظلمت



قسمت اخیر

صفحه ۸۱ در واقع وضع شاعران رقت بار بود، و درست همان جایی که آنها را به اوج افتخار و بهر یستی رسانده بود يك آن رایش دگر می گشت و ایشان را به محبس می انداخت یا بدست جلا می سپرد. این ادعا را نمیتوان به حال همه شاعران صادق دانست زیرا در گروه مداحان سلاطین قرون وسطی، شاعرانی بودند که از صلات گران ممدوحان خویش در اوج ثروت و تمدنی و عزت زندگی میکردند و همین طرز زندگی را تائیدی مرمک ادامه دادند. که میتوان از رودکی، عنصری، فرخی، منوچهری، عسجدی، امیر معزی و طوطا، ظهیر قاریابی و غیره که ازین همه شاعران تنها گریبان آرامش مسعود سعد، در جنگ حوادث زمان با يك مشت اندک از شاعران دیگر و پس در حالیکه عزت و ثروت مداحان تا آن اندازه بود که زبان زد خاص و عام گردید و حتی سبب رشک خاقانی شد که در باره عنصری تذکره داد: به ده بیت صد پدیده و پرده یافت ز يك فتح هندوستان عنصری شنیدم که از قره زددیگدان ز زر ساخت آلات خوان عنصری گزیده اشعار خاقانی ص ۲۸۹ بکوشش سنجانی (طبع تهران ۱۳۰۱) و همچنین شاعری از بخشش گران سلطان محمود به فغان آمده گفت:

پس ای میکده چهارا بشبیت افگندی که از زور سرخشت این یاشکسته تنگ و سفال پس ای مکتب که ضیاع من عقاد مرا نه آفتاب مساحت نه باد شمال برای مکتب که من از بس عذاب سید شد نه زانکه نعمت بر من حرام گشت و وبال (دیوان عنصری ص ۱۶۲، بکوشش دبیر سیاهی طبع تهران ۱۳۴۲ و حال فرخی و معزی و سایر شعرا نیز بدین منوال بود که ممدوحان برای جلوه دادن نام خویش، ایشانرا در دربار گرد آورده و به کمک صلات گران به گفتن مدیحه های بلند بالا در قالب قصاید غرا تشویق شان میکردند.

ص ۹۲ ... دست آخر در دهکده یمگان از توابع پامیر متوطن شد ... و مدفن ناصر خسرو هم در همین دهکده است. و تا امروز مورد احترام خاص و عام میباشد. مردم قبرش را که بنام شاه ناصر معروف است زیارت میکند. و دهه یمگان از توابع بدخشان است

نه پامیر و پامیر عبارت از سلسله کوهی است در شمال شرق بدخشان که از طرفی به پشتوستان چین و تاجکستان شوروی محدود گردیده و مربوط حکومت واکان ولایت بدخشان میباشد. ص ۱۱۶ «نخستین قسمت «خمس» او نظامی مخزن الاسرار - ظاهر ادو سال ۵۵۶۹ نوشته شده است. - «شاعر دومین مثنوی بزرگ خود - خسرو شری - را در حدود ۵۷۷ هـ نیز یادگرمی همسرش اهدا کرد» در سال ۵۵۹۴ بهنجمین مثنوی خود هفت پیکر را سروده به طور تقریب در سال ۵۵۹۸ هـ خمس را با سکندرنامه خود تکمیل کرد. مؤلف در تعیین تاریخ های درست منظومه های پنجگانه نظامی استباهانی کرده است و گذشته از آن هفت پیکر را بهنجمین مثنوی شاعر نامیده است که از هر لحاظ قابل توضیح میباشد. نظامی نخستین مثنوی خود مخزن الاسرار را بنابه تحقیق جعفر مجذوب در ۵۵۷۳ (رساله هشت بهشت و هفت پیکر

ص ۵ از اشارات هنر و مردم سال ۱۳۰۴) و از نظر (هرمان راته) در سال ۵۷۴ یا ۵۷۵ به رشته نظم کشیده است (ص ۷۲ تاریخ ادبیات فارسی) دومین مثنوی خود را نظامی

باقاف نظر مجذوب واته ص ۷۳ تاریخ) در سال ۵۷۶ منظوم کرده است. سال نظم هفت پیکر چهارمین مثنوی نظامی باقاف نظر هر دو مؤلف و جعفر مجذوب و هرمان اته - تاریخ ادبیات فارسی ص ۷۴) سنه ۵۹۳ هـ است اسکندر نامه که بهنجمین منظومه نظامی میباشد، که با سرودن آن خمس خود را

تکمیل کرد دو قسمت دارد. قسمت اول را شرفنامه میگویند که بقول اته، در ۵۹۷ هـ و قسمت دوم که به اقبالنامه معروف است در ۵۹۹ هـ ختم میشود. (رک تاریخ ادبیات فارسی، تالیف: هرمان اته، ترجمه: رضاد زاده شفق طبع تهران سال ۱۳۰۱) و ص ۵ هشت بهشت و هفت پیکر، نوشته محمد جعفر مجذوب طبع سال ۱۳۰۴) و مؤلف که هفت پیکر را «بهنجمین مثنوی» مینامد اشتباه بزرگی کرده است زیرا نظامی خود در دیباچه اسکندر نامه از خمس خویش چنین یاد میکند:

پس گنجهای کهن ساختم درو نکته های نو انداختم سوی مخزن آوردم اول بسج که سستی نکردم در آن کار هیچ

وزو جرب و شیرین انگختم به شیرین و خسرو در آمیختم وز آنجا سرا پرده بیرون زدم در عشق لیلی و مجنون زدم وزین قصه چون باز پرداختم سوی هفت پیکر فرس ناختم کنون بر بساط سخن پروری زلم کوس اقبال اسکندری

(شرفنامه نظامی ص ۸۷ بکوشش وحید دستگردی طبع تهران ۱۳۳۵ هـ چاپ دوم)

باتوجه به گفتار حکیم نظامی گنجوی سخن سالار شعری عراق، اشکالی در ترکیب خمس او باقی نمی ماند.

ص ۱۳۴ تا آنجا که میدانیم نخستین نسخه این گونه داستان ها، در اوایل سال ۵۴۷۵ نوشته شده است. منظور مؤلف قابوسنامه، عنصر المعالی کیکاووس، ابن اسکندر از سوزادگان آل زیار میباشد.

اما این نکته را بایست ایضاح کرد که قابوسنامه نخستین کتابی نیست که مؤلف در آن به تدوین داستانهای اخلاقی و عبرت اندوز جهت تقویه سجایای اخلاقی و تزکیه نفس بند آموزان، همت گمارده باشد، بلکه

پیش از آن آثار دیگری هم باین شیوه تالیف شده بودند که از آنجمله میتوان از «مرزبان نامه» یاد آورد، مؤلف مرزبان نامه «اصفیه رزبان بن رستم بن شروین بریم از ملوک طبرستان از آل باوند که سلسله معروفی است در تاریخ آن مملکت» میباشد و قرار گرفته مؤلف قابوسنامه، وی بیونسد نوادی از طرف مادر به مؤلف مرزبان نامه داشته است چنانکه میگوید: «وجده مادرم دختر ملک زاده مرزبان بن رستم بن شروین که مصنف مرزبان نامه است ...» پس دشوار است که قابوسنامه را نخستین کتاب درین شیوه قلمداد نماییم.

(رک مرزبان نامه، مقدمه، تصحیح علامه قزوینی طبع لندن) ناگفته نماند که مرزبان نامه را مؤلف آن بزبان طبری تالیف کرده بود که در قرن هفتم هجری که بزبان دری بر مگردانده شد. صاحب چهار مقاله پسر نظامی ص ۱۳۵ «احمد بن نظامی» - نظامی عروضی تبرقدی، صاحب چارمقاله پسر نظامی نیست بلکه نسب او در چار مقاله طبع معین «احمد بن عمر بن علی نظامی سمرقندی» آمده است.

... عیار بسیاری بوده است به نام سمک که در سده ۳ هجری به سروروی دزدی - خانمان که در سیستان فعالیت داشته و نوع خاصی از مزدوران قرون وسطایی بوده اند سرکرده گی می کرده ست.

جملات بالا روشنگر این حقیقت اند که مؤلف - نور و ظلمت ... در شناخت جنبش عیاران و جوانمردان سخت به خطا رفته است زیرا ایشان را «نوع خاصی از مزدوران قرون وسطایی ...» گفته است. تا آنجا که از لایله اسناد و مدارک دست داشته است سیاط میشود روشن میگردد که جنبش های مبارزات ضد فئودالی و ضد استبدادی، بیشتر از وجود عیاران و جوانمردان مایه داشته و مبارزات شهادت بار ایشان بود که کمر فئودالان غارتگر را می شکستند و جلوی خونخواری حکام مستبد را میگرفت. ایشان گذشته از آنکه مزدور نبودند خود علیه مزدوران می - جنگیدند. زیرا این فرقه هیچ نوع پیوند

باطبقات و اقشار مستمگر و فوقانی زمان خود نداشتند. که بهترین مثال آن همان یعقوب لیث صفار، درخشان ترین چهره انسانی قرون وسطا - از هر جهت بحساب می آید. او زیر بار بیگانه رقت جنواب مزدوران، خواجه برست را با شمشیر داد و شمشیر خود را بجای فرمان خلیفه عباسی قرار داد. و سایر جوانمردان دیگر، میتوان درین باره به مروج الذهب مسعودی، تاریخ طبری را تکامل بن امیر گردیزی، تاریخ سیستان، تاریخ بیهقی و تاریخ نامه هرات و غیره و غیره آثار مورد اعتماد قرون وسطایی مراجعه کرد و حقایق مقتضی را دستیاب نمود.

در سده سوم هجری از «عیار بسیاری بنام سمک» مورخان نام نبرده اند، و اگر محسلا چنین کسی بوده، بیشتر از سده سوم هجری بوده، از نحوه بیان مؤلف این مطلب مستفاد میشود که این، عیار ساده، یا یعقوب لیث و یا کسی از هم ردیفان و یاران او میباشد، این برداشت نادرست و غلط است و مؤلف بکلی تاریخ سیستان که از دو فرقه بنام «سمکی و صدقی» ذکر کرده، خود علت بهمیان آمدن این دو نام و دو فرقه را بیان نمیدارد، که دشوار است از آن شرح چنین نتیجه گرفت که بنام سمک کسی بوده است.

(ص ۲۷۶ تاریخ سیستان). ص ۱۴۴ - «منصب مرشد غالباً موروثی بود. اگر از موروثی بودن منصب مرشد، منظور مؤلف همان بیوند بلا فصل نوادی و اشتراک خون باشد، نظر مزبور در خور تردید است، زیرا اسناد و مدارک بازمانده از قرون وسطی، در رد نظر با لا صراحت ندارد. زیرا از نحوه بیان و سیاق تحلیل آن آثار موروثی بودن منصب مرشد، استنباط نمیشود.

در سلسله های طریقت چارگانه راجع خراسان و ماورالنهر و نیم قاره هند و فارس و بغداد و شام و مصر و ترکیه مثل: قادریه، نقشبندیه، چشتیه، سروریه، که سلسله هریک آن به یکی از خلفای راشدین منتهی میشود مرشد موروثی اصلاً وجود ندارد. عر گاه تصوف را در روند تکامل عرفانی مورد پژوهش قرار دهیم، خواهیم دید که موروثی بودن اصولاً، در دوران آن دیده نمیشود.

استاد و مدارکی از تالیفات متصوفان بزرگ خراسان و ماورالنهر و نیم قاره هند و فارس ما باقی مانده مثل: تذکرة الاولیا، کشف المحجوب، رساله قصصیه و طبقات الصوفیه، شرح تعریف، خزینه الاولیاء نجات الانی و غیره هیچکدام پیراهون موروثی بودن مرشد مطلق ندارند تنها این قدر میتوان از محتوای آثار متذکره در یافت که حبیب عجمی راد در آستانه حسن بصری میبایم و ابوالحسن فضل خرقانی را در سر کور بایزید بسطایب و خیمه یعقوب چرخ را صاحب الذن از طبرستان و بهاولدین نقشبند ... و نظایر دیگر از قبیل که ذکر کردیم، که هیچ يك از این عرفا بیوند نوادی و موروثی ندارند اما این ارشاد را از طرف مرشد خود یافته اند که پس از مرگ مرشد مسند نشین او شده اند و آن کسانی که بیشتر، علاقه مند به داشتن این معلومات مزید راجع به سلسله های تصوف باشند میتوانند به کتاب «خزینه الاصفا» تصنیف و تالیف غلام سرور لاهوری طبع لکهنو - ج اول و دوم، مراجعه نمایند. بقیه در صفحه ۵۲

معا لجوی تکا مل یافته استفاده شود. بعبارت دیگر دایره پی تشکیل می شود که خروج از آن بدون ضایعات همیشه امکان پذیر نمیباشد امکان خو گر فتن انسان در ین مورد گرچه زیاد است اما تا لایتنا هی ادا مه پیدا نمیکند. در مقا بل عوا مل متعدد دی که بالای ار گا نیزم انسان عمل می کنند فقط سیستم محدود دفاعی مقاومت میکند. یکی از سیستم های عمده وقایه است. این سیستم نه تنها در مقا بل میکرو ار گا نیزم های بیما ری زا مقاومت نماید بلکه انسان را در مقا بل مواد کیمیا وی مصنوعی و همچنین مواد ی که به مقاصد معا لجوی تطبیق میشود ند. حفاظت نماید قسمیکه دیده میشود دو عامل اخیر در اثر پیشرفت علم و تخنیک بو جود می آید که طبایع نیز در همین مجرا انکشاف میکند. اینجا ست که یک حالت عمده دیگر ایجاد میشود. اگر سخن از مواد دی گفته شد که باوجود انسان بیگانه کی دارد پس در قسمت تلقیح حفظ ما تقد م چطور عمل کرد وطوریکه هویداست در تعداد آنها در نیم قرن اخیر افزایش قابل ملاحظه پیمان آمده است؟

بطور مثال پیشرفت سر بعطب و قایوی در اتحاد شو روی ایمن امکان را بوجود آورد تا امراض خطرناک را پید میلوی یکی بکلی محو گردد. در ین جا از بعضی امراض اطفال مانند دیفتری میتوان نام برد، تجاربی که علمای اتحاد شوروی در ین قسمت بدست داد رند این امکان را بو جود آورد تا سیستم مو ثر و قایوی و معا لجه امراض ایجاد شود. بقیه در صفحه ۸۵

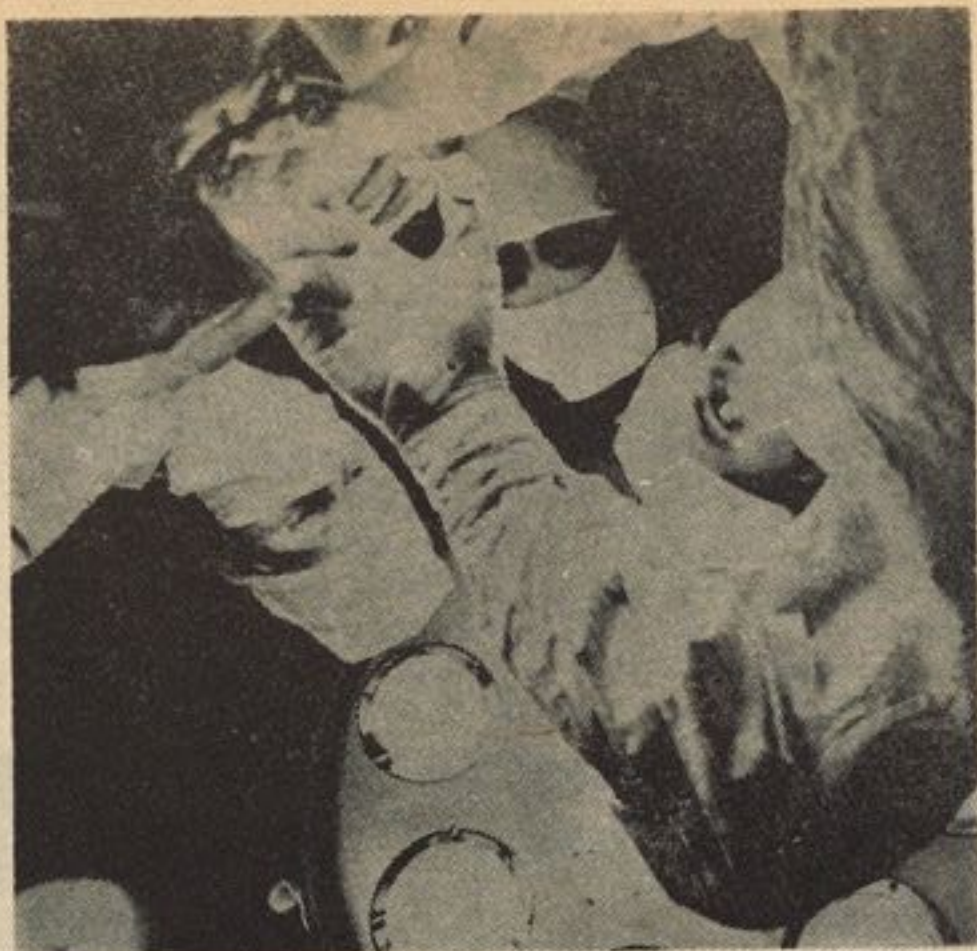


بهتر است از دوا های او لیه استفاده شود.

تأثیر مستقیم وارد میکند زیرا هر یضا نی که از مر گ چند قد می بیشتن فاصله داشته نمیباشد به حالت نور مال باز میگردد. همه اینها خوا هی نخوا هی عقیده دکتران را در قسمت وسایل عصری معالجوی را سخ تر ساخته وقوه محافظتوی ارگا نیزم انسان را روز بروز زیاد فرا موشی می سپارند (هدف از قوه محافظتوی مقاومت عضو یست انسان است).

تما یلات فوق بالای والدینسی که از طفل مر یض پر ستا ری می کنند. نیز تا ثیر مستقیم مینماید. به تا سف باید گفت که والدین زیاد مخصوصا والدین جوان هنر پرستاری از طفل مر یض را فرا موش کرده اند. اینها فکر می کنند هیچکدام تشو یشتن آ را با ید به خود راه نداده، رژیم غذا یی اطفال را مراعات ننموده از دوا های مقوی و انتی بیو تیک ها استفاده میکنند و خود را تسلی میدهند که همه کار هاوبشکل منظم آنها پیش میروند، به این ترتیب سطح انکشاف طبایع به مر حله رسیده که پرا بل محدودیت طرق معا لجه در مقا بل ما ظاهر میشود. در ین صورت با حوادثی مقا بل میشود یم که تا اندازه ماریه حوادث در سرك های عصری مو ثر رو می اندازد. از یک طرف مو ثر هایی ساخته شده است که سرعت را تا یکصد و پنجاه کیلو متر واضافه تر از آن با لا برده می توانند واز سوی دیگر قوا عدی وضع گردیده است که نظر به آنها سرعت های مو ثر هادر بعضی شهر های جهان از شصت کیلو متر تجاوز نکند.

چرا از محدودیت ها در طبایع سخن گفته میشود؟ این عمل دو علت دارد. اول اینکه روز بروز ارگانیزم انسان قوه های کیمیا وی زیاد تر را در اثر پیشرفت علم و تخنیک متحمل میشود. این قوه ها نه تنها در اثر استعمال ادویه جات طبی به وجود بلکه مواد کیمیا وی که روزمره در تولیدات و مناسبات از آن استفاده میشود نیز باعث ایجاد قوه های فوق میگردند. دوم اینکه میکرو ارگانیزم ها بیماری زا خود روز بروز به دوا ها عادت گرفته و در مقا بل آنها مقاوم میشوند. پس برای اینکه میکرو ار گا نیزم های فوق منهدم شوند باید از وسایل



صحنه یی از عملیات جراحی

ترجمه: عبدالله

مریض شدن و یا معا لجه کردن، کدام یک بهتر است؟

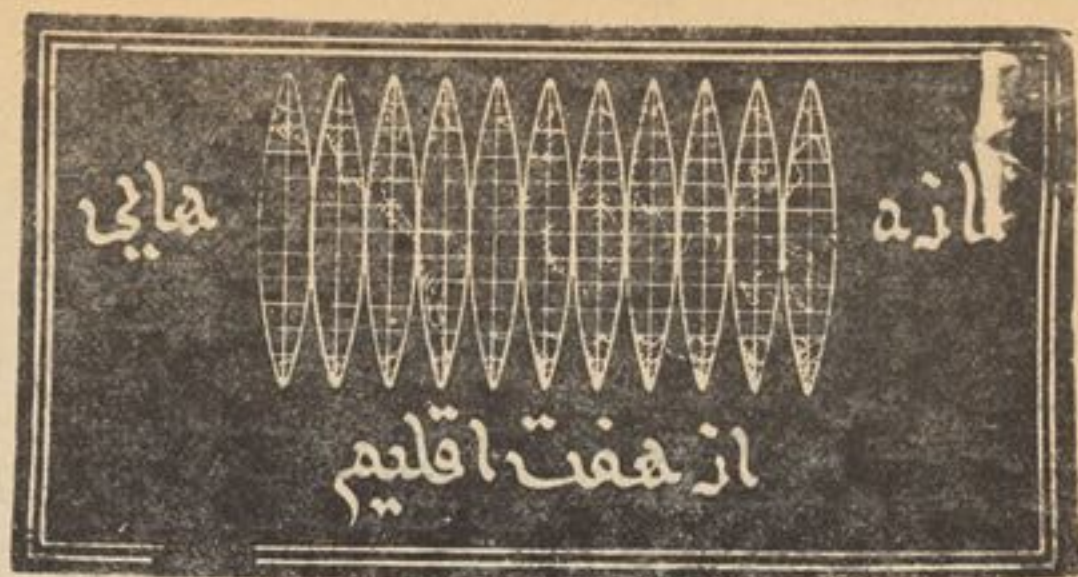
یضان ازدوا های قوی حتی از انتی بیو تیک ها کار میگیرند. شما فکر نکنید که فقط غرضی معا لجه ریزش از ین دوا ها کار میگیرند بلکه غرض تدای بعضی از مریضی های معدوی نیز استفاده میشوند. مریضی های که با سبق بکمک شور با برنج «شور ویا برنج» سوپ گوشت مرغ رفع میگردند در حال حاضر بعضی اوقات بکمک دوا های مقوی نیز معا لجه نمیشوند.

تغییراتی که در علم طبایع رخ می دهد تا اندازه ناگزیر است. که بالای جهان بینی طبیی دکتران نه تنها تا ثیرات مثبت بلکه منفی نیز وارد مینماید.

اعلا نات مختلف که در قسمت دوا های تولید شده صورت می گیرد دکتران را تحریک میکند تا هر چه بیشتر از وسایل معا لجوی عصری تراستفاده کنند.

در جهان بینی طبیی دکتران پیشرفت های مهم عملیات جراحی

تصور کنید طفل شما مریض شد، عطسه زد و سرفه کرد، خلاصه اینکه به ریزش مبتلا شد، ریزش و فارسی را در حال حاضر بنام پر معمای مریضی شده ید سیستم تنفسی نیز یاد میکنند. اگر میشود که هیچکدام واقعه خطرناک را محتوای رخ نداده است. ستون سیما بی می راندر مو متر چندان بالا نمیروند و وضع طفل مانند دیفتری و مخملک چندان بدستایم نمی باشد. اما طبق اظهار تخصصین ریزش بسیار خطرناک و از ین جات از آن چندان کار ساده نیست. این لحاظ به تا سف باید گفته اند که بود که غرض نجات از ین مریضی شده اند از آن وسایل کار نمیگیرند چیزهای که پدر کلان های ما مورد استفاده در ارار میدادند. گرچه در حال حاضر در طبایع از جای با مر با گرم و جراب های پشمی استفاده میشود اما دکتران اغلبا برای معا لجه مر-



تنظیم و ترجمه : میرحسام الدین برومند

مساعی لازمه در زمینه رام ساختن

طبیعت

سر زمین «کالمیکش» امروز دیگر آن سر زمین کوچی ها نیست ، مترو پول آن که پنجم «مترو پول ایستا» یاد میگردد به معجزه سبزی کوچک مشهور است ، نمای منظره آن برامتی هم معجزه میکند . در واقع این سر زمین از نوتولد یافته است . بار اول این شهر پنجاه سال قبل تغییر قیافه داد و به جای آن سر زمین مهاجر نشین ، یک منطقه کاملاً کوادرا ، خوش منظر و معمور عرض وجود نمود . این سر زمین در جریان سال های جنگ جهانی دوم به ویرانه یی مبدل گردید . پس از سالیان جنگ در «ایستا» فقط یک عمارت تخریب نشده مانده بود و این زیاد دل انگیز است که در کالمیکش در اطراف عمارت نو وجدیداً اعمار شده که زمین های آن سوخته بود ، اینک درختان پر برگه و سبز دیده میشود . ایستا اکنون یک سر زمین قشنگ آسیایی است که سرحدات آن را بترقیب از طرف شرق و لگا ، غرب توسط دون و در جنوب بحیره کسپین تشکیل داده است . مردمان آن به لسان منگولیایی بلدیت داشت و باران درینجا یک چیز نایاب میباشد ، در واقع عوامل طبیعی بیشتر سرزمین مزبور را متضرر گردانیده ، بترقیبی که قتل باران و کمی آب ، توفان های شدید یکه گرد و خاک را معمولاً به طرف شهر می چرخاند ، شیشه های عمارات را باخاک یکسان میگردد . تابستان ها حرارت درینجا به (۷۰) درجه سانتی گرید بالا میرود حالانکه زمستان های بی برف آن نیز خنک شدید با خود همراه دارد اما از آنجاییکه زندگی در «کالمیکش» کاملاً خوب و انسانی است ، مسکوتین آن با جدوجهد کار نموده و با اطمینان به خاکومپین مقدس خویش می اندیشند که اغلب مشاغل باشندگان آنرا تربیه مواشی میسازد . در کالمیکش نژده فیصد زمین زراعی است ، در متباقی حصص آن گوسفندان می چرد . با تغییرات عمیقی که بخاطر پیبودی مردمان کالمیکش صورت گرفته ، کانال های آبی ساخته شده و قرار تازه ترین گزارش در سال ۱۹۸۰ مطلع هموار آبیاری شده درین نقطه کاملاً خشک به (۱۱۰۰۰۰) هکتار زمین بالغ میگردد که (۷۰۰۰۰۰) هکتار چراگاه هائین تحت آبیاری گرفته شده که این چراگاه ها برای تربیه گوسفندان اختصاص داده شده است استیثوت بر رسی و تحقیقات در ایستا در پهلوی سایر فعالیت های عمرانی که در زمینه های تاریخ ادبیات زمان یک دسپلین تازه برای غشای امور اقتصادی نیز روی دست گرفته شده که شاخه های کوچک قدیم اقتصادی را انکشاف میدهد . تربیه گوسفند و کندم کاری در مزرعه از مشاغل دلچسپ و عمده باشندگان آن بشمار می آید . در هر ده روز قروپ های حفر کننده در جلگه ها خود شانرا رسانیده و بخاطر زیبایی و سرسبزی سرزمین مزبور بدل مساعی مینمایند . تپه که شهر را محاط نموده زیاد تماشایی است . وظیفه این تپه محافظت جلگه های ایستا از تابی گرمای شدید آفتاب کاسته و در تقلیل بخشیدن گرمای آن رول ارزنده دارد چه از فرط گرمای سوزنده معمولاً دریا های آن می خشکند و رفع مشکلات زندگی می تا پنجاه هزار نفر سکنه در اینجا مدفن گرفته شده بود حالانکه شمار سکنه کنونی آن به شصت هزار نفر میرسد چونکه محیط زیست کاملاً مساعد گردانیده شده . «دورس هیف» یکی از معماران فعال این سرزمین میباشد که وی بدون شک همیشه طرح های ساختمانی خوبی برای این سر زمین داشته است . عمارات دوازده الی شانزده طبقه یی بسان یک کریستال بزرگ جلب توجه میکند . عمارات ورزشی پس جالب از هنر معمارچیره دست وی حکایت میکند . نا راحتی و واقعاتی که از ناحیه حرارت قوی ، توفان های حرارتزا قتل آب و امثال این که متوجه مردم گردیده ، استقامت و شستکار ایشانرا بیشتر آشکارا می سازد . درین شهر تمام ریکلام ها با چراغ نیون میدرخشند ، در قصر کلتوری آنجایک سالون رقص وجود دارد در تیاتر با شکوه آن شام ها نمایشات جالب نشان داده میشود . چندین سال قبل بیولوژیست ها برای محافظت گیاهان و نباتات پس از مطالعات دامنه داری درینجا در صدد یافتن طریقی برای رشد و محافظت نباتات درین سرزمین گردیدند .

اگر امروز گوشت های ملایم و اعلی در مغازه های آن بخش می خورد بخاطر توجه عمیقی است که به تربیه مواشی خاصاً گوسفند در آنجا بعمل آمده که باید مرهون تدابیر محافظتوی بود علاوه برای حل تمامی مسئله ها درین جا به پیووریستی هاوانستیتوت های مختلف به بررسی و تحقیق شان بلاوقفه وسعت بخشیده و تمدن صنعتی را بیشتر در خدمت مسکوتین «کالمیکش» قرار داده اند امروز درین نقطه ازجهان به آلات تزئینی زیاد توجه شده ، دیوار ها به مزین و منقوش رنگ - آمیزی شده و صنعتگران و سازندگان هنر اینجا بیشتر بوظیفه شان علاقمندی نشان داده و علاقمندی ثابت کرده اند ، سالون های هنری همواره محل تجمع و هنر نمایی شاعران و آوازخوانان بشمار آمده که چیره دست ترین شاعران حضور بهم میرسانند که انسابیل

مشهور بنام «تولیان» که رقص های چندین قرنه و باستانی را نشان میدهد بر غشای هنری (ایستا) افزوده است . امروز فرزند هزاران چوپان ، ماهی گیر ، میخانیکر ، کشاورز ساختمانی از اطراف به ایستا آمده و در پیووریستی آن مصروف فراگیری تحصیل اند تا از اندوخته های فزیکدانان ، بیولوژیست ها فلاسفه ، مربیون پیداکوژی و کیمیدان ها چیزی اندوخته و مستفید گردند . در واقع زندگی در کالمیکش یک الهام خوبی است برای ایمان به پیشرفت بشر ، چه کالمیکش که تا نیم قرن قبل سرزمین خشک ، فاقد آب و محل زندگی مردمان آواره و کوچی ها بود امروز در اثر مساعی زیاد آنجا به یک مرکز بزرگ زندگی ، معرفت و علوم مبدل گردیده است .



این تصویر زندگی جادرنشینان کالمیکش را نشان میدهد .

مبارزات پیگیر بخاطر رهایی از سطله رژیم فاشستی و ضد انسانی پنوجت در چیلی

چرخش های عظیم انقلابی و سازنده در امریکای لاتین ، خاصاً در بیست سال اخیر زیاد چشمگیر و در خور یادآوری است چه درطول این زمان تحولات عمیقی در عرصه های حیاتی و سیاسی مردم آن رونما گردیده است ، البته بیست سال اخیر از نگاه ناظرین سیاسی درین قاره ، سه مرحله را احتوا می نماید . انقلابی که در کوبا به پیروزی رسید در واقع پیروزی نیرو های مترقی و تحقق بخشیدن سیستم پسندیده و گزیده جهانی یعنی سوسیالیزم بجای مناسبات پوسیده بخصوص به عوض سیستم کاپیتالیستی درین قسمتی از جهان بود که این خود به منزله پیروزی بی همتای خلق مبارز و انقلابی کوبا و ذهنوتی ایشان در جهت برقراری مناسبات صلح در روند تکامل جوامع بشری بحساب می آید . تلاش های اهریمنانه امپریالیست ها هر چند که در سال ۱۹۷۳ منجر به استقرار رژیم فاشیستی در چلی گردید ، لکن مردم چلی دیر یا زود به نیات و آمال نیک ، انسانی و بشر دوستانه خود دست یافته و یکبار دیگر به امپریالیزم و ارتجاع جهانی خواهند فهماند که دیگر دوران آقاویت و پاداری بسر رسیده و توده های تحت ستم هر آن در صدد گریز از سیطره های ستم مردمی و فاشیستی اند چه مردم خود میخواهند در فضای آگنده از آزادی ، دموکراسی و صلح ، فارغ از هر نوع ستم و استثمارزیست بدارند . یکی از مراحل ظفرمند دیگر در

امریکای لاتین همانا پیروزی انقلاب در ۱۹۷۹ در نیکاراگوآ میباشد ، این پیروزی بحیث یک جنبش دینامیکی تاریخی در جهت پیشرفت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ، امریکای لاتین را در مسیر نهضت های پیروزمندانه ترانقلابی قرار داد . این پیروزی و پیروزی های نظیر آن در امریکای لاتین به جهانیان بر ملا ساخت که هر کجا دیکتاتور و مستبدی است ، سلطه اش خواهی نخواهی روبه زوال است که مثال واضح آن راهبه دیکتاتوری که در قسمت جنوبی «ریوگراندی» حکمرانی دارد از نیرو های مترقی است چه نیرو های آزادی بخش و مترقی بیهم زور گویان و در بشدکشان راقحت فشار در آورده و مجال نخواهند داد که مستبدی ناتوان ها را در بند بکشد . مگر ممکنست پنوجت مادام العمر و جاودانه خواهد توانست به دیکتاتوری اش در چلی ادامه بخشد؟ خیر ، مبارزات برحق و رهایی بخش برای پایان دادن به مظالم اجتماعی ، علیه رژیم خونین پنوجت با جدیت تمام روز تا روز اوج میگردد . بیقین در برابر جبهه واحد و دموکراتیک مردم ، پنوجت بزودی بزانو خواهد درآمد و این خلق چلی خواهد بود که وی را از مسند اش بدور افکنند . مخصوصاً در سالیان اخیر گروه هاییکه خواهان آرایش صلح و دموکراسی برای چلی اند ، روز تا روز متشکل تر میگردد . مساعی این نیرو ها زیاد تر ، در قدم اول در جهت پایان بخشیدن به اعمال ننگین امپریالیست هاست تا باشد که دستان

این امر است که مسکولین دهکده مریوز مردم با کلتور و با فرهنگ بوده اند و قرن‌ها قبل توانست اند ، سطح ونحوه و چگونگی زندگی خویش را در آثار خود که بجا گذاشته اند ، انعکاس داده و خود وسیله یی کردند برای انتقال چگونگی زیست خویش به نسل های مابعد . در دهکده «گوسالت»

به فواید گیاهان توجه میشد و برای طبابت نظافت و لطیف ساختن جلد از گل ها و نباتات

کوهی استفاده بعمل می آمد . از اینکه بگذریم مطلب درخور توجه در باره مسکولین مذکور همانا دسترس ایشان به صنعت ، بخصوص صنایع ظریفه است حس ابتکار و

زرفنگری در آثار ایشان نیز، توجه آدمی را بخود میکشد . بطور مثال یکی از قطعی های جای آنها که بتازگی بدست آمده ، کاملاً نقره یی بوده ، بطور خاص دیزاین یافته . نتایج کار و زحمات و خلاقیت هنری

نیکداشتند ، دیک هائیکه خود آنها از نقره و غیره درست میکردند .

بهین منوال دهکده گوسالت را بنام های دهکده زرگران و دهکده جواهرات نیز مینامند که علت این نامگذاری آشکارا هویداست . در منازل هر يك از باشندگان این دهکده واقع شده در دامنه های مرتفع و حواشی

و کتب و کنار کوه ها ، لوازم و سامان آلات کاملاً ناب و ساخته شده از فلزات و نایاب که

عبارت میشد از لوازم طعامخوری و جابخوری بازوبند ها و حلقه های طلائی ، سنگ های گمرینه ، بشقاب های قزئینی نصب شده در

دیوار ها که از نقره و مریکات آن درست میکردند ، از داشته های مردمان آن محسوب

میکردید که اغلب لوازم طرف ضرورت فامیل ها ، علاوه فلزات گرانیقیمت ما قبل الذکر

از فلزاتی چون نیلو و فلیکران نیز ساخته میشد . جواهرات دانه نشان دهکده ، جای

سرافجام پیروزی با اقتضای مذکره خواهد بود و این کارگران ، دهقانان و تمام زحمتکشان خواهند بود که با مشت های پولادین و کوبنده ، بدن امیرالیزم ها و مرجعین خواهند کوبید . از قرار معلوم نیرو های مرقی در چلی به رسیدن به پیروزی نزدیک گردیده اند . گرچه یکتعداد از همکاران حزبی از طرف رژیم بنوچت سربسته نیست گردیده اند ، لکن مبارزین راه آزادی انسان در چلی که با ایدیولوژی مرقی محیز میشدند .

با درک اشتباهات قبلی ، بزودی به سطره فاشیستی بنوچت پایان خواهند داد . مردمان وطنپرست چلی مدعی اند که آنان سراسر زندگی را علیه امیرالیزم ، نیوکولونالیزم ، راسیسم ، اکسپانسیونیزم و سایر دشمنان آزادی می رزمند . مبین پرستان چلی میگویند که معاشق استقلال و آزادی هستیم و تلاش ما آنست تا مزایای دگرگونی های شکرف سیاسی را که در اثر سوسیالیزم در اتحاد شوروی و سایر کشور های مرقی وجود و مرقی اند که باهم متحد شده اند و محققاً

آغشته بخون هزاران بیگناه را از دامان زحمتکشان ورنجبران در چلی ، کوتاه سازند ، تا باشد که با ایدیولوژی مرقی و کاملاً دموکراتیک و بش دوستانه خویش ، قاطعانه برامبرالیزم پیروزی حاصل بدارند . باز هم این کشور های سوسیالیستی و دول مرقی اند که همبستگی شانرا با چلی اسلام و ایشانرا در راه طرد نیرو های ارتجاعی و امیرالیزمی تا آخرین سرحد آن ، همراهی و مساعدت خواهند کرد . مخصوصاً از سال ۱۹۷۶ بدینطرف با مساعی وجدیت های کاملاً انقلابی طرح های اساسی برای پایان دادن به رژیم فاشیستی و ضد انسانی بنوچت دنبال میشود که مرام اصلی همانا رسیدن چلی به يك جامعه ضد فاشیستی میباشد . جنبش های افنی فاشیستی در چلی ، برای خلق چیلی بیشتر این امیدواری را می بخشد که رژیم فاشیستی بنوچت روزوال است هر چند زمامداران فاشیست چلی يك آن از مقاومت دست نکشیده و در راه مغلوب ساختن نیروهای مرقی و صلح سخت میکوشند و دست و پا میزنند غافل از اینکه این اصناف زحمتکشان ، کارگران ، دهقانان و سایر نیرو های پیشرو و مرقی اند که باهم متحد شده اند و محققاً

نتایج کار محققین در زمینه دهکده کوهستانی گوسالت یاد دهکده جواهرات



این اشیاء از دهکده «گوسالت» کشف گردیده است .

مذکور طرح شده بود . هدف ایشان تشکیل دادن پلاک های طبیعی سنگی یعنی در آوردن یعنی در آوردن سنگ ها و معاره ها و در مجموع فرو رفتگی های کوه بشکل مناساز بمنظور بقا و ادامه حیات شان در آنجا بود و آرزو داشتند مسکولین پلاک های طبیعی را

امتداد داده و تاقله های کوه مستقر کردند . گفته میشود که این مردمان ، مردمان فرهنگ دوست بودند که میخواستند خود ایجاد گر کلتور بخصوص و صنایع مختص بخود باشند . مسلماً همین علاقمندی های ایشان بود که مسکولین آن بخاطر دریافت فلزات قیمتی و در آوردن آن به اشکال تازه رفته رفته کسب شهرت نمودند ، عده دیگر ، دهکده گوسالت را دهکده دیک ها مینامند ، شاید بجهت آنکه خانه های مسکونی طبیعی که با اندکی تغییرات طرف بود و باش قرار گرفته ، آنجا را بدین اسم یاد کرده اند و هم بجهت آنکه معمولاً فلزات قیمتی خویش را در دیک ها

در اینجا مطالب تازه یی را درمورد دهکده گوسالت گزارش میدهم ، دهکده که دامنه های بلند کوه های داگستان که در قسمت جنوب کوه های قفقاز موقعیت دارد . در اطراف این دهکده گردنه ها و تنگه های عمیق ، مناظر قریبند ای ساخته . دریا های خروشان کناره های این کوه از شپکاری های دیگر طبیعت است که بردیدنی هایی این منطقه تماشا میافزاید . سرک های که به اطراف خانه های سنگی تراس مانند کشیده شده ، راه مسکولین آنجا را بهمدیگر وصل و نزدیک میسازد . يك بخش دیگر این منطقه که بنام «بازالت» شهرت داشته و قلب دهکده رامیسازد ، همه از سنگ شکسته و درز یافته ساخته شده که با اینهم در میان آن سکنه آن بزنگی برداخته و این خانه ها بنان يك پلاک درانظار جلوه میدارد . این دهکده کوهستانی به استناد تحقیقات مورخین معاصر در اعصار قدیم توسط سه معمارزیده آروزگار ، ساختمان منازل

خاصی در میان مسکولین آروزگار داشت . مردمان آن از شاخا جام های آب نوشی ساخته و آنرا مرصع نیز میکردند . خم ها و کوزه های خرد و کلان که همه با دیزاین خاصی از برج و نقره تهیه میکردید ، بیانگر این واقعیت است که آنان از نگاه داشتن فلزات قیمتی غنی بودند . از قرار معلوم روی هر يك از لوازم مذکور یکماه و حتی بیشتر از آن کار میکردند که از نگاه محققین معاصر بدون شك جواهر فروشان ، زرگران ، معماران و صنعتگران دهکده «گوسالت» با خلاقیت ابتکاری که داشتند ، بیقین معجزه میکردند و اشیایی با آنهمه زیبایی و نفاست درست میکردند . مدارك قسمت زیاد این گزارش ها که پس از کاوش ها تثبیت گردیده ، گواه

هغوی پی ژوندی دی

ژان لافایت

په ار دو گا ه کی داوئی درختی خبره
نسته . دای دوی او نی کیری چی پرله پس
کار کوو او یوا چی دری اوئی وروسته
دیکشنی په ورځ موزته رخصتی را کوی
خودکلمی په واقعی مذهب م په (انس) کی
رخصتی نسته . ددغه وخت په اوږ دو کی
بند یا ن با ید دغو لی و اوږه با کی کوی
او هره شپه د ورځنی کار دپای ته رسیدلو
نیمه ورو سته دپروژ کتو ر نو دریا په مرسته
اید دهغو ونو ریښ او پا تی شوی خانګر
نی دار دو گا ه دغو لی په مخ کی پرا
دی پیرته ویسی .

کار دجریان څخه پرته په بل وخت ک
لیدنی کتنی امکان نلری . زه (دلته به
المانیانو باندی ښه تیره شی) دجسملی
په یاد ولو ید م او متوجه شدم چی هغه
شمیر فرا نسو یا نو چی مخکی له مون
لته را غلی وه ، وروږو ږه کیری .
لازمه ده چی پدی هکله سوچ وکړو .
نور کار واونوه په ډیر ژر راورسیری
دکو مانډو گا نو او نورو ساز ما نو نسو
شمیر په ډیر شی . د پخوا ښو بند یا نو
لپاره د ژغورنی یوا ځنی لاره داده چی
خپلو ځانونو ته مناسبت ځای ترلاسه
کړی تر څو چی په را تلو لکی وخت کړد
خطر سره مخا مخ نسی او مون هم دهمدغی
نقشی د تنظیمو لو څخه وروسته په فعالیت
پیل وکړ .

(ما پتو س) دارو گاډ رئیس یو آلمانی
دی دهغه نه چی تیرشو . دارو گاډ منشی
(آلبرت) نو میری او اصلا دلو کړا مېورګ
او سیدو لکی دی څو په فرا نسو ی ژ به
غیر یزی او پخوا هم دمو تېوزن په پنځم
نمبر پلاک کی مون سره یو ځای و ، ښایي
چی دهغه څخه مرسته تر لاسه کړو . اوس
اوس دوه تنه فرا نسو یا نو د (کاپو) په
توسه دلته سرته رسوی یو یی (مار سل)
نو میری او پخوا په یوه سوداګری شرکت
کی مد یرو او بل یی یو کمو نیست کارګر
دی او (ژوزف) نو میری . دغه ورو ستر
سری ددی لپاره چی دالزاس اوسیدونکی
و او په آلمانی ژبه یو هیډه دغه دلته یی
تر لاسه کړی دی . درو غتو ن داکتر هم
یوه فرا نسوی دی چی (رنه) نو میری هغه
هم کمو نیست دی او دلو مری کار وان
سره دلته را غلی دی او دخپلو دنا کارو
او زحمتو نو له پر کته ډیر محبو بیست
لری . او په وروستی پړاو کی ښایي چی
(با با هانری) او دهغه دگا ونی (امیل)
هکله وغیریزو ، دی د (اشتاین بروک)
په یوه کار ځای کی کار کوی دوی
دواړه کمو نیستان دی . دهمدغو دواړو
مرسته مون وکولای شول چی خپل ډیر

روغتون ته ننو تل کوم آسان کار نه و
دهغی ورځی په سبا چی (انس) ته
را غلو ټول هغه فرا نسو یا نو چی دمو تېوزن
څخه را غلی وو دلواز ما نو دوو لو راوړلو
په کار و گمارل شول او یوه ورځ وروسته
مون یی په بیلو بیلو (کما ندو) کی
وویشلو . هغه ار دو گاډ چی مون او س
پکی یو ، نوی جوړه شوی ده . ددغه
اردوگاډ و دانی دیوه څلور سوه کمسیری
بند یا نو دډلی په واسطه په تیر نوا مېر
میا شت کی پیل شوی او لار اوسه یو ری
دو دانو لو کار یی په بیره سره جر بان
لری . نوی کو تی او خوب ځای یو ته جوړی
شوی دی . داروگاډ غولی نو تیری داوړو
دو تلو لاری کیند ل کیری او دیر ښا
پر جو نه نوی جو ډیری . په ډیر ه
بیره یو ه دډوډی پخولو او یو انسان
سوځونکی کوره (کمره ماتوار) دجوړیدو
په حال کی ده . دغه اردوگاډ با ید د می
دیمانشی ترکسمی نیتسی پوری دلسوزدو
کمو بند یا نو لپاره جوړه شی . مو ډاوس
او س یوا ځی دری زره تنه یا ستو .

خو دغه ار دو گا ه یواځی دیند یا نسو
دسا تلو لپاره نه جو ډیری ، بلکه د هغوی
دبد نی قوت او کار څخه هم گټه اخستل
کیری . دهمدغه منظور لپاره ددغه کار
سر یزه دارو گاډ په یوه کیلو متر واټن
کی په یوه سیمه کی چی (اشتاین بروک)
نو میری پیل شوی دی . پدغه سیمه کی
دیند یا نو ستری ډلی شپه او ورځ دتعب
کیند لو په کار یو وخت دی او په هغه
نو تل کی چی دشره په منځنی برخه کی
کیند ل کیری په هرو څلور و شتوساعتونو
کی یوا ځی شپه مته پر مخ ځی دا یوستر
ریوونکی او تصور نه منو لکی کار دی ،
چی نوی پیل شوی دی . (سپمون) چی
هکله تللی و دهغو لکو مو تیفو نو ، ما
شینو نو او سامان څخه کیسه کو له کوم
چی په موقی پت ځایونو کی زیره شوی
دی . او دهغه څخه هره ورځ یو ټک موټر
دلته راوړل کیری . دکار پر مختک دهغو
و اوږو د اوړیدلو له امله چی زمون دراتګ
څخه را پد پخوا شپه په شپه اوری ، خنډ
یزی او دکار خنډ مخ په زیاتیدو ده .

سوچ کوم چی په څه حال لویدلای
یو ؟
څو کی . خو سره له دی با ید ووا یم
چی او س مون ته هغی منظری عا دی ښه
لری کو م چی پخوا تردی زمون دو حث
او ویری سبب کیدل ...
ښایي داخبره ددی لپاره وی چی مون
په هم یوه ورځ یا ممکن دی سبا ددوی په
سر نو شت اخته شو او ددوی په څیر...
ښایي .
هغه ده ، کاپو مون ته غیر کوی .
کا یو پدا سی حال کی چی تر دی
کیری . یو شمیر سامان او آلات زمون په
وړاندی گوزاروی او دستور را کوی چی
تا یو ټونه خلاص کړو . داکو م سخت کار
ندی . تختی دخلورو دانو میځو نو سره پر
تا یو ت با ندی ټپلی شوی دی . بل
ما ته وایی .

آخر دوی څنگه غواړی چی یو بل جسد
هم دغه تا یو ت کی ځای کړی ؟ دلته
خو دوی گو تی په اندازه ځای نسته .
خود کا یو چر ت خرا به نده او مون
ته امر کوی چی په هغو تا بوتونو کی چی
پخوا مو دوه جسدو نه ځای کړی و یو بل
جسد هم ځای کړو . ددغه کار نه وروسته
دنا بوت سر ته ټینګیده نو ځکه دغه
سری (کاپو) دخپلو بوتونو سره تا یو ت
با ندی پورته شو او دهغه تر پښو لاندی
دیر و دهلوکود ما تیدو غیر پورته کیده...
مون ته کوم بل مهم کار پا تی نه و ه
پر ته له دی نه چی تا بوتونه میځ کړو .
شنل ، شنل .
یوه لاری موټر زمون ډلی ته نږدی دریری
دهغه لاری ده چی هره ورځ یی دمو تېوزن
ته دخواړه دراوړ لو لپاره مو ظفوه او په
عین حال دهمدغی لاری نه انسان سو
څوو تکو کورو (کر مانوړیوم) ته دجسدونو
دلیر لو لپاره یی هم گټه اخستل .
اما او ډیل هره ورځ مو ما موریت درلود
چی دهغو تا روغا نو جسدو نه چی پرو شپه
په رو غتون کی مړه کیدل دغه ځای ته
را وړو . دا پنځلس ورځی کیری چی
مون پد ته کار یو وخت یو .
نن د ۱۹۴۴ کال دآوړیل لسمه نیټه ده .

دپېښونه ډکه سربزه
په یو گرد جا پیر یا ل کی او دیوی
نمی پرسر باندی چی یوی تنگی دری ته
مخا مخ واقع شوی دی ، دکا ج و نسی
یو غوڅی کړی دی تر څو چی د حاضری
لپاره ځای جو ډ کړی ، په هر ی خوا کی
دونی پری شوی ټوټی او دودانو لو سا مان
پرا ته دی چی دسری ښی پکښی بندیری .
ددغه ځای په گرد جا پیر کی اوږ ده
ودانی چی دیوی لوی ذوقتی ښه لری
څنگله ته مخامخ پرته ده د څنگله له مینځه
دنورو ودانیو ښه ښه لیدلی شو . موټر ته
مخا مخ په دری سوه متر یزه واټن کی
یو غر چی مخ په آسمان جګ شوی دی
ښکار یی . زمون په دوه کیلو متر واټن
کی د ید یا هغه خوا ته چی مون ته ښه
ښکار یی یو شمیر نور غرو نه واقع شوی
دی چی دهمدغه غر سره یو ځای کیری
اویوه کیری جوړی . اوموتېوزن د تیری
کار ځای ته ډیره ورته ده . دغه نوی ځای
دمو تېوزن په پر تله ډیره ار نه ده . ده ۱۳۰۰
متر په اوږ دوالی دیوا ل زمون په گرد
جا پیر کی جوړ شوی دی اوله همدی امله
سری ته د (زول ورن) حیرا نو لکی تاریخی
کیری را په یاد وی .
زمون تر پښو لاندی د واوری پر مخ
خو انسان جسدو نه پراته دی . جسدو نه
لو څ لیر دی او دهر یوه پر تیر با ندی
دخود کار قلم سره یو عدد لیکل شوی دی
ما او (بل) وروستی جسد راوړل ددی لپاره
چی جسدو نه مو پریو پرستن با ندی
ایښو دل او هغه مو کش کول ډیر
ستری شو داځکه چی دایومشکل کارو
هغه (کاپو) چی مون باندی مو ظف دی
داطلا عا تو دلاس ته . راو ستلو لپاره تللی
دی . اوس مون یواځی ددغه میدان ژ و ندی
مو جو دات یو . بیا هم زمون تر پښو لاندی
شپږ جسدو نه چی سترگی یی خلا ص دی
اواسمان ته کوری پراته دی دهغوی
څنگ ته شپږ تا یو ټونه چی تختی یی یو
دبل نه لری لری میځ شوی دی دیند یا نو
دا جسا دو څخه ټک دی . (بل) یی له دی
نه چی متا تر وی خپلی سترگی یسی
پتییولی دی او وایی :

دوه !
دا واری مترو که پرخان بانگی می
ولنیلید . دیر زیات درد احسا سو م .
اس-اس دگوانی نه په په دیک غیر سره
وایی : په زوره ، لاهم په زوره !
خړی ! ... خلور ! ... پنځه ! ...
دینی لوئی په شان د درد له زوره خپل
لاسو ته دکت پر پایو با ندی ټینگو م درد
زغم نه منو نکي کیری .
(تورپا)

نشته با ید دستور اجرا شی (داس- اس
دد ستو رته اجرا کول په هره وجه چی وی
داعدام جزا لری) . زه انتظار با سم . هغه
په وهلو پیل کوی او دهری سر یی څخه
وروسته په آلمان یی ژبه وایی .
- یو !
لومړنی سر به ډیره کلکه نه وه .
اس-اس بو غاری وهی
- پزوره یی ووهه !

دهغه کار هم نده ځکه چی ما سره
یی مری کش کول .
په همدغه وخت کی اس- اس تا لار ته
دنده را ځی ، منشی هم ورسره دی او خبری
یی ژبا پوی .
- بنا غلی رئیس غواپی چی پوه شی چی
دکشافا تو ډیلي نن چا تش کړی دی .
- موږ ندی تش کړی .
- بنا غلی رئیس وایی چی که تر پنځو-
دقیقو پوری گنا هکار خان معر فی نکر ی
دروغتون ټول فرا نسوی کار کو نکي به

ملگری په هما غو لومړیو پنځلسو ورځو
کی په آسا نو کو ماندو گا نو کی ځای
په ځای کړو .
ویلی ، ټول او سیمون دوزف په کوماندو
کسی کار کوی . ده-پل . یوه ملگری چی
لوسین نومیزی د ۱۶ نمبر بلاق نه
موږ سره راغلی و ، دالکتریسینان-سوپه
بلاق کی کار کوی . زه ، پل او پتولونی
دداکتر رنه په غو ښتنه په روغتون کی
په کار گمارل شوی یو . یواځی «اندازه»
په اشنا ین بروک کی کار کوی او تراوسه
پوری موږ و نشو کړای چی دی دهغه
ځای څخه وبا سو .
داسی بر یینی چی موږ په مقاومت وکړو
خودغه کار به ډیر آسان نهوی .

دمترو کو پنځه وشت ضربی وځوری .
پل مخ ته ځی او وایی : که هرو مرو
باید یو سری خان معر فی کړی زه حاضریم
چی پنځه وشت مترو کی وز غم .
ډاکتر چغه کوی او وایی : هغه گناه
نلری !
- اوس به څه وکړو ؟

ما اوپل خپل ورځنی کار رونه سرته
رسولی دی ، په روغتون کی یو ، او د
کړ کی څخه دواوو او ریدو ته گورو . پل
وایی : فرق نه کوی په هر صورت دداشتاین
بروک په پر تله آرام یو .

اس-اس (پتولونی) ته غبر کوی . دا
غو څه خبره ده چی هغه هم گناه نلری .
هغه اسپانوی سری چی زموږ په څیر داطل-
قونو مسوول دی هم گناه نلری . اس-اس
موږ ته وایی :
- ډیر ښه . اوس چی هیڅوک نه غوا پی
اعترا ف وکړی تا سی خلور واده با یسد
ونکول شی .

- هو کی زموږ هره ورځ چی تیر یز ی
یو نوی بریا لیتو ب تر لاسه کوو
پل دیو جا روپ پر دسته با ندی تکه
کړی وی او ماته موری زه هم یوه صافی
په لاس کی لرم . دلته هم با ید د موږوږن
په څیر سری دکار یو ازار په لاس کی
ولری تر څو چی داس اس له خوا غافلگیره
نشی . په همدغه وخت کی زموږ اس-اس
هم پیدا کیری . پل خپل جا روپ سره
خان بو ختوی اوزه هم په پیره سره خپل صافی
نښینی پر مخ موښم پل بیا وایی :

- خلور واده دلیک څخه بهر را ځو . په
را هروکی یو کټ ایشودل شوی دی . هغه
پتولونی ته اشاره کوی چی پرکټ باندی
پر یوزی . یو لهستانی پر ستار غو اپی
چی دپتی لوی اوزه ټینگ وایی او دوه کسه
نور چی دمیڅکی پر مخ نامت دی غوا پی چی
پینی یی ټینگی وایی . خو پتولونی هغوی
بو هوی چی مر ستی ته اچ ندی اس-اس
کمری ته ځواو یو کانسو چو یی متروکه
چی یوه او سپنیزه مزی یی هم په زبا نه
کی لری له خانه سره راووی . دی دملنلی
نه ډکه پنه لری . موږ دری کسه نور
دخپل وار انتظار با سو او پینی ته گورو
ډاکتر (رنه) ددی لپاره چی دغه صحنه ونه
گوری زموږ ډیلي څخه لیری کیری ، پداسی
حال کی چی بو هیزی چی دده دغه عمل
په هغه دجرا وږو سر ځوی .

نښینی پر مخ موښم پل بیا وایی :
- هوکی بهر صورت دلته ښه ده .
- آهای ، زه تاسو پسې گر خیدم .
ډاکتر (رنه) دخپل سیمین چین سره زموږ
په شولول دی . هغه په رښتیا سره یو په-
په پوری سری دی دهغه اخلاق او مینس
له امله چی ټولو نارو غانو سره یی لیری
ډیره په زړه پوری ده . دی خپل ټول قوت
او ټول وخت دنا روغانو د سلامتیا په لاره کی
مصر فوی . (رنه) دخپلی جگي و نسی
او بزرگ منشا نه کړه وپه سره به رښتیا
سره ددغه چا پیریال واکداردی په داسی
حال کی چی هغه په واقعی توگه هیڅ کاره
او موږ غوندی یو بندی سری دی . دی داسی
یو بندی دی چی پوه او عملی تجرب یی یی
پل داس-اس د ملنلی سره مخا مخ
کیری .

اس-اس ټوپ وهی او دخپل ټول قوت
سره دمترو کو پنځه وشت ضربی دپتولونی
پر کو تا فی باندی حوا له کوی . هغه
دخپل مترو کی سره ښه ټپه نسی او هغه
پر هد فی با ندی حواله کوی .

ډاکتر په پسته ژبه موږ ته وایی .
- ښه کار و وکړه ! با سو دواوو ته
وایم .
- څنگه ؟

پتولونی خپل لاسونه دکټ په پایو
با ندی ټینگ نسی خو خپل ځا نه
ټکان نه ور کوی دجزا تطبیق څخه وروسته
کپ کپ . جگیزی او گام گام ځی اولیری
کیری .
زما واری . زه هم دهغه په څیر اجا زه
نه ور کوم چی څوک را سره مر سته وکړی
یواځی په هماغه ښه خان نیسم او خپل
سر لیز شا نه ټیت نیسم اس-اس چی
ستری شوی دی یو چکو سلواکی پر ستار
را غواپی . مترو که یی په لاس کی ورکوی
او ورته دستور ور کوی چی دهغه پر ځای
ما وو هی . دغه سری په لو به کی لویدلی
جوان په څیر ما ته گوری ، خو بله چاره

سره له دی چی ځواری می تا سوته
ویلی و یا مو هم نن سبا د دکشافا تو
ډیلي د بلاق تر څنگه خالی کړی دی پداسی
حال کی چی ما تل تا سو ته سپار ښتنه
کړی ده چی دغه شیان و سو ځوی . له
همدی امله اس-اس عصبا نی شوی او وایی
چی دروغتون ټول کار کوونکی به وټکوی .
- خو نه ډاډه واو سیریه چی دغه کار
زموږ له خوا نده شوی .
- نو هر و مرو به دپتی لویی کار
دی .

کنترول توپر کلوز ...

بقیه صفحه ۱۲

میباشد باید رادیو گرافی از آنها گرفته
شود که البته تشخیص آن تنها مربوط به
آمرحوزه توپرکلوز می باشد .

در قسمت تدایو مریضان دارای بلفم
مثبت برای يك الي سه ماه استریتو ماسین
روزانه يك گرام همراه بايك تابلیت تی بی یک
(ایزو نیازید سه صد ملی گرام با یکصدو -
پنجاه ملی گرام تیاسید اژون بعدا جهت
دوام تدایو آن از نوع تدایو روزانه استفاده
می شوند دارای مراحل ذیل را باید پیما یند
عبارت از تدایو مقطع یا تدایو مراقبتی نیز
گویند بالای مریضان تطبیق می گردد .
(استریتو ماسین هفت دو گرام ایزونیازید
هفته دوازده صد گرام با دو تابلیت ویتامین
بی شش .

ډاکتر خبرخواه گفت :
- تمام مریضان که تحت تدایو گبر فته
می شوند دارای نقاط ذیل می باشند .

۱- راجستر عمومی : مریضان توپرکلوز
دارای نمبر مسلسل می باشند
۲- کارت تدایو که از طرف انستیتوت
قریب داده شده واز نگاه نوع تدایو ، معاینه
بلفم ، تشخیص و شهرت مکمله خانه سری
گردد تدایو برای یکسال می باشد یعنی
چهار بار بلفم آنها بفاصله سه ماه منفسی
می باشد .

۳- مریضان غیر حاضر به هر شکلی که
باشد جهت تدایو جذب گردد و وسایل
ترانسپورتي در اختیار شان گذاشته شود .

۴- په نژدیکان مریضان بلفم مثبت واکسین
بی سی جی تطبیق گردد .

ازوی پرسیده شد کدر ساختمان انستیتوت
ملی کنترول کدام کشور باشند همکاري
نموده است گفت :

ساختمان مجهز ومدرن انستیتوت ملی
کنترول توپر کلوز در ساحه بیست جریم
اعمار گردیده کمک بلاعوض حکومت جا پان
می باشد بمبلغ ۱۵۰ میلیون دالر که شامل سامان
وسایل اکسریز ، لا براتوار شعبات
ایدیو لوژی و شعبات تعلیمات صحتی دفتر و
وسامان ولوازم دفتر و ترانسپورت را شامل
ترانسپورت می باشد

علاوه بر کمک های سامان ولوازم ، قریبه
پرسوئل فنی به سویه های مختلف تحت
پروگرام فیلو شب راهم مساعدت نموده وهم
متخصصین راجب کمک فرستاده اند .

برای ششماه دارای ذخیره میباشد .
رئیس انستیتوت ملی کنترول توپرکلوز
در مورد فعالیت کنترول توپرکلوز چنین
معلومات داد :

اول : وقایع ذریعه واکسین بی سی جی .
دوم : کشف واقعه توپرکلوز در قدم اول
بواسطه معاینه مستقیم بلفم ودر حوزه ها
بوسیله مکروفلم .

سوم : در تدایو مریضان توپرکلوز حق
اولیت به مریضان بلفم مثبت داده میشود
وبعضا مریضان بلفم منفی که از نگاه رادیو-
گرافی فعال میباشد و تدایو مریضان خا رج
ریوی در صورت ادویه کافی وبعد از تشخیص
قطعی از طرف متخصص مربوط تحت تدایو
قرار گرفته می شود .

چهارم : تمام پرسوئل که در پروگرام
توپرکلوز فعالیت میکنند باید تحت قریننگ
در داخل وخارج گرفته شود وهمچنان از
نگاه تبلیغات از وسائل مفاهمه جمعی مانند
روزنامه ها ، رادیو ، تلویزیون ، جراید ،
پامفلت ، کنفرانس ها وغیره استفاده گردد .
پنجم : تعقیب مریضان غیر حاضر ،
مریضان دارای بلفم مثبت در صور تیکه
تدایو خود را ناقص و بدون هدایت داکتر قطع
کنند باید از طرف شعبه مربوط مریضان
را جهت دوام تدایو تشویق و کمک کنند .
همچنان تحقیق وریسرچ تنها در انستیتوت
ملی توپرکلوز از نگاه نوع میکروب وغیره
صورت می گیرد .

در ولایات فعالیت از نگاه واکسین بی سی جی
که توسط تیم سیار آمریت معافیت کتلوی
صورت می گیرد وهمچنان واکسیناسیون در
خود حوزه ها از طرف واکسیناسیون به اطفال
نوزاد واشخاصیکه واکسین نشده اند اجرا
می گردد .

فعالیت کشف محراق توپر کلوز جهت
بر آورده شدن این مرض همکاری تمام
شعبات صحی و پرسوئل صحتی ، شعبه توپرکلوز
میباشد یعنی تمام اشخاصیکه دارای سرفه
بیشتر از چهارده روز میباشد ویا علام دیگر
توپرکلوز در آنها مشا هده می گردد به
شعبه لابرا توار معرفی وبلفم آنها بصورت
مستقیم معاینه میگردد ودر صورتیکه بلفم
مثبت داشته باشد تحت تدایو گرفته می شوند
تمام حوزه های توپر کلوز دارای دستگاه
مکمل رادیو مکروفلم میباشد اشخاصیکه
دارای بلفم منفی واز نگاه توپر کلوز مشکوک

کتاب نور و ظلمت

ص ۴۶ - «خواجہ عبداللہ انصاری، بزرگترین و بقول خودش مهمترین تصنیف خود را به لہجہ قدیم ہراتی نوشتہ است» منظور مولف ازین تصنیف مهم همان، طبقات صوفیہ، میباشد این کتاب مستقیماً اثر پیر ہرات نیست: «گویا شیخ الاسلام مطالب آن کتاب را بحدی اسناد و عنعنہ در مجالس تذکیر و تدریس خنیش اہل فرمودہ و یکی از شاگردان آقا مینوشت بنابران این کتاب مستقیماً اثر خایہ و نگاشتنہ شیخ الاسلام نیست و مانند سایر کتب و رسائل دیگر از اہالی شیخ است کہ این وجہ آقا عبارت «مجالس التذکیر بالفارسیہ الحسنہ» ستورده است. (از مقدمہ یوہاند حبیبی بر طبقات الصوفیہ ص ۱۲) و از صفحہ اول متن کتاب ہم بخوبی پیداست کہ کتاب، نوشتہ کس دیگر است نہ از شیخ الاسلام زیرا مولف ہیچگاہ عباراتی را کہ درین صفحہ درج است راجع بہ خود نمی نویسد. «طبقات الصوفیہ بکوشش یوہاند عبداللہ حبیبی - طبع کابل ۱۳۴۱» ص- ۱۴۸ - بہرامشاہ غزنوی - ۵۱۱-۵۱۲ھ این تاریخ دربارہ دورہ سلطنت بہرامشاہ آخرین پادشاہ مقتدر ناسر در غزنین از خطاہای سخت منسوب و نادرست است بہرامشاہ نظربہ قول منہاج السراج جوز جسانی مدت چہل و یک سال سلطنت کرد. (طبقات ناصری ج ۱ ص ۱ بگو شش حبیبی طبع کابل ۱۳۴۱) و گذشتہ از آن حکیم غزنوی حدیقہ را در سال ۵۱۱ و یا ۵۱۲ھ، برای بہرامشاہ اہدا کردہ است بلکہ بروقی تحقیقاتی کہ اخیراً صورت گرفته و در سیمینار سنایی در کابل اظہار گردید، سال فوت حکیم غزنوی حوالی ۵۴۵ھ ہجری روی احتمال نزدیک بہ یقین تعیین گردید. بنا براین برائین مولف نور و ظلمت در ضبط تاریخ مزبور مرتکب خطا شدہ است کہ بایست تصحیح گردد.

بقیہ صفحہ ۵

عشق زناشویی

انسان کار های روز مرہ خود را بہ بسیار سہولت انجام دادہ میتواند مگر در عین حال حسس میکند کہ تا کدام اندازہ انکشاف روحی او فقیر است.

برا بلسمای موازین اخلاقی بنا خوا ندن کتا بہا و مجلات مخصوص حل شدہ نمیتواند. ضرورت است تا جا معہ بطور مکمل نیروی خود را درین مورد بسیج نماید.

زمانی کہ ازدواج فقط اکمال مناسبات اقتصادی را ارا ثہ میکردنو جوان حتی بہ ایجاب و قبول والدین بہ ازدواج آمادہ میشدند.

این نوع ازدواج نظیر بہ ازدواج های عصر حاضر مثال گا دی یک اسبہ را دارد. عشق و دوستی ضرور است تا سہار زمانہ می شود. عشق و محبت بدون جدو جہد ساز ما ندھی مفہوم ندارد.

یکی از علمای مشہور از پیرزنی پرسید: آیا خود را خو شبخست

بقیہ صفحہ ۱۵

اqlم آیندہ...

پیش بینی گردیدہ است. مطالعات ماثبہ توسط کوثر بارت های شان در دیگر ممالک ہم تماس حاصل گردیدہ است. در سال ۱۹۷۷ یک کاغذ تحقیقاتی بہ عنوان انرژی و اقلیم جوی، در امریکا طبع گردیدہ است. جمع کنندہ های مقالات این را ہم نشان دادہ اند کہ ممکن گرمی عمومی منحصر بہ تزیید در کتلہ کاربن دای-اکساید در قنات باشند. علمائی امریکا معتقدند

تاقویہ طنین انداختہ بود معلو مات میدہند ہمہ موقی محکم واستوار اند. بدین معنا کہ مولفان آن آثار از معاصران و ہریدان سلطان العلماء بہاولدین محمد بن حسین خطیبی بلخی و فرزندش مولانا جلال الدین محمد بلخی بودہ اند از آنر و شرح حال و جریان زندگی موصوف مبتنی بر اسناد موثق تاریخی است کہ محال است آن حقایق انکارناپذیر و افسانہ پنداشت. کسانی کہ میخواہند در زمینہ معلومات مبسوط داشتہ باشند میتوانند بہ کتب ذیل: «مناقب العارفین الافلاکی ج ۱- چاپ انقرہ بکوشش تحسین یازیچی - سال ۱۹۶۱ م» - «ولد نامہ انشاہ بہاولدین بن مولانا جلال الدین بکوشش حسین اقبال طبع تہران - سورسہ سپہسالار - تالیف فریدون معروف بہ سپہسالار چاپ کانیور سال ۱۳۱۹ھ» - «مراجہ فرمایند» - تالین تاریخ و افسانہ فرقی بگذارند.

ص ۱۸۲ - «اودر شہر کوچک جام در نزدیکی احساس می کند؟ پیرزن جواب داد: خوشوقت در صورتی می بودم کہ شو ہرم تا اکنون زندہ می بود درین موارد در ممالک پیشرفتہ کلچر ہا ترتیب دادہ میشود مشورہ های مفید در موارد مختلف بہ اشخاص دادہ می شود کہ تازہ عروسی کردہ اند. سعی میشود تا دو نفر را بہ فرهنگ مناسبات در ازدواج آمادہ سازند.

ص ۱۸۲ - «اودر شہر کوچک جام در نزدیکی

احساس می کند؟ پیرزن جواب داد: خوشوقت در صورتی می بودم کہ شو ہرم تا اکنون زندہ می بود درین موارد در ممالک پیشرفتہ کلچر ہا ترتیب دادہ میشود مشورہ های مفید در موارد مختلف بہ اشخاص دادہ می شود کہ تازہ عروسی کردہ اند. سعی میشود تا دو نفر را بہ فرهنگ مناسبات در ازدواج آمادہ سازند.

بطور مثال بعضی ہا نزد اشخاص مجرب مرا جعہ کردہ و سوال می کنند: نمیدا نیم چرا با ہم عنا قشہ میکنیم. مسئلہ بسیار سادہ است اینہا تا حدی رسیدہ اند اما از نکات روانی یکدیگر هیچ اطلاعی نیا فتنہ اند. اینہما از مسایل بسیار ابتدائی شروع میشوند. شو ہر بدون اینکه متوجہ شود از بعضی لطافت ہا

ہایش در مقابل خانم می کا حد. خانم اگر درین صورت انتظار بدنیآ آمدن طفل را دا شتہ باشد بسیار کم حوصلہ میبا شد. اگر شو ہر در اینصورت از صبر و تحمل کار نگیرد مسئلہ بہجا های دیگر کشانیدہ

کہ گرمی عمومی شاید خود بخود در قرن ۲۱ احساس کردند و یک نتیجہ (با ہمت) جدائی عظیم در قرن ۲۲ دارد. پس اینطور نتیجہ گرفته میتوانیم کہ محدود ساختن انکشاف قدرت صنایع یک امر مسلم و ضروری ہستار میروہ کہ خود منحصر و وابستہ بہ اختراق فوسیل های مواد سوخت میباشد.

زیرا بصورت آشکارا یک چیزی غیر قابل استفادہ است. بسیاری از علماء در کوشش ہستند تا راہ حل برای تہیہ وسایل محافظتوی اقلیم جوی کہ فعلاہ همین طور است پیدا کنند این ہم یک وظیفہ مغلق است. هیچ کدام گرانتی در قسمت وقوع آن وجود ندارد.

کہ گرمی عمومی شاید خود بخود در قرن ۲۱ احساس کردند و یک نتیجہ (با ہمت) جدائی عظیم در قرن ۲۲ دارد. پس اینطور نتیجہ گرفته میتوانیم کہ محدود ساختن انکشاف قدرت صنایع یک امر مسلم و ضروری ہستار میروہ کہ خود منحصر و وابستہ بہ اختراق فوسیل های مواد سوخت میباشد.

زیرا بصورت آشکارا یک چیزی غیر قابل استفادہ است. بسیاری از علماء در کوشش ہستند تا راہ حل برای تہیہ وسایل محافظتوی اقلیم جوی کہ فعلاہ همین طور است پیدا کنند این ہم یک وظیفہ مغلق است. هیچ کدام گرانتی در قسمت وقوع آن وجود ندارد.

کہ گرمی عمومی شاید خود بخود در قرن ۲۱ احساس کردند و یک نتیجہ (با ہمت) جدائی عظیم در قرن ۲۲ دارد. پس اینطور نتیجہ گرفته میتوانیم کہ محدود ساختن انکشاف قدرت صنایع یک امر مسلم و ضروری ہستار میروہ کہ خود منحصر و وابستہ بہ اختراق فوسیل های مواد سوخت میباشد.

زیرا بصورت آشکارا یک چیزی غیر قابل استفادہ است. بسیاری از علماء در کوشش ہستند تا راہ حل برای تہیہ وسایل محافظتوی اقلیم جوی کہ فعلاہ همین طور است پیدا کنند این ہم یک وظیفہ مغلق است. هیچ کدام گرانتی در قسمت وقوع آن وجود ندارد.

کہ گرمی عمومی شاید خود بخود در قرن ۲۱ احساس کردند و یک نتیجہ (با ہمت) جدائی عظیم در قرن ۲۲ دارد. پس اینطور نتیجہ گرفته میتوانیم کہ محدود ساختن انکشاف قدرت صنایع یک امر مسلم و ضروری ہستار میروہ کہ خود منحصر و وابستہ بہ اختراق فوسیل های مواد سوخت میباشد.

نیشاپور دیدہ بچہان کشودہ. منظور مولف ازین دیدہ کشودہ مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی شاعر معروف قرون نہم ہجری است محل تولد او جام در نزدیکی نیشاپور نیست بلکہ نزدیک ہرات و در آن روزگار آن خود از نواہج ہرات بودہ. وحالا بین ہرات و مشهد واقع شدہ است کہ از نیشاپور نہ تنہا امروز بلکہ در زمان تولد جامی ہم بسیار فاصلہ داشت.

علی الرغم آنچه گفتہ شد جام در عصر تیموریان و آنہم دوران حیات عرفانی و ہنری مولانا جامی از قوایع و ہر یوطات ہرات بود و نام جام ہرات شہرت داشت بعد ہا مرز های کہ در اثر تثبیت ناجوانمردانہ و غارتگرانہ استعمار غرب بین ممالک تعیین گردید. در

بیکر سرزمین ما نیز تأثیر کرد. اماندر مطالعہ حوزہ های فرهنگی در نظر گرفتن این مرز های تجمیل شدہ مشکلاتی را ایجاد میکنند بایست این موانع را نادیدہ انگاشت و ساحہ پژوهش را گسترش داد.

میشود. زنہا بہ نو بہ خود نیز بہ این نکتہ متوجہ شوند کہ شو ہر بہ فامیل و پدر شدن بزودای عادت نمی گیرد و از بعضی وظایفش با خبر نمیشا شد. پس وظیفہ

بہ سبک واسلوب مخصوص شوہران شا نرا بسو ظایف مر بوطہ ملتفت سا زند. اینجا ست کہ زند گسی مشترک دو تن ممکن است بہ بسیار خوشی و آرا می سپری شود و از مزایای زند کی لذت ببرند.

بقیہ صفحہ ۳۵

طالاسلطان فلزات

می کردند کہ میتوانند طلای مصنوعی بسازند اما هیچکس بانجام این کار قدرت نیافت و سوال چگونگی ساختن آن لاینحل باقی ماند.

«الکیمیست» ہا از زمانہای قدیم، درصدد آن بودند تا سنگی را پیدا کنند کہ بتوانند فلزات را بہ طلا تبدیل کنند.

امروز کہ با داشتن وسایل عصری می توانیم از نیروی اتمی کار بگیریم باز ہم ساختن طلای مصنوعی سادہ نیست. زیرا فلزات دانا و کیمیادانا، باید برای ساختن طلای مصنوعی از یک مقدار سرب و پلاتین کار بگیرند و مدت ہارا صرف نمایند تا بہ اندازہ یک ٹوک قلم خود کار طلا بدست آورند.

اما ارزش همین طلای ناچیز معادل یا چندین تن طلای طبیعی خواہد بود.

بہر حال این کار با ہمہ دشواری گ دارد خیلی دلچسپ و جالب است زیرا این طلای ساخت دست بشر نتیجہ یک سلسلہ کارہا و تجارب طولانی است.

زمین شناسان بنا اطمینان میدہند کہ در معادن موجودہ طلای کرہ ارض یک مقدار کافی طلا وجود دارد. بہر صورت خواہ تولید طلا بلند برود و یا نزول کند. با قیمت ہر اونس آن بلند برود و یا بگذارند کہ با بین باید، تقاضای طلاہیشہ نسبت بہ عرضه اش بیشتر و انسانہا ہمیشہ مجذوب رنگ زرد این فلز بودہ و خواہد بود چنانکہ طی شش ہزار سال بودہ اند.

ژوندون

مردم ماداو طلبانه ...

ولی هما نظور یکه مردم ما باز ن بردن حفیظ الله امین و با نسد شد در عمل ثابت سا ختند که سچ اجنت و دست پرورد استعمار مستبداد را تحمل کرده نمی توانند این تبیها ران نیز در عمل ثابت سا ختند که برای اخلال گری هاو جاد فضای ترور و اختناق شان فرست نخوا همد داد و آنها را نیز چون تلف خاین شان از بین میبرند و واهند برد، صدق این حقیقت در ککری های مردم و شهر یسان بل با دو لت انقلابی شان در ریان حوادث اوا یل حوت و بعد آن بخوبی مشهود است و به مثابه ست محکمی است بد هان همه بخوا هان و دشمنان انقلاب و پیشروان صلح آمیز کشور ما. و افعیت بر هم اینست که دشمنان حالادیکر املا نا امید شده اند و از آخرین ربه های بی تأثیر و بی نتیجه که در ناته های شان باقی مانده است ای سنگ اندازی در راه پیروزی مردم ما استغاده می کنند و این حر به مانا همان حر بهی کهنه و رنگ و رو فته ی دهها سال قبل است که با نگ و روغن دادن آنرا می خواهند ردیگر بر علیه کشور و مردم ما استعمال نمایند یعنی می خوا همد ریر پرده ی دفاع از دین و آیین مقدس بی مردم ما (که هرگز صا دقانه بن کار را نمی کنند) امیال خود را بر ورده سازند ولی طور یکه قبلا هتیم این حر به نیز کار گریافتاد نمی افتد زیرا مردم مادر عمل می بینند که دو لت از خود آنها در خد مت خود شان است و این ولت انقلابی ما است که بحیثیت دق ترین حمایه کننده ی همه انتقادات و سنن پاک مردم کشور در مل وفاداری خود را ثابت ساخته ست. هکذا دو لت انسان دوست عیوما نیست، یعنی دو لت راه توری دو گرانیک افغانستان با مردمی که آگاهانه فریب این اخلال گران و لما شتکان استعمار و امپریا لیزم عناصر یکه بد ستور امپریا لیزم ار تجاع منطقه حوادث شوم اوایل حوت را بمیان آورد ند) را خورده

و پشتیبانی مردم ما بر خور داراست شکست ناپذیر و جا ودان است. بهتر ین نمایا نگر این دفاع و پشتیبانی تشکیل دسته های داو طلب دفاع از انقلاب و وطن می باشد که بشکسل رضا کارا نه و با شورو شوق فراوان از طرف مردم وطنپرست و آزادی دوست ما صورت می گیرد. حزب دموکراتیک خلق افغانستان که عامل اصلی و گردان پیش آهنگ

این عمل انقلابی است در طول مو جودیت پر افتخار خود و بخصوص بعد از پیروزی انقلاب ظفر آفر ین نور در عمل ثابت ساخته است که می تواند مردم وطن را بد نبال خود بکشاند تا از وطن، انقلاب و دست آورد های انقلاب با شها مت و دلیری دفاع نمایند. زند ه باد مردم افغانستان ایسن حماسه آفر ینان تا ریخ منطقه

بقیه صفحه ۱۹

ویتامین ها

و کم شدن قوای تدافعی بدن در مقابل بیماری های عفونی. چه کسانی که باید بیشتر ویتامین سی مصرف کنند؟ اشخاصی که د خا نیات دود می کنند به بیمانه زیاد به ویتامین سر ضرورت دارند چه طبق آزما یش های که صورت گرفته بد ن این قبیل اشخاص ویتا مین را زود تر از بین می برد. کسانی که بیشتر خنک و سردی احسا س می کنند و یا به بیماریهای کسبی د چار اند مقدار بیشتری از این ویتا مین ضرورت دارند. آنها نیکه وجود شان در مقابل امراض عفونی و مت ندارد و نیز کسانی که در دوره نقامت بسر می برند و همچنان اشخاصی که فعالیت دماغی شان زیاد است با یسد بیشتر از ویتامین سی استفاده کنند ویتا مین د: برای داشتن دندان های خوب، اعصاب کلا را تحت ویک خواب آرام از این ویتا مین لازم دارید. اگر وجود نا ن فاقد ویتا مین د با شد کلسیم و فسفر در بدن تا ن جذب نمی شود و از بیماری نر می استخوان (را سیستیم) دنج می برید، کمبودی این ویتا مین در اطفال مرض ریکت و در اشخاص سالخ مرطس اوستو مالسار با وجود آورد کمد در این امراض استخوانها شکننده و تاب خورده به نظری آیند. زنان بار دار که تا می ذخیره ویتامین (د) خود را به جنین مید همد باید در دوره حاملگی ویتا مین د بیشتر صرف کنند و اطفال باید بیشتر به این ویتا مین توجه داشته باشند. در متابولیزم که این ویتا مین را جستجو کرده میتوانید: اشعه آفتاب، جگر، ماهی زردی تخم، روغن، مسکه و شیر می با شد. ویتا مین ک: این ویتامین زیاد تر برای لخته شدن خون در بدن ضرورت است زیرا قلت آن خطر نا ک بوده و اگر نا حه از بدن قطع ویا پاره شود خون بقدر زیاد فواره می کند که با خن و متابولیزم شدن مقدار زیاد خون سبب مرگ می گردد. ویتا مین ک توسط محیط روده انسان

تولید شده می تواند و کبد بدن این ویتا مین قادر به تولید پروترو مین نیست متابولیزم ویتا مین ک با دتجان رو می قسمت سبز گیاهان، ترکاری و زردی تخم می باشد. ویتا مین ای: یکی از ویتا مین های محلول در چربی و مو ثر در اعمال بدن است بهتر یسن غذا های که ویتامین ای، دارد کاهو، روغن های نباتی و نطفه گند م است این ویتا مین برای تکامل حجرات بصورت نورمال ضرورت است. امر غذای پو میه شما حاوی ویتامین ای، باشد عضلات شما ضعیف و لاغر نخوا هد شد و هرگز از عدم آوا تا بی جنسی مفهوم نخواهید بود. ویتا مین ب: اگر بدن شما فاقد این ویتا مین باشد، خطر پاره شدن، وریدها، خونریزی و کمی فشار شما را تهدید می کند پس جهت رفع خطر لازم است از پوست نارنج و لیمو استفاده کنید. این ویتا مین برای برقراری فشار طبیعی شریا نها و جلوگیری از حملات فشار نا منظم آنها ضرورت است. ویتامین ها و پوست: ویتامین ها جزء دارای ویتا مین های مختلفه می باشند اما اکثرا شامل ویتا مین، هستند چنانچه میوه های ترش و آبدار اکثرا حا مل ویتا مین می باشند مثل لیمو ترش، نارنج، گیلان، انگور، توت زمینی. ویتا مین ها و پوست: ویتا مین ها خیره مهم تند رستی بدن است، طوریکه تمام اعضای بدن وظایف آن تحت تاثیر ویتامین ها قرار گرفته و کمبود آن باعث بروز بیمار یهای گوناگون می شود. مادر با ین مفید بت ویتا مین ها را در امر احیای جلدی ذکر می کنیم: اگر دانه های سیاه کو چک در قسمت عریان بدن شما مثلا در صورت و دستهای نان بروز می کند از ویتا مین (ب، پ) علاج آرا جستجو کنید. اگر مبتلا به بشورات سرخ که روی آنها را قلس سفیدی پوشانیده و بیشتر در قسمت خارجی مثل آرنج قرار دارد، برای درمان آن از ویتا مین ب، پ کمک بخوا هید. در صورت نیکه مبتلا به سرخی دایم در رخسار مخصوصا در گونه ها و بینی هستید از ویتا مین (ب) استفاده کنید. اگر مو های شما زود سفید می شود ویتا مین (ج) را از یاد نبرید و آرا از غذا های چون جگر و حیو با ت بد ست آورید.

داستان عزیز !
بامحاسبه نایب

شعر، داستان و مطالب درج شده
و خواندن بی نفع نیست

داستان عزیز

پر همت خورشید

گاهی بنشین ، بنگر

در لحظه‌ای مقدسی که کوشش جاری است
رویش زرد ، بینور ، بیرنگ میاید
درو یک نقطه - نقطه‌ای متمرکز (ایمان) میچند
با قامت نحیف و پاهای لاغر هم که شده انگار
میاندازد

کوشش مقدس - کوشش برحق جاری است
میخواهد ، میکوشد - میخواهد ، میکوشد
بیرون میاید - میاید
پر همت خورشید

از غ . ح . جولی پای

امشب!!!

خدا را ! سخت سرگردانم امشب
شبخون زد غمش ، بر جانم امشب
چوئی ، خیزد فغان از بند بندم
ز هجر آن گل ریحانم امشب
ز دست این دل خوشبا و خود
به حسرت دیدم گریانم امشب
بهار حسن او بتموده تو فان
امیر پنجه‌ی تو فانی امشب
شگفته غنچه اش ، در عین مستی

چو بلبل خسته و تالانم امشب
شنیدم با رقیب سفله آ میخت
شکسته از جفا پیمانم امشب
ز رشک افتاده ام در بستر تب
چه باشد ، جاری و درمانم امشب
برفت از من قرار و صبر و آرام

نباید خواب در چشمانم امشب
ز بس بارید اشک از غوانم امشب
بخون غلتان بود ، مژگانم امشب
توان یکبارگی از من شده سلب
خلیده در جگر پیکانم امشب
چه نقصانی رسد در دولت حسن
شود گر از وفا ، مهالسم امشب
جای گلرخان عمری کشیدم

فگنده از نظر خوبانم امشب
به گرداب عمیق عشق ، غرقم
«نصیب» از بخت خود حیرانم امشب
از : محمد ناصر «نصیب»

از عبدالرحیم احمد پروانی

دو بیتی ها آئینه تمام آرمان های مردم ما

کسی نیست که دو بیتی نشنیده و نخوانده
باشد . چرا که دو بیتی ها آئینه تمام نمای
آرمان های مردم ماست و به این علت مردم
ما به این گوهرهای پر ارزش فلکلور یک و
ملی علاقه فراوان دارند .

دو بیتی ها دارای چهار مصرع می باشند
که دو مصرع آن به قسم یک بیت تفهیم
گردیده . اما بعضی آنها چهار بیتی هم
میکو ند . در بعضی دو بیتی ها دو مصرع
اول دارای یک وزن و قافیه میباشد و بر
خلاف دو مصرع دوم دارای وزن و قافیه
علیحده می باشد . و بدین علت آنها دو بیتی
پاد می کنند مثل .

سرم درد میکند از غم جانان
نیست سون مارجم جانان
الا یار جان تو یار بی وفاستی
بد گرا یار و به مایی اعتناستی

دو بیتی های زبان جاری نشده بلکه
در اثر واقعه یا پیش آمدی قریحه ذاتی
گوینده بجوش آمده و دو بیتی این فر-
البداهه سروده و به این علت اکثر دو بیتی
ها موضوعات تاریخی و عشقی را احتوا
میکند .

و این دو بیتی ها منعکس کننده احساسات
و ظنیرستی سفت ، بدبینی و یار عکس نشانه
دوستی و محبت گوینده میباشد . در اینجا
با گفته نباید گذاشت که این دو بیتی ها
تنها احساسات خاص یک نفر نیست بلکه
احساسات عقاید و مرام های یک ملت
میتواند باشد .

در اینجا بطور مثال میتوانیم از واقعه
جنگ های انگلیس و افغان نام ببریم طوری که
میدانیم فرنگیان سه باره خطه مقدس ما
حمله نموده اند اما با جواب دندان شکن

مردم افغانستان رو پرو شده اندو این مردم
با جنگ های غیورانه احسانا ت وطن پرستی
خود را به تجاوز گران خا رچی فها ند
اند . درین دو بیتی ذیل از زبان یک افغان و
طرز فکر افغانیان را مقیاس بزنیم .

از زبان یک افغان طرز فکر افغانیان را
صدایی توپ و آواز تفنگ است
جوانای غیور مشغول جنگ است
خدا سرخ روی سازیشان به انگریز

که با چایشان امان بانام و ننگناست
در دو بیتی دیگر ناز جانان بر گو یشده
گران تمام شده و هم چنان از خونخوا ری
واز ظلم بی حد فرنگیان بشک آمده و به
این وحشی گری چنین نفرت نشان میدهد
که ناز جانان را چون ظلم فرنگ میداندو
می گوید :

ای یار چقدر قشنگی تو
با ما داریم به جنگی تو
بسی ظلم کردی بر ما
گما نم از ملک فرنگی تو

و یا عاشقی که در عشق شکست خورده
و یا جوانی که عاشق شده در کوی جانان
دو بیتی های دلکش میسرود . و حال دل را
بوی تفهیم میکرد مثلا :

پرو بایار بگو یارت غریب است
پشت در گای مردم مردم شهید است
برای بیرون که دیدار ت ببینم
نکو بهانه که مسکین و فقیر است

جای تعجب اینجاست که این دو بیتی
اکثر توسط اشخاصی سروده شده که از نعمت
سواد بی بهره بودند ما چنان ظرافت
بلاغت و فصاحت و خصوصا صنایع بدیعی
بقیه در صفحه ۸۰

کارگر

ای کار گر دلیر !

ای که تویی افتخار خلق ها

ای که تویی جرس کاروان ها

ای که تویی موج پشتباز طوفان ها

عزم تو بود آهنگین

عزم تو بود خشم گین

قهر تو بود موج و خرو شان

خشم تو بود غرنده چون رعد شتابان

عزم تو بگسلد تاروپود بندگی

عزم تو آورد ببار دشمنان را شرمندگی

کنون که کاخ ستم در افتندی

کنون که طرح نو در انداختی

دلیرانه پیش رو !

مردانه پیش رو !

بی ترس و بی هراس

به سوی یک زندگی شرافتمند

عاری از بندگی

بی رنج و بردگی

هرگز مکن هراس

در پیج و خم زندگی

رزمنده پیش رو

به سوی افق های روشن و تابناک

تا آن سوی افلاک

به پیش رو !

ای کارگر دلیر !

شعر از اسدالله مفتون

عشق به میهن و دفاع از آزادی از جمله سنن ملی خلق های کشور ما است

توده های ستمدیده و زحمتکش کشور محبوب افغانستان از گذشته های دور تا اکنون در قلب و باطن خود چشمت استعمار و امپریالیسم بوده و بدد دسایس و توطئه های این خشن ترین دشمنان و نمایندگان امپریالیسم مبارزه بی امان و فستکی ناپذیر کرده و آنرا رهسپار گودال بق ابدی نموده است .

در آوا نیکه انقلاب پرافتخار ثور به رهبری پب واحد دموکراتیک خلق افغانستان (حزب به کارگر کشور) به اراده خلق های ستمکش رنجیده به پیروزی رسید یکبار دیگر اخگر سم و انتقام دشمنان سوگند خورده خلش خلق افغانستان دشمنان آزادی و ترقی اجتماعی به بیان آمده و به کمک ارتجاع منطقه، شئونیزم چین بریالیسم امریکا در این جاوانجا علیه انقلاب ر سنگ اندازی می کنند و موافقی علیه اعمار اعهه شگوفانی در افغانستان ایجاد می کنند خیر از اینکه حزب پرافتخار خلق افغانستان پشتیبانی و همبستگی تسوده های میلیونی بین ما و جهان برخوردار بوده و تا آخرین رمق بات از آن دفاع و پشتیبانی می کنند

عشق به میهن ، علاقه به استقلال واقعی و دفاع از از جمله سنن نهایت عالی و پرافتخار خلق ی کشور عزیز ما افغانستان است که نیاکان و اجداد قهرمان و مبارز ما همچو میراث ی مانده است . باقیام پیروزمندان شش جدی ده های وسیع رنجیده و ستمکش افغانستان رد مرحله نوین تکامل تاریخی انقلاب کوهمند ثور گردیدند .

که با موفقیت آن حقیقت الله این نما ینده ر شناس و شناخته شده امپریالیسم امریکا ن نماینده سازمان جاسوسی سی، آی، ای و دشمن افغ خلق های ستمدیده افغانستان برای همیش دیار کهن سال افغانستان محو و نابود دید .

و در استبداد دود مان فاشیست امین و امینیا ل انسانان حیوان صفت و نوکر منش امپریالیسم ریکا برای ابد واژگون گردید .

مرحله جدید انقلاب پرافتخار ثور که منجر شکست ماشین زجر و شکنجه باند سیاه امیر بق الله فاشیست گردید . انقلاب رادر مسیر ملی اصولی سالم و قانونمند آن قرار داد . کام با تحول کیفی نوین در زندگی اجتماع ی خلق افغانستان تمام زندانیان سیاسی که ساطور خونین امین میرغصب سر بر در برده دند از سلول های سیاه و ننگین امین جلا د تمام کشور با احساس مسرت و خوشنودی

رها شدند و به کاشانه های خویش برگشتند حال که درفش آزادی بر فراز قله های سر بفلک کشیده افغانستان در اعتزاز است . به تمام خلق های شریف و زحمتکش افغانستان به تمام ملیت های برادر افغانستان ، به تمام کارگران ، دهقانان ، روشنفکران مترقی پیشه وران ، به افسران ، خورده ضابطان و سربازان اردوی قهرمان و به تمام وطنپرستان لازم است که در روشنی بیانیه نجات بخش و تاریخی ببرک کارمل تحت رهبری حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان در جنبه وسیع ملی پدر وطن با هم متشکل شوند .

در محال کمیت مرکزی و شورای انقلابی حزب واحد دموکراتیک خلق افغانستان همچو حلقه آهنین ، محکم ، شکست ناپذیر و بادسلین قرار گیرند . و در این مرحله مشخص تاریخی به عملی کردن وظایف حزب دموکراتیک خلق افغانستان گهر بسته باشند و اجازه ند هند که دشمنان داخلی و خارجی خلق افغانستان به سرمدمداری امپریالیسم پلان سوم خود را در مورد انقلاب ، آزادی وطن ، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی عملی بسازد .

هم اکنون که خلق ستمدیده میهن ما به آزادی واقعی خویش نایل شده اند وظایف بس میرمی دارند ، که یکی هم دفاع از دست آوردهای انقلاب شکوهمند ثور و ناموس مادر وطن است . و همچو توده های مبارز و با شهامت مانند نیاکان فدakar شان از آن دفاع خواهند کرد و هم تمام نهضت های مترقی جهان از آن منبیت خلق برادر پشتیبانی می نماید .

دوست و همسایه شمالی ما اتحاد جماهیر شوروی اولین کشوری بود که استقلال ملی افغانستان را به رسمیت شناخت و از همان آوان همبستگی بی امان خود را با خلق افغانستان اعلام نمود . و همچنان افغانستان هم اولین کشوری بود که اتحاد جماهیر شوروی رابه رسمیت شناخت .

دوستی بی شانیه شوروی ، افغان خار چشم عظمت طلبان چینی و دیگر کشور های امپریالیستی منجمله امریکاشده و می خواهند علیه افغانستان انقلابی توطئه بچینند و نقشه شوم خویش را عملی سازند .

توده های زحمتکش و با شهامت افغانستان با اتکابان و نیرو مندی خود و با همکاری کشورهای آزادیخواه ، صلح دوست و مترقی در راس آن اتحاد جماهیر شوروی در راه تحکیم و استقرار صلح در منطقه ، در راه استقلال کامل افغانستان

از اسارت مادی و معنوی ، در راه دموکراسی و ترقی اجتماعی ، در راه اعمار افغانستان آزاد آباد و سربلند ، در راه مبارزه علیه شیونیسم ، فاشیسم و امپریالیسم ، شجاعانه و بی عراس موفقانه و پیروزمندانه به پیش می روند .

مبارزات خلق افغانستان عادلانه است پیروزی از آن خلق افغانستان است بگذار که خار مبارزات آزادیخوا عی خلق

چین را کور نماید . سمرک بر تجاوز گران ، اسفا لگران و عظمت و امپریالیسم ، شجاعانه و بی عراس موفقانه و پیروزمندانه به پیش می روند .

جهان درفش مبارزات توده ای در سراسر گیتی در اهتزاز باد نوشته : اقبال محل پوعنخی انجیری

ای هیواده

ای هیواده
ای هیواده
ای زموثر دژوند بنیاده
ته زموثر بشکلی وطن نی
ته زموثر روح لی اوتن نی
موثر به تا باندی ویا پیرو
موثر به ناباندی نازیرو
تا به لو دساتو هیواده
به لو پتیادی موثر خوشیرو
زموثر قول فخریه تاده
ای زموثر دژوند بنیاده
ای هیواده
ای هیواده
خوچی ژوند لرو هیواده
تا پخلو مو ساقو
چی سمسور شی ای هیواده
تا پخلو وینو پالو
ای هیواده ته پوهیری
پس له دی به ژرغونیری
دلوتیا به لور به درومی
خپل منزل ته به رسییری
ای زموثر دژوند بنیاده
ای هیواده
ای هیواده
ای هیواده
ای هیواده ستا دتولو
پرگو اولسونو
ستا دغیری دزبار کنبو
دخواره واره قومونو
آزادی به دا سی تل وی
خپلواکی به داسی تل وی
نور به دغه انقلاب وی
نور به ته نی ای هیواده
ای زموثر دژوند بنیاده
ای هیواده
ای هیواده
ای هیواده
فاروق (حریق)

نور به ته جنت جنت شی
نازه گی به درکی زیات شی
هر خلمی به دی شیاپ وی
غم خیلی ستا خواران به
ستا تنیای پشی بزگران به
دا ناده مزدوران به
ستا دغیری کارگران به
به یوه پغریو لیری
به یو لار به روانیری
یو دبل ته ای هیواده
له وحدته به خارییری
دوی به پول به یو پغری
به یو فکر لرو بر شی
ددی تولو زیار کالونکو
یو نی زور او یو بی شان شی
به قوت د دوی دمو
تار به تار به ظالمان شی
به ژوندون کنبی به شی بنیاده
ای زموثر دژوند بنیاده
ای هیواده
ای هیواده
نور به تانکی ای هیواده
دخوندونو ژوند جو پیری
لوزه ، تنده به شی ورکه
هر سیری پت او مرییری
خکه تانکی ای هیواده
دژوندنوی باب راغلی
مفت به مفت چی خوچه
اوس پری سور سیلاب راغلی
نوخو نسیره ای هیواده
ای زموثر دژوند بنیاده
ای هیواده
ای هیواده
ای هیواده

ارزش های حیاتی شیر مادر

بشریت در هر جاه و همه حال به مادران شیرده خوب محتاج و نیازمند است و شیر مادر در زندگی طفل از نگاه کمیا و بیولوژی و سوسپولوژی و روانشناسی نقش بسزای دارد که خلاصه آن یکایک عرض میشود.

۱- شیر مادر یک غذای طبیعی است که مانند دیگر حیوانات پستاندار نظر به احتیاج و ضرورت نوپا و گسار انسان از نگاه کمی و کیفی در پستان مادر از ماههای اخیر حاملگی تهیه شده و برای استفاده با شرایط مکیدن طفل چند ساعت بعد از تولد قابل استفاده است و هیچ غذای نمی تواند جای شیر مادر را بگیرد زیرا جستجوهای مکرر علمی ثابت نموده که شیر همه مادران از شیر حیوانات فرق فاحشی دارد.

۲- شیر مادر رایگان و برای تهیه آن محتاج کدام عایدات اضافی نیستیم هرگاه شش صد کالوری اضافی غذای برای مادر نیز تهیه نمائیم مصارف پولی و اقتصادی آن با تهیه شیر گاو و غذای مصنوعی قابل مقایسه نیست چه یک طفل برای سه روز یک پوندد (یک قلی) شیر پودری با زار را صرف مینماید که شصت تا هفتاد افغانی قیمت آنست و وسایل و شرایط تهیه آن پول هنگفتی را ضایع میسازد.

۳- شیر مادر همیشه و همه وقت بدون تکلیف حاضر و آماده استفاده است و در تهیه آن وقت مادر ضایع نمیشود و طفل تانیه نمودن آن احساس ناراحتی و زجر نمی نماید مادر بحیث یک فکتور اقتصادی و اجتماعی میتواند وقت خود را به آبادی کشور و کار مفید اجتماعی صرف نماید.

۴- چون هدف از خوردن غذائنها موجودیت و تربیت آنها یا مواد مفیده غذایی نیست بلکه این مواد باید به اسانی قابل هضم، جذب بوده و بدرستی در ساختمان و تشویشهای عضویت بفرساید و توازن قوای ذهنی فیزیکی و اجتماعی بکار رود که از این نگاه مواد مفیده شیر مادر تنها ماده آسانی قابل هضم و جذب و استفاده است و بدین منظور در سینه های مادر تهیه شده است.

۵- شیر مادر پاک و عاری از میکروب های مرضی و آلودگی بوده و برای پاک نمودن، حفاظت و مواظبت آن از آلودگی و میکروب احتیاج به وسایل و جوش دادن و پختن نداریم فلینذا مواد مفیده آن در عملیه های جوش و پخت و سامان ضایع نمیشود. ۶- پروتین ها که مهمترین گروپ مواد تاثیر و جن دار غذایی است و بدون آن نشو و نما و ساختمان اعضا و انساج و مایعات حیاتی عضویت ناممکن است در شیر مادر از نگاه کمی (۱،۵) فیصد و کمتر از شیر گاو بوده اما از نگاه کیفی پروتین شیر مادر البومین ۲۱ دارد که بهتر برای کودک قابل جذب و هضم است.

فیصدی بیشتر پروتین های شیر گاو که کاسین آن به مراتب زیاد است (۱،۶) به مشکل قابل هضم و جذب بوده و بعضا باعث انسداد روده های طفل و تولید نفخ و باد میشود که تکلیف دهنده است و هرگاه کلیه های طفل به خوبی فعال نباشد باعث ازدیاد یوری خون شده و کشنده است.

۷- چربی شیر مادر که بعضا از نگاه مقدار معادل شیر گاو است از نگاه ترکیب از شیر گاو فرق فاحشی داشته بهتر منبع انرژی و ویتامین های منحل در شحم قابل استفاده و اسید های شحمی اسامی برای تشویش و ناراحتی طفل بوده نسبت به چربی شیر گاو با سانی قابل هضم و جذب است.

۸- مقدار زیاد شکر شیر مادر با سانس احتیاج انرژی طفل تهیه شده و قابل استفاده انگلی است (۶،۵) فیصد.

۹- مرض رشتیزم که در ابتداء با عث ناراحتی های بیداری و خواب طفل، درد های زیاد و عرق شبانه و بعد ها با عث سوء تشکیلات استخوانها میشود در اطفال بیشتر دیده میشود که به شیر گاو تغذیه میشوند زیرا نه تنها مقدار ویتامین دی شیر مادر بیشتر از شیر گاو است بلکه در شیر مادر ویتامین های منحل در شحم بهتر قابل استفاده بوده و احتیاج اطفالا لیکه با شیر گاو تغذیه میشوند نظر به دلایل نامعلوم بیشتر است.

۱۰- مقدار زیاد از احتیاج سو دیم شیر گاو که برای گوساله تهیه شده برای طفل انسان قابل تحمل نیست بخصوص اطفال قبل المیعاد و تا پخته را معروض به خطر زیاد شدن سودیم خون و درهم خوردن قوا زن آب و الکترولیت ها میسازد که بعضا کشنده است.

۱۱- شیر مادر بیشتر آهن و مس دارد که عنا صر عمده خون ساز و تنفس حجر وی و حیاتی است.

۱۲- شیر گاو مقدار بیش از احتیاج طفل انسان فا سفو رو کلسیم دارد و مقدار تا سب بیش از حد فاسفو رس با عث انحطاط ترکیبی کلسیم خون شده و لپذا اطفال که معروم از شیر مادر اند معروض خطر ریتانی (اختلاج کمی کلسیم) میباشد.

۱۳- مقدار مواد دیگر مدنی و همه ای مواد معدنی که بمقدار های کم آن عضویت احتیاج دارد در شیر مادر مطابق به احتیاج کودک تهیه شده که اندازه معین آن طور طبیعی برای کلیه اطفال مضر نیست در شیر گاو کنترل و تهیه آن با سانس ضرورت احتیاج طفل تا حال ناممکن است.

دانید ما است.

سچا لر کشف کرده که در بین این حیوانات که هنوز هم بصورت وحشی و آوار ره زیست مینمایند نظم و دسیسین مراعات میگردد. آنها از بین شان یکی دو سگ را، وظیفه میدهند تا از نو زادن حفاظت بعمل آورند و دیگران عقب شکار میروند.

همچنان دا نشمنند مذکور اظهار میدارد:

«سگهای درنده افریقا پی صید و شکاری را که بچنگ می آورند مسال و یانه بین شان تقسیم مینمایند و هرگز یک سگ به حق سگ دیگر تجاوز نمیکند».

سچا لر پیشنهاد نموده که چون هنوز این حقیقت روشن نگردیده که آیا سگهای مذکور به میمون ها نیز قرابت دارند؟ پس باید مطالعات بیشتر و عمیق تری صورت بگیرد. زیرا با مطالعات و تحقیقات دامنه دار بر علاوه اینکه میتوان با سرار زندگی این موجودات پی برد برا می که انسان در طول تاریخ زندگی خویش بپیموده است بیش از پیش آشنا پی حاصل کرد.

این سگهای گرگ نما، در روز دوبار دنبال شکار میگردند و همین که صیدی را بچنگ آوردند جنگال

بقیه صفحه ۴

ما باشماستیم

خارجی این وطن بزرگ قهرمان آفرین و در راس آن امیر یالیم امریکا با بداند که حتی تهدید مسلحانه خلق وطن را نمیتواند از راه انسانی ای که در پیش گرفته

و افتخار آمیز در آنراه طی طریق مینماید و منصرف سازند، تمامی مردمان وطن از هر ملیت و هر قوم که هستند سوگند یاد کرده اند که وطن خویش را، و وطن بزرگ و قهرمان خویش را آباد سازند و این وطن بزرگ شان بسان کشور های آزاد، مترقی و سر بلند و در قطار کشورهای پیشرفته و معمور و آباد قرار گرفته و افتخار آمیز در جاده وسیع زندگی اجتماعی به پیش رفته و موانع نا بکار را یکی یکی دیگر از میان بردارد.

زحمتکشان قهرمان وطن که تا رینج بر افتخار مبارزات قهرمانانه آنها مایه فخر و مباهات عین بزرگ ما ست و در طول تاریخ با قهرمانانی های خویش تاریخ وطن را زرین ساخته اند، پس ای توده های زحمتکشان افغانستان با نیروی متحد بر دشمن یورش برده و همه نابکاران و دون صفیان را به یکبارگی سر به نیست نمایید:

زندگی او را ترک نفعه ارا متعصب می سازند و از آن استغاده می نمایند.

سگهای افریقا پی در تقسیم کردن شکار شان مهارت زیاده خرج میدهند. یکی در قسمت شکار می چسبند و بوز آنرا میدزدند دیگر شش از یک جناح صید را پاره می کنند، سو می از جانب دیگر چهار می شکم شکار را می شکافند و در مدت کمتر از نیم ساعت صید مظلوم از بین می رود.

هر سگ درنده افریقا پی روزانه شش پوند گوشت مصرف مینماید غذای این سگهای درنده خوراکی شست حیوانات تشکیل میدهد.

در اوقات که سگهای مذکور سیر باشند با هم دیگر عشق میورزند مستی میکنند. این حیوانات خیلی بندرت همراهی یکدیگر جنگ مینمایند. صلح و آشتی و عشق دوست را، در میان شان دو ست میدارند آنها در بین گلها و مرداب ها سوراخهای برای خود بوجود آورند و زندگی مینمایند.

زمانیکه سه و چهار ماه از عمر نوزاد این جانور سپری گردد پس از کبله خارج میشود در جستجو شکار می افتد و زندگی شکفت انگیزی را آغاز مینماید.

قابل تذکار که جنبش و مبارزه خلقها

در وضع کنونی شکل و ماهیت تازه تر و کسب نموده است، جنبش ها در سابق همیشه به استقلال سیاسی نایل میگرددند، و نظام خویش را ختم شده می پنداشتند اما غافل از اینکه استقلال ملی کامل نمیکرد مگر اینکه به استقلال سیاسی و اقتصادی نایل آمد، چه امیر یالیم با وجود یکم در عرصه سیاسی به شکست موانع گردیده و میگردد در پایگاه اقتصادی جامعه مواضع برای خویش نگه میدارد و سخن در تلاش می افتد تا از مواضع اقتصادی برضد کشور های نو به استقلال و سبب حلال خصمانه خویش را سازمان بخشد همشهریان دلیر کابل بخاطر د اردو خو شا ه د دهشت افگنی، خرابکاری و ایجاد رعب و ترس توسط جناحیتکاران و عناصر فاسد امیر یالیم، این نوکران چاکرمن فروخته شده در مقابل دالر، پوند و کلد با کستانی بودند که زندگی آرام مردم بخصوص اهالی شهر کابل را برهم زدند و در نظر داشتند تا با بکار بستن پروگرامها و منطخ خویش زمینه را بیش بر برای اجرای پروگرامهای بعدی خویش مهیا نمایند، اما خلق های شریف وطن ازجمله شهریان غیر تمند ماهیت سیاسی این دشمنان را درک کرده و به اهداف شوم ملوس شان پی برده اند.

ماهی ایکه در حال نابودیست

تونا تقریباً به آخر رسیده و اکنون موازنه شکار ماهی بزرگ و کوچک در نظر گرفته نمیشود. همچنان از ماهیانی که اکنون بدست می آیند معلوم میشود که یا خیلی پیر اند یا خیلی جوان. کشور ناروی در سال ۱۹۶۲ هشتاد و پنج میلیون پوند ماهی توانای بلوفن را شکار کرد. در حالیکه در سال ۱۹۷۰ این مقدار به یک عشریه هفتاد و پنج میلیون پوند رسید. ریکارد، گرفتن ماهی های ماده (۱۹۵۰ تا ۱۹۷۲) نوع تونا در سراسر جهان نشان میدهد که ماهی بلوفن دارای وزن وسطی صد تا سه صد پوند تقریباً بدست نیامده است.

شاید انواع دیگر ماهی تونا نیز مواجه با خطر نابودی باشند. در جنوب بحر اوقیانوس نوع ماهی تونا دارای شاهپر زرد و آن نوع دیگرش که دارای چشمان بزرگ میباشند تحت فشار شکار و نابودی قرار دارند. در شرق بحر الکاهل با وجود توصیه های کمیسیون حفاظت ماهیان فشار زیادی بر ماهی های شاهپر زرد هنوز هم ادامه دارد و ماهیگیران مقررات رانادیده می گیرند.

اقدام تازه حکومت جهان در مورد توسعه سرحدات بحری نیز موجب تولید خطر بزرگ برای ماهی تونا شده و کشور های که به ماهی گیری می پردازند سرحدات بحری خود را تا دو صد میل در میان بحر پیش برده اند تاخوبتر و عا به میل خاطر به شکار ماهی ادامه بدهند این عمل موثریت توصیه های چندین کمیسیون بین المللی را در مورد حمایت ماهی نوع تونا تقریباً گرامه از بین برده است.

یک تعداد کشور های جدید جهان که بدسته شکار چیان ماهی نوع ازجه تونا شامل نشده نیز بر منابع این نوع ماهی فشار زیادی راوارد نموده اند.

اکنون این سوال پیش می آید که چه باید کرد تا این نوع ماهی را از خطر نابودی نجات بخشید. یک متخصص ورزیده که در کمیته

تجارتی شکار ماهی عضویت دارد از موقف خویش استفاده کرده اصرار می ورزد که باید هر چه زود تر حکومت جهان داخل اقدام شوند و زمینه حمایه همه جانبه و تنظیم منابع ماهی تونا را فراهم گردانند.

متخصص مذکور علاوه نموده اظهار میدارد که وضع مقررات همه جانبه بین المللی، وسیله موثری برای انجام این عمل شده میتواند. باید هرچه زود تر موافقه بین المللی در مورد حمایه ماهی نوع تونا صورت بگیرد. تا جمله کشور ها بخصوص کشور های که از تکنالوژی عصری در گرفتن ماهی تونا استفاده مینمایند و به صادرات این نوع ماهی می پردازند مجبور شوند که به گرفتن این نوع ماهی مبادرت نورزند و مکلف گردند که تاظرفین با صلاحیت بین المللی را در کشتی های شان بپذیرند. در راه یک طرح جهانی ممکن است اقدامی صورت گرفته بتواند تا منبع آینده جهان از نگاه این نوع ماهی تامین شده بتواند.

همچنان در باره حفظ منابع ماهی تونا نظریات زیادی ابراز گردیده که توجه اقتصاد یون فلاسفه، سیاستمداران و سیاستست ها را جلب نموده است.

دانشمندان و متخصصین اظهار عقیده مینمایند که باید طرحی جهانی با ساس تنظیم این منبع حیاتی روی دست گرفته شود، البته در این طرح لزوم کنترول، در رسیدن به آب های که این نوع ماهیان در آنها زندگی میکنند یک امر لازمی است.

همچنان در این طرح باید احتیاجات اساسی مردم جهان در نظر گرفته شود و سهمیه برای هر کشتی، ماهیگیری تعیین گردد و قیودی بر این کشتی ها وضع گردد و فیس ماهی گیری، ماهی گیران بلند برده شود و کمیسیون با صلاحیتی بوجود آید و ماهی های ابحار را بررسی، سواحل بحری را سروی و مناطق اقتصادی آنرا تثبیت نماید و یک اجنسی جهانی تنظیم ماهی تونا، را بوجود

آورد. عملی گردیدن این نظریات ممکن موجب گردد که این منبع خوب حیاتی از جهان محو و نابود نگردد این پیشنهادات در کنفرانس های بین المللی و ملی مطرح بحث و غور بوده است.

هر گاه طرح حمایتی ماهی تونا طرف قبول اعضای کشور های ذیدخل قرار گیرد امکان آن وجود دارد که تمام کشور ها در جهان فـردا، از آن سود سرشاری ببرند و

بقیه صفحه ۳۳

اسباب سوء تغذی

عمر زیاد می باشد. و در اشکال مختلفه آن از ۳۳ فیصد تا ۶۶ فیصد واقعات تثبیت و باید خاطر نشان گردد که علل عمده مرگ و میر در چنین اطفال عبارت اند از:

- ۱- ضعیف بودن و کم خولی شدید.
- ۲- اسهالات دوامدار و ضایعات مایعات وجود و املاح ضروری.
- ۳- سقوط درجه حرارت بدن.
- ۴- عدم کفایت دوران محیطی.
- ۵- سقوط شکر در خون.

بصورت عمومی در اشکال پیشرفته سوء تغذی و وکمبود پروتئین که علایم جلدی داشته باشد مرگ و میر زیاد است.

سوال- لطفاً در مورد تداوی اطفال مصاب سوء تغذی معلومات دهید؟

جواب: باید گفت که نسبت کثرت واقعات تداوی با لغامه آن خیلی قیمت تمام شده و هم مدت زیاد ایجاب بیشتر شناختن راه می نماید که معمولاً در چنین جوامع واری آن از نظر مسایل اقتصادی و موجودیت پرسونل و تجهیزات و غیره مشکل می باشد.

با نهم البته واقعات منفرد در شناخته با یست تداوی شوند، لکن اساساً در مورد جلوگیری و وقایع آن باید پروگرام های وسیع بسویه ملی اتخاذ و انکشاف داد. تا در مورد عوامل مختلفه و مضمره اقتصادی اجتماعی معنوی از طریق تعلیمات صحی مجادله شود که در اینصورت میتوان اطفال مصاب به سوء تغذی را از پنجه مرگ نجات داد. با نهم احیا و بکار انداختن چنین پروگرام های و قایمی

برای انسان فردا منبع خوب حیاتی وجود داشته باشد.

اما امروز چون شکار این ماهی در سراسر جهان بی رحمانه صورت میگیرد فشار زیادی در جهت نابودی این منبع غذایی صورت میگیرد. همچنان متخصصین و دانشمندان

پیرامون این موضوع پیشنهاد مینمایند که هر گونه اقدامی که درین باره صورت میگیرد باید تمام ملل جهان در آن شرکت داشته باشند.

در اطفال قبل المکتب و دوره های ابتدائی مکتب تا سیما ت خیلی زیاد، پول وافر، و مقدار زیاد مواد غذایی را از قبیل تخم-

شیر - گوشت - حبوبات - میوه ها و غیره غرض توزیع ایجاب میکند اکثریت چنین پروگرام ها در مکتب باید متوجه دو هدف عمده باشد:

- ۱- تعلیمات صحی یعنی از طرف کارکنان صحت طفل و پرسونل فنی برای اطفال و مادران ضمن کنفرانس ها فیلم ها و دیگر تجهیزات در دست داشته تعلیمات صحی داده شود و با اطفال و والدین فهمانده شود که نظافت را در نظر گرفته با اطفال شان علاوه از شیر مواد غذایی متمم را با در نظر داشت و وقت شروع آن توضیح نمایند.
- ۲- تهیه و توزیع مواد غذایی متمم:

در زمینه تعلیمات صحی باید توجه زیاد در مورد تبلیغات مثبت و مفید ادامه شیر مادر و تغذی با شیر مادر عطف گردد.

و در زمینه تهیه و توزیع مواد متمم غذایی باید کوشش بعمل آید که برای والدین اطفال تفهیم شود که در سنین ۴ و ۶ ماهگی بر علاوه شیر از غذاهای دیگر نیز استفاده بعمل آید و هم چنان در زمان جدایی از شیر بهر اندازه که اقتصاد فامیل ایجاب نماید باید کوشش شود تا از منابع مهم پروتئین حیوانی از قبیل تخم شیر - گوشت و غیره استفاده بعمل آید.

و بصورت عمومی باید در زمینه تعلیمات صحی مادران و وقتا فوقتا در مراجع مختلفه پروگرام ها وضع و ایشانرا در مورد ارزش غذا و طرز تهیه آن کمک نمایند.

و هم چنان چون نگهداشت تعداد کثیر چنین اطفال در شناخته ها مشکل می باشد باید در موسسات مخصوص دیگر احیای مجدد غذایی، تداوی و راهنمایی شوند.

مریض شدن و یا...

امامتا سفا نه که اطفال از اوایل روزهای تولد خود تا سنین هفدهالی هجده سالگی علاوه از دواهایی که درمقا بل امراض میگیرد در حدود بست تلقیح و قایوی نیز میشود یا بعبارة دیگر مواد اجنبی در وجود تزریق میشود. این همه عملیات زمانی صورت میگیرد که وجود انسان به علت قوا نین بیولوژیکی معا فیت تام را حاصل کرده نمی باشد. از طرف دیگر با گذشت تقریباً هر ده سال ادویه جات معا لجوی و واکسین های وقایوی با اشکال مختلف و موثریت بهتر در بازار طبابت ظاهر میشود. واکسین های سیاه سرفه و سرخکان تطبیق میشود. در حال حاضر پروتیت ابید میلوژیکی نیز وقایه شده میتواند و از ورم لو زتین گوش که در سابق ظهور آن تقریباً حتمی شمرده میشد نیز جلو گیری میشود.

فعلاً تا ثیرات سو که از نجویر بعضی دواها در عضویت وجود می آید در دست است بطور مثال الرژی «حساسیت» پایین آمدن مقاومت عضویت بمقا بل امراض، ظهور امراض قلبی و غیره اعراض، (تا ثیرات سو بعضی مواد کیمیاوی در ایجاد امراض قلبی و وعایی به اثبات رسیده است).

این نکته عجیب بنظر میخورد مگر واقعیت است که از عواقب بعضی ادویه جات وقایوی و معا لجوی به استثنای جنیتیک در نشریه ها تقریباً هیچ سخن گفته نمیشود.

مناسبات و عکس العمل های ما درمقا بل تلقیح وقایوی مانند ده سال قبل باقی مانده حال اینکه در طول این زمان تحولات بزرگ اجتماعی بوقوع پیوسته است. به طور مثال در بعضی ممالک سطح زندگی بلند رفته، شرايط زیست بهتر شده یا بعبارة دیگر علل اجتماعی که باعث ایجاد امراض ساری میشودند محو گردیدند اما طرق وقایه تقریباً به حال سابق خود باقی مانده است.

طوری تصور میشود که در قسمت وقایه امراض ساری تطبیق واکسین ها برای امراض مختلف روز بروز مورد استفا ده قرار میگیرد. این

تمایل تا يك اندازه منجیت هدف نهایی جامیگیرد. اگر به معیارهای حفاظت صحت نظر انداخته شود قانومندی عجیب مشا هده میشود. این يك واقعیت است که اطفال در حال حاضر از امراض «حتمی اطفال» نجات یافته اند. اما اگر بطور عموم فکر کنیم آیا اطفال به این ترتیب کمتر به امراض ساری مبتلا می شوند؟ قسمیکه دیده میشود نی. پس راه نجات کجاست؟ طریق حل مسئله این است تا به مقدار قوه کیمیاوی که طفل آنرا متحمل میشود متوجه شویم و آنرا از زیاده بکنار بیاوریم. این نکته در قسمت اطفال شهری قابل اهمیت بسزای است زیرا دیده میشود اطفال شهری از نواحی مختلف کارگری گرفته و واکسین های

بقیه صفحه ۵۴

دوبیتی ها...

در آن بکار رفته که طرف مقابل را به تحسین و امیدارد. در اکثر دوبیتی ها نیکه دیده شده صنایع بدیع یعنی اعم از صنایع لفظی و صنایع معنوی چنان با استادی و پختگی استعمال شده که راستی قابل تعجب است مثلاً در دوبیتی زیر صنعت ارسال المثل چنین بکار رفته.

الآن هوی شش را می نمیشه
به یکدین دلم آرام نمیشه
خفت را بوسه کردم یاد آمد
که (بوسه با پیغام نمیشه)

در دوبیتی دیگر از صنعت سوال و جواب ذیلاً استفاده گردیده.

سببی باشد که سبب آبی باشد
لبت بگزم که یادگار باشد
لبه نگزم ما درم می فامه
ستمه بگزم که زیر آستین باشد

و یا:

ای دخترک لطیفه بسوی بهار
شویت بکشم ترا کنم بیوه و زار
شویم نکش مرا نکوبیوه و زار
خر بوزه بخور تر اقبالیز چکار

در دوبیتی بالا بر علاوه (صنعت سوال و جواب) صنعت (ارسال المثل) نیز استعمال شده که تقریباً کم نظیر می باشد. از جمله صنایع معنوی مثال طباق در دوبیتی ذیل چه خوش نکوسروده شده:

دلی دارم دل آزرده دارم
فراق زنده داغ مرده دارم

متنوع را تطبیق میکنند. از سوی دیگر فضای شهر نظر به قریه جات کثیف تر است. این از زیاده بی به آن ملحوظ است تا از حد معین مدا فعه طبیعی تجا وز نه شود. حدی که به ارگانیسم انسان امکان میدهد تا درمقا بل اثرات نامساعد طبیعت ما حول از خود دفاع کند. فکر میشود وقت آن فرا رسیده تا بعضی نقطه نظرات در قسمت تدابیر و وقایه از امراض ساری مورد تجدید نظر قرار گیرد. این نکته به هر حله نسبت داده میشود که انسان در حال تقویه جسمی خود باشد.

نکته جالب در اینجا است که متخصصین در قسمت حفظ طبیعت به این نتیجه رسیده اند که قوه های مدافعی طبیعی سیستم ایمنی کالوجیکی باید به حال خود باقی بماند و بهم زمان عملیات کیمیاوی با لای آنها تاجانیکه

که داغ مرده حکم خدا بود
جدالی زنده ره طاقت ندارم
در بیت زیر مثال «موقوف المعانی» چه خوب تارهای قلب آدمی را به طبعش می آرد:

اگر باد صبا پیدانه می شد
دهان غنچه گل وا نمیشد
چو میدادند لیلی را به مجنون
صدای عاشقان بالا نمیشد

به جز از دوبیتی های فوق الذکر دیگر دوبیتی های هستند که هر کدام حکایه از صنایع بدیعی دارند اما در مقاله کوچک ما که صرفاً از برای شناخت دوبیتی ها ترتیب شده گنجا یس ندارد. اما اساسی ترین نکته بوجود آمدن دوبیتی محرومیت گوینده از نعمات مادی و معنوی در جامعه میا شد چنانکه انسان همیشه در تلاش است تا کمبود زندگی خویش را مرفوع سازد و درین راه مبارزه نماید و گاهی هم تضادهای طبقاتی جوامع فئودالی و امپریالیستی در دوبیتی ها چنین متبلور گردیده.

روی سفیدت خال داره
غریب کی خاله و اموال داره
به هر کی دست دادم درد کرد
مگر دست غریبا خار داره
در جایی دیگر عاشق فقیری که رقیب پولداری دارد میگوید:

چرا یار با ما بی وفاست خدایا
رقیب با مال دنیا ست خدایا
به خو از جور دنیا گله ندارم
صحت یار از مه جداست خدایا
به همین ترتیب دوبیتی ها زبان کویری مردم بوده است که از رنج شان، از فقرشان،

به انسان مر بوط است درین قسمت کدام نتیجه گیری نه شده است. انسان در طول زندگی خویش نظر به فضای ما حول اضافیه تر تحت اثرات عملیاتی قرار میگیرد که جنبه مصنوعی دارند. پس چه چیز باعث میشود که از بعضی تدابیر وقایوی و استعمال یکتعداد دواها صرف نظر نه شو؟ یگانه ما نه درین راه یکی از خصوصیت های مردم (و در ضمن دا کتران) یعنی تفکر بر حسب عادت است. پس برای اینکه ما منع بر طرف شود ضرور است تا این طرز تفکر دور شود.

بالاخره این مسئله با ید حل گردد که انسان چه وقت و به کدام امراض به رضا و رغبت خنود مبتلا شود. چه میشود اگر انسان به این ترتیب فقط صحت مند تر شود؟

از خواسته های شان حکایه مینماید. به این سلسله یکی از مشکلات به وصال رسیدن دو دلدار در گذشته ها مصارف گزاف عروسی و پول گرفتن بیجا می طو یانه میا شد. مردی که پول طویانه را ندارد چنین گفته شده:

به جان دخترک پیران گلدار
سرش عاشق شدم میرم طلبگار
سرش عاشق شدم پول ندارم
که با پیش میخوایم پسای بسیار

در قدیم دختر حق نداشت مرد زندگیش خود را انتخاب کند و به این علت کانون گرم خانوادگی محل جنگ زن و شوهر میشد. از اینجا ست که دختران به مادر خود زاری نموده و خواسته های خود را که عبارت از یافتن شریک خوب برای زندگی میا شد در قالب موزون دوبیتی در آورده به مادر خود چنین التماس می کنند.

الامانر به قربانی سرو هوی تومیشم
به قربان ادای خو بی تو میشم
مره بی به یکجوان خوب و کاکه
که شب تابه سحر دعا گوی تومیشم
از تمام مطالب فوق چنین نتیجه گرفتیم می شود که

(دوبیتی ها آئینه تمام نمای آرمان ها احساسات، خواسته های بشری و بازگو کننده عواطف، حالت اجتماعی و موقف معنوی شان در جامعه میا شد)
در اخیر دوبیتی خدمت تان پیشکش میشود تا با خواندن آن به معنی و ارزش معنوی فرهنگ توده های پرده بختند شادی بر لبان تان بشکفتد:
کتی به واده ها کردی گل من
دروغ گفتی خطا کردی گل من
گرفتی تیغ هجران را بدست
مره بلند از بند جدا کردی گل من

جهت ارزیا بی به متصدی صفحه مسا بقات
وسر گر میبا سیر دیم که اگر در ست
با شد به چاپ آن مبا دوت ورزد ، موفق
با شید .

دوست عزیز شاه محمدنور

سلام میگو یمم وخو شحا لیم که بامجله
ژوندون همکا ری میکنید . مطا لیبی را که
برای مطبوعات میفر ستید ، کوشش نمائید
که به یک سوی کا غذ بنو یسید ، مضمون
شما را به متصدی صفحه جوا نا ن سپردیم
که اگر توا نست ، از نو به یک روی
ورق بنو یسید ، در نشر ش بکو شد ، در
غیر ، مضمون دیگری بفر ستید که چا پش
کنیم .

دوست عزیز احمدالله رحین داغ

بپذیرید سلام ما را نیز . پارچه شعرشما
را مطالعه کردیم واینک چند بیتی از آن:
چه تدبیری کنم جا نادل دالم قرارآید
فراغت سخت دشواراست قلبی را که شیدا شد
ندیدم هیچ دل کزدام بدبختی رها باشد
یکی در عشق و دیگری در غم سامان دنیاشد
رهید بودو قراردل زسعی بیدریغ من
ز تار قلب داغ من هزاران نغمه پی شد
از این پس در پی مقصود خود جهدی مکن
شب و روزش نمایانست کوری را که بپاشد
خدا حافظ



مدیرمسؤل : شیرمحمد کاوه
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده

آدرس : انصاریات ،
مقابل ریاست مطابع دولتی
تیاغون دفتر : ۲۶۸۴۹

دولتی مطبعه

دوست عزیز همایون خاموش محصل صنف اول
پو هنجی طب

مائیز سلام میگو یمم ، امید واریم خوب
با شید . با سخ سوالات صفحه سرگرمیها
و مسا بقات ضم یک قطعه فو توی شما به
اداره رسید ، و آنرا به متصدی صفحه
مسا بقات و سر گرمیها سپردیم که در
نشر ش ترتیب اثر بدهد و شما را ممنون
بسا زد ، ولی نا گفته پیدا ست که دراین
طلو عی بهاری ، خا موشی گنا هست . در
خیزید ، هر سو بنگرید ، قولدی دو باره
دیدم میشود و سخن بسیار است که بایست
گفت ، پیرا مون خویش را ببینید ، که
گفتن بسیار است و خا موشی گناه . از مزاج
و مشوره دو ستا نه ماکه حتی به تخلص
شما نظر داشته ایم ، امید واریم تغییر سو
دست ندهد . والسلام . به امید همسکری
شما .

دوست عزیز غلام حیدر یگانه ، مساعدا
خارنوالی ولایت غور

چند پارچه رباعی ، سروده طبع شما
دوست عزیز به ما رسید و آرزو مندیم
که همکا ر دایمی ما با شید و با ارسال
مطال ب گزیده و خوب ، مجله ژوندون را ،
به همکا ری همکلمان دیگر ، زنده نگه
دارید و بر «شکوه وجلالتش» بیا فرا ید .
شعر «بهار برف» را که چند روزی پیشتر ،
به عمر برف نموده است ، در همین صفحه
به نشر میسپا ریم و اشعار بهتر وخو بشر
نا ترا انتظار میبر یم :

زمستان ده ، بار برف و باران
زمستان بی : بهار برفی و باران
بهار ویا سمین قدری نـداره
به سمین روزگار برف و باران

سزاستی همینکو نه است ، بهار یاسمین
قدری نـداره به سمین روزگار بر ف و باران
مشروط و منوط به اینکه همه در پرتو سعادت
زندگی کنندو شکم بی هنر بیچ بیچ رالب
نا نی با شد و بی خانکان را سر پنا هیسی .
نه سر پناه که حواله داران مسکن
در سر ماه به سر وقت بندگان بی -
خانه بر یزند که تک روزی از ماه سپری
شده ... واز اینرو سمین روزگار بر فو
با ران ، فیاززد به تابستان گرم بهار ان!

به رنگ شیر ، باران وشکر برفی
به «بارش» باز شد شیر وشکر برفی
بهشت رو ستا چون جام خندد
اگر با ران میا رد ، اگر بر ف

بگو تا آسمان گو هر بهاره
فراوان بیشتر بهتر بهاره
اگر در شهر میبارید نیم
به دهستان ما «شورش» بهاره

دوست عزیز محمد رحیم
مطلب ارسالی شما به اداره رسید ، و آنرا



دوست عزیز عبدالغنی از لیسه نادریه

جدول مطروحه شما به اداره موا صلست
کرد . و با نظری که افکند یم مر بع های
کوچک را چیز های نا مؤثرونی اشغال کرده
اند که بایست نمیکردند ، من با ب مثال ،
در ستون افقی میخوانیم ستاره قلم ، نام
قلم ... دانستن این بزرگان کاغذی قریب
به اکثریت که هم نادان اندو هم ما یسه
فا سد به چه درد و مشغولیت فکری خوانند
گان میخورد و آشنایی و شناساییشان
جز مایه درد سر چه میتواند با شد ،
غیر اینکه دیوار و فضای اتاق را از خلوت
مضمون خالی گر داند و لقای نظاره نماید
و گوشه از فکر نوجوانان وجوانان ما
را بخود سرگرم بسازد ، چه کاری کرده
میتواند ، ای عوام التماس !

دوست مهربان ، ستونهای این جدول
را به مسایلی اختصاص بد هید که هم
خر ما با شد و هم ثواب یا به سخن دیگر
هم فال با شد و هم تما شا ... به امید
مطال ب دیگر تان . خدا همراهی تان .

دوست عزیز شیر محمد هو تکیار محصل
اکادمی تربیه معلم

جدول متقاطع ارسالی شما ، رسید
امیدواریم که در طرح جدول آید ،
نکات بالا نیز زیر نظر شما باشد و با
التزام ومسئولیت جدول بریزید و طرح
نودر اندازید . مطلب نا ترا به متصدی
صفحه مسابقات و سر گرمیها سپردیم
که هر گاه مناسب صفحه باشد به
نشرش اقدام ورزد . پیروزی نصیب تان ،
خدا حافظ

دوست عزیز ؟ «معلم صنف یازدهم
ک سائنس لیسه انصاری
مطلب ارسالی شما را مرور کرد یم
از بس قلیل واندک بود ، جایی برای
«الما سمین» نیافت . به شوخی علاو
نما یمم که ، تحقیق و تجسس در مورد
«الما مک» میکنید ولی نام خود را در
روی پاکت یاپایان نوسته ، به درخشیدن
زود گذر الما سک نمی نو یسید و ما را
نا گزیر و ادار میساز ید که بگو یمم
دوست عزیز سوا لیه مطالب تحقیقی رادرست
وقما م تجسس نما و نام خو یش را زیبا
وخوا نا بنو یس .. خدا حافظ همکار عزیز.

سلام علیکم همکا ران عزیز

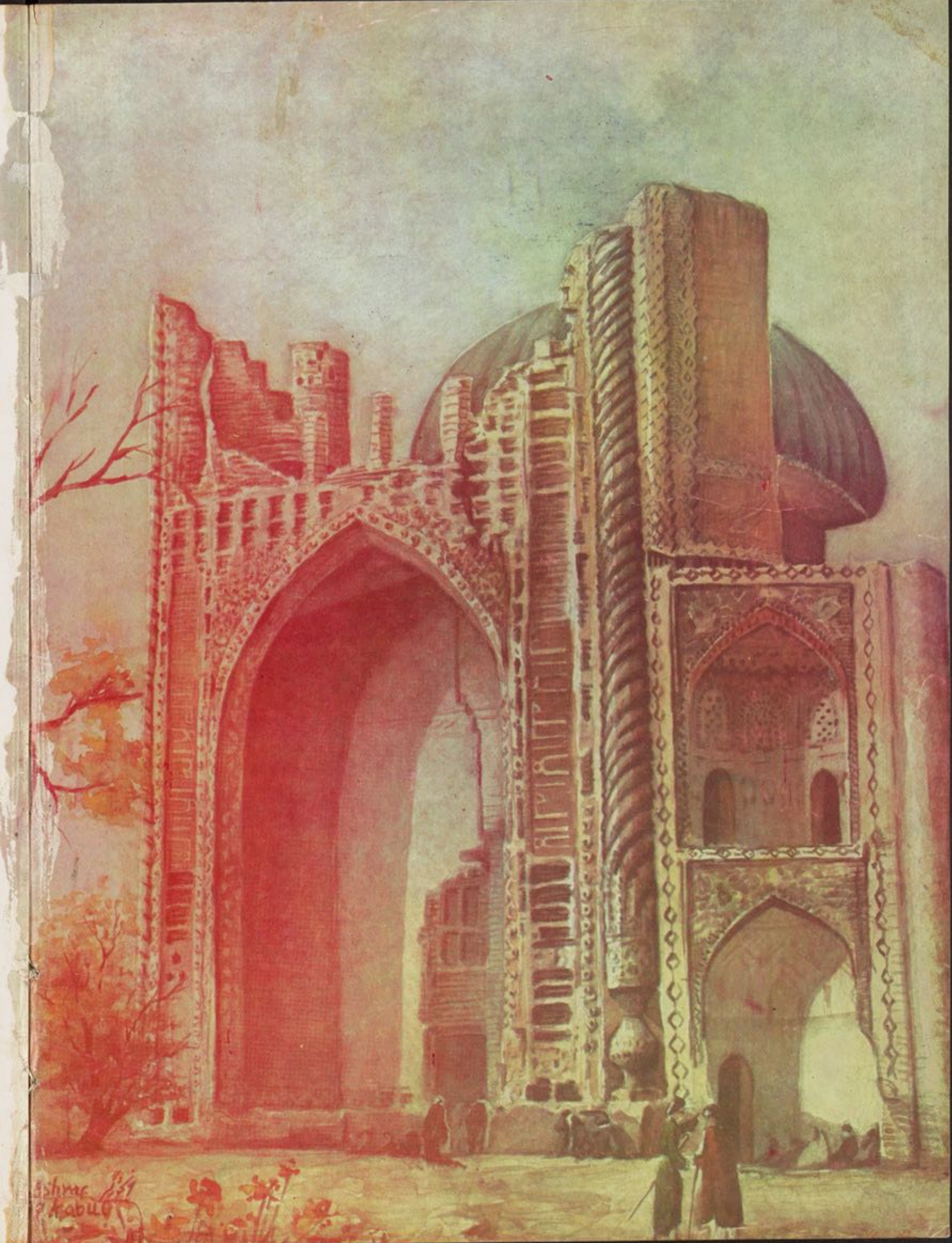
بد از اینکه سلام گفتیم ، چه چیز
با ید بگو یمم ، حتما عرض میدا رید
بجواب نامه ها پیر دازو به مطلب مادرنگ
که کو ، و بگو که شعر و داستان من
نه است ؟ آماده نشر میگر دد یا جای
بی جز کاغذ دانی ندارد ؟ بگذاریم
حر فها را بسته به شعرو داستان
ت کنیم و چند سخن از رفتن ها وآمدن
با بیدن ها و کو چیدن ها بگو یمم .
هم زمستان سخت جان و سختگیر به
ودی میرود و سو کمندانه واضطرارا نه
یشواز بهار طی طریق میزند و بز با ن
ض از گفتن ، حال میگو ید که دیگر ،
را جا بی نیست و حال نو بت تو ست ،
بیابور و جهان را مرده ده که زمستان
نیست ... «یکی دوروز دیگر بهار
بهار یک طراوت و شا دایی به
غان میا ورد و هر جارا به رنگ دیگری
ید ، لطف وزندگی ، در وجود زندگی
ما ند ، شور و جنبش می آفر یند و
ی دو باره ، زندگی را جان تازه می
د یا از نو باز ، متولد ش میگرداند ،
بی به سوی آغازیدن و طلوع زندگی
کی کانون
وی تازگی ودر خشنودی ، زندگی
سوی روشنی و بهتری ... ای خواننده
تو هم با یرتو و جلوه بهار سر به
ل و بیرون بیا فکن و کار انجام شده بی
را به حساب بزن . تو خواننده یی که
ت بقلم است ، وجود و حضور میان
و فکر ت بر انگیزد از مردم ...

دوست عزیز ناصر آرین

مطلب فر ستا ده بی شما رسید ، و تحلیل
فتنه خوبی را از شعر در بر دا شت . شرح
مبسوطی را که در بیان افشاکاک
ها بهری شعر نو از «شعر مادر» یا به
بازگو همکا ن شعر کهنه و قدیم ، نموده
و فید «که آرزو مندیم این ارزیا بی از
شما با شد» قابل دقت است و لازم
میشود که از سوی قلیل بود و بسا
سوی

همین مصراع ، سخنی بهتر از خدا حافظی
من به طنین افتید که در بغمان آمد که
نکاران و خوانندگان دریغ گردد :

با خوش نوابگو تازه به تازه نوبه نو
دله دلگشا بچو تازه به تازه نو به نو



Ashraf
Kabul

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library